

نگاهی به
فرهنگ مادی و معنوی
ترکمن ها

تالیف:

گنبد دردی اعظمی راد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیگر آثار این نویسنده

ناشر

- ۱ - مسقط در شعر فارسی
مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۶
- ۲ - ایهام در شعر حافظ
مؤسسه‌ی انتشارات گلنشر، مشهد ۱۳۷۱
- ۳ - مقدمه‌ای بر شعر مختم قلی
مؤسسه‌ی انتشارات گلنشر، مشهد ۱۳۷۷
- ۴ - غریب آشنا (گزارش سفر به ترکمنستان)
مؤسسه‌ی انتشارات بنفشه، مشهد ۱۳۷۹
- ۵ - آموزش مقدماتی زبان فارسی به ترکمن‌ها
نهضت سوادآموزی استان مازندران
- ۶ - مقدمه‌ای بر پیشینه‌ی تاریخی ترکمن‌ها
آماده برای چاپ
- ۷ - ادبیات پیش دانشگاهی
آماده برای چاپ

نگاهی

به

فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

تألیف

گنبد دُردی اعظمی راد

۱۳۸۲

اعظمی‌راد، گنبد دُردی، ۱۳۱۷ -

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها / تألیف گنبد دُردی اعظمی‌راد. - مشهد: مؤلف،

۱۳۸۲.

۲۷۲ ص.: مصور.

ISBN: 964-06-3021-7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. ترکمنان -- آداب و رسوم. ۲. ترکمنان -- تاریخ. ۳. فرهنگ عامه -- ایران. الف. عنوان.

۹۵۵/۹۸

DSR ۷۲ / ۵ الف ۷

۱۳۸۲

۸۱-۷۱۶۹ م

کتابخانه ملی ایران

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

تألیف

گنبد دُردی اعظمی‌راد

ناشر: مؤلف

وزیری، ۲۷۲ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۲

امور فنی و چاپ: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

بها: ۱۶۰۰۰ ریال

ISBN: 964-06-3021-7

شابک ۹۶۴-۰۶-۳۰۲۱-۷

بسمه تعالی

این کتاب را به جناب آقای حاجی مُراد دردی قاضی تقدیم می‌کنم که در دوران سیاه استبداد آریامهری، معروف به دوران ضدیت با زبان و ادب و تاریخ و فرهنگ اقوام ایرانی، مردانه به پا خاست؛ از احضارهای مکرر سازمان امنیت و اطلاعات آریامهری (ساواک) نترسید و با ایثار سرمایه‌های مادی و معنوی خود، یک تنه بار سنگین و پر مسئولیت گردآوری متون ادبی ترکمن و چاپ و نشر آن‌ها را به بهترین وجه، سامان داد. اجرش جمیل و ادامه‌ی راهش مستدام باد.

گ. د. اعظمی راد

فهرست مندرجات

۱۳	مقدمه
۱۵	بخش اول - ازدواج، مراحل و اصطلاحات آن در میان ترکمن‌ها
۱۷	الف - ازدواج
۱۹	ب - سوگنامه‌ها در ازدواج‌های نامناسب
۲۹	ج - ویژگی‌های ازدواج
۳۱	د - مراحل ازدواج (سوزآتماق، سوزآلماق.....) و مراسم آن
۵۳	و - (کشتی، اسب دوانی، بخشی...)
۶۳	بخش دوم - مسکن ترکمن‌ها
۶۵	۱ - ای / آلاچیق و انواع آن (آق‌ای - قره‌ای - گوٲ دیکمه)
۶۹	۲ - مراحل و مراسم برپایی ای و اصطلاحات مربوط به آن
۷۲	۳ - ذکر خنجر، نحوه‌ی اجرا و شعر مربوط به آن
۷۹	۴ - مراحل برچیدن ای
۸۱	۵ - ترکمن‌ها بعد از اسکان
۸۳	بخش سوم - منابع درآمد در اقتصاد خانواده
۸۵	۱ - کشاورزی
۸۸	۲ - دام‌داری

- ۸۹ ۳ - ماهی گیری
- ۹۰ ۴ - شکار

بخش چهارم - وسایل خانگی

- ۹۱ الف - وسایل چوبی (اوقارا - قالام - چمچه - چاناق و...)
- ۹۳ ب - وسایل فلزی (قازان - تاقان و...)
- ۹۶ ج - وسایل سنگی و سفالی و... (ال دگرم، مارداق...)
- ۹۸

بخش پنجم

- ۱۰۱ ۱ - مراسم سوگواری و خاک سپاری
- ۱۰۳ ۲ - مرثیه خوانی
- ۱۰۵ ۳ - مراسم تولد
- ۱۰۸ ۴ - مراسم ختنه
- ۱۰۸

بخش ششم

- ۱۰۹ ۱ - آداب غذا خوردن و انواع غذا در بین ترکمن ها
- ۱۱۱ الف - گروه غذاهایی که ماده‌ی اصلی آن برنج و گوشت است
- ۱۱۱ (چکدرمه، سؤزمه و...)
- ۱۱۴ ب - گروه غذاهایی که ماده‌ی اصلی آن فقط گوشت است.
- ۱۱۴ (شارا - بالیق شارا - قاوورمه...)
- ۱۱۵ پ - گروه آش، آب گوشت و چای چورک
- ۱۱۷ ت - گروه نان های روغنی (بؤروک و...)
- ۱۱۹ ث - گروه نان های تنوری (تامدور چؤروک و...)
- ۱۲۱ ج - گروه سبزی های صحرایی (أجی و، چگدم...)

بخش هفتم

- ۱۲۳ پوشاک
- ۱۲۵ الف - پوشاک زنان
- ۱۲۵

۱۳۲ ویژگی‌های آرایش مو در بین دختران و زنان

۱۳۲ ویژگی‌های آرایش مو در بین پسران

۱۳۳ ب - پوشاک مردان

۱۴۱ بخش هشتم

۱۴۲ زیور آلات زنان و دختران

۱۵۵ بخش نهم

۱۵۷ ۱ - تاربخچه‌ی فرش

۱۵۹ ۲ - گروه چتمه

۱۶۳ ۳ - گروه قاقمه

۱۶۵ ۴ - گروه باسمه

۱۶۸ ۵ - صنایع متفرقه

۱۶۸ الف - گروه آهن

۱۶۸ ب - گروه کشته

۱۶۹ ج - گروه ایشمه

۱۶۹ د - گروه چوب

۱۷۰ ۶ - رنگ در فرش ترکمن

۱۷۱ ۷ - نقش / طرح در فرش ترکمن (ماری گُل، قابسه گُل....)

۱۷۹ ۸ - فرهنگ قالی بافی در بین ترکمن‌ها

۱۸۱ ۹ - مراحل بافت قالی (تأچاق - توپراق،...)

۱۸۵ بخش دهم

۱۸۷ لوازم قالی بافی

۱۸۷ (خامه - تار - پود - قوراما -...)

بخش یازدهم

۱۹۵

زبان و ادبیات

۱۹۷

۱۹۸

الف - از ابتدا تا قرن ۷ هـ ق - دوران اشتراک

۲۰۲

ب - دوره‌ی تسلط ادبیات قبیچاقی / خوارزمی

۲۰۳

ج - دوره‌ی تسلط ادبیات جغتایی

۲۰۴

د - دوره‌ی تجدید حیات ادبی - مختوم قلی و...

۲۰۷

و - دوره‌ی ادبیات نوین از قرن ۱۲ هـ به بعد

بخش دوازدهم

۲۱۳

الف - اعتقادات قومی و آیین مذهبی

۲۱۵

ب - مراسم سویت قازان

۲۱۹

پ - آخوند، ملا، قاری و...

۲۲۱

ت - نماز در بین ترکمن‌ها و اقسام آن

۲۲۳

ج - زیارتگاه‌ها

۲۳۱

بخش سیزدهم

۲۳۷

۱ - انواع بازی و ابزار آن

۲۳۹

الف - گروه کودکان

۲۳۹

ب - گروه نوجوانان

۲۴۰

ج - گروه جوانان

۲۴۷

۲ - آیدماجه‌لار / گفتنی‌ها

۲۴۷

۳ - ماتال لار / چیستان‌ها

۲۴۷

بخش چهاردهم

۲۴۹

۱ - برابری‌ها و نابرابری‌ها در نظام اجتماعی ترکمن

۲۵۱

۲ - رسم یآوری

۲۵۱

- ۲۵۲ ۳ - رسم مشتک
- ۲۵۲ ۴ - نابرابری زن در مقابل حاکمیت مرد
- ۲۵۴ ۵ - نابرابری نژادی (ایگ - قؤل)

- ۲۵۵ بخش پانزدهم
- ۲۵۷ ویژگی‌های اخلاقی، قومی و فرهنگی
- ۲۵۷ ۱ - طلاق را قبیح می‌دانند
- ۲۵۷ ۲ - احترام به بزرگترها را واجب می‌دانند
- ۲۵۸ ۳ - قان دوشار / انتقام خون

- ۲۶۱ بخش شانزدهم
- ۲۶۳ ۱ - موسیقی ترکمن
- ۲۶۳ ۲ - بخشی
- ۲۶۴ ۳ - مقام‌های معروف (مقام کوراوغلی و...)
- ۲۶۹ ۴ - آلات موسیقی
- ۲۷۰ ۵ - نظری محجوبی (موسیقدان معاصر)

- ۲۷۱ منابع و مأخذ

به نام خدایی که یگانگی صفت اوست

مقدمه

ترکمن‌ها یک گروه بزرگ قومی هستند که در ابتدای تاریخ خود، اوغوز یا غز نامیده می‌شدند و بنا به قولی در مغولستان می‌زیستند و منشاء زردپوستی داشتند.

این گروه بزرگ قومی، تابع نوع معیشت خود از مکانی به مکانی دیگر کوچ می‌کردند؛ آن چنان که در سواحل رودهای تولا، بالک، سیحون، جیحون، دریاچه‌های خزر، آرال، منطقه‌ی ایسی گل، مانقشلاق، در میان کوه‌های اورال، آلتای، در سرزمین‌های خیره، بخارا، قزل سو، چکشلر، چ ل کن، قزیل آروات، سوریه، آسیای صغیر، و حتی آن سوی دانوب و... ردپای آن‌ها هنوز هم دیده می‌شود.

ترکمن‌ها در تمام سرزمین‌هایی که برشمردیم پاسدار فرهنگی - کم و بیش - یکسان بودند و در نهایت، ترکمنستان فعلی و سرحدات شمالی ایران را از کناره‌های دریای خزر تا شمال خراسان و قسمتی از افغانستان، برای سکونت دایمی خود اختیار کردند و چون دین اسلام را پذیرفتند (قرن ۵ ه‍.ق) بسیاری از آداب و رسوم خود را - که با این دین سازگار نبود - به کناری گذاشتند و مسلمانانی متعصب شدند؛ آن گاه در حفظ ارزش‌های اسلامی و نیز قومی و فرهنگی خود - که تعارضی با اسلام نداشت - مصرانه کوشیدند و از اختلاط با فرهنگ‌ها و ارزش‌های دیگر اقوام، متعصبانه دوری جستند؛ اما متأسفانه در دوران معاصر مخصوصاً از پایان جنگ جهانی دوم به علت یک جانشینی که از سیاست‌های سلطه جویانه‌ی

دولت‌های روس و ایران آن زمان بود؛ و نیز قوانین کشوری، تحصیل در مدارس تا بالاترین سطح دانشگاهی، مهاجرت به شهرها و حتی کشورهای مختلف جهان، احراز بالاترین آگاهی‌ها تا سطح جهانی، مشاغل اداری و تجاری و خیلی از عوامل دیگر در تقابل با فرهنگ‌های مختلف - اگرچه کم رنگ - دچار تغییراتی شد؛ با این وجود هنوز هم فرهنگ ترکمن در بسیاری جهات، رنگ و بوی خود را حفظ کرده است و ما کوشیدیم این فرهنگ غنی و تقریباً بکر را به هم‌وطنان عزیز معرفی کنیم و هر جا که بدعتی دیده شود، توضیح خواهیم داد.

یقیناً این نوشته‌ها کاستی‌هایی هم دارد که امیدواریم صاحبان نظر با سعی صدر بر مؤلف ببخشایند و صاحبان قلم در جهت رفع این کاستی‌ها قدم‌های مثبتی بردارند - که من آن چه داشتم در طبق اخلاص گذاشتم - به قول حافظ شیرین سخن:

عاشق مفلس اگر قلب دلش کرد نثار مکنش عیب که بر نقد روان قادر نیست

در پایان این مقدمه، بیان این مطلب ضروری به نظر می‌رسد که بسیاری از مطالب این کتاب مبتنی است بر تجربیات شخصی و مشاهدات عینی خود این جانب - که بیش از نیم قرن از فیوضات خداوند بهره برده‌ام - و بسیاری نیز مبتنی است بر اطلاعات ذی قیمت همسر، سارا کلتبه، به ویژه در زمینه‌ی انواع فرش، زیور آلات زنان ترکمن و مراسم ازدواج در بین ترکمن‌ها.

شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا بر منتهای همت خود کامران شدم

گنبد کاووس - گ. د. اعظمی راد

بخش اول

ازدواج، مراحل و اصطلاحات آن در میان ترکمن‌ها

الف - ازدواج

ب - سوگنامه‌ها در ازدواج‌های نامناسب

ج - ویژگی‌های ازدواج

د - مراحل ازدواج

و - کشتی، اسب دوانی، بخشی

ردیف	ردیف	ردیف	ردیف	ردیف
۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰

الف - ازدواج

ترکمن‌ها مسئله‌ی ازدواج را از دیرباز - همچون دیگر اقوام و طوایف - امری مقدس می‌شمردند که نتیجه‌ی آن، ادامه‌ی نسل، رشد جمعیت، افزایش قدرت خانواده و طایفه است تا بتوانند در مقابل بیگانه، مقاومت کنند و از حقوق اجتماعی مثل آب و ملک زراعی، بهره ببرند.

این امر مقدس / ازدواج همواره با آداب و مراسم خاصی همراه بوده، به اقتضای زمان، مکان، شرایط اجتماعی، شغلی و سایر عوامل زیربط در زندگی، دچار تغییرات و تحولاتی نیز شده است؛ اما این تغییرات و تحولات، چندان عمیق، گسترده و پیچیده نیست که بتواند در چهارچوب اصلی آن - که به منزله‌ی قانون اساسی ترکمن‌ها در زندگی اجتماعی است - خللی به وجود آورد.

از ویژگی‌های ازدواج در بین ترکمن‌ها مسئله‌ی (سن ازدواج) است که در گذشته‌های نه چندان دور - تا قبل از جنگ جهانی دوم - برای دخترها ۱۶ سال یا بیش‌تر و برای پسرها ۱۸ سال یا بیش‌تر بوده است - که با قانون مدنی امروز ایران نیز تطبیق می‌کند - البته استثناهایی هم دیده شده است نظیر ازدواج تحمیلی دختران کم‌تر از ۱۶ سال با مردان مسن، که آثار و پی‌آمدهای آن، هنوز هم در جامعه، کم و بیش دیده می‌شود.

آمارهای که بعضی از محققین از سن ازدواج در بین سه قبیله‌ی ایرانی ترکمن (یموت، گوکلان، تکه) گرفته‌اند نشان می‌دهد که حداقل و حداکثر سن ازدواج، در گذشته‌های دور به شرح زیر بوده است:

جدول شماره ۱

(ارقام این جدول از کتاب ایرانیان ترکمن، دکتر عسگری و دکتر کمالی، ص ۹۲ گرفته شد).

نام قبیله	حداقل سن برای مردان	حداقل سن برای زنان	حداکثر سن برای مردان	حداکثر سن برای زنان
یموت	۱۱	۸	۳۰	۳۲
گوکلان	۱۵	۱۳	۳۵	۳۰
تکه	۷	۷	۴۲	۴۲

...اما امروزه آگاهی پسر و دختر به حقوق قانونی و مدنی خود - که ناشی از تحصیل

در سطوح بالای دانشگاهی، جبر زمان و سایر عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی است - پدر و مادر را وادار کرده است که برخلاف گذشته به رأی و نظر فرزندان خود احترام بگذارند و مطلق الرأی و مطلق الاراده نباشند. این است که دیگر ازدواج‌های نامناسب و نیز اجباری یا اصلاً وجود ندارد یا خیلی نادر است.

ب - سوگنامه‌ها در ازدواج‌های نامناسب

در مورد ازدواج‌های نامناسب یا اجباری در فرهنگ شفاهی ترکمن‌ها آثاری شاعرانه تحت عنوان «لأله» وجود دارد که عمدتاً در قالب دو بیت‌های پیوسته و در وزن هجایی است. این آثار اگر چه از قافیه‌های علمی و قواعد خاص آن برخوردار نیست از اندوه فراوان سراینده یا سرایندگان حکایت می‌کند که از مردم عادی بوده، اسیر جور فرهنگ قومی و قبیله‌ای خود، تن به ازدواجی ناخواسته داده، در دیاری دور از پدر، مادر، اقوام و دوستان خود، روزگار خود را به سر آورده‌اند.

اینک نمونه‌هایی از این دو بیت‌ها را - که بازگوکننده‌ی رنج مایه‌های دختران ترکمن در گذشته‌های دور است، نقل می‌کنیم؛ رنج مایه‌هایی که دخترها و نعره‌س‌های ترکمن در شب‌های مهتابی، دست در دست یکدیگر خلقه می‌زدند و با چشم‌های بلور آجین به دامن دشت و صحرا می‌سپردند تا نسل‌های بعدی طنین آن را به گوش جان بشنوند و جگر گوشه‌های خود را اسیر ازدواج‌های تحمیلی نکنند.

* ابیات زیر در مذمت کسانی است که بدون توجه به رأی و نظر دختر، او را به دیاری دیگر و قبیله‌ای دیگر شوهر می‌دادند و مفارقت آن‌ها، گاه سال‌ها طول می‌کشید.

اودۇن ئۇندور، كۇلۇن چك

چيليم چك آ - چيليم چك

يىڭتە ئىيىن دىلىن چك

قىيىن يادا برأنيىڭ

ترجمه:

ای کسی که قلیان می‌کشی! (و دل به خوشی زودگذر آن سپرده‌ای) قلیان را به کنار

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

بگذار؛ آتش آن را خاموش کن و خاکسترش را دور بریز- که تو کار مهم‌تری داری و آن این که - به جای قلیان کشیدن، زبان کسی را که دختر به غریبه می‌دهد از حلقومش بیرون بکش.

* ابیات زیر، معروف‌ترین، سوزناک‌ترین و افشاگرترین ترانه‌های دخترهای ترکمن است در نکوهش پدران و مادرانی که خود رأی بودند و سرنوشت مظلوم‌ترین عضو خاندان خود را ظالمانه رقم می‌زدند و او را به دیاری دیگر و طایفه‌ای بیگانه شوهر می‌دادند (خوشبختانه امروزه چنین نیست و فقط رضایت دختر، شرط اصلی است).

۱ * - خطاب دختر به مادر

چؤنکر گیدار، اجه جان	چؤ نقور قویاداش آتئانگ
ییتیر گیدار، اجه جان	یادایل لاره، قیزبرئنگ

ترجمه:

مادر جان! اگر به چاهی ژرف سنگی بیندازی، آن سنگ در عمق چاه فرو می‌رود (چنین است اگر) دختر به غریبه شوهر بدهی، او نیز در عمق غربت فرو می‌رود.

۲ * - وصف ایل بیگانه از زبان دختر

اؤتور تمادی، اؤرنیندا	یادایل لار، یامان ایل لار
داراتمادی، وقتیندا	نقطا قارأ ئاچیمی

ترجمه:

ایل بیگانه بدرفتاری می‌کند و نمی‌گذارد که راحت باشم؛ چنان که حتی نمی‌گذارد موهای سیاه و بلندم را در وقت مناسب، شانه کنم.

۳ * - خطاب دختر به مادر در بیان عمر بر باد رفته، و وصیت به او

یاندق باشی یا ناندا	یاندی دیگین اجه جان
---------------------	---------------------

ئۇقان باشى ئۇلانىدا ئۇلدى دىگىن اجه جان

ترجمه:

مادر جان! آن گاه که سرشاخه‌های خار مغیلان می‌سوزد و زبانه می‌کشد، از
سوختن من سخن بگویی؛ و آن گاه که گل پیاز پژمرد، از پژمردن من خبر بده.

داییم دایزآم گیلنده ییتدی دىگىن اجه جان
دنگیم دوشیم گیلنده اۇلدى دىگىن اجه جان

ترجمه:

مادر جان! وقتی دایی و خاله‌ام از حال من جویا شدند، از گمشدن من خبر بده و به
دوستان نزدیکم، مرگ مرا اعلام کن.

ایگنام بیلن یۇنگئامی دولدان آغین اجه جان
کئمان قالان خالیمی اۇزینگ کئگین اجه جان

ترجمه:

مادر جان! سوزن و انگشتانه‌ی مرا از دیواره‌ی آلاچیق بیاویز و قالی دست باقم را
که ناتمام مانده به اتمام برسان.

۴* - در حسرت عمر هر باد رفته

ئاندىقىم آ - ئاندىقىم ئاندىقا داياندىقىم
يادايىل لارينگ ايچيندا هايىپ منىنگ ياندىقىم

ترجمه:

ای صندوق! ای جامه‌دان من! ای که تکیه گاه و رازدار من هستی! آگاه باش که من در
میان قومی بیگانه، غریبانه می‌سوزم

۵* - در حسرت دوری از خانواده

من گلیان چام، ئیل بؤلجاق
بۇقچاباغیم، نیل بؤلجاق
دولدا دورن آق قوشاق
ئایراپ دۇرن دیل بولجاق

ترجمه:

(تا دیدار مجدد) اشک‌هایم سیلی خواهد شد و چون دریای نیل، بقچه‌ام را در خود
غرق خواهد ساخت. آن گاه شال سفید کمرم - که از دیواره‌ی آلاچیق آویخته‌ام -
زبان گویای رنج‌های من خواهد بود.

۶* - حکم قطعی در حق کسی که دختر به غریبه می‌دهد

ئویت گِرک، قایماق گِرک
قایماقی، یایماق گِرک
قیزین یادا برنینگ
گۆزینی اویماق گِرک

ترجمه:

شیر و سرشیر می‌خواهم، از شیر کره و سرشیر می‌گیرند (من از این نعمت‌ها
محروم هستم) آی آدم‌ها، چشمان کسی را که دختر به غریبت می‌دهد از حدقه بیرون
بکشید.

۷* - در بیان سرنوشت دختری که غریبانه زیسته است

دردیم دوا تئز بۇلدى
اۋییم صفا تئز بۇلدى
من اولئاثام کیم آغلار؟
- گۆریمی قازان آغلار

ترجمه:

درد من - که درد غریبت است - دارویی ندارد - در مرگ من چه کسی گریه خواهد
کرد؟ - فقط گور کن

۸* - در بیان کسی که قادر به پرداخت مهریه نیست

ایلردن اۋتن اۋغلان
کۆینه‌گی کتن اۋغلان

بیرقیزا مال تاپمانی دۇنيادن گچن اوغلان

ترجمه:

این جوان که در گذر است و پیراهنی از کتان بر تن دارد به علت مهریه‌ی سنگین، دل
از دنیا بریده است.

۹* - در بیان تحمیل شوهری نادان به دختر

آغاچ باشیندا دوردیم دیسینا ثۇلار بردیم
ثام ثیق یا رینگ الیندان هم آغلادیم هم گۇلدم

ترجمه:

در حفظ درخت زندگیم کوشیدم، آن را آبیاری کردم، سرانجام به دست شوهری
نادان - که مناسب من نبود - گاه گریستم و گاه - بر سرنوشت دردناک خود -
خندیدم.

۱۰* - در بیان آرزوی بازگشت به میان ایل و طایفه‌ی پدری

آق قۇش بۇلپ اوچتادیم ایله یۇلیم آچتادیم
اۇزایلمینگ ثوویندان یأتیپ یأتیپ ایچتادیم

ترجمه:

کاش همچون پرنده‌ای سبک بال، قدرت پرواز داشتم و راهی به سوی ایل خود
می‌یافتم؛ آن گاه جان تشنه‌ام را از دیدار مردم ایل، سیراب می‌کردم.

۱۱* - در پرسش از حال و روزگار ایل و خاندان خود

ایل لارمزدأ داغ میدیر! اؤشتی کته باغ میدیر؟
اوچیپ باریان آق قوشلار؟ ایلیم، گونیم ثاغ میدیر؟

ترجمه:

آیا ایل من در میان کوه‌های بلند مسکن گرفته است یا در مکانی درختزار؟ ای

پرندگان سپیدبال! - که در پروازید - بگوئید، حال و روزگار ایل من چگونه است؟

۱۲ * - در بیان دوری از ایل و طایفه که با خیالبافی‌های شاعرانه در آمیخته است.

آسمانداکی نر بولوت! ثانگا عاشیقیر، بولوت!

اشمانداکارینگ نأمه؟ یره دؤکیانگ دربولوت!

ترجمه:

ای ابر آسمانی! (مقصود پدر و مادر است که همچون ابر باران‌زا، برای فرزندان خود باران رحمت هستند) زمین (فرزند به غربت رفته و به اصطلاح زمین خورده) عاشق توست. چرا بر چهره‌ات عرق نشسته است؟ (مقصود اشک‌های پدر و مادر است که آنان نیز در حسرت دیدار فرزند می‌گیرند).

۱۳ * - در بیان جدایی از دوستان که در آن، دوران کودکی به شیشه‌ای شکسته تشبیه

شده است.

ایمدان ثویشام قأشدی بیلمه دیم نیراک دؤشدی

آلاگؤزلی بؤیداش جان! آرامیزا داغ دؤشدی

ترجمه:

شیشه‌ای از دستم فرو افتاد ندانستم که چه شد. ای دوست! - که چشمانی سیاه و زیباداری - بین من و تو کوه‌های بلند حایل شده است.

۱۴ * - .. و باز در بیان جدایی که به زخم پیکان تشبیه شده است.

قایرا قایرادا قالدی یکام یارادا قالدی

منینگ جؤرام شؤل قیزلار مندن قایرادا قالدی

ترجمه:

من از دوستانم جدا افتادم. آه که این جدایی مثل زخم پیکان آزارم می‌دهد

۱۵ * - در آرزوی دیدار دوستان دوران کودکی

اوبا چیقائیم گلیار دئه بولائیم گلیار
دئه بویلی جان قیزلار نیزی گورائیم گلیار

ترجمه:

آرزومندم که به روستای خود بروم و در جمع دوستان خود باشم. ای دوستان
دوران کودکی: آرزو دارم که شما را ببینم.

۱۶ * - در بیان خاطرات دوران کودکی و تشبیه دوست به سیب و انار

باغا گیردیم کنارا گوزیم دؤشدی چنارا
منینگ عزیزبؤیداشیم منگزه یارالما نارا

ترجمه:

به باغی درون رفتم و دوستم را دیدم که قامتش به بلندای چنار بود و چهره‌اش
سرخ به سرخی سیب و انار.

۱۷ * - به یاد برادر که دیدار او را به بهار تشبیه کرده است.

بؤز آتیم، بؤزا منگزار بؤینی شابازا منگزار
دوغان گلیار دیئه لار قیش گؤنیم یازا منگزار

ترجمه:

اسبی دارم به رنگ خاکستر، تیزتک همچون پرنده، اگر بشنوم که برادرم می‌آید،
زمستانم بهار خواهد شد.

۱۸ * - به یاد برادر بزرگ‌تر و طلب سوغاتی از او که دست یافتنی نیست.

آقام مانگا آل گتیر آقار ثودان بآل گتیر
گؤن گورمه دیک یرلردآن کیئا ثالیپ گل گتیر

ترجمه:

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

برادر بزرگ‌ترم! هر زمان که به دیدار من آمدی از عسل‌های روان بیاور؛ و از سرزمین‌های دور - سرزمین‌هایی که حتی خورشید هم آن جاها را ندیده است - دسته‌های گل هدیه کن

۱۹* - در بیان نوشتن نامه به برادر و آرزوی رسیدن سلامی از او

بأر خاطیم آ، بأرخاطیم جان دوغانی گۆریپ گیل

جان دوغانینگ دیلیندان بیزه ئالام آلیپ گیل

ترجمه:

ای نامه! که پیام رسان هستی - پیامی و سلامی نیز از زبان برادر به من برسان.

۲۰* - یاد و خاطره‌ی جلگه‌ها، آغل گوسفندان و...

ب ییک یرلنگ ایت گی قویون قۆزی یاتاگی

گۆن دگندأ یالپیل لار اۆز دوغانمینگ تلیپ گی

ترجمه:

در دامنه‌ی کوه‌ها و در گستره‌ی جلگه‌ها - که زیستگاه گوسفندها و بزهاست - و در زیر اشعه‌ی آفتاب، کلاه برادر من، درخشش خاصی دارد.

۲۱* - به یاد داماد شدن برادر کوچک‌تر که دختر به غربت رفته، حضور نداشته است.

آی دۇغوپدیر دیدی لار آیلانپ دیر دیدی لار

منینگ کۆر په دوغانیم اویله نیپ دیر دیدی لار

ترجمه:

شنیدم که ماه طلوع کرده است و با حرکت‌های دورانی خود از ادامه‌ی زندگی حکایت دارد و برادر کوچکم در تداوم این زندگی، داماد شده است.

۲۲* - بیان دلتنگی‌ها به علت دور افتادن از ایل خود

داغلارینگ باشی یانار کولانیپ داشی یانار
کیم ایلیندآن آیریلثا یۆره گنینگ باشی یانار

ترجمه:

روشنایی آفتاب، بلندای کوه‌ها و دامنه‌های آن را روشن می‌کند؛ اما کسی که از ایل
خود جدا افتاده است - و محروم از این نعمت‌هاست - به داغی جگرسوز گرفتار
می‌آید.

۲۳ * - ... و باز در بیان رنج فراق

آغاچ باشی بوریلار دیببندآ ثودریلار
کیم ایلیندآن آیریلثا اونینگ بؤینی بوریلار

ترجمه:

سر شاخه‌های درختان، سر به سوی زمین خم کرده‌اند و تماشاگر جوی روان در
پای خود هستند - که از عمر گذران نشان دارد - هر کس که از ایل خود جدا شود مثل
آن درخت، با قامتی خمیده، از عمر گذران نشان خواهد یافت.

۲۴ * - خطاب به عاشق که از درد فراق بیمار شده است

ئازی دونینگ گِ ییپ ئینگ تِ لاره ئویه نیپ ئینگ
آه و زارینگ من چکیان ئن ناما ئارالیپ ئینگ

ترجمه:

(ای یار!) که جامه‌ای زرد بر تن داری (کنایه از بیماری) و به خانه‌ای چوبین تکیه
داده‌ای (کنایه از بدنی لاغر و نحیف) - من به درد فراق گرفتارم. تو چرا بیمار و
رنجور شده‌ای؟

۲۵ * - ... و نیز خطابِ معشوق به عاشق در بیان این نکته که سرنوشت دخترها به
دست بزرگ‌ترها رقم می‌خورد و چاره‌ای جز تسلیم نیست.

گۆزه نگدن باقما اوغلان گۆزینگ قاشنگ قاقما اوغلان
منی ئانگا برمز لار ایچیم با غریم یاقما اوغلان

ترجمه:

ای جوان! از روزنه‌ی «تارم»^(۱) نگاه مکن، با ایما و اشاره پیام عاشقانه سرآمده و دل
و جگر مرا به آتش عشق مسوزان که مرا به تو نخواهد داد.

۱- تارم / گۆزه نک: یکی از ارکان تشکیل دهنده‌ی آی / آلاچیق ترکمن. برای اطلاعات

بیش تر به بخش ۲ مسکن، رجوع کنید.

ج - ویژگی های ازدواج

ویژگی های ازدواج را در بین ترکمن ها به شرح زیر می توان فهرست کرد

۱ - همچون دیگر گروه های مسلمان، ازدواج با محارم را حرام می دانند. این محارم عبارتند از: (والدین، برادران و خواهران - تنی، ناتنی - برادران و خواهران رضاعی، زن پدر و زن پسر.

۲ - مرد ترکمن مجاز است که با دختر یا زن غیر ترکمن ازدواج کند.

۳ - زن یا دختر ترکمن مجاز نیست که با مرد یا پسر غیر ترکمن ازدواج کند.

تذکر: در سال های اخیر، خلاف این جریان (بند ۳) - به ندرت - دیده شده است و آن را ناشی از تحصیل در دانشگاه ها یا همسایه بودن خانواده های ترکمن و غیر ترکمن (بدون خواست و اراده ی پدر و مادر ترکمن) می دانند. در چنین حالتی، دختر از خانواده ی پدری و اقوام، طرد می شود.

این ویژگی را - ازدواج نکردن با غیر ترکمن - برای حفظ اصالت ترکمن دانسته اند.

۴ - مرد ترکمن هم، همچون دیگر مسلمانان حق دارد که بیش از یک زن داشته باشد؛ اما امروزه زن ترکمن می تواند - همچون دیگر شهروندان ایرانی - به دادگاه خانواده شکایت کند که ناشی از آگاهی او به حقوق اجتماعی خود، در دوران معاصر است.

۵ - اگر زن ترکمن به حقوق اجتماعی خود آگاه نباشد - که زنان روستایی و بی سواد، معمولاً چنین هستند - یا دادگاه خانواده اجازه ی زن دوم به شوهر بدهد؛ زن سابق در بدو ورود زن جدید به استقبال می آید و ضمن در آغوش کشیدن هسو - که در ترکمنی

«الئی» خوانده می‌شود - پای راست خود را بر روی پای چپ او می‌گذارد و با این کار به «الئی / هوو اعلام می‌کند که باید همواره تحت نفوذ و اطاعت او باشد؛ اما این رسم در سال‌های اخیر رو به فراموشی رفته است زیرا مرد، قبل از آوردن زن جدید، خانه‌ای مستقل تهیه می‌کند و زن دوم را در آن اسکان می‌دهد.

۶ - در زمان سابق - تا سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم - مراسم عروسی در بین ترکمن‌ها بسیار ساده بود و عروس، تنها با یک شتر یا ارابه گاوی یا اسبی که بر روی آن، کجه‌وه / کجاوه بسته بودند، همراه با تعدادی از اقوام و نزدیکان دو خانواده به خانه‌ی شوهر می‌رفت. اما امروزه بسیار مجلل و پرطمطراق است چنان که حتی «جان» هم می‌نوازند که یک ساز غربی است و زنان و دختران، همراه با نوای جاز می‌رقصند و شادی می‌کنند.

۷ - در این جا ذکر این نکته ضروری است که ترکمن‌ها، داماد را «کۆرک / کؤراکن» و عروس را «گلین» می‌نامند و عقیده دارند که این دو، رکن اصلی یک زندگی مشترک هستند. پیوند این دو با مراسمی همراه است که در صفحات بعد - توضیح خواهیم داد.

۸ - اگر زنی بیوه شود حق دارد که یک سال در سوگ شوی خویش بنشیند؛ بعد از یک سال، پدر و مادر یا برادران، حق دارند که او را دوباره شوهر بدهند. اگر زن، حاضر به ازدواج مجدد نباشد و در خانه‌ی شوهر متوفی باقی بماند، مالی / پولی به عنوان «اُتورتماپها / حق نشستن در خانه» به پدر و مادر او می‌پردازند.

۹ - اگر زن بیوه حاضر به ازدواج با برادر شوهر خود باشد نیز پولی به پدر و مادر او

می‌دهند.

۱۰ - ازدواج زن بیوه را با برادر شوهر «دایقلماق» می‌نامند.

د - مراحل ازدواج

۱ - مرحله‌ی نوز آتماق

در این مرحله، پسری، دختری را برای زندگی مشترک خود می‌پسندد (در گذشته، این پسند به عهده‌ی پدر و مادر یا... بود). بعد از پسند، درباره‌ی دختر و خانواده‌ی او تحقیق می‌کنند. (این تحقیق به عهده‌ی همه‌ی افراد خانواده است) و اگر دختر و خانواده‌ی او از نظر سلامت عقل، رفتارهای اجتماعی و تناسب خانوادگی مورد تأیید بود، چند تن از نزدیکان پسر - که معمولاً مادر، خواهر، عمه، خاله است - به خانه‌ی دختر می‌روند. صاحب خانه پس از پذیرایی مختصری - که معمولاً چای چوروک / چای و نان است - خطاب به مهمانان می‌گوید:

- «گلمه دیکدن خبر آل دیپ دیرلار»^(۱) خوب، بفرمایید، چه خبر؟

...و اگر خانواده‌ی دختر جمله‌ی فوق را نگوید، سرگروه خواستگار، همان جمله را

بر زبان می‌آورد و صاحب خانه با شنیدن خبر خواستگاری با خنده می‌گوید:

- «اگر خدا قسمت کند... ان شاء الله. اما اجازه بدهید که ما هم تحقیق بکنیم. سپس

برای جواب فرصت می‌خواهد.

ترکمن‌ها این اولین و مقدماتی‌ترین مرحله را در خواستگاری «مرحله‌ی نوز آتماق»

می‌گویند.

۱ - قدما گفته‌اند: «از کسی که تا به حال به خانه‌ی شما نیامده است، خبر بپرسید.»

۲ - مرحله‌ی ئۆزآلماق

بعد از اولین مرحله، خانواده‌ی دختر کار تحقیق را شروع می‌کند. مدت این تحقیق ممکن است چند هفته یا چند ماه طول بکشد و نماینده‌ی خانواده‌ی پسر - که حتماً از جنس زن است. هر از چند گاهی نظر خانواده‌ی دختر را جویا می‌شود؛ سرانجام در صورت رسیدن به جواب مثبت به خانواده‌ی پسر مژده می‌دهد و می‌گوید:

- «ئۆزیمی آلدیلار / سختم یعنی سخن خواستگاری پذیرفته شد».

این مرحله از خواستگاری را که اعلام قبولی از طرف خانواده‌ی دختر است، اصطلاحاً «ئۆزآلماق» می‌گویند. در این مرحله، تاریخ مرحله‌ی بعدی، یعنی مرحله‌ی «قایی آچماق» نیز تعیین می‌شود.

۳ - مرحله‌ی قایی آچماق

در این مرحله که مرحله‌ی آشنایی مقدماتی مادر، خواهران، زن عموها و زن برادرهای داماد با اعضای خانواده‌ی عروس است، خانواده‌ی داماد با چندبسته‌ی شیرینی به خانه‌ی پدری عروس آینده‌ی خود می‌آیند و خانواده‌ی عروس نیز با میوه و شیرینی از آنها پذیرایی می‌کند. در این مرحله، تاریخ مرحله‌ی بعدی یعنی مرحله‌ی دوزدادشماق تعیین می‌شود که مرحله‌ی مقدماتی نامزدی پسر و دختر است.

۴ - مرحله‌ی دوزدادشماق / بله برون

«دوزدادشماق» یعنی نان و نمک یکدیگر را خوردن، یعنی نمک گیر یکدیگر شدن که نشان دارد از حرمت نان و نمک در نزد ترکمن‌ها.

در این مرحله که مرحله‌ی مقدماتی نامزدی است (بدون حضور پسر و دختر) فقط زن‌های دو خانواده شرکت دارند و طرف داماد هدایایی را که برای عروس آینده‌ی خود آورده است، تقدیم می‌کند. این هدایا - معمولاً - به شرح زیر است.

الف - یک تخته روسری ترکمنی به نام «یایلیق» از جنس ابریشم و بسیار زیبا که در

خانه استفاده می‌شود.

ب - یک تخته روسری گلدار به نام «چارقد» که تولید مسکو یا سوئد یا آلمان است. در قدیم به جای چارقد از یک نوع روسری ابریشمی - بافت ترکمن - به نام چاشو / چادر شب استفاده می‌کردند.

ج - یک قواره پارچه‌ی پیراهنی

د - دو ظرف نان روغنی به نام‌های «قاتلاما، بشمه»^(۱)

خانواده‌ی دختر نیز بخشی از نان‌های روغنی را - که خانواده‌ی پسر آورده است - به عنوان تبرک بین حاضرین تقسیم می‌کند. این مراسم، بعد از ساعتی - که با کف زدن‌ها و شادی کردن‌ها همراه است - خاتمه می‌یابد.

در مرحله‌ی دوز دادشماق، تاریخ مرحله‌ی بعدی یعنی مرحله‌ی «آداماق» تعیین می‌شود که مرحله‌ی نامزدی رسمی دختر و پسر است.

۵ - مرحله‌ی آداماق / مرحله‌ی اول نامزدی رسمی

در این مرحله - که باز هم زنان دو طرف شرکت دارند - بزرگ‌تر خانواده‌ی داماد، نخی باریک و سیاه و سفید را - که به هم تاییده‌اند به گردن دختر حلقه می‌کند. این نخ را «آلاجایوپ»^(۲) می‌گویند.

آلاجایوپ نشانه‌ی یکی شدن دو شخصیت متضاد یعنی «پسر و دختر» است و نیز نشانه‌ی توافق آن‌ها برای زندگی مشترک با حذف تضادهای رفتاری.

این مرحله را مرحله‌ی آداماق نامیده‌اند یعنی نامزد کردن دختر برای پسر، بعد از این مراسم، دختر را «آداقلی» می‌خوانند؛ یعنی دختری که نامزد دارد.

۶ - مرحله‌ی مال کشمک / تعیین میزان مهریه

۱- رک به بخش ۶ گروه نان‌های روغنی

۲- این رسم اکنون منسوخ شده و هدیه‌ای نظیر انگشتری جای آن را گرفته است.

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

برای اجرای این مرحله، طرف داماد به طرف عروس خبر می‌دهد که در فلان روز یا فلان شب برای تعیین میزان مهریه، با چند تن از نزدیکان خود - که معمولاً پدر یا برادر بزرگ و... است - خواهند آمد.

خانواده‌ی عروس نیز متقابلاً چند تن از نزدیکان خود را خبر می‌دهد. در این مجلس - پس از پذیرایی با شیرینی و میوه - از قصد و نیت مهمانان سؤال می‌شود؛ آن‌ها نیز قصد خود را که آگاهی از میزان مهریه است، بیان می‌کنند.

از این لحظه، چانه زدن‌ها بر سر میزان مهریه بین دو طرف در می‌گیرد و سرانجام به وجه غالب در بین مردم رضایت می‌دهند. این مجلس با خواندن آیاتی از قرآن کریم و گفتن مبارک باد خاتمه می‌یابد.

وجه مهریه در روز عروس‌کشان یا - بنا به توافق - چند روز یا چند هفته قبل - البته همراه با عقد رسمی به صورت نقد به خانواده‌ی عروس پرداخت می‌شود و گاهی نیز توافق‌هایی پنهانی در این زمینه صورت می‌گیرد (مانند کم کردن میزان تعیین شده یا...).

بعضی از محققین غیر ترکمن، این رسم یعنی مهریه‌ی نقد را نوعی خرید و فروش عروس خانم و توهین به شخصیت زن تلقی کرده‌اند در حالی که چنین نیست زیرا که مبلغ مهریه برای تهیه‌ی تجهیزیه، هزینه می‌شود. مضاف بر آن، پول نقد گرفتن دلیلی اقتصادی و اجتماعی دارد و آن این که، با عروس شدن دختر، یکی از افراد فعال خانواده، از سبب اقتصادی و جمعی خارج می‌شود؛ به این معنی که او می‌توانست:

الف - در برپا کردن یا برچیدن‌ی / آلاچیق کمک کند و جای یک مزدور را بگیرد.

ب - در کارهای خانه مثل الک کردن آرد و... یار و مددکار مادر باشد.

ج - در دام داری و تهیه‌ی فرآورده‌های دامی به پدر و مادر یاری برساند.

چ - نخ بریسد، پارچه، قالی، قالیچه و... ببافد و نیز نمد مالی کند.

ح - آشپزی کند، لباس بدوزد، رخت و لباس بشوید.

خ - در کار زراعت مثل وجین کردن، درو کردن، و... برای پدر، بازوی کار آمدی

باشد.

د.... و در نگهداری کودک، چون پرستاری دلسوز و بی‌اجر و موجب عمل کند. بنابراین خانواده‌ی عروس باید به نوعی این بازوی اقتصادی را که اینک به خانواده‌ی داماد منتقل می‌شود، جبران کند. پس، گرفتن مهریه به صورت نقد، به نوعی جبران این مافات است.

برای ندادن مهریه به صورت کاملاً نقد، راه‌هایی وجود دارد (توافق پنهانی) که اهم آن‌ها به شرح زیر است:

الف - طرف داماد، معادل مبلغی از مهریه، گاو یا گوسفند یا زمین زراعتی و امثال آن به طرف عروس می‌دهد. امروزه به جای گاو و گوسفند و... طرف داماد جهیزیه‌ی دختر را - که معمولاً لوازم صوتی و خانگی مثل تلویزیون، یخچال و... است - از مغازه‌های دوست و آشنا به صورت اقساط خریداری می‌کند و به خانواده‌ی عروس تحویل می‌دهد تا در روز عروسی به عنوان جهیزیه به خانه‌ی داماد برده شود.

ب - ازدواج به صورت آلیش - بریش / قارشی لیق، یعنی دو خانواده توافق می‌کنند که دخترهای یکدیگر را برای پسرهای خود بگیرند. این نوع ازدواج معمولاً در بین اقوام نزدیک اتفاق می‌افتد که توان پرداخت مهریه را ندارند.

ازدواج به شکل قارشی لیق اگر چه در آغاز زندگی «حُسن» به شمار می‌رود، در ادامه‌ی زندگی ممکن است عیب بزرگی به دنبال داشته باشد و آن تسرّی اختلاف یک خانواده به خانواده‌ی دیگر می‌باشد که گاهی به طلاق در دو خانواده انجامیده است.

تذکر: تعیین میزان مهریه براساس وضعیت مرد تعیین می‌شود یعنی:

الف - مرد، مجرد و ازدواج نکرده است.

ب - مرد، متأهل یا بیوه است.

در وضعیت (ب) مرد باید نسبت به وضعیت (الف) مهریه‌ی بیش‌تری بپردازد. علت این امر را در دو مورد می‌توان توضیح داد:

الف - مرد متأهل دارای فرزند یا فرزندان است که ممکن است به جانبداری از مادر، مشکلاتی را برای زن تازه وارد، ایجاد کنند.

ب - مرد بیوه از زن متوفای خود دارای فرزند یا فرزندان است که در این صورت

ممکن است وضعیت (ب) پیش بیاید و فرزند یا فرزندان، آماده‌ی پذیرش زن بابا نباشند.

۷- یوورجی بها - داقیلماق

«یوورجی» اصطلاحی است برای «برادر شوهر» و «یوورجی بها» مهریه‌ای است که «یوورجی» مجرد به والدین زن برادر خود که بیوه شده است می‌پردازد تا با بیوه‌ی برادر، ازدواج کند. این گونه ازدواج‌ها بسیار نادر است و صرفاً به دلیل رضایت خانوادگی متوفی از عروس خود و رضایت عروس بیوه شده، از خانوادگی شوهر متوفی است. در سایر موارد پسرای ازدواج نکرده با زن بیوه ازدواج نمی‌کنند. ازدواج زن بیوه را با برادر شوهر «داقیلماق» می‌گویند.

۸- اچری پؤل

غیر از مهریه، خانوادگی داماد مبلغی نیز که معمولاً معادل ارزش مادی یک گوسفند است به مادر عروس می‌دهد که آن را «اچری پؤل» می‌گویند. جدول زیر مهریه‌ی زن یا دختر را در سال ۱۹۷۴ میلادی نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی ۲

منبع: ویلیام آیرونز، کوچ نشینی به عنوان راهی برای سازگاری ۱۹۷۴

ردیف	وضع ازدواج همسران	مهریه برای پدر عروس	اچری پؤل برای مادر عروس
۱	ازدواج بین دختر و پسر مجرد که قبلاً ازدواج نکرده‌اند	۱۰ مال / گوسفند	۱ مال
۲	ازدواج بین داماد بیوه و عروس که دختر است	۲۰ مال	۱ مال
۳	ازدواج بین داماد متأهل و عروس که دختر است	۳۰ مال	۱ مال
۴	ازدواج بین زن و مرد که هر دو بیوه هستند	متفاوت	-
۵	ازدواج بین مرد متأهل و زن بیوه	متفاوت	-

... و اما مهریه‌ی زن یا دختر در سال ۸۲-۱۳۸۱ شمسی

جدول شماره‌ی ۳ منبع: اطلاعات شخصی و عینی مؤلف

ردیف ۱ جدول ویلیام آرونز	۱/۲۰۰/۰۰۰ تومان	چارقد - گوشواره طلا
ردیف ۲ جدول ویلیام آرونز	۱/۵ تا ۲ میلیون تومان	چارقد - گوشواره طلا
ردیف ۳ جدول ویلیام آرونز	۲ تا ۲/۵ میلیون تومان	چارقد - گوشواره طلا
ردیف ۴ جدول ویلیام آرونز	۱ تا ۲ میلیون تومان	چارقد - گوشواره طلا
ردیف ۵ جدول ویلیام آرونز	۱ تا ۲ میلیون تومان	چارقد - گوشواره طلا

۹ - مرحله‌ی قودابولماق / خنچه بردن - مرحله‌ی دوم نامزدی

یک یا چند روز و گاهی چند هفته قبل از جشن عروسی، عده‌ای از زنان خانواده‌ی داماد - با قرار قبلی - برای اجرای مرحله‌ی دوم نامزدی به خانه‌ی پدر عروس آینده‌ی خود می‌روند و با این عمل، قرابت سببی را صورتی رسمی تر می‌دهند. در این روز، خانواده‌ی داماد هدایایی به عروس آینده‌ی خود تقدیم می‌کند (نه به خود عروس بلکه به خانواده‌ی او به عنوان عروس) به شرح زیر:

الف - دوازده عدد مجمه / مجمر: هر مجمه محتوی چهار قرص نان قاتلاما (رجوع کنید به بخش ۶ گروه نان روغنی). هر مجمه به وسیله‌ی یکی از زنان فامیل حمل می‌شود.
ب - چهار عدد کله قند: این بخش، از زمان پیدایش کله قند و هم زمان با شهرنشین شدن ترکمن‌ها به مراسم قودابولماق اضافه شده است.

پ - دوش: دوش قسمتی از سینه و راسته‌ی گوسفند است که به شکل مثلث از بدن گوسفند جدا می‌شود و به گوشه‌های آن، یک سکه‌ی طلا، نصب می‌کنند و معمولاً به وسیله‌ی زن برادر داماد (گلجه) حمل می‌شود.

ت - گوشواره و گردن بند طلا: این هدیه معمولاً به وسیله‌ی بزرگ‌ترین عروس خانواده‌ی داماد، تقدیم می‌شود.

ث - ساعت مچی: این هدیه به وسیله‌ی یکی دیگر از زن برادرهای داماد تقدیم می‌شود. - اگر زن برادری باشد - این رسم قدمت چندانی ندارد.

ج - هدایایی از قبیل روسری، چارقد، کفش، پارچه‌ی پیراهنی و....

چ - حلقه‌ی نامزدی: که معمولاً به وسیله‌ی مادر یا یکی از خواهران داماد، هدیه

می‌شود. در موقع تقدیم حلقه‌ی نامزدی، زنان حاضر، همراه با خواهر داماد می‌خوانند.

بۆزوک تاپدیم یاشیل جه بئر آوادان قاشیل جه

مینینگ عزیز گله جم اورتا بؤیلی ایشیل جه

ترجمه:

انگشتی یافتیم با نگین سبز و زیبا (کنایه از عروس). زن برادر من. میانه قامت است

و هنرمندی کار آمد.

۱۰ - مرحله‌ی اؤربا یا یراتماق

یک روز قبل از مراسم قودابولماق، مادر داماد جشن کوچکی با حضور زنان فامیل و همسایه‌ها ترتیب می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد تا او را در پختن نان روغنی «قاتلاما» - که تخصصی خاص را می‌طلبد - یاری دهند. در این جشن کوچک که آن را «اؤربا یا یراتماق» می‌نامند، یکی آرد را الک می‌کند، یکی دیگ بزرگ چدنی را بار می‌گذارد، یکی آرد را خمیر می‌کند، یکی خمیر را به صورت ورقه‌های نازک و مدور به قطر تقریبی ۱ میلی‌متر در می‌آورد. یکی این ورقه‌ها را به صورت چند لایه روی هم می‌گذارد، یکی در لابه‌لای ورقه‌های خمیر، روغن می‌مالد و... خلاصه هر کس در حد توان و تخصص خود گوشه‌ای از کار را می‌گیرد؛ در نهایت دوازده قرص نان روغنی «قاتلاما» را برای بردن به خانه‌ی عروس، کنار می‌گذارند - در حالی که به سطح آن‌ها شکر پاشیده‌اند - و تعدادی نیز بین زنان حاضر - به عنوان تبرک تقسیم می‌شود.

بعد از مراسم پخش قاتلاما نوبت به پذیرایی از حاضرین می‌رسد. در این زمان دسته

جمعی می‌خوانند:

حاقیم حاقا یتیرتین حاق مُرادا یتیرتین

گیلنی مزی آلمانا بیذا خدا یتیرتین

ترجمه:

خداوند حق ما را ادا کند و برای بردن عروسمان توفیق دهد.

۱۱ - مرحله‌ی ثاغت بل ل مک / تعیین روز سعد برای عروسی

«ثاغت بل ل مک» مراسم مختصری است در خانه‌ی پدری عروس که در آن، زنان دو خانواده (معمولاً مادر، خواهر، زن برادر عروس و زن برادر داماد) تاریخ و روز عروسی را تعیین می‌کنند. این روز حتماً باید یکی از روزهای سعد باشد. ترکمن‌ها روزهای هر ماه قمری را که عدد آخر آن به ۷ یا ۹ ختم شود، از روزهای سعد می‌دانند که برای انجام اعمال خیر مثل (عروسی، ساختن خانه، شروع کار تازه، مسافرت و...) در نظر گرفته می‌شود. این روز را اصطلاحاً «ثاغتلی گون» می‌گویند و معتقدند که در سایر روزها در جهت ستاره نباید کاری تازه کرد و وجود ستاره را براساس روزها تعیین می‌کنند که معمولاً در ذهن پیرمردها و پیرزن‌ها - که طرف مشورت قرار می‌گیرند - حک شده است.

الف - روزهای	۱-۱۱-۲۱	ستاره در شمال شرقی است.
ب - روزهای	۲-۱۲-۲۲	ستاره در مشرق است.
پ - روزهای	۳-۱۳-۲۳	ستاره در جنوب شرقی است.
ت - روزهای	۴-۱۴-۲۴	ستاره در جنوب است.
ث - روزهای	۵-۱۵-۲۵	ستاره در جنوب غربی است.
ج - روزهای	۶-۱۶-۲۶	ستاره در مغرب است.
چ - روزهای	۷-۱۷-۲۷	ستاره در شمال غربی است.
ح - روزهای	۸-۱۸-۲۸	ستاره در شمال است.
خ - روزهای	۹-۱۹-۲۹	ستاره در زمین است.
د - روزهای	۱۰-۲۰-۳۰	ستاره در آسمان است.

مبداء یلیدیز (= ستاره‌ی نحس) در بین ترکمن‌ها (شمال شرقی) است، اما در برخی

کتاب نجوم قدیم از آن، با عنوان «سکیز یلدوز» یاد کرده، مبداء آن را «مشرق» قید کرده‌اند.

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

حاج شیخ عباسی مصباح‌زاده، استخراج‌کننده‌ی تقویم، در سال‌نمای خود چنین نوشته‌اند:

«بدان که هشت کوکب‌اند به شکل شتر در غایت نحوست. در حین سفر یا عملی یا...رو به آن‌ها ضرر دارد و آن‌ها را حکما سکیزیلدوز نامند».

ترکمن‌ها به شیوه‌ی سنتی، یک ماه قمری را به سه دهه تقسیم می‌کنند و براساس آن، هر بار از یکم تا دهم را محاسبه می‌کنند؛ اما اعتقاد آنها مبنی بر سعد یا نحس بودن روزها در میان طوایف مختلف تفاوت دارد: مثلاً در میان طایفه‌ی یلمه که شجره‌ی عشیره‌ای آن به صورت: (یلمه - آق - آق اتابای - قاراجوق - یموت - ترکمن) است، اعتقاد به سعد و نحس بودن روزها، طبق جدول زیر تبیین می‌شود:

جدول شماره ۴

روز	وضع	توضیح
۱-۱۱-۲۱	سعد	بیرالله، بیر سعد / خدا یکی، سعد یکی
۲-۱۲-۲۲	سعد	هر زوجی مبارک است و عدد ۲ نشانه‌ی زوجیت
۳	نحس	می‌گویند: «بأش اوچی، وای اوچی»
۱۳	-	نحس بودن یا سعد بودن این روز مخیر است
۲۳	سعد	می‌گویند: «بیگ‌ریم اوچی، توی اوچی» / یعنی ۲۳ هر ماه مناسب است برای عروسی
۴-۱۴-۲۴	سعد	احتمالاً به علت زوج بودن اعداد فوق
۵-۱۵-۲۵	نحس	می‌گویند: «بأشی، لأشی»
۶-۲۶	سعد	احتمالاً به علت زوج بودن
۱۶	نحس	ترکمن‌ها عدد ۱۶ را اگر چه زوج است استثنائاً نحس به شمار می‌آورند و این شاید به علت از نیمه گذشتن ماه و نقصان یافتن آن باشد که می‌گویند: «آی گادیگی» زیرا که نقصان ماه از شب ۱۶ آشکار می‌شود

روز	وضع	توضیح
۷-۱۷-۲۷	سعد	زیرا که عدد ۷ را مردم مشرق زمین در کل مبارک و میمون می‌دانند
۸-۱۸-۲۸	نحس	می‌گویند: «سکیزینه سکه» یعنی در روزهای هشتم ماه دست به هیچ کاری نزن. و این شاید بخاطر نحوست ستارگان ۸ گانه باشد که شیخ عباس مصباح زاده توضیح داده است.
۹-۱۹-۲۹	سعد	عدد ۹ کلاً در میان ملل ترک نژاد مبارک و میمون است، چنانکه پادشاهان ترک رسم ۹ بیرق / پرچم و ۹ هدیه داشته‌اند یا مردم در روی ۹ لایه نم‌دین می‌نشستند یا رسم «دقوز» در ازدواج ترکمن‌ها که بقچه‌ای متشکل از ۹ قواره پارچه بوده است.
		تذکر: در میان برخی تیره‌ها استثنائاً روز ۲۹ هر ماه را روز نحس می‌شمردند و می‌گفتند: «باش سکیزی، آیاق دوقوزی» یعنی هشتم دهه اول و نهم دهه آخر در نحوست برابرند.
۱۰-۲۰-۳۰	سعد	ترکمن‌ها این روزها را بسیار میمون و مبارک می‌دانند چون ستاره نحس در آسمان است و در هیچ جهتی از جهات اربعه حضور ندارد.

از مجموع این اعتقادات چنان استنباط می‌شود که اعداد زوج عمدتاً سعد و اعداد فرد عموماً نحس هستند به جز:

الف - سعد بودن عدد ۱ به علت وحدانیت خداوند

ب - سعد بودن عدد ۷ براساس اعتقادات ملل شرق

ج - سعد بودن عدد ۹ براساس اعتقادات ملل ترک

د - نحس بودن عدد ۸ به علت فلسفه‌ی وجودی سکیزیلدوز.

میمنت عدد زوج در بین ترکمن‌ها چنان است که هر نوع هدیه‌ای به صورت جفت

داده می‌شود. براساس این میمنت، محصولات تلخ و تند را هرگز به صورت جفت به کسی نمی‌دهند. مثلاً اگر کسی به همسایه‌اش پیاز بدهد به صورت فرد است نه زوج.^(۱)

۱۲ - مرحله‌ی پیش برنامه / پذیرایی عروس از دوستان نزدیک خود

این بخش، پدیده‌ای تازه است و به وسیله‌ی گروهی تحصیل کرده‌ی خارج (عمدتاً کشور ترکیه) ابداع شده است و در روزگاری نه چندان دور (حدود ۴۰ سال قبل) وجود خارجی نداشت.

پذیرایی دختر از دوستانش، حدود یک هفته قبل از عروسی، انجام می‌شود و با ساز و آواز و موسیقی جاز و فیلم‌برداری و... همراه است و هیچ مناسبتی با فرهنگ سنتی ترکمن ندارد. این مراسم از غروب آفتاب به مدت ۳ تا ۴ ساعت ادامه دارد و در طی آن، مدعوین هدایایی به عروس خانم تقدیم می‌کنند.

۱۳ - مرحله‌ی کارت نویسی

این بخش نیز پدیده‌ای تازه است و از حدود ۱۰ تا ۱۵ سال پیش، باب شده است. در این مرحله - که معمولاً ۲ هفته قبل از جشن عروسی است - داماد، دوستان بسیار نزدیک خود را برای صرف شام دعوت می‌کند. بعد از شام با همکاری مهمانان، لیستی از اسامی کسانی که باید به عروسی دعوت شوند، تهیه می‌شود. بعد از تهیه‌ی لیست و براساس آن، کارت عروسی را می‌نویسند. این کارت‌ها، حدود یک هفته قبل از روز جشن، توزیع می‌شود. در قدیم که صنعت چاپ وجود نداشت، کار دعوت، حضوری بود.

۱۴ - مُصایب / مصاحب = ساقدوش

«مصایب» جوانی است هم سن و سال داماد و نزدیک‌ترین دوست او. در گذشته -

۱- جدول مربوط به سعد و نحس بودن روزها و توضیحات مربوط به هر یک، با استفاده از معلومات پژوهشگر جوان، آقای شهروز اتابای، تنظیم شد.

حدود ۴۰ سال پیش - مخارج شب عروسی - که پذیرایی از دوستان داماد است - به عهده‌ی مصایب بود و خانه‌ی پدری این دوست را به عنوان محل پذیرایی «مصایب جای» می‌گفتند. اما امروزه، جوان ترکمن، رأساً مخارج شب عروسی را عهده‌دار می‌شود و پذیرایی از دوستان را همراه با پذیرایی پدر و مادر خود از دوستان و آشنایان، در خانه‌ی پدری برگزار می‌کند. زمان این پذیرایی، شب قبل از روز عروسی است. در این شب، بعد از صرف شام، کسانی که مایل به کمک نقدی باشند، مبلغ مورد نظر خود را به نماینده‌ی داماد می‌پردازند و او هم نام کمک کنندگان و مبلغ کمک را در دفتری ثبت می‌کند تا داماد نیز در آینده، جبران کند. بزرگترها رأساً به پدر و مادر داماد تقدیم می‌کنند.

بعد از صرف شام و جمع‌آوری کمک‌های مالی، مراسم جشن و سرور آغاز می‌شود که با ساز و آواز و فیلم‌برداری و... همراه است. این مجلس جشن تا نصفه‌های شب ادامه دارد و دز ضمن آن، ساعت عروس‌کشان را - که معمولاً ساعت ۹ یا ۱۰ روز بعد است به مهمانان اعلام می‌کنند تا کسانی که مایل هستند در کاروان عروس و جشن عروس‌کشان، شرکت کنند.

۱۵ - ب وورچی *Bewerchi*

«ب وور» به معنی گوشه و «چی» پسوند صفت ساز است به معنی صاحب و دارنده. و

نیز بیانگر شغل و پیشه مثل «کاریچی، تفنگچی و...»

«ب وورچی» اصطلاحاً به زنی می‌گویند که معتمد خانواده‌ی عروس - در خانه‌ی عروس - و داماد - در خانواده‌ی داماد - است. وی در گوشه‌ای از «آی / آلاچیق ترکمنی» یا «اتاق» در نزد (یک جانشین‌ها) می‌نشیند در حالی که صندوقی چوبی، پیش رو دارد و ضمن تحویل گرفتن هدایای مدعوین - که عمدتاً زن هستند - متقابلاً هدایایی تقدیم می‌کند. اگر بخواهیم ارزش مادی این داده‌ها و گرفته‌ها را بسنجیم باید بدانیم که گرفته‌های مدعوین کم ارزش‌تر از داده‌های آن‌هاست. اما از نظر معنوی، (تبرک) به حساب می‌آید که نزد ترکمن‌ها بسیار ارزشمند است.

۱۶ - کُجه‌وه / کجاوه

کجه‌وه در گذشته‌های دور اتاقکی بود از جنس پارچه‌های رنگین و معمولاً چهل تکه (شبه چادرهای سفری) که آن را بر روی شتر یا گاری (اسبی - گاوی) نصب می‌کردند و از درون و برون می‌آراستند. از این اتاقک برای انتقال عروس و ینگه‌های او به خانه‌ی داماد استفاده می‌شد و از سقف آن، زنگی از نوع جرس، شبه ناقوس کلیسا می‌آویختند تا بر اثر حرکت شتر یا گاو، به صدا درآید. صدای زنگ، بیانگر جشن و سرور و عروس کِشان بود. ... اما امروزه «کجه‌وه» اتومبیل‌های آخرین مدل است که به وسیله‌ی گل و گیاه و نوارهای رنگین، تزئین می‌شود و مرکب از دو دستگاه است یکی مخصوص عروس و دو تن از ینگه‌های او، دیگری مخصوص داماد و دوستانش.

در گذشته‌های دور، آن زمان که کاروان عروس کِشان برای رفتن به خانه‌ی عروس آماده می‌شد دوستان داماد خطاب به او می‌خواندند.

تازه دؤنینگ گیداً گِل	کؤنه دؤنینگ قویداً گِل
دوستدان کآن دیر دو شمانینگ	دوشمان دیلین ثؤیدا گِل

ترجمه:

(ای داماد!) جامه‌ی نو بپوش و جامه‌ی کهنه را از تن به در آور. (با این کار خود) زبان دشمن را از حلقومش بیرون بکش که دشمن قزون‌تر از دوست است.

... و دوستی دیگر با او همصدا می‌شد:

کؤینه گی گوگ، کؤره گینگ	کینه‌ئی یوق، کؤره گینگ
اؤز ثؤیگی ثین آلاندور	آرمانی یوق کؤره گینگ

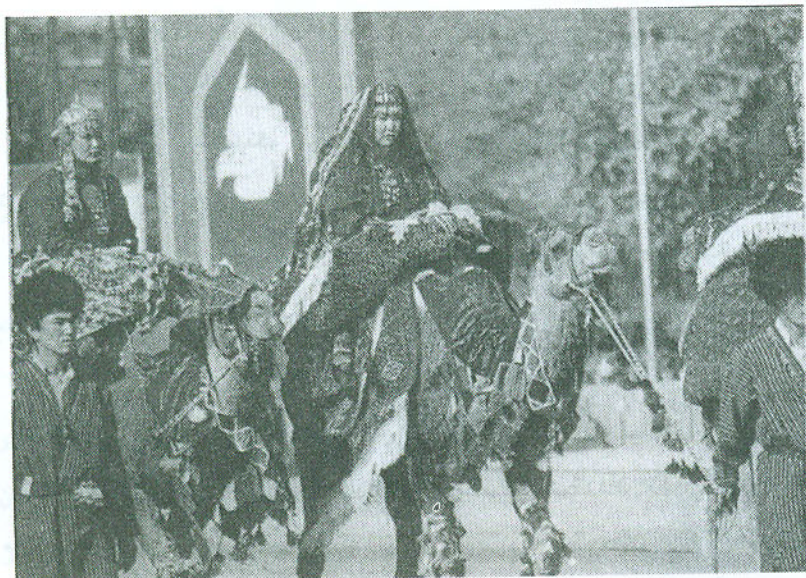
ترجمه:

پیراهن داماد به رنگ آبی است و کینه‌ای در قلبش نیست. او به محبوب خود رسیده است و حسرت به دل نیست.

تصویر زیر، کاروان عروس را با نوع لباس زنان و مردان و پوشش شتران در

روزگاران گذشته نشان می‌دهد. منبع: کاتالوگ ترکمنستان، شماره ۶۰

تصویر شماره ۱



متأسفانه امروزه با مدرنیزه شدن تمام زوایای زندگی، نشانی از آن ساده زیستی دیروزی نیست. بدین جهت ترانه‌های کجه‌وه نیز از یادها رفته است و دیگر آواز آشنایی به گوش نمی‌رسد تا آن گنجینه‌های ارزنده را که صفا بخش روح‌ها و دل‌هاست، زینت بخش فرهنگ عامه‌ی ترکمن کند.

آن زمان که کجه‌وه اتاقکی چادری بر روی شتر بود و عروس را به خانه‌ی داماد می‌آورد، یکی از خواهران داماد یا نزدیک‌ترین زن به داماد، با صدای بلند می‌خواند:

اوون‌ثپ دیدیم اجه‌مه اوّل گیلیان کجه‌وه

قاراشئین گّله جه‌مه بارینگ آیدینگ دیدآمّه

ترجمه:

آن چه می‌آید کجه‌وه است. به مادرم گفتم: «به کجه‌وه آرد بیاش». (۱) به برادرم

۱- آرد پاشیدن به کجه‌وه، نشانه‌ی آرزو برای سپیدبختی است.

بگویید: «منتظر گلجه باش.»

...و خواهری دیگری می‌خواند:

یؤل گؤتار ان شاءالله

آق مایانینگ آغرامنی

قیزگؤتار ان شاءالله

اؤز دوغانمینگ نازینی

ترجمه:

ناز شتر سفید را - که بر آن، کجه وه بسته‌اند - جاده تحمل می‌کند و ناز برادرم را،
عروس خانم، ان شاءالله.

۱۷ - روز عروس کشان

در این روز، دوستان و آشنایانی که مایل به شرکت در کاروان عروس کشان هستند - معمولاً جوان‌ترها - در ساعت مقرر که شب گذشته و در مُصایب جای اعلام شده است، در محل خانه‌ی داماد حاضر می‌شوند و هر یک، وسیله‌ی خاص خود را دارند (در گذشته، اسب و شتر، امروزه، انواع اتومبیل).

در این روز پارچه‌های روسری مانند یا حوله، به هر یک از شرکت‌کنندگان در کاروان عروس - به رسم تبرک - تقدیم می‌شود (هم از طرف خانواده‌ی داماد در شروع حرکت کاروان به سوی خانه‌ی عروس و هم از طرف خانواده‌ی عروس در زمان انتقال عروس به خانه‌ی داماد). این کاروان مرکب از دو بخش است:

الف - کاروان داماد مرکب از جوان‌ها، زن‌ها و دخترها.

ب - کاروان آق سقال‌ها / ریش سفیدها

کاروان ریش سفیدها حدود نیم ساعت قبل از کاروان داماد به عزم خانه‌ی پدری عروس حرکت می‌کند در حالی که یکی از ریش سفیدها مبلغ مهریه را که در مراسم «مال کشمک» توافق شده است در کیف یا ساک دستی خود دارد تا به خانواده‌ی عروس، تقدیم کند. ریش سفیدهای طرف عروس از این گروه استقبال می‌کنند و آن‌ها را بر سر سفره‌ای می‌نشانند که انباشته از انواع میوه و شیرینی است.

پس از احوال‌پرسی و صحبت‌های مقدماتی، یکی از ریش‌سفیدهای طرف عروس به طرف‌های داماد می‌گوید:

- «اوغری خایرلی / راه‌تان خیر باشد.

طرف داماد جواب می‌دهد:

- «اوغری خایرلی / راه‌مان خیر است.

آن‌گاه مبلغ مهریه به ریش‌سفید طرف عروس تحویل می‌شود؛ او نیز پس از بررسی - اگر کم و کسری نداشته باشد - مبلغی جزئی (امروزه حدود ۲ هزار تومان) از مبلغ مهریه - به عنوان تبرک - به ریش‌سفید طرف داماد بر می‌گرداند تا بین کاروان ریش‌سفیدها، تقسیم شود.

بعد از مقدمات فوق، اجازه‌ی انتقال عروس از خانه‌ی پدری به خانه‌ی داماد، صادر می‌شود و همگی «مبارک باد» می‌گویند و آخوند حاضر در مجلس، برای خوش‌یمن شدن این وصلت، آیاتی را از قرآن کریم تلاوت می‌کند. در این هنگام، گروه دوم نیز (کاروان داماد) هلهله‌کنان ورود خود را اعلام می‌کند و حامل هدایایی به شرح زیر هستند:

الف - تعداد یک یا دو رأس گوسفند (بنا به توافق)^(۱).

ب - تعداد ۲ بقچه، هر بقچه محتوی ۱۴ قواره پارچه‌ی پیراهنی، ۱۴ دست شلوار زنانه، دو عدد یابلیق / روسری نازک و ظریف ترکمنی، دو تخته چارقد گلدار ترکمنی، دو عدد دستمال ساده، دو بسته محتوی کشمش و اسکناس ۱۰۰ یا ۲۰۰ ریالی

۱۸ - آياقدان آلمات / گوڤردیک

وقتی زنان همراه با کاروان داماد به خانه‌ی عروس رسیدند. زنان طرف عروس با گرفتن پای زنانی که حامل هدایا هستند جنگی مصلحتی بر پا می‌کنند که در اصطلاح «آياقدان آلمات» خوانده می‌شود و با هلهله و شادی همراه است.

۱۹ - کجه وه کوئیمز

در کشاکش مراسم «آیاقدان آلاماق» زنی با بسته‌های شیرینی وارد می‌شود. به این بسته‌ها «کجه وه کوئیمز» می‌گویند؛ و بیانگر این مفهوم است که عروس خانم از این وصلت پشیمان نخواهد شد. در نتیجه هر دو طرف از جنگ مصلحتی دست می‌کشند.

بعد از این مرحله، هدایای طرف داماد و بقیچه‌های رسیده، بررسی می‌شود؛ آن گاه خانواده‌ی عروس نیز معادل همان بقیچه‌ها (از نظر تعداد) و محتویات آن‌ها، به بقیچه‌های داماد اضافه می‌کند که در نهایت با خود عروس و همراه با جهیزیه‌ی او، به خانه‌ی داماد حمل می‌شود. بعد از این مراسم، از میهمانان با چکدرمه - که غذای سنتی ترکمن است - پذیرایی می‌شود.

۲۰ - مراسم دالاشماق

بعد از مراسم پذیرایی و رخصت ریش سفیدها، نوبت به عروس کشان می‌رسد تا عروس را به خانه‌ی داماد منتقل کنند. در این مراسم، یکی از زن‌های طرف داماد - که معمولاً زن برادر او است - به جانب عروس می‌رود؛ در حالی که یک قواره چاشمو / چادرشب ابریشمین یا قرمز دُون / پوششی ابریشمین و مجلل^(۱) به دست دارد. در این هنگام، مجادله‌ای لفظی و مصلحتی بین او و یکی از زنان طرف عروس در می‌گیرد، بدین ترتیب:

زن طرف داماد: آمدم که عروس را ببریم.

زن طرف عروس: نمی‌گذاریم، نمی‌گذاریم.

در این موقع یکی از زنان طرف داماد، خطاب به طرف عروس می‌خواند:

پنجارامیز آچیق دور اویمز دؤلی آشیق^(۲) دور

۱- راجع به چاشمو و قرمز دون به بخش ۷ پوشاک زنان مراجعه کنید.

۲- آشیق: بچول، یکی از ۷ استخوان میج پا که در تداول عوام «قاب» می‌گویند. در این دو بیتی کنایه از پسرهایی است که به سن بلوغ رسیده‌اند.

قین گۆر ماگین قوداجان^(۱) قیزینگ اوزی عاشیق دور

ترجمه:

پنجره‌ی ما گشوده است و خانه پر از بچول (کنایه از پسر بالغ). ای قودا! دلخور نباش که دخترت عاشق پسر ماست. (پس دخترت را خواهیم برد)

زن طرف عروس با شنیدن سخن فوق کوتاه می‌آید و می‌خواند:

شیله بؤلثا آلا رتیگ کجه وانگه سألار تیگ

قیغنه بؤلدی دیلیمز آلد اگیت گین قودا جان

ترجمه:

اگر چنین است - که می‌گویید - البته دختر را خواهید گرفت و در کجه وه خواهید گذاشت. زبان ما کوتاه است قودا جان! دختر را بگیر و با خود ببر.

در نتیجه، این مجادله‌ی ساختگی نیز مثل مراسم دیگر با هلهله و شادی به پایان می‌رسد پس از آن زن طرف داماد «چاشو» یا «دون» را بر سر عروس خانم می‌اندازد - که نشانه‌ی پیروزی بر طرف عروس است - و به مادر عروس می‌گوید:

- قودا جان! اکنون وقت آن است که با دخترت خدا حافظی کنی. و مادر رو به دخترش می‌گوید:

- دخترم! خدا حافظ، خوشبخت باشی، قدمت در خانه‌ی جدید مبارک باشد.

بعد از خدا حافظی مادر با دختر، نزدیک‌ترین زن به عروس - که معمولاً خواهر یا زن برادر اوست - راه را بر زنان طرف داماد می‌بندد و می‌گوید:

- خلعت من کو؟

...و با گرفتن هدیه‌ای - که معمولاً یک قواره پارچه‌ی پیراهنی است - اجازه‌ی

خروج می‌دهد، اما در مقابل کُجه وه، یکی از برادران عروس منتظر است؛ او نیز با گرفتن

۱- قودا: اصطلاحی است که خانواده‌ی عروس و داماد در خطاب به هم می‌گویند.

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

هدیه‌ای - که امروزه مبلغی در حدود ۲ هزار تومان است - و معمولاً به وسیله‌ی برادر داماد یا یکی از دوستان او پرداخت می‌شود - اجازه می‌دهد که کجه وه و کاروان همراه آن، بی‌هیچ مانعی، حرکت کند. این صحنه‌ی کشمکش بر سر میزان پولی که باید پرداخت شود نیز بسیار تماشایی است. پس از آن، کجه وه آماده‌ی حرکت می‌شود و همراهان داماد یک صدا می‌خوانند:

خالی گتیر گَلْجه پلاس گتیر گَلْجه

ترجمه:

ای گلجه / زن برادر! به عنوان جهیزیه قالی و پلاس بیاور.

...و گروهی دیگر می‌خوانند:

گتیر مه ثنگ گتیرمه باخیت گتیر گَلْجه

ترجمه:

ای گلجه! قالی و پلاس مهم نیست، بخت و اقبال با خود بیاور.

...و اگر کجه وه بر بالای شتر نصب شده باشد، کاروانیان عروس می‌خوانند:

قاییش قاییش گَلْجه ثوردا قاییش گَلْجه

آق مایانینگ اوستیندا قایم قاییش گَلْجه

ترجمه:

ای گلجه! - که بر شتر سفید نشسته‌ای - محکم بنشین و شتر را آهسته بران.

۲۱ - گردش کاروان عروس در خیابان‌های شهر یا روستا

کاروان عروس در ادامه‌ی مراسم فوق، چند دور در خیابان‌های شهر یا روستا چرخانده می‌شود تا عموم مردم از این وصلت آگاه شوند؛ و چون کجه وه به نزدیک خانه‌ی داماد رسید گروهی از مستقبلین - که معمولاً خواهران داماد و زنان فامیل هستند - با صدای

بلند می‌خوانند:

مخمل دۇنا شایلانیپ	گلین گلیار آیلانیپ
دیدام گلیار آیلانیپ	دوغان جیغمینگ تویینا

ترجمه:

عروس خانم می‌آید در حالی که جامه‌ای مخملین بر تن دارد. در جشن برادر عزیزم، برادر بزرگ ترم در تلاش است.

۲۲ - اوون تپمک / مراسم آرد پاشیدن

وقتی که کاروان عروس به در خانه‌ی داماد رسید، مادر داماد با کاسه‌ای آرد آن را متبرک می‌کند. این مرحله را «اوون تپمک» می‌گویند.

آن‌گاه خواهر داماد - یا یکی از نزدیکانش - خطاب به عروس می‌خواند:

اوئتینگ باشینگ چانگ بۇلار	یۇل اوئتیندا اوتورما
اعتبارینگ کم بۇلار	شۇندان دیدام گـلندا

ترجمه:

(ای گلجه!) بر گذرگاه منشین که سراپایت خاک خواهد شد و اعتبارت در نزد برادرم از بین خواهد رفت (کنایه از این است که با هر کس و ناکس معاشرت نکن).

...و خطاب به داماد می‌خواند:

تۇیا گلن تینچی دیر	ایگنه اوجی اینچه دیر
اوزین بۇیلی اینچه دیر	گلینگ گۇرینگ کوراگی

ترجمه:

سر سوزن باریک است و مردم باریک بین. بیایید داماد را ببینید که قامتی بلند و کشیده دارد.

۲۳ - مراسم پول ثچمک

پس از مراسم «اوون ثچمک» نزدیکان داماد بر سر عروس «پول، نقل و نبات» می‌ریزند و گروهی نیز - که معمولاً مرد و از اقوام و دوستان نزدیک هستند - بر یک بلندی می‌روند و چیزی را در اندازه‌ی توپ تنیس یا چاقوی کوچک یا پاشنه کش کفش یا... در بین جمعیت حاضر در صحنه می‌اندازند و به آورنده‌ی شیء پرتاب شده، مبلغی پول که قبلاً اعلام شده است می‌دهند. این صحنه نیز مثل مراسم دیگر و کشمکشی که بر سر گرفتن اشیاء پرتاب شده در می‌گیرد بسیار تماشایی و لذت بخش است.

در مراسم «پول ثچمک» معمولاً زنان، تماشاچی هستند و فقط مردان جوان رقابت می‌کنند. در سواحل دریای خزر، رسم است که شیء پرتاب شده را با توری سبد مانند - که دسته‌ای بلند دارد - در هوا شکار می‌کنند. این توری دسته بلند را که به تور بستکبال شبیه است «گندله gendeleh» می‌گویند که از ابزار ماهیگیری تفنی است.

بعد از مراسم «پول ثچمک» نوبت می‌رسد به پایکوبی دوستان نزدیک داماد و هم سن و سال‌های او. آن گاه دسته جمعی می‌خوانند:

آق شیکرلار یایرادینگ

آق ثماور قاینادینگ

دنگ دوشلارنی اوینادینگ

اوزدیدامینگ تۆییندا

ترجمه:

سماور سفید را به جوش آورید، شیرینی پخش کنید و در جشن عروسی برادرم،
دوستانش را برقصانید.

۲۴ - آایاق اچماق

هدیه‌ای است که خانواده‌ی عروس در روز عروس کشان و قبل از بردن عروس، به داماد تقدیم می‌کند. این هدیه که آن را «آایاق اچماق / پاگشایی» می‌نامند و در مفهوم اجازه‌ی رفت و آمد داماد به خانه‌ی پدری عروس است، در صورتی به داماد داده می‌شود که داماد «طبق قرار قبلی» و همراه با هدایایی برای عروس، یک گوسفند اضافه، در روز عروس کشان

آورده باشد.

۲۵ - مراسم کشتی / گورشمک

از مراسم دیگر عروسی که بعد از «پول ثچمک» صورت می‌گیرد - و در گذشته‌های دور، بسیار رسم بود - مراسم کشتی است که به آن «گورشمک» می‌گویند.

در مراسم کشتی به کسی که زانوی رقیب یا کتف او را به خاک برساند، برنده‌ی مسابقه است و از دست ریش سفید محل، جایزه می‌گیرد. به این جایزه «بایراق» گفته می‌شود. و اگر هر دو در یک زمان به زمین بیفتند کشتی را «چال» می‌نامند یعنی «کامل نیست» و باید دوباره کشتی بگیرند.

قبل از کشتی، روحانی محل، آیاتی از قرآن کریم را تلاوت می‌کند و مردم «آمین» می‌گویند. در کشتی‌های ترکمنی، داور مسابقه «امین» نامیده می‌شود.

فنون کشتی در بین ترکمن‌ها^(۱)

الف - ثورشمه: در این فن، کشتی‌گیر، پای راست خود را میان پاهای حریف قرار می‌دهد و با کمک دست‌هایش او را از زمین می‌کند و با به هم زدن تعادل حریف، او را بر زمین می‌کوبد. این عمل در کشتی آزاد، «پس لنگ» گفته می‌شود.

ب - یان باش: در این فن، کشتی‌گیر، حریف را با تکیه بر پهلوی، از جای می‌کند و بر زمین می‌کوبد.

ج - چوپن: این فن را «باداقی» هم می‌گویند که شبیه فن «ثورشمه» است. در فن «چوپن» کشتی‌گیر، پای خود را از بیرون به پشت پای حریف، قلاب می‌کند و او را بر زمین می‌کوبد. این فن در کشتی آزاد «پلنگ شکن» نام دارد و قدیمی‌ترین فن در کشتی ترکمنی

۱- در این بخش از کتاب «مسیری در تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها - امین گلی، ص ۳۳۷،

است.

د - قاقماق: ضربه زدن ناگهانی را بر پای حریف «قاقماق» می‌گویند؛ به این خاطر که حریف تعادل خود را از دست بدهد و بر زمین بیفتد.

و - قانقرماق: این فن برای خم کردن کمر حریف است.

ه - آیلاماق: کندن حریف را از زمین و چرخاندن او را به دور خود «آیلاماق» می‌گویند. در این عمل، حریف سرگیجه می‌گیرد و تعادل خود را از دست می‌دهد.
تذکر: ترکمن‌ها مربی کشتی را «خلیبه / خلیفه» می‌گویند.

۲۶ - مراسم اسب دوانی:

از مراسم دیدنی در عروسی ترکمن‌ها: مراسم اسب دوانی است که در گذشته‌های دور مخصوصاً در عروسی اشخاص متمول، معمول بود و امروزه خیلی به ندرت، آن هم در روستاها و در سطحی ابتدایی برگزار می‌شود (اما شکل حرفه‌ای آن، همه ساله به صورت مسابقات بهار و پاییزه در شهرهای گنبد کاوس و بندر ترکمن معمول است).

تصویر زیر، نمونه‌ای از مراسم اسب دوانی را در ترکمن صحرا - گنبد کاوس - نشان می‌دهد.

تصویر شماره ۲

منبع: عکاس محلی



و... اما نوع شتر دوانی در ترکمنستان معمول است. تصویر زیر، صحنه‌ای از آن را

نشان می‌دهد.

تصویر شماره ۳

منبع کاتالوگ ترکمنستان شماره ۱۹



۲۷ - قاپی ثاقلاماق

«قاپی / قاپو» به معنی «در» و «ثاقلاماق» به معنی حراست و نگهداری است. در طول زمانی که مراسم «پول ثچمک» ادامه دارد، عروس را به اتاقی می‌برند که به عنوان «حجله» در نظر گرفته شده است. این اتاق یا «ای / آلاچیق» را «اوره‌گی» می‌گویند و قبل از آمدن عروس، تحت اشغال چند زن جوان از خانواده‌ی داماد است. این زن‌ها تا زمانی که مبلغی را از ینگه‌های عروس نگیرند، اجازه‌ی دخول نمی‌دهند. این عمل آن‌ها را «قاپی ثاقلاماق» می‌گویند - که البته کشمکش ینگه‌ها برای دخول عروس به حجله با طرف‌های داماد، از صحنه‌های تماشایی در عروسی ترکمن‌هاست.

ینگه‌های عروس در گذشته‌های دور، حداکثر ۴ نفر بودند اما امروزه تعداد آن‌ها را تا

۱۰ نفر یا بیش‌تر، افزایش داده‌اند.

بعد از وارد شدن عروس به حجله، طرف‌های داماد می‌خوانند:

قارالی - آ، قارالی

قارالی ثین گوریلی

داش‌دان گلیان گلجه!

آچ یوزینگی گوریلی

ترجمه:

چشم‌های عروس ما مثل آلودی سیاه زیباست، ای گلجه / زن برادر! - که چشم‌های
سیاه داری و از راه دور آمده‌ای - بگشای رخ که دیدار چهره‌ی زیبایت آرزوی
ماست.

۲۸ - مراسم قیچی زدن

در «آی / آلاچیق» یا اتاق مجاور اوره‌گی / حجله، عاقد و گروهی از ریش سفیدهای
طرف داماد نشسته‌اند تا خطبه‌ی عقد به وسیله‌ی روحانی محل، جاری شود. در طول مدتی که
مراسم عقد در جریان است، هیچکس حق ندارد به دیوار این اتاق و حجله گاه تکیه کند. این
مراسم با قیچی زدن ۴ نفر در چهار گوشه‌ی آی / اتاق همراه است به این معنی که: «دست و
زبان بدخواهان بریده باد».

۲۹ - وکیل

اعلام رضایت عروس و داماد برای انجام مراسم عقد، در حضور عاقد صورت
نمی‌گیرد بلکه برای هر یک، نماینده‌ای تعیین می‌شود که معتمد هر دو خانواده است. این
معتمد را «وکیل» می‌گویند.

پس از این که وکیل‌ها به حاضرین / «ریش سفیدها» معرفی شدند، روحانی محل که
وظیفه‌ی عقد دختر و پسر را به عهده دارد از وکیل عروس می‌پرسد:

- شما در این محل چه کاری دارید؟

وکیل عروس با اشاره به وکیل داماد می‌گوید:

- از این آقا طلب دارم و باید هم اکنون طلب خود را بگیرم

وکیل داماد با عصبانیتی ساختگی می‌گوید:

- من به شما بدهکار نیستم.

سپس مجادله‌ای لفظی بین آن دو در می‌گیرد و سرانجام با وساطت ریش سفیدها و تعارف شیرینی، این دعوای ساختگی فیصله می‌یابد و صیغه‌ی عقد جاری می‌شود پس از آن، حاضرین از آبی می‌نوشند که با جاری شدن صیغه‌ی نکاح، متبرک شده است و اصطلاحاً «نکاثو / آب نکاح» می‌گویند.

۳۰ - بخشی (۱)

بخشی‌ها هنرمندانی هستند که ضمن نوازندگی، خوانندگی هم می‌کنند. مراسم بخشی خوانی در خانه‌ی پدری داماد و تا نیمه‌های شب ادامه دارد.

بخشی‌ها اشعاری را که معمولاً از شاعران برجسته‌ی ترکمن مثل (مختوم قلی، ملانفس، مسکین قلیچ و...) است، همراه با ساز خود می‌خوانند و حاضرین هدایایی که گاهی پول نقد و گاهی قواری پارچه و روسری است به بخشی، تقدیم می‌کنند.

۳۱ - الدش دیرمک / مراسم دست به دست دادن عروس و داماد

در اولین روز ورود عروس و بعد از پایان مراسم عقد، در حضور جمعی از زنان دو طرف، دست عروس را در دست داماد می‌گذارند. در ضمن این مراسم، زنی از نزدیکان داماد، اشعاری را با صدای بلند و آهنگین می‌خواند که متضمن مسئولیت‌های دو طرف (عروس و داماد) در زندگی مشترک است. اینک مشهورترین اشعار این مراسم را در ذیل نقل می‌کنیم:

خطاب به داماد:

آلاجا کؤینگ گیدرمه	آرپا چؤرک ایدیرمه
توینیق لا، دپدیرمه	آغیزلا، قاپدیرمه
دیه باشین، ایت دیرمه	چؤپرک یؤنگی دیت دیرمه

ترجمه:

پیراهن وصله دار نپوشان، نان جوین مخوران، مگذار که به او آسیبی برسانند یا درشتی کنند. مگذار که شتربانی کند یا ریسنده‌ی پشم نامرغوب شود.

خطاب به عروس:

اوینگدن گلته قاپارثینگ ایزنیگدن گلته دپرتینگ
آشینگ کان دن بیشیرگین قازان زوردن دوشیرگین

ترجمه:

با دشمن رو در رو مبارزه کن و به آدم‌های دو رو - که از پشت خنجر می‌زنند - قاطعانه پاسخ بده. در پختن غذا خسیس نباش بلکه همیشه دیگ را از مواد غذایی پرکن.

خطاب به داماد:

ایینه یوزوک داقادینگ یوزینه گولوپ باقادینگ

ترجمه:

انگشتانش را با انگشتی طلا زینت بده و رفتار با گشاده رویی همراه باشد.

خطاب به عروس:

قافی دن گلثنگ گولده گل ایینگه اوغلان آلدہ گل

ترجمه:

وقتی به خانه آمدی خندان باش (و برای شوهرت) پسری بیاور.

خطاب به داماد:

کیش جیگنی شرفیلادیپ گ زگندن بولماثین
آغز جیگنی مۆنگولادیپ گپ گز دیرگن بولماثین

ترجمه:

امید است که کفش صدادار به پا نکند (کنایه از حرکات ناشایست) بیهوده در خیابان‌ها پرسه نزنند، بی مورد نخندند، و خبرچین در و همسایه‌ها نباشد.

خطاب به عروس:

گلین بؤلۆپ اوتیرمه یاغا بارماق باتیرمه
بوآوادان ییگیدی قاتی یردا یاتیرمه

ترجمه:

به عنوان عروس، بی‌کار و بی‌عار منشین، مواظب باش که انگشتانت در روغن داغ نسوزد (مواظب عاقبت کارهای خود باش) و آسایش این جوان رعنا را فراهم کن.

۳۲ - اوجه آش

بعد از مراسم الدشدیرمه، مراسم اوجه آش برگزار می‌شود و آن، صرف «چکدرمه» غذای سنتی ترکمن است که با برنج و گردن گوسفند تهیه می‌شود و مخصوص عروس و داماد است.

در این مراسم، عروس و داماد به دهان یک دیگر لقمه می‌دهند و در پایان، مبلغی پول در داخل ظرف (پیشدستی) می‌گذارند؛ به عنوان هدیه‌ی عروس و داماد برای آشپز باشی. در مراسم اوجه آش، دوستان داماد هم در اتاقی دیگر حاضر می‌شوند و از آن غذا نصیبی می‌برند.

۳۳ - ت تی / تۆتقی

«ت تی» پرده‌ای است که حجله را به دو بخش تقسیم می‌کند. یک بخش مخصوص عروس و داماد است و بخش دیگر، مخصوص دو تن از ینگه‌های او. این دو تن در حقیقت، محافظ عروس هستند در شب زفاف.

«ت تی» امروزه رسمی است منسوخ و با وجود خانه‌های مجهز به انواع پرده‌ها، وجود

خارجی ندارد. مضاف بر آن، عروس و دامادهای امروزی، در شب زفاف، خانه را خالی از اغیار می‌کنند و هیچ محرم یا نامحرمی را به حریم خود راه نمی‌دهند.

در شب زفاف (قبل از شام)، داماد چند تن از دوستان نزدیک خود را به حجله راه می‌دهد و عروس خانم با چای، میوه و شیرینی از آن‌ها پذیرایی می‌کند اما آن‌ها حق ندارند چهره‌ی عروس خانم را ببینند و در نهایت، با تقدیم هدایایی، خداحافظی می‌کنند.

بعد از رفتن دوستان داماد، چند تن از نزدیک‌ترین زنان فامیل، دسته جمعی می‌خوانند:

کۆرک باغا باراندير باغینگ گولين يۇلاندير
باغینگ گۆلى باهانا یارجا غازنی گؤراندير

ترجمه:

داماد وارد باغ شد تا گلی از باغ بچیند، گل باغ بهانه است، او به دیدار یار خود رفته است.

۳۴ - قایتارما

«قایتارما» مراسمی است که در آن، عروس خانم را بعد از شب زفاف به خانه‌ی پدری باز می‌گردانند. این بازگشت و اقامت در خانه‌ی پدری، در گذشته‌های دور، گاهی تا ۲ سال طول می‌کشید. در تمام طول این مدت، زن و شوهر مخفیانه یک دیگر را ملاقات می‌کردند؛ در نتیجه، گاه اتفاق می‌افتاد که دختر، بعد از دو سال اقامت در خانه‌ی پدری بچه بغل به خانه‌ی شوهر باز گردد. اما امروزه این مراسم به بوته‌ی فراموشی سپرده شده است و اقامت دختر در «قایتارما» از یک هفته تجاوز نمی‌کند.

۳۵ - باش ئالماق

قبل از مراسم «قایتارما» از طرف خانواده‌ی داماد بر سر عروس خانم «آلناقى / آلا‌دنگى = آلا‌دنگى» می‌گذارند که مراسم «باش ئالماق» نامیده می‌شود.

«آلناقى» نشانه‌ی شوهردار شدن دختر است و در گذشته‌های نه چندان دور - حدود

۴۰ سال پیش - دستاری بود که زنان بر سر خود می‌بستند (پیشانی بند) و امروزه از جنس موکت است که آن را پارچه پیچ و تزئین کرده‌اند.

«آلناق» که امروزه زنان شوهردار بر سر می‌گذارند، دایره‌ای است نوار مانند به عرض تقریبی ۲ سانتی متر که مثل تاج بر سر زن شوهر کرده قرار می‌گیرد و سبب می‌شود که چارقد گلدار یا روسری نازک در جای خود ثابت بماند. (ر.ک. به بخش ۷ پوشاک زنان).

بخش دوم - مسکن ترکمن‌ها

۱- نوع و انواع آن

۲- مراحل و فرآیند ساختن آن و اصطلاحات مربوط به آن

۳- تزئینات و مبلمان آن

۴- مبلمان و وسایل آن

۵- مسکن ترکمن‌ها در گذشته

بخش دوم - مسکن ترکمن‌ها

- ۱ - اُی / آلاچیق و انواع آن
- ۲ - مراحل و مراسم برپایی اُی و اصطلاحات مربوط به آن
- ۳ - ذکر خنجر، نحوه‌ی اجرا و شعر مربوط به آن
- ۴ - مراحل برچیدن اُی
- ۵ - ترکمن‌ها بعد از اسکان



مسکن ترکمن‌ها

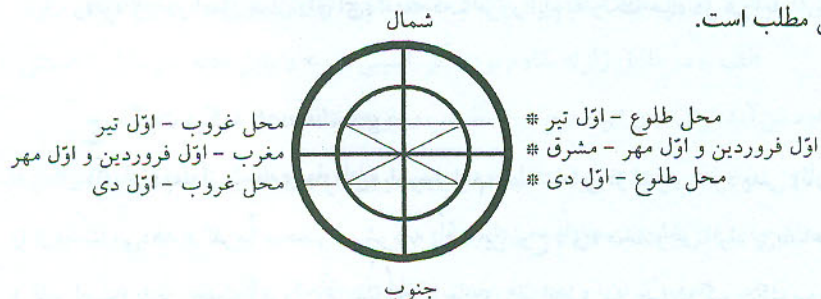
مسکن ترکمن‌ها را با توجه به این که در ابتدا کوچ نشین بودند و در این صد سال اخیر، به تدریج، یک جانشین شدند. از نظر فنی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱ - ای OY ۲ - تام Tam ۳ - ساختمان‌های مدرن امروزی

۱ - ای و انواع آن

«ای» و به قول فارسی زبان‌ها «آلاچیق»؛ خاص ترکمن‌های کوچ نشین است. این آلاچیق‌ها به علت سبک بودن، قابل حمل بودن و آسان بودن در نصب و برچیدن، از آغازین روزهای حیات، مورد توجه ترکمن‌ها بوده است و به عنوان نمادی از فرهنگ مادی ترکمن شناخته می‌شود.

«ای» برای ترکمن‌ها جایی فقط برای خوردن و خوابیدن و استراحت کردن و... نیست، بلکه به منزله‌ی رصد خانه‌ای نیز به شمار می‌رفت که با کمکِ چهارگانه‌ی آن، محل طلوع و غروب خورشید را در اوقات مختلف سال تعیین می‌کردند. شکل زیر بیانگر این مطلب است.



«آی» از نظر شکل و رنگ بر سه نوع است:

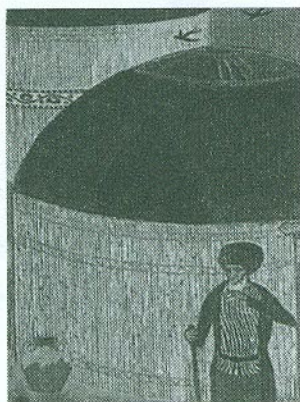
الف - آق آی *Ag-Oy*

«آق آی» یا خانه‌ای به رنگ سفید، چادری است به شکل نیم کره، دارای اسکلتی چوبی از چوب‌هایی به نام «تارم - آق - تۆنیک».

«آق آی» مخصوص اعیان و ثروتمندان بود و سه تا چهار سال اول ساخت، به همین نام شناخته می‌شد اما پس از آن، به علت روشن کردن آتش در اجاق داخل و دود حاصل از نیمسوز شدن هیزم، به تدریج سفیدی خود را از دست می‌داد و به رنگ تیره، بعد به رنگ سیاه در می‌آمد. در این مرحله «قره‌آی / چادر سیاه» خوانده می‌شود. تصویر زیر نمونه‌ای از آق آی را نشان می‌دهد.

منبع: *Painting of soviet turkmenia*

تصویر شماره ۴



ب - قره‌آی *qara - oy*

«قره‌آی» در اصل همان «آق آی» است که با مرور ایام به رنگ سیاه در می‌آید.

ج - گوت دیکمه *got-dikmah*

«آق آی» بعد از مرحله «قره‌آی» با مرور ایام، قسمت‌هایی از اجزای خود یعنی «تارم» را از دست می‌دهد و تقریباً منحصر می‌شود به «آق» این نوع «آی» مخصوص افراد بی‌بضاعت و فقیر است؛ بدین جهت آن را «غریب آی / خانه‌ی فقیرانه» و به جهت کوچک بودن

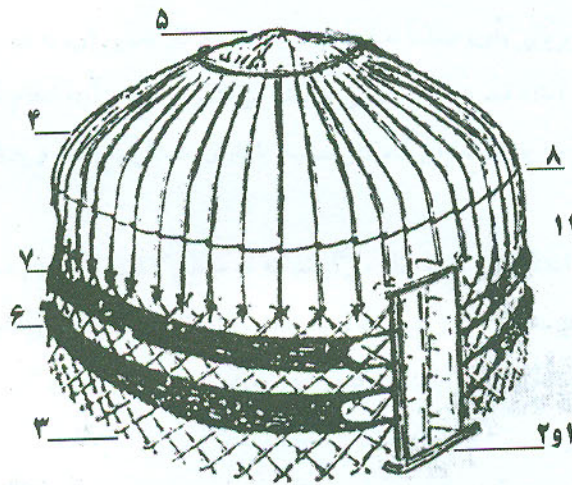
«کچی جیک‌ای / خانه‌ی کوچولو» نیز نامیده‌اند.

«ای» با تمام خصوصیات که برشمردیم، اسکلتی چوبی است، سبک و قابل حمل با پوششی نمدی و اجزای آن به نام‌های زیر است:

- ۱ - چهارچوب در ۲ - لت‌های دوگانه‌ی در ۳ - تارم / گوزه نک ۴ - اُق
- ۵ - توینیق ۶ - دوورلیق یا قا ۷ - بیل یول ۸ - دوزی ۹ - ثرپک ۱۰ - نمد
- ۱۱ - دول

تصویر زیر «اسکلت چوبی ای» و اجزای آن را نشان می‌دهد.

منبع: ایرانیان ترکمن، به نقل از مقالات مردم‌شناسی، دفتر اول تصویر شماره ۵



ترکمن‌ها در قدیم «ای» را به دلیل قبه‌ای شکل بودن، قبه‌ای از قبه‌های بهشت می‌دانستند و آن را مظهر سلامتی و نشانه‌ی سخاوت و آسایش می‌شمردند؛ به دلایل زیر:

الف - در مقابل زلزله مقاوم بود؛ اگر آسیبی هم به وسایل خانه - وسایل شکستی - وارد می‌آمد برای جان افراد هیچ نوع نگرانی وجود نداشت.

ب - در ورودی بدون قفل بود و همیشه برای ورود مهمان آماده. زیرا ترکمن‌ها، مهمان نوازی را نشانه‌ی سخاوت می‌دانستند.

ج - نصب کردن، برچیدن و حمل و نقل «ای» آسان بود.

به خاطر این محاسن است که ترکمن‌ها «اُی» را بر «تام *am*» یعنی خانه‌های گلی یا خشتی یا آجری ترجیح می‌دادند. ضرب‌المثلی ترکمنی می‌گوید:

«تام دم قشما ایه‌ئی» اُی تاغلی غینگ ئویه‌ئی.

ترجمه: تام موجب تنگی نفس است و اُی پایه‌ی سلامتی.



۲ - مراحل و مراسم برپایی «ای» و اصطلاحات مربوط به آن

کار برپایی «ای» عمدتاً به عهده‌ی زن‌هاست و کار تعمیر آن، به عهده‌ی مرد‌ها. چون مقدمات کار آماده شد چند تیر هوایی شلیک می‌کنند و مفهوم آن، اعلام شادی برای آغاز یک زندگی جدید است. آن گاه کار نصب، با یاری حداقل پنج نفر و به شرح زیر آغاز می‌شود:

۱ - ابتدا زمینی را در نظر می‌گیرند که از سطح کلی یورت / سرزمین و محل زندگی، بلندتر باشد و اگر زمینی بلندتر یافت نشد با استفاده از خاک زمین‌های اطراف، زمینی را بلندتر از سطح یورت، ایجاد می‌کنند تا در مواقع بارندگی از نفوذ آب به داخل «ای» جلوگیری شود.

۲ - بعد از آماده شدن زمین، ابتدا چهارچوب در را نصب می‌کنند. در زمان کوچ می‌توان اجزای چهارچوب را از هم جدا کرد - بعد از نصب چهارچوب، زاویه‌های آن را با طنابی، محکم می‌کنند تا ثابت بماند.

۳ - بعد از نصب چهارچوب، نوبت به اتصال «در» به چهارچوب می‌رسد. «در» تخته‌ای است مرکب از دو «لت».

۴ - بعد از نصب چهارچوب و اتصال «لت» به آن، نوبت به نصب «تارم» یا «گوژنک» *gozenek* می‌رسد.

«تارم» شبکه‌ای از چوب‌های جمع شونده است که به صورت ضربدری یکدیگر را

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

قطع می‌کنند و مرکب از چهار بخش است. ابتدا دو بخش را به دو طرف چهارچوب، نصب می‌کنند و بعد، دو بخش دیگر را به انتهای آن‌ها وصل می‌سازند؛ در نتیجه، استوانه‌ای به وجود می‌آید به شکل نیم کاسه، این استوانه، محل زندگی افراد خانواده است.

۵- «اُق» تعدادی چوب نیمه کمانی است که یک سر آن به محل تقاطع چوب‌های «تارم» و سر دیگرش به یکی از سوراخ‌های «توینیق» وصل می‌شود. محل اتصال «تارم» و «اُق» به صورت ضربدر است که آن را «دؤل» می‌گویند.

۶- توینیق *Toynig*: «توینیق» بالاترین نقطه‌ی «اُی» یعنی قسمت فوقانی «اُق» است که قطب سقف را تشکیل می‌دهد، در پیرامون «توینیق» سوراخ‌هایی تعبیه شده است که سر «اُق» در داخل یکی از آن سوراخ‌ها و سر دیگرش به قسمت فوقانی «تارم» یعنی «دؤل» وصل می‌شود.

نصب «توینیق» که باید همزمان با نصب «اُق» باشد از مشکل‌ترین مرحله‌ی برپایی «اُی» است و حداقل به پنج نفر نیاز دارد؛ بدین ترتیب که دو نفر در داخل «استوانه‌ی تارم» سر «اُق» را به داخل یکی از سوراخ‌های «توینیق» می‌گذارند و زنان خارج از تارم، سر دیگر اُق را به «دؤل» یعنی بخش فوقانی و ضربدری شکل تارم وصل می‌کنند. در تمام این مدت، نفر پنجم «توینیق» را با دیرکی چوبین در فضای بالای «اُق» نگه می‌دارد تا زن‌های داخل تارم، قادر به وصل «اُق» به «توینیق» باشند. وقتی چهار «اُق» در چهار جهت وصل شد، اتصال دیگر اُق‌ها آسان‌تر است زیرا که آن چهار اُق جانبی به منزله‌ی ستونی، «توینیق» را در هوا نگه می‌دارد.

از توینیق، طناب مخصوصی آویزان می‌کنند که به آن «توینیق یوپ» یا «توینیق باق» می‌گویند که حافظ «سقف اُی» است. بدین ترتیب که در زمان طوفان یا باد شدید به انتهای «توینیق باق» کیسه‌ی شن یا خاک یا... می‌بندند تا باد «سقف اُی» را نبرد.

۷- بعد از اتصال «اُق‌ها» به «توینیق» و «تارم» نوبت به «دوزی *Duzi*» می‌رسد. دوزی نواری است باریک و بافته شده از پشم گوسفند که به وسیله‌ی آن «اُق‌ها» را به هم وصل

می‌کنند؛ بدین ترتیب که همچون کمربندی به دور «اق‌ها» می‌کشند تا «اق‌ها» از جای خود تکان نخورد و محکم و قرص باقی بماند.

۸- در این مرحله برای محکم شدن «تارم» نواری به نام «دوورلیق یاقا»^(۱) به دور تارم می‌پیچند که از پشم گوسفند بافته شده است.

۹- در بخش فوقانی «دوورلیق یاقا» و موازی با آن، نوار دیگری به دور تارم می‌پیچند که پهنای آن، کمتر از پهنای «دوورلیق یاقا» است و «بیل یول *bil-yol*» نامیده می‌شود.

۱۰- اورقن *Orqen*: طنابی است کلفت که از آن برای ثابت نگهداشتن «ای» استفاده می‌کنند بدین طریق که آن را در پشت ای از دو طرف می‌آویزند و دو سر آن را به میخ‌های چوبی که بر زمین کوبیده‌اند، وصل می‌کنند.

۳- ذکر خنجر، نحوه‌ی اجرا و شعر مربوط به آن

پس از اتمام مراحل برپایی اُی، زنان قامیل، قواره‌ی پارچه یا بسته‌ی پول به عنوان هدیه از «توینیق» می‌آورند تا جوان‌های حاضر در مراسم با پرش‌های شادمانه، آن هدایا را برای خود بردارند که «بایلیق / ثروتمند شدن» نامیده می‌شود. آن گاه نوبت به ذکر خنجر / رقص خنجر می‌رسد که در داخل اسکلت چوبی / «اُی» اجرا می‌کنند و بسیار تماشایی است. تصویر زیر نمونه‌ای از رقص خنجر را در فضای آزاد نشان می‌دهد.

تصویر شماره ۶

منبع: عکاس محلی



فلسفه‌ی رقص خنجر را باید در اعتقادات قومی و فرهنگی ترکمن‌ها جست و جو کرد که از گذشته‌های دور به یادگار مانده است و در واقع، نمایشی (هنری، رزمی، نیایشی) است؛ همراه با حرکاتی هماهنگ و موزون که جلوه و شکوهی خاص دارد و تماشاگر را نیز،

همچون مجریان آن، در حالتی رویایی فرو می‌برد.

درباره ریشه تاریخی ذکر خنجر می‌توان به نکات زیر، اشاره کرد:

۱ - به رقص دراویش نقشبندیه شبیه است و مروج آن را «مَشْرَب دَالی» یکی از یاران و شاگردان بهاءالدین محمد نقشبندی می‌دانند.

۲ - در کتاب «مراسم آیینی و تأثر، ص ۲۱» آمده است که رقص خنجر ترکمن‌ها همانند «آیین گوات» در بلوچستان و «آیین زار» در خلیج فارس است و معمولاً برای مداوای بیماران روحی اجرا می‌شود.

۳ - این رقص، به آیین پرخوانی نیز شبیه است. پرخوانی یعنی زیاد خواندن اوراد، همراه با حرکات نمایشی دست و پا که یادآور «شمانیسم» و کارهای «شمن‌ها» است.

شمن‌ها برای تحت کنترل در آوردن ارواح نامرئی و نجات بیمار روحی، حرکاتی چرخشی و جهش‌هایی رقص‌گونه انجام می‌دادند در حالی که شمشری آخته و آتشین بر دست داشتند. به علت شباهت این حرکات با حرکات کسانی که رقص خنجر را اجرا می‌کنند، شاید بتوان گفت که ذکر خنجر، صورت تحول یافته‌ی اعمال «شمن‌ها» در «شمانیسم» باشد و اینک برای تقرب به خدا محسوب می‌شود.

۴ - ترکمن‌ها بنا به شرایط زیست محیطی، همیشه در معرض هجوم اقوام مختلف بودند. بر این اساس چاره‌ای نداشتند جز این که همیشه در حالت دفاعی باشند و با آموزش فنون نظامی، خود را قوی، پر توان و مصمم نگاه دارند. رقص خنجر با نقش مایه‌های مذهبی سبب می‌شود که این روحیه در آن‌ها تقویت شود.

نحوه‌ی اجرای مراسم ذکر خنجر

۱ - در اجرای این هنر رزمی، نمایشی، نیایشی از لحاظ تعداد مجریان، محدودیتی وجود ندارد ولی معمولاً از ۵-۷-۹-۱۱ نفر تجاوز نمی‌کند.

۲ - یکی از مجریان، وظیفه‌ی رهبری و غزلخوانی گروه را به عهده دارد.

۳ - این هنر در هر مکانی (باز - بسته) قابل اجراست.

۴ - رهبر گروه و مجریان، جامه‌ای بلند و قرمز می‌پوشند که جامه‌ی سنتی

ترکمن‌هاست؛ و خنجری بر کمر می‌بندند.

۵ - مجریان این هنر رزمی، نیایشی، نمایشی در دو ردیف و مقابل هم قرار می‌گیرند آن چنان که قادر به دیدن رهبر گروه و حرکات او باشند.

۶ - وقتی گروه نمایشی در مقابل مردم قرار گرفت رهبر گروه، غزلی عارفانه را با صدایی گرم، شمرده و آهنگین می‌خواند؛ این اجرا را «دورماغزل / غزل آغازین» نام نهاده‌اند. در این دور، همگی مجریان، دست‌های خود را در حالت نیایش به سوی آسمان بلند می‌کنند. آن گاه در بخشی از غزل و با اشاره‌ی رهبر گروه از ته گلو «هووه» می‌گویند که در حقیقت، همان «یاهو» گفتن است.

۷ - در این مرحله و با اشاره‌ی رهبر گروه، این «هووه» گوها با زدن یک پا بر زمین، هماهنگ با رهبر گروه، عقب و جلو می‌روند و به تدریج آهنگ عقب و جلو رفتن را سریع‌تر می‌کنند. این حرکات، با خشن‌تر کردن تپ صدا همراه است. با رسیدن بازیگران به اوج هیجان روحی، رهبر گروه تشخیص می‌دهد که باید مجریان را به دور سوم هدایت کند.

۸ - این مرحله را «اچ دییم / سه ضربه‌ی پا» می‌نامند. در این مرحله، مجریان از حالت تقابل به حالت چرخش در می‌آیند و در طی سه گام به مرکز دایره می‌رسند، آن گاه که این حرکات چند بار تکرار شد، رهبر گروه، لفظ «خنجر» را بر زبان می‌آورد. و گروه در مرکز دایره، خنجرهای خود را در بالای سر به هم می‌رسانند که نشانه‌ی یکی شدن همه‌ی قبایل و طوایف ترکمن است؛ یعنی رسیدن از کثرت به وحدت.

شعر رقص خنجری

ترجمه

بخش اول:

ایا دو ثلار، برادر لار، الیمدان شو نقاریم اؤشدی
ای یاران! ای برادران! شاهین من پر کشید و رفت.
توتای دیتم قؤلیم بیتمز، ایکی باقیم اوزلیپ قاشدی
قادر نیستم بگیرمش، چون که دستهایم از تنم
آمین خدا، آمین - هو، ها، هو
جداست، ای خدا ایمان آوردم به تو، ایمان آوردم به تو، هو، ها، هو

بخش دوم:

ای کریم بو یا کریم، قادر خدا ثندان مدد
 بارچالارینگ آتاشی، آدم حوآئندان مدد
 هر نه بؤلقای کل عالم، انبیاء ثندان مدد
 فخر عالم، حق حبیبی، مصطفی ثندان مدد
 هو، ها، هو
 خداوندا! تو کریمی، تو توانای رحیمی،
 یاری‌ام ده. ای آدم ابوالبشر: ای حوا!
 یاری‌ام ده. ای رسول کاینات! یاری‌ام ده.
 ای فخر زمان، ای حبیب خدا ای مصطفی
 (ص)! یاری‌ای ده، هو، ها، هو



بخش سوم:

ای آلائی ای آلائی ای آلائی ای آلائی
 ای گوزیم ثنی، ای گوزله یار - ای دیلیم ثنی
 ای ثوزیله یار - ای قلبیم ثنی ای ایسته یار
 آلائی آلائی آلائی
 ایسته یار ای آلائی آلائی
 ایسته یار هو، ها، هو
 ای خدا، ای خدا، ای خدا، چشمانم دیدار تو
 را می‌جوید، زبانم گفتار تو را می‌پوید، ای
 خدا، ای خدا، قلبم حضور تو را می‌طلبد. ای
 خدا، ای خدا تو را می‌خواهم تو را
 می‌خواهم - هو، ها، هو



پس از مراسم «بای لیق» و «رقص خنجر» نوبت به نمدپیچی اسکلت چوبی می‌رسد و
 نمد که ترکمن‌ها به آن «کچه» می‌گویند، انواعی دارد. (۱)
 پس از انجام کار نمد پیچی به دور تارم نوبت به «قولانگ» می‌رسد و آن نواری است
 از پشم گوسفند به عرض ۲۰ سانتی متر که برای محکم کردن نمد به دور تارم به کار می‌رود.
 نمدپیچی به دور تارم دو فایده دارد:

الف - در زمستان از نفوذ سرما به داخل «ای» جلوگیری می‌کند.

ب - در تابستان از نفوذ نور شدید خورشید به داخل، مانع می‌شود.

در زمستان، علاوه بر پوشش‌های فوق، از پوشش ضخیم‌تری به نام «کِشِمِه /

Keshemeh» نیز استفاده می‌شود و آن در موقعی است که سرما خیلی شدید و غیر قابل تحمل

باشد.

۹ - بعد از مرحله‌ی برپایی اسکلت چوبی و نمدپوشی آن، نوبت به حصیر پوشی اطراف تارم می‌رسد. حصیرها از جنس «نی» است و «قامیش / *qamish*» نامیده می‌شود. ترکمن‌ها برای تهیه‌ی حصیر / قامیش، ابتدا «نی» را با چاقو در سه بخش طولی، شکاف می‌دهند و برای این که کاملاً به صورت الیاف درآید با «نی کوبه» به صورت نوار در می‌آورند آن گاه نوارهای حاصله را به شکل زیر می‌بافند.

تصویر شماره ۷

منبع: نشریه ترکمنستان *Painiting of soviet turkamenia*

یک قسمت از قامیش - که در انتهای «آی»، بخش شمالی و روبه‌روی در ورودی قرار دارد - متحرک است و قابل جدا شدن از «تارم». این قسمت را در تابستان از تارم جدا می‌کنند تا امکان جریان هوا در داخل «آی» فراهم شود.

بعد از پایان کار حصیرکشی، نوبت به تزئین بخش بیرونی آن می‌رسد؛ برای این کار، نواری را به عرض سی سانتی متر به دور حصیر می‌پیچند که از پشم گوسفند بافته شده است و معمولاً به نقش کاروانی از شتر منقش است و شاید نمادی باشد از کوچ رو بودن ترکمن‌ها. تصویر صفحه بعد نمونه‌ای از آن است.



سیستم حرارتی‌ای، اجاقی است که در کنار در ورودی ایجاد می‌شود. این اجاق، هم برای گرم کردن داخل‌ای است و هم وسیله‌ای برای پختن غذا و نان در فصل زمستان. در گوشه‌ای از‌ای تالارچه‌ای نصب می‌کنند که به آن «پ ورتلار»^(۱) می‌گویند. و کف‌ای را با گیاهی به نام «قیلدرقن»^(۲) یا کاه خشک، می‌پوشانند تا مانع نفوذ رطوبت شود. در بیرون از‌ای نیز حصاری به نام «چالی chali» درست می‌کنند که برای ذخیره‌ی آذوقه یا... اختصاص دارد.

ترکمن‌ها «ای» را معمولاً رو به جنوب نصب می‌کنند. این کار به خاطر جلوگیری از نور مستقیم آفتاب است و نیز برای در امان ماندن از بادهای شمالی، غربی، شرقی. در هنگام طوفان، چند میخ چوبی در اطراف‌ای بر زمین می‌کوبند و با طناب «ثرپک»^(۳) را بر آن، وصل می‌کنند. ای بعد از آماده شدن به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود:

الف - بخش مردان ب - بخش زنان

در بخش مردان (آرد، غله، صندوق لباس، رخت خواب و...) نگهداری می‌شود و در بخش زنان، خوراک می‌پزند. کودکان هم در بخش زنان هستند.

هر یک از اعضای خانواده در بخش مخصوص به خود زندگی می‌کنند، در همان جا می‌خورند، در همان جا نیز می‌خوابند اما به محض ورود مهمان، بین این دو بخش پرده‌ای می‌کشند که به آن «ت تی» می‌گویند.

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

هنگامی که پسر بزرگ ازدواج کرد و از خانواده جدا شد، اُی او را در سمت راست اُی پدر برپا می‌کنند و پسرهای دیگر در سمت چپ خواهند بود. بدین ترتیب «پدر» در هاله‌ای از حمایت فرزندان خود قرار می‌گیرد و این کار نوعی چتر حمایتی محسوب می‌شود.

پس از برپا شدن اُی، صاحب آن، گوسفندی را ذبح می‌کند و با ترکیبی از گوشت آن و برنج و روغن کنجد (امروزه روغن نباتی‌های منجمد) چکدرمه می‌پزند - که غذای سنتی ترکمن‌هاست - آن گاه کسانی را که در برپایی اُی یاری کرده‌اند و نیز همسایگان را اطعام می‌کنند که عنوان آن «اُی صدقه» است. یعنی صدقه‌ای به شکرانه‌ی برپا شدن اُی. در تمام صدقه‌های ترکمن، حتماً آخوند محل حضور دارد که در پایان صرف غذا، آیاتی را از قرآن کریم تلاوت می‌کند و حاضرین «آمین» می‌گویند.

۴ - مراحل برچیدن اُی

برچیدن اُی از برپا کردن آن آسان تر است بدین ترتیب:

الف - نخست طناب‌های بیرون را باز می‌کنند که به میخ‌های چوبی و فرو رفته در زمین بسته شده است.

ب - طناب‌ها و نوارهای اُق‌ها و ثرپک را باز می‌کنند.

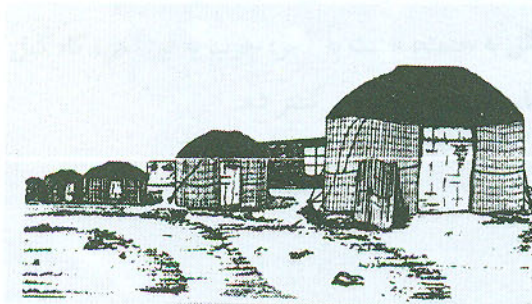
ج - تُوینیق، اُق‌ها و تارم‌ها را به ترتیب از بالا به پایین بر می‌چینند.

د - باز کردن چهار چوب در و (لت‌های دوگانه‌ی آن) مرحله‌ی پایانی کار است.

ترکمن‌ها مجموعه‌ی «اُی» را در یک محل «اُبه» *obeh* می‌گویند که همان ده یا روستا در زبان فارسی است. در یک اُبه، اُی‌ها معمولاً کمی دور از هم بنا می‌شوند برای این که هر خانواده‌ی گسترده‌ی ترکمن، جای کافی برای نگهداری دام‌های خود - در هنگام بازگشت از چرا - داشته باشد. تصویر زیر، نمونه‌ای از اُبه است.

منبع ایرانیان ترکمن

تصویر شماره ۹



در هر اُبه افراد مسن که صاحب تجربه‌ی کافی در امور زندگی هستند مورد مشورت قرار می‌گیرند و از احترام خاصی برخوردار هستند. این افراد را «یاشولی» می‌گویند. «یاشولی‌ها» قدرت تصمیم‌گیری ندارند اما معمولاً دیدگاه‌های آن‌ها در مورد مسائل مطروحه و مشکلات موجود در بین ساکنین «اُبه» مورد تأیید کدخداها قرار می‌گیرد.

۵ - ترکمن‌ها بعد از اسکان

بعد از سیاست اسکان ترکمن‌ها به وسیله‌ی دولت‌های روس و ایران، این قوم دام دار و کوچ رو، مجبور به یک جانشینی شدند و در ضمن دام داری در همان محل اسکان به کشاورزی نیز پرداختند؛ آن گاه «آی» به تدریج تبدیل به «تام *tam*» شد. مواد اولیه‌ی «تام» گل، کاه، چوب و نی بود و معمولاً مرکب از دو اتاق با یک سایبان که «ایوان» نامیده می‌شود، ساخته می‌شد.

طرز ساخت «تام» چنین بود که از خاک اطراف، گل درست می‌کردند و با مخلوط کردن گل و کاه، گلوله‌هایی به اندازه‌ی توپ‌های پلاستیکی کودکان، می‌ساختند. این گلوله‌های کاه و گل را به جای آجر یا خشت خام، روی هم می‌چیدند و خانه‌ی جدید را «پالچیق تام / خانه‌ی گلین» می‌گفتند و چون چهار دیواری تام آماده می‌شد، آن را با تیرهای چوبی می‌پوشانیدند و در نهایت، نی‌های پاک شده از پوسته را به آن تیرها دانه دانه می‌بافتند. آن گاه، روی آن را با گل آمیخته با کاه، گل اندود میکردند.

به تدریج گل به خشت، خشت به آجر، چوب به تیر آهن، کاه گل به سنگ‌های ترینی و پشت بام‌ها، تبدیل به انواع عایق گستر شد.

بخش سوم - منابع درآمد در اقتصاد خانواده

۱ - کشاورزی

۲ - دام پروری

۳ - ماهی گیری

۴ - شکار

۱- کشاورزی

ترکمن‌ها در سال‌های قبل از قرن ۱۹ میلادی عمدتاً به صورت کوچ نشین بودند و دام پروری در سبد اقتصادی آن‌ها نقش عمده‌ای داشت.

از آغاز قرن ۱۹ میلادی در کنار دام پروری به کار زراعت نیز علاقمند شدند اما چندان پای بند آن نبودند؛ یعنی در فصل کاشت، می‌کاشتند و بعد در پی دام و دانه می‌رفتند. آن‌گاه که فصل برداشت می‌رسید، باز می‌گشتند تا آن‌چه را که کاشته بودند، جمع‌آوری کنند. در این ایام، محصول عمده‌ی آن‌ها گندم، جو، ذرت، ارزن، کنجد و... بود.

از آغاز قرن ۲۰ کشت پنبه نیز در زمین‌های ترکمن‌نشین به عنوان یک محصول استراتژیک مورد توجه قرار گرفت و کارخانه‌های مدرن پنبه پاک‌کنی، در کنار کارخانه‌های آرد در شهرهای (گرگان، گنبد، علی‌آباد، کلالة، بندر ترکمن، آزادشهر) یکی از پس از دیگری سر به آسمان سایید و انواع ماشین‌های مدرن کشاورزی به جای وسایل سنتی به خدمت گرفته شد.

اینک هم ترکمن‌های ایران و هم ترکمن‌های ترکمنستان، علاوه بر کشت پنبه، گندم، جو و.... در باغ‌داری، صیفی‌کاری و سبزی‌کاری نیز فعالیت چشمگیر دارند؛ به طوری که محصولات آن‌ها در زمینه‌های انار، انجیر، انگور، هندوانه و... اهمیت ویژه‌ای دارد.

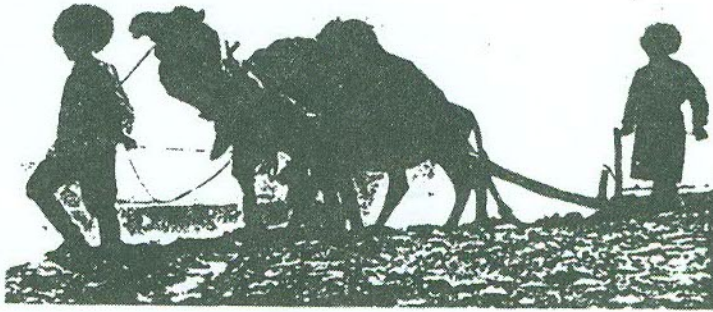
ترکمن‌های ایران تا نیمه‌ی اول قرن ۲۰ برای کشت زمین از ساده‌ترین ابزار شخم‌زنی به نام «آزال» استفاده می‌کردند که در زبان فارسی «خیش / گاو آهن» خوانده می‌شود. این

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

وسیله‌ی شخم زنی یعنی «آزال» را به اسب یا گاو یا شتر می‌بستند و زمین را شخم می‌زدند. تصویر زیر نشانگر این نوع زراعت است.

تصویر شماره ۱۰

منبع: کاتالوگ شماره‌ی ۶۰ ترکمنستان



کار درو کردن نیز با وسایل ابتدائی بود که ترکمن‌ها «اوراق» می‌گویند و «داس» معادل آن، در زبان فارسی است.

ترکمن‌ها از «اوراق» برای برداشت محصولات گندم، جو، نخود و برنج استفاده می‌کردند؛ آن گاه، محصول را با وسیله‌ای به نام «ارابه»^(۱) که با دو گاو تر کشیده می‌شد به «خرمن جای» منتقل می‌کردند و به شکل گنبدی نوک تیز روی هم می‌چیدند تا در صورت بارندگی، از نفوذ آب باران به دانه‌های محصول، جلوگیری شود.

بعد از انباشتن محصول در خرمن جای، کار جدا کردن دانه از ساقه و خوشه شروع می‌شد. این کار، بسته به میزان محصول، تا پایان تابستان ادامه داشت. ترکمن‌ها عمل خرمن کوبی را در آن سال‌ها به وسیله‌ی یک یا چند گاو تر و گاهی اسب به سامان می‌رسانیدند. این اسب‌ها نسبت به اسب‌های مسابقه از نژاد پست‌تر و مخصوص کار بودند و «یاوی / یابو» خوانده می‌شدند.

«یاون / دو شاخ یا سه شاخ» که فارس‌ها «افشون» می‌گویند و نیز «کُ رک / پارو» و

۱- شکل این وسیله‌ی نقلیه را در ص ۱۶۹ بخش ۹ ببینید.

«چالقی / داسی شمشیر مانند با دسته‌ای چوبی و بلند» از وسایل دیگر کشاورزی در نزد ترکمن‌ها بود.

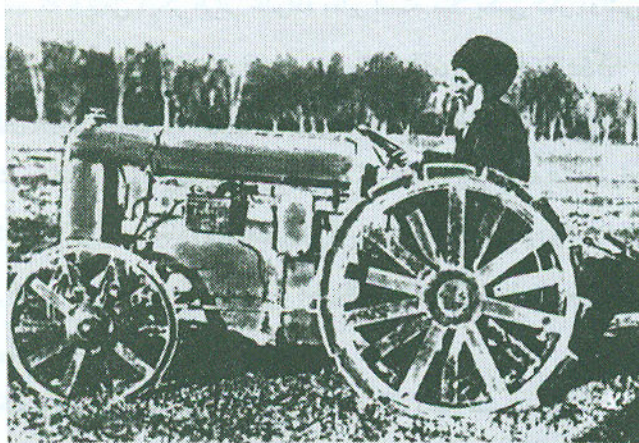
ترکمن‌ها در آن روزگاران برای نگهداری دانه‌های جمع‌آوری شده به جای سیلوهای امروزی، گودال‌هایی می‌کنند که معمولاً مدور بود؛ به عمق ۲ تا ۲/۵ متر و قطر آن نیز در همین حدود بود.

از حدود ۱۳۳۵ شمسی به بعد در منطقه‌ی ترکمن صحرای ایران، ماشین‌های کشاورزی مورد توجه قرار گرفت. از جمله دستگاهی بود به نام «خرمن‌کوب» که آن را در جایی ثابت نگه می‌داشتند و غلات درو شده را به صورت فله‌ای به داخل پره‌های چرخان آن می‌ریختند تا دانه از کاه جدا شود.

از آغاز سال ۱۳۵۰ شمسی به بعد، کار زراعت به تدریج میکانیزه شد و ابزارهای مدرن کشاورزی مثل تراکتور، کمباین، باران‌قطره‌ای در ترکمن صحرای ایران نیز مورد استفاده قرار گرفت. این ابزارهای مدرن در درجه‌ی اول از کشورهای آلمان، آمریکا، انگلستان، سوئیس، رومانی و در مرتبه‌ی بعد از شرکت‌های ایتالیایی، چک و اسلواکی و کانادایی خریداری می‌شد. تصویر زیر نمونه‌ای از تراکتورهای اولیه است که به جای گاوآهن به خدمت کشاورزان درآمد اما امروزه انواع مدرن آن در کارخانجات ماشین‌سازی تبریز تولید می‌شود.

منبع: کاتالوگ شماره‌ی ۶۰ ترکمنستان

تصویر شماره ۱۱



پژوهشگران ایرانی آمار ماشین آلات خریداری شده را از کشورهای خارجی در سال ۱۹۷۰ میلادی به شرح زیر ضبط کرده‌اند:

الف - تراکتور ۲۸۶۰ دستگاه

ب - کمباین ۱۰۶۰ دستگاه

با وجود گسترش تکنولوژی کشاورزی و میکانیزه شدن بسیاری از مزارع در ترکمن صحرا، باز هم بخشی از زمین‌های زراعتی به علت نبودن راه، دست رسی نداشتن به بذر اصلاح شده، عدم آشنایی با کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی و... نمی‌تواند از تکنولوژی تولید استفاده‌ی بهینه بکند و هنوز هم در بعضی از نقاط وسایل ابتدایی مانند «آزال» نمود عینی دارد.

۲ - دام‌داری

با بررسی آماری و ارقام و اطلاعات موجود در فرهنگ جغرافیایی ایران و با در نظر گرفتن نتایج سرشماری‌های انجام شده در دوران حکومت ۵۷ ساله‌ی پهلوی‌ها و از آغاز جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷ شمسی به بعد) با اطمینان قاطع می‌توان گفت که امروزه در بین مردم ترکمن، دیگر خانواده‌ای نیست که منحصرأ دام‌دار یا کشاورز یا ماهی‌گیر یا قالی‌باف یا... باشد؛ زیرا هر یک از افراد خانواده - بنا به مقتضیات زمانی، مکانی و خانوادگی - به شغلی مشغولند که با شغل دیگر افراد خانواده مغایر است. مثلاً یکی کار دولتی دارد، آن دیگری مستخدم یکی از شرکت‌های خصوصی است، سومی کار تجارت می‌کند و... بر این اساس امروز ترکمنی نیست که یک جانشین نباشد.

یک جانشینی کامل ترکمن‌ها پس از روی کار آمدن رضاخان، سر سلسله‌ی پهلوی، عملی شد که با سرکوب و اتخاذ روش‌های زورگویانه همراه بود. در این راه دولت مرکزی از سوزانیدن و کشتن و ویران کردن و هر گونه عمل قلدرمابانه ابائی نداشت. سرانجام آن شد که رضا خان می‌خواست.

اینک مردم ترکمن از لحاظ شغل و پیشه به چند دسته تقسیم می‌شوند:

- الف - کسانی که منحصراً کار دولتی دارند.
- ب - کسانی که منحصراً در استخدام شرکت‌های خصوصی هستند.
- پ - کسانی که منحصراً کار کشاورزی می‌کنند.
- ت - کسانی که منحصراً کار دام داری می‌کنند.
- ث - پزشکانی که ضمن داشتن مطب، در استخدام بیمارستان‌های دولتی هستند.
- ج - کسانی که مهندس عمران هستند و دفتر مهندسی باز کرده‌اند.
- چ - کسانی که منحصراً به پرورش ماهی از نژادهای گوناگون، اشتغال دارند.
- ح - کسانی که ضمن داشتن کار کشاورزی و دام داری به علت نزدیکی به دریا کار ماهی‌گیری نیز انجام می‌دهند مثل مردم نواحی گومیشان، خواجه نفس، چارقلی، بندر ترکمن و...
- خ - کسانی که علاوه بر کار کشاورزی به امر پرورش کرم ابریشم و پرورش زنبور عسل مشغولند مثل مردم مینودشت، کلالة، مراوه تپه.
- د - کسانی که دفتر وکالتی یا دفترخانه‌ی رسمی ثبت اسناد دارند.
- ذ - گروهی نیز مدرک کارشناسی ارشد و دکتری دارند و در مراکز عالی آموزشی و دانشگاه‌ها به تدریس مشغولند.

۳ - ماهیگیری

- ماهی‌گیری نیز همچون کشاورزی و دام‌داری از منابع درآمد مردم ترکمن است و بیش‌تر، ساحل نشینان دریای خزر به این کار اشتغال دارند. ترکمن‌ها در گذشته‌های نه چندان دور (قبل از اختراع قایق موتوری) از سه نوع قایق استفاده می‌کردند.^(۱)
- الف - قایق یک دکله با دو بادبان بزرگ و کوچک برای حمل بار.
- ب - قایق سریع با یک بادبان برای یورش به دشمن.

ج - قایق‌های ماسوره‌ای شکل

ترکمن‌ها فصل بهار و پاییز را بهترین زمان برای صید ماهی می‌دانند و در حال حاضر به سه گروه تقسیم می‌شوند:

الف - گروهی که در استخدام شیلات هستند و ماهیان خاویاری صید می‌کنند.

ب - گروهی که شرکت تعاونی تشکیل داده‌اند و از تورهای پره‌ای استفاده می‌کنند. تورهای پره‌ای را خود صیادان به شکل نیم دایره می‌بافند. این تورها را در آب دریا پهن می‌کنند و ماهی‌های به دام افتاده را با استفاده از نیروی بازو به ساحل می‌کشند.

ج - گروهی که ماهی‌های فلس‌دار صید می‌کنند و از تورهای «گوش گیر» استفاده می‌کنند، این گروه به صیادان «پایه دام» مشهورند و انفرادی کار می‌کنند و کارت یک ساله دارند. صیادان «پایه دام» تورهای خود را در شب پهن می‌کنند و در صبح به سراغ آن می‌روند آن گاه حاصل کار خود را به شیلات می‌فروشند.

۴ - شکار

شکار در همه جای دنیا از جمله در بین ترکمن‌ها بنا به موقعیت جغرافیایی بر دو

نوع تقسیم می‌شود:

الف - شکار پرندگان

ب - شکار حیوانات وحشی

هر دو نوع شکار احتیاج به مجوز رسمی دارد.

شکار پرندگان در بین مردم ساحل نشین رواج دارد و شکار حیوانات وحشی در بین مردم صحرا و حاشیه جنگل. اهم پرندگان شکاری در بین مردم ساحل نشین انواع اردک و سایر پرندگان صحرایی و حلال گوشت است و اهم حیوانات وحشی که حلال گوشت هستند و مجاز برای شکار عبارتند از: آهو، بز کوهی، گوزن و...

بخش چهارم - وسایل خانگی

الف - وسایل چوبی

ب - وسایل فلزی

ج - وسایل سنگی و سفالی و...

الف - وسایل چوبی

۱- أقارا *Oqara*: ظرفی است کوچک، از جنس چوب و کمی بزرگتر از کاسه که در آن غذا می‌ریختند و معمولاً برای تغذیه‌ی کودکان به کار می‌رفت. در بعضی از خانواده‌ها نوع سفالی آن نیز دیده شده است.

۲- قالام *qalam*: قاشقی است چوبی و دست ساز که برای خوردن ماست یا هر نوع غذای آبکی مثل آش، و... استفاده می‌شد.

۳- چمچه *Chemchah*: شبیه «قالام»؛ اما با دسته‌ای بلندتر و دهانه‌ای بزرگ‌تر. گاهی چند ضلعی و با نوکی باریک. چمچه نیز به دست هنرمندان ترکمن و از چوب ساخته می‌شود و مثل ملاقه‌های امروزی برای کشیدن غذاهای آبکی از دیگ به ظرف، کاربرد داشت.

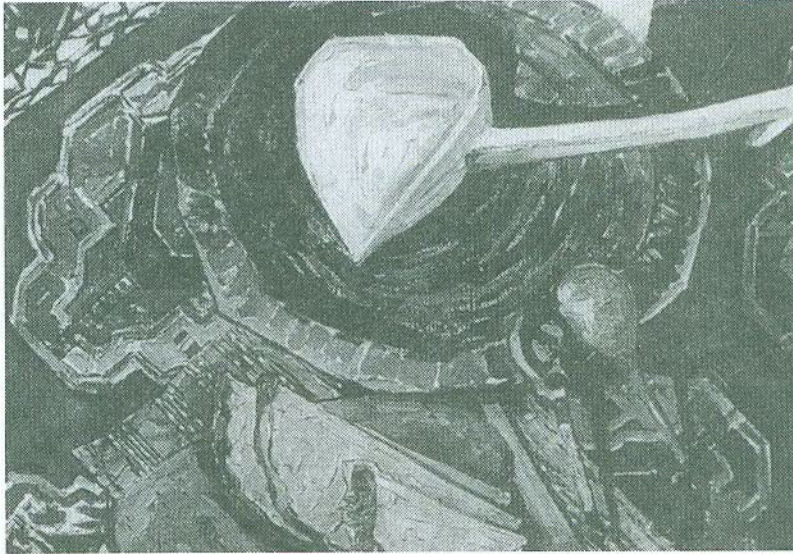
۴- چاناق *chanag*: نام دیگر «چاناق» را «کرتن *kersen*» می‌گویند ظرفی است مدور - و گاهی چند ضلعی - کم عمق و از جنس چوب که معمولاً از پشت نوع مدور آن، برای ورقه ورقه کردن خمیر در تهیه‌ی نان روغنی (قاتلاما و اکمک) استفاده می‌شود.

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

۵- خمیر چاناق: ظرفی است چوبی و گودتر از چاناق، شبیه لگن‌های فلزی که زنان ترکمن در داخل آن، خمیر نان تهیه می‌کردند.
تصویر زیر نوع تریینی (قالام، چمچه و چاناق) را نشان می‌دهد.

منبع: *painting of soviet turkmenia*

تصویر شماره ۱۲



۶- اُق لاو *oy-love*: چوبی است خراطی شده و شبیه به دوک نخ‌ریسی اما بلندتر و قطورتر از آن به ارتفاع تقریبی ۵۰ سانتی متر. از این وسیله در پهن کردن خمیر بر روی چاناق، استفاده می‌کردند.

۷- دُورت گِچ *dort-gech*: چوبی دسته بلند، توپی و شبیه گوشت کوب است که در سطح بخش توپی آن، میخ‌هایی تعبیه کرده‌اند و برای سوراخ کردن سطح خمیر نان به کار می‌رود تا خمیر در داخل تنور بهتر پخته شود.

۸- ثوُقی *thogi*: ترکمن‌ها هاون چوبی را «ثوُقی» می‌گویند که به شکل استوانه است با عمقی تقریباً سی سانتی متر، برای تهیه این وسیله‌ی خانگی، کُنده‌ای را به محیط تقریبی

یک متر از درون خالی می‌کنند. آن گاه برای خرد کردن دانه‌های غلات، دسته‌ی هاونی را به کار می‌گیرند که به شکل کله قند و از جنس سنگ است.

۹- چ لک *chelek*: همان «چلیک» در زبان ترک‌هاست. ظرفی است چوبی، بزرگ، شکم‌دار، و به شکل استوانه که دو قاعده‌ی آن به شکل دو دایره‌ی مسطح است و حدود ۱۲۰ لیتر گنجایش دارد. نجارهای ترکمن برای ساخت این نوع ظرف‌ها تخته‌های نازک را به شکل نیم قوس در می‌آوردند و از مجموعه‌ی آن‌ها، بشکه‌ای تولید می‌کردند که اندازه‌ی قطر میانی آن از قطر دو قطب انتهایی بیش‌تر بود.

ترکمن‌ها برای محکم نگه داشتن اجزای چ لک از تسمه‌های فلزی استفاده می‌کردند که همچون کمربندی در سه ردیف (نزدیک دو قطب و محیط میانی) به دور آن، کشیده می‌شد. اما قبل از تسمه‌کشی، چلیک را از بیرون و درون قیراندود می‌کردند تا مایعات داخل آن، به بیرون نشت نکند.

۱۰- دؤرا *dora* از وسایل کره‌گیری و به شکل ظرفی استوانه‌ای بود این وسیله نیز همچون «چ لک» تهیه می‌شد اما با ارتفاعی در حدود ۱/۵ متر و دهانه‌ای در حدود ۴۰ سانتی متر.

۱۱- جوواز *jow-waz* وسیله‌ای بود برای روغن‌کشی یعنی گرفتن روغن از دانه‌های کنجد. این وسیله، تشکیل می‌شد از یک منبع چوبی قطور و شبیه هاون‌های چوبی اما با قطرِ در حدود دو متر که در یک جا ثابت بود. در داخل این منبع چوبی، تیری قطور و نوک تیز قرار داشت که به وسیله گاو یا اسب یا شتر چرخانده می‌شد و در نتیجه‌ی چرخش آن و فشاری که به کنجدهای داخل منبع وارد می‌آمد، روغن استحصالی از سوراخ انتهایی آن، خارج می‌شد.

ب - وسایل فلزی

۱ - قازان *qazan* قازان از وسایل حتمی در آشپزی ترکمن هاست. ترکمن ها امروزه نیز ترجیح می دهند که غذای خود را - مخصوصاً چکدرمه که غذای سنتی ترکمن هاست - در دیگ های چدنی «قازان» بپزند. نان های روغنی مثل (فانتلا ما و...) منحصرأ در «قازان» پخته می شود و به تناسب تعداد استفاده کنندگان، بزرگ و کوچک دارد.

۲ - تاقان *taqan* سه پایه ای است که «قازان» را بر روی آن می نشاندند تا ثابت بماند و آشپز، قادر به روشن کردن آتش در زیر «قازان» باشد.

۳ - کُن دوک *kon-dok* آفتابه ای است از جنس چدن و بر دو قسم:
الف - آق کن دوک: که به رنگ طبیعی چدن است، متمایل به سفیدی و از آن برای شست و شوی دست و صورت استفاده می کردند.
ب - قره کن دوک: که رنگی سیاه داشت و از آن برای جوشاندن آب و تهیه ی چای، استفاده می کردند. می توان گفت که کاربردی شبیه به کاربرد کتری های امروزی داشت.

۴ - قالدو *qaldow* ظرفی بود از جنس حلب، با ظرفیت تقریبی یک لیتر، شبیه پارچ آب یا پیمانه ی یک لیتری برای اندازه گیری مایعات.

این ظرف بعد از ارتباط با مردم شهر نشین شناخته شد و برای جوشاندن آب و تهیه‌ی چای، مخصوصاً مورد استقبال چوپان‌ها و مسافری قرار گرفت و اشعاری نیز در مدح آن سروده شد.

۵- *ساماور samawar* / سماور: از جنس مس و محصول کار صنعتگران روس است. از سماور بیش‌تر در خانه‌ی اعیان و در مراسم خاصی مثل روزهای جشن و اعیاد مذهبی استفاده می‌شد و سوخت آن، ذغال یا تراشه‌های چوب بود که در داخل کوره‌ی آن، روشن می‌کردند. به تدریج و با تولید انبوه آن، اکثر ترکمن‌ها استفاده از سماور را مورد توجه قرار دادند.

۶- شهر *شهر ساماور shahr - samawar*: ترکمن‌ها شهر گرگان را تا قبل از سال ۱۳۳۰ شمسی (این تاریخ تقریبی است) فقط با عنوان «شهر» یاد می‌کردند و سماورهای حلبی را که ساخت حلبی سازه‌های این شهر بود «شهر *ساماور*» می‌نامیدند.

«شهر *ساماور*» شبیه به آب‌پاش‌های معمولی ساخته می‌شد اما باریک‌تر از آن و با شکلی استوانه‌ای که ۲ یا ۳ لیتر ظرفیت داشت.

۷- *قاوا qawa* / دلو یا سطلی است که ابتدا از جنس چرم بود و برای کشیدن آب از چاه استفاده می‌شد اما بعد از یک جانشینی ترکمن‌ها و ارتباط با مردم شهرهای فارس نشین، نوع حلبی آن مورد استفاده قرار گرفت.

۸- *کوریشگه*: آب‌خوری‌های دسته‌داری بود از جنس حلب و برای برداشتن آب از درون بشکه‌های چوبی یا... به کار می‌رفت و همچون شهر *ساماور*، ساخت حلبی سازه‌های شهری بود.

ج - وسایل سنگی، سفالی و...

۱ - ال دگرمن *El-degermen*: این وسیله، مرکب است از دو قطعه سنگ مدور به ضخامت تقریبی ۱۰ سانتی متر که بر روی هم سوار می‌کردند. سنگ زیرین ثابت بود با سطحی دندانه‌دار؛ و سنگ بالایی با استفاده از دسته‌ای چوبی، چرخانده می‌شد تا دانه‌های گندم یا جو را آرد کند.

۲ - مارداق *mardaq*: ظرفی است سفالی و دسته‌دار که از درون لعاب داده‌اند و شبیه به کوریشگه (آب خوری‌های دسته دار). از این ظرف برای برداشتن آب از بشکه یا برای نوشیدن آب و دوغ استفاده می‌شد.

۳ - دیمه / دبه: ظرفی بود از جنس سفال، شبیه مارداق اما بزرگ‌تر از آن که برای نگهداری روغن یا ماست‌بندی و گاهی نیز برای ذخیره‌ی آب، کاربرد داشت.

۴ - مَشِک *meshek*: وسیله‌ای است که فارسی زبان‌ها «مَشِک *mashk*» یا «خیک» می‌گویند و بیش‌تر، مورد استفاده‌ی ترکمن‌های دام‌دار است. ترکمن‌ها از این وسیله‌ی ابتدائی - که از پوست بز تهیه می‌شد - در موارد زیر استفاده می‌کردند:

الف - برای روغن کشی: بدین طریق که ماست را درون مَشِک می‌ریختند و دو سر

آن را با بستن به دو ستون چوبی، در فضا معلق می‌ساختند آن گاه به دفعات - همچون گهواره - تکان می‌دادند تا کره از ماست جدا شود.

ب - برای آوردن آب از رودخانه یا چشمه یا...

ج - برای ذخیره‌ی آب در سفر و حضر

د - برای ذخیره کردن (کره، ماست، دوغ و...)

۵ - کین دریک *ken-de-rik* سفره‌ای بود دولا، از جنس متقال که اعمال مربوط به آرد کردن، خمیرگیری و آماده کردن خمیر برای پختن نان، در روی آن، انجام می‌شد تا نظافت، رعایت شود.

۶ - الک *Elek*: همان الک *alak* در زبان فارسی است. وسیله‌ی جدا کردن سبوس از آرد.

۷ - باش داراق / شانه‌ی سر:

الف - از جنس عاج فیل: که شرمایی داراق گفته می‌شد.

ب - از جنس استخوان: که ثونک داراق گفته می‌شد.

ج - از جنس چوب: که باش داراق / آغاچ داراق گفته می‌شد...

امروزه جنس پلاستیکی و فلزی آن، از مغازه‌های شهری و روستایی تهیه می‌شود.



آن چه گفتیم نگاهی کلی بود مربوط به فرهنگ مادی ترکمن‌ها تا نیمه‌ی اول قرن ۲۰ میلادی و بیش‌تر آن‌ها مبتنی است بر مشاهدات شخصی مؤلف در دوران کودکی. اما امروزه بنا بر تحولات روزافزون در همه‌ی موارد زندگی، دیگر در خانه‌های ترکمن، از آن وسایل سنتی استفاده نمی‌شود؛ هر چه هست امروزی و سوغات غرب است، حتی در روستاها.

بخش پنجم - مراسم

الف - مراسم سوگواری و خاک سپاری

ب - مرثیه خوانی

پ - مراسم تولد

ج - ختنه

الف - مراسم سوگواری و خاک سپاری

ترکمن‌ها در زمان مرگ و حالت احتضار ملایی را بر بالین مریض حاضر می‌کنند که سوره‌ی یاسین بخواند. پس از مرگ، مرده را در داخل «اُی» غسل می‌دهند - امروزه در یکی از اتاق‌های خانه‌اش - و کفن می‌پوشانند و در وسیله‌ای چوبی شبیه برانکار (به جای تابوت) قرار می‌دهند و در مسجد محل - امروزه در مسجد جامع - نماز میت بر جای می‌آورند. پس از آن، به صورت کاروانی از مشایعین در حالی که چاشمو / روسری ابریشمین بر روی جسد کشیده‌اند، به گورستان می‌برند و به خاک می‌سپارند. در مراسم نماز میت و خاک سپاری، زنان حق شرکت ندارند.

ترکمن‌ها، مرده را چنان در گور می‌گذارند که چهره‌اش به سمت قبله باشد. در تمام مدت خاک سپاری، ملایی، مشغول تلاوت آیات قرآنی است.

از مراسم دیگر ترکمن‌ها در زمان خاک سپاری، گذاشتن «کوکرک دغا» یعنی آیاتی از قرآن مجید بر بالین مرده است با این اعتقاد که روح متوفی را از آسیب ارواح خبیثه حفظ می‌کند.

در هنگام گذاشتن جسد در داخل گور، یکی از حاضرین با صدای بلند می‌پرسد: «این مرحوم چگونه آدمی بود؟». حاضرین شهادت می‌دهند: «آدم خوبی بود». با این امید که فرشتگان ناظر «لبیک» بگویند و در نزد خداوند، شفاعت کنند.

پس از مراسم خاک سپاری، ملای همراه، آیاتی را در نثار روح متوفی تلاوت می‌کند

و حاضرین «آمین» می‌گویند. آن‌گاه بین حاضرین نان و سکه‌ی پول به عنوان «خیرات متوفی» تقسیم می‌کنند که معمولاً به شخص گورکن یا نگهبان گورستان داده می‌شود.

با اتمام مراسم دعاخوانی، مشایعین جنازه، به خانه‌ی صاحب عزا برمی‌گردند. در این محل روحانی محل، باز هم آیاتی از قرآن کریم قرائت می‌کند و حاضرین به روح متوفی نثار می‌کنند و با تشکر صاحب عزا متفرق می‌شوند و فقط اقوام، دوستان و نزدیکان، باقی می‌مانند. تصویر زیر نمونه‌ای از مراسم خاک سپاری را در روزگار ما نشان می‌دهد که با گذشته‌های دور، فرقی ندارد.

تصویر شماره‌ی ۱۳

منبع: عکاس محل



از دیگر مراسم سوگواری این است که صاحبان عزا، مدت یک هفته به سوگ عزیز از دست رفته‌ی خود می‌نشینند و دوستان و آشنایان از دور و نزدیک - که از واقعه آگاه شده‌اند - به حضور می‌آیند و با خواندن فاتحه، تسلیت می‌گویند.

در تمام مدت این یک هفته و در مجلس مردان، روحانی محل یا یکی از طلبه‌های جوان، در خانه‌ی متوفی می‌نشیند و با حضور مهمانان تازه وارد، آیاتی از قرآن کریم تلاوت می‌کند و حاضرین «آمین» می‌گویند و برای مرده، از درگاه خداوند متعال، طلب مغفرت می‌کنند.

مراسم یادواره‌ی متوفی پس از روز هفتم، در روزهای سی‌ام، چهلم، ماه دوم، ماه

سوم، و صدمین روز به همان سبک و سیاق ۷ روز اول، تکرار می‌شود، پس از آن، این مراسم تا یک سال، ماه به ماه و بعد از یک سال، سال به سال دوام می‌یابد. اگر متوفی پدر خانواده باشد، مخارج روزهای سوگواری تا سال‌های سال به عهده‌ی پسر بزرگ خانواده است که جانشین پدر محسوب می‌شود و یا به عهده‌ی فرزندی است که نام پدر را به نوزاد خود برگزیده است؛ در چنین حالتی، نوزاد را اهل خانه، «ددا» *dada* یعنی «پدر» خطاب می‌کنند. مراسم سنگ‌گذاری معمولاً روز هفتم یا سیام یا چهلم فوت، انجام می‌شود. در این روز همه‌ی افراد خانواده بر سر گور می‌روند و با صرف مقداری نان یا خرما یا میوه برای مرده‌ی خود، فاتحه می‌خوانند و به روحش درود می‌فرستند.

سنگ‌گور معمولاً به شکل سر قوچ است که در نزد ترکمن‌ها مظهر قدرت و باروری است. از مراسم دیگر، این که اگر از متوفی مالی مانده باشد، ورثه پس از پایان سوگواری، با حضور روحانی محل، تقسیم ارث می‌کنند و آن را اصطلاحاً «حلال لاما» می‌گویند یعنی حلال کردن اموال متوفی از طریق تقسیم ارث بین ورثه.

ب - مرثیه خوانی

سوگواری زنان - مخصوصاً در هفت روز اول - همراه است با گریه و زاری و خواندن اشعاری در رثای متوفی که به «یاث قوشغی لار» معروف است.

«یاث قوشغی لار» انعکاس احساسات و عواطف زنانه است که با متوفی نسبت فامیلی یا رابطه‌ی خانوادگی بسیار نزدیک دارند. اینک نمونه‌هایی از آن نقل می‌شود:

۱ - اگر متوفی یکی از عموزاده‌های مرثیه‌خوان باشد، چنین می‌خواند و گریه زاری می‌کند:

آغام اوغلی ال بیتمز - الینگ یندی گیتماغه - اوقینگ توتدی یاتماغه

ثنینگ گیدان یرلرینگ - یولی یوقدور بارماغه

ثنینگ یاتان جای لرینگ - قاپئی یوقدور آچماغه

ث ور یارینگ یاث باغلار - انگ ثانگا قان آغلار

ترجمه:

ای عموزاده! چسان از پیش ما رفتی؟ - چسان به آرامش رسیدی؟

جایی که تو رفتی، راهی برای رفتن ندارد

جایی که تو خوابیدی، دری برای گشودن ندارد

نازنین یارت به سوگ تو نشسته است - (و مادرت خون می‌گیرد).

۲ - اگر متوفی برادر شوهر باشد و در جایی غیر از خانه و کاشانه‌ی خود به مرگی

غیر طبیعی از دنیا برود. مرثیه خوان چنین می‌خواند:

یوکلانیب لار گِلن دیر

آطلانیپ لارگیدان دیر

چولده جانی چیقاندیر

چایاقانی آقان دیر

ای وای دیثین ینگه ئی

ای وای دیثین ینگه ئی

ترجمه:

شنیدم که سواره رفتی اما جنازه‌ات برگشت. خونت در گودالی فرو رفت و جانست در

بیابان از تن به در شد. آه که زن برادرت در سوگ تو، به زاری می‌گیرد.

۳ - اگر متوفی دختری نوجوان باشد، مادر در مرگ او چنین می‌سراید:

کیم قالدیردی باشینگدان

ایفار ئاچینگ ایفاندا

کیم آیلاندی، داشینگدان

آلاگوزینگ آیلانگدا

ئوئندیم دیثین اجه ئی

یاندیم دیثین انه ئی

ترجمه:

آن زمان که موهای پریشانست خاک را پوشانید، چه کسی سرت را به دامن گرفت.

آن زمان که چشمانت، اطراف را می‌کاوید، چه کسی به یاری تو آمد.

آه که مادرت بسوزد برای تو، آه که مادرت بمیرد برای تو

۴ - مادر در سوگ جوان ناکام خود می‌گیرد:

یوپک یورغان ایچیندا	جایینگ قالدی جانام - ای
کؤمش تاباق ایچیندا	پایینگ قالدی جانام - ای
قارا گوزلر، ووردیمی؟	آوی دیل لر، چالدیمی؟
انگ یانئین جانام - ای	انگ ئؤلئون جانام - ای

ترجمه:

ای عزیز مادر! رخت ابریشمین تو خالی مانده و ظرف نقره‌ای تو دست نخورده باقی. کدام چشم شور و کدامین زخم زبان به تو آسیب رسانید. ای عزیز من! مادرت بسوزد به داغ تو. ای جانان من! مادرت بمیرد برای تو.

۵ - ...و این هم نمونه‌ای از سوگ سروده‌های زنان شوهر مرده:

تایانینگا باریان چام	یانینگدان یرآلیان چام
گون چیقاندا گولمارین	آی چیقاندا چیقمارین
آقار گوزیمینگ یاشی	دوکر آغزیمینگ دیشی
منی آغلادیپ گیت دینگ	ای عزیزیم! ای یاریم!

ترجمه:

تا زمانی که به پیش تو برسم، تا زمانی که در کنارت جای بگیرم، با طلوع خورشید نخواهم خندید و با طلوع ماه، خلوت خود را ترک نخواهم کرد. چشمانم اشکبار خواهد بود و دندان‌هایم فرو خواهد ریخت. مرا گریان باقی گذاشتی ای عزیزم ای مهربان یارم.

* در پایان این بخش، یادآوری این نکته ضروری است که اگر متوفی فرزند جوان و ناکام خانواده باشد، مادر و خواهرانش، موهای خود را پریشان می‌کردند. این عمل را «شاج یایما» می‌گفتند.

پ - مراسم تولد

از مراسم تولد در بین ترکمن‌ها این است که معمولاً کودک، در خانه‌ی پدری و تحت نظر زن قابله (امروزه در بیمارستان و تحت نظر پزشک) متولد می‌شود. از وظایف زن قابله که ترکمن‌ها «گووک‌انه» می‌نامند بریدن ناف و شست و شوی نوزاد در آب نمک است. بعد، از آخوند محل دعوت می‌کنند تا کلام خدا را در گوش نوزاد تلاوت کند یعنی اذان بگوید تا از همان ابتدا با صدای دین آشنا شود. پس از آن - معمولاً در هفتمین روز تولد - جشن تولد بر پا می‌کنند. در این جشن فقط زن‌های فامیل و همسایگان دعوت می‌شوند و با غذای مخصوصی به نام «بولامه» از مهمانان پذیرایی می‌کنند.^(۱)

ج - ختنه

ترکمن‌ها پسران خود را - معمولاً بین سال‌های دوم تا چهارم تولد و در روز چهارشنبه - ختنه می‌کنند. انتخاب روز چهارشنبه برای چنین مراسمی، علت مذهبی دارد؛ زیرا که ترکمن‌ها چهارشنبه را خوش‌یمن می‌دانند. ترکمن‌ها پس از پایان عمل ختنه خطاب به کودک می‌گویند «قوچ بۆلدی» یعنی قوچ شد و مقصود اشاره است به توانمندی و باروری قوچ که ترکمن‌ها به آن اعتقاد دارند. براساس این اعتقاد است که بعضی از ترکمن‌ها موی سز کودک خود را تا سن ۷ به صورت (سر قوچ) اصلاح می‌کردند و به آن، قولپاق می‌گفتند. کودکی را که قولپاق داشت «قولپاقلی» نامیده می‌شد.

۱- شرح «بولامه» را در بخش ۶ ص ۱۱۳ بخوانید.

بخش ششم - آداب غذا خوردن و انواع غذا

الف - گروه غذاهایی که ماده‌ی اصلی آن‌ها برنج و گوشت است.

ب - گروه غذاهایی که ماده‌ی اصلی آن‌ها گوشت است.

پ - گروه آش، آب گوشت و چای چوروک

ت - گروه نان‌های روغنی (بوروک و...)

ث - گروه نان‌های تنوری (تامدور چوراک و...)

ج - گروه سبزی‌های صحرایی (یلمک و...)

آداب غذا خوردن و انواع غذا

ترکمن‌ها با میز و صندلی و مبل و قاشق و چنگال بیگانه‌اند یعنی بر روی زمین و بر دور سفره‌ای می‌نشینند که «ثاچاق» خوانده می‌شود. آن گاه، غذاهایی را که از گروه برنج و گوشت باشد با دست، نوش جان می‌کنند. البته امروزه مردم شهر - از ۱۳۳۰ شمسی به بعد - از این قاعده مستثنی هستند.

از عادات بسیار ارزشمند ترکمن‌ها این است که قبل از شروع به خوردن غذا «بسم الله» می‌گویند و بعد از هر غذا، بزرگ خانواده - که معمولاً پدر است - آیاتی از قرآن کریم را تلاوت می‌کند و بقیه - به شکرانه‌ی این نعمتی که نصیب ایشان شده است - آمین می‌گویند. اگر صرف غذا با حضور جمعی از دوستان و آشنایان و اقوام باشد - که معمولاً در مراسمی مانند سوگواری، جشن‌ها و اعیاد مذهبی چنین است - از روحانی محل تقاضا می‌کنند که دعای سفره را بخواند. این دعا حتماً آیاتی از قرآن کریم است. خوراک ترکمن‌ها با توجه به نوع زندگی، اشتغال و محل سکونت، برخی همگانی است و برخی نیز با خصوصیات ویژه‌ای، خاص مردم ترکمن است. اینک اهم آن‌ها را به شرح زیر معرفی می‌کنیم.

الف - گروه غذاهایی که ماده‌ی اصلی آن‌ها برنج و گوشت یا فقط برنج است

۱ - چکدرمه: این نوع غذا از نظر پخت و مواد آن، نزدیک به استامبولی پلو در نزد فارس‌ها، است. غذایی است چرب و خوشمزه که غذای سنتی ترکمن محسوب می‌شود.

اجزای تشکیل دهنده‌ی آن عبارتست از:

الف - برنج

ب - گوشت (گوشت گوسفند یا...)

ج - روغن کنجد (در سال‌های اخیر روغن‌های استحصال شده از پنبه دانه، آفتابگردان یا...)

د - پیاز و گوجه فرنگی (در سال‌های اخیر انواع رب گوجه که به وسیله‌ی شرکت‌های تولیدی عرضه می‌شود).

طرز تهیه: ابتدا گوشت را - پس از برش به قطعات کوچک - در داخل روغن سرخ می‌کنند. بعد از آن، مقداری پیاز رنده شده، تفت می‌دهند. به محض سرخ شدن پیاز مقداری گوجه یا رب گوجه اضافه می‌کنند و آب می‌ریزند. پس از آن، سر دیگ را - که معمولاً از جنس چدن است - می‌بندند تا گوشت‌ها در نتیجه‌ی حرارت، آب پز شود. آن گاه، برنجی را که قبلاً شسته و آماده کرده‌اند، اضافه می‌کنند به طوری که آب موجود در داخل دیگ به اندازه‌ی یک بند انگشت بالاتر از برنج قرار بگیرد. بعد از این مرحله، سر دیگ را - دوباره - می‌بندند و شعله را کم می‌کنند تا برنج نیز با بخار موجود در داخل دیگ، پخته شود. البته چند بار داخل دیگ را بازدید می‌کنند که مبادا ته سوز شود. در این فاصله یکی دو بار هم، برنج گردانی می‌کنند تا برنج‌های زیر و رو جا به جا شود و عمل پختن در همه‌ی محتویات دیگ یک‌سان صورت بگیرد.

۲ - نؤزمه: این غذا همان برنج آب کشیده است در نزد فارس‌ها که معمولاً با گوشت گوسفند یا مرغ یا ماهی تهیه می‌شود.

۳ - یاهاثا: غذایی است شبیه چکدرمه و مواد اصلی آن، برنج و ماهی است. البته این نوع غذا را معمولاً ترکمن‌های ساحل نشین تهیه می‌کنند که به ماهی دسترسی دارند. اما امروزه به علت گسترش راه‌های ارتباطی و وجود دریاچه‌های پرورش ماهی در بیش‌تر نقاط، پختن چنین غذایی در همه جا امکان‌پذیر شده است.

طرز تهیه:

- الف - ماهی تمیز شده را به قطعاتی تقسیم می کنند.
- ب - قطعات ماهی را در داخل روغن داغ، سرخ می کنند.
- ج - ماهی سرخ شده را از روغن داغ بیرون می آورند.
- د - به روی روغن باقی مانده از ماهی سرخ شده، به تدریج، آب می ریزند آن گاه، سر دیگ را می گذارند تا آب داخل آن بجوشد.
- و - بعد از جوش آمدن آب و روغن، برنج آماده را به آن اضافه می کنند تا در بخار موجود در دیگ بپزد.
- ه - بعد از پختن برنج، ماهی سرخ شده را در روی آن قرار می دهند و سر دیگ را دوباره می بندند تا ماهی، همراه با برنج، دم بکشد. در این مرحله، غذا برای صرف، آماده است.

۴ - بولاما: غذایی است شبیه حلیم که در هفتمین روز تولد کودک و در طی جشنی زنانه، پخته می شود. در این جشن فقط زن های فامیل، همسایه ها و دوستان بسیار نزدیک، دعوت می شوند و با تقدیم هدایای خود، هم صدا با حاضرین، شادی می کنند.

طرز تهیه: الف - برنج را به مدت یک روز در آب خیس می کنند.

ب - برنج خیس شده را در روغن، سرخ می کنند.

ج - برنج سرخ شده را به مدت تقریبی ۸ ساعت در آب می جوشانند تا کاملاً خمیر شود و روغن موجود در دیگ کاملاً جذب شود.

د - پس از حدود ۸ ساعت جوشاندن و جذب شدن آب موجود در برنج، روغن جذب نشده را خارج می کنند.

و - خمیر برنج را با مقداری شکر به هم می زنند تا شکر نیز کاملاً جذب برنج شود.

اکنون حدود ساعت ۳ بعد از ظهر است و «بولاما» آماده برای خوردن.

مهمانان پس از صرف این غذای لذیذ، با گفتن «مبارک باد» خدا حافظی می کنند.

۵- ثویت لی آش / شیر برنج: شیر برنج در نزد ترکمن‌های دام‌دار به علت وفور شیر، طرفداران بسیار دارد و آن فقط از شیر و برنج و مقداری کره و شکر قرمز حاصل می‌شود. طرز تهیه:

الف - برنج را در آب خیس می‌کنند.

ب - شیر را می‌جوشانند.

ج - برنج خیس شده را به شیر اضافه می‌کنند تا کاملاً شیرها را به خود جذب کند.

د - بعد از جذب کامل شیر در برنج، غذای ما آماده است.

و - بعد از کشیدن غذا در ظرف غذاخوری مقداری کره و شکر قرمز نیز به آن اضافه می‌کنند تا خوشمزه‌تر شود.

ب - گروه غذاهایی که ماده‌ی اصلی آن فقط گوشت است

۱ - شارا: ترکمن‌ها هر نوع گوشتی را که بر روی آتش ذغال یا چوب، کباب شود «شارا» می‌گویند. در روزهای عید قربان به علت قربانی شدن یک یا چند گوسفند در هر خانواده، بازار «شارا» در مکان‌های ترکمن نشین بسیار داغ است.

۲ - بالیق شارا: ترکمن‌ها کبابی را که از گوشت ماهی‌های غضروفی (بدون استخوان) تهیه شود «بالیق شارا» می‌گویند و بیش‌تر در بین مردم ساحل نشین (گمیشان، خواجه نفس، بندر ترکمن، چارقلی، چاپاقلی و...) رسم است. اما امروزه به علت حفاظت از دریا و ممنوعیت صید این ماهی‌ها «بالیق شارا» جز به ندرت، آن هم در خانه‌ی اعیان جای دیگر کمتر دیده می‌شود.

ترکمن‌ها بالیق شارا را فقط با نان یا همراه با سبزی پلو، مصرف می‌کنند، آب نارنج یا آب لیمو چاشنی آن است.

۳ - قاوورما: همان قورمه در نزد فارس‌هاست؛ و آن گوشتی است که در چربی

خودش سرخ می‌شود و برای مدتی در داخل شکمبه‌ی گوسفند نگه می‌دارند. (امروزه، یخچال و فریزر جای مخصوص این نوع غذاهاست).

۴ - باتیرما: غذایی است که از گوشت و سیب زمینی تهیه می‌شود و همان خوراک گوشت با سیب زمینی است در نزد فارس‌ها. پخت این غذا تقریباً مثل پخت آب گوشت است با این تفاوت که آب آن، نسبت به آب گوشت بسیار کم و گوشت و سیب زمینی آن، بسیار بیش‌تر است. ترکمن‌ها این غذا را «باتیرما» یا «چوروک باتیرما» می‌گویند. به سبب آن که همراه با نان مصرف می‌شود.

۵ - بالیق قابلمه: نوعی خوراک ماهی است که مثل «باتیرما» تهیه می‌شود. کشمش، فلفل سیاه، پیاز، گوجه فرنگی (امروزه: رب) از مخلفات آن است، این خوراک را با نان مصرف می‌کنند.

۶ - شورلاما: ترکمن‌ها ماهی نمک سود را اصطلاحاً «شورلاما» می‌نامند، مخصوصاً ماهی *طلاجیق* / چافاق که نمک سود آن، همراه با آش ماست، بسیار لذت بخش است.

۷ - قاقماچ *qaq-mach*: گوشتی است که آن را از استخوان جدا می‌کنند و به صورت ورقه ورقه در نمک می‌خوابانند. آن گاه در مقابل نور خورشید، خشک می‌کنند. از «قاقماچ» در زمان نبودن گوشت تازه در پختن غذا استفاده می‌کنند.

پ - گروه آش، آب گوشت و چای چوروک

۱ - اون آش:

نوعی آش رشته است که رشته‌های آن از خمیر و با دست تهیه می‌شود. ترکمن‌ها اون آش را همراه با حبوباتی مثل (نخود - لوبیا) می‌پزند. اگر به این نوع آش، مقداری

گوشت، مخصوصاً گوشت مرغ و سیر اضافه شود. خوش مزه تر و خوش عطر تر است.

۲ - قاتقلى آش: آشى است كه با ماست و اسفناج و گوشت‌هاى ريز شده، مى‌پزند و همراه با نان مصرف مى‌كنند. مصرف آن، همراه با ماهى نمك سود، مزه بيش تری دارد.

۳ - چوربا: نوعی آب گوشت اما چرب تر از آن و اقسامی دارد:

الف - قاراچوربا: این نوع، نسبت به انواع دیگر، چربی کمتری دارد؛ و چون در پخت آن، از چاشنی‌های رنگین مثل زرد چوبه استفاده نمی‌شود، به رنگ تیره، متمایل به سیاهی است به همین جهت آن را «قاراچوربا» یعنی شوربای سیاه نامیده‌اند.

ب - قاوورما چوربا: این نوع را از گوشت قورمه تهیه می‌کنند؛ یعنی گوشتی که به آن، نمک زده، در روغن خودش، سرخ کرده‌اند.

ج - قایناتماچوربا: گوشت نمک سودی است که مثل آب گوشت تهیه می‌شود و بیش تر در فصل زمستان، مصرف دارد.

د - یاغ چوربا: نوعی سوپ است که از آب، پیاز و چربی تهیه می‌شود. این غذا را با تریٔ کردن نان، در داخل آن، مصرف می‌کنند و معمولاً برای تغذیه‌ی کودکان است.

۴ - چای چوروک: ساده ترین و معمولی ترین غذای ترکمن‌هاست. یعنی چای را فقط با نان مصرف می‌کنند و گاهی نیز (پنیر، کره، تخم ماهی / خاویار) بسته به درآمد خانواده از مخلفات آن است.

«چای چوروک» پای ثابت ترکمن‌ها در پذیرایی‌های سبک است. مخلوطی از چای و شیر نیز در بین ترکمن‌ها معمول است؛ زیرا که در روزگاران گذشته، ترکمنی نبود که چند رأس دام شیرده نداشته باشد. ترکمن‌ها از چای سبز نیز به حد زیاد استفاده می‌کنند.

ت - گروه نان های روغنی

۱ - بؤروک: این نوع نان از نظر پخت شباهت زیادی به پیراشکی دارد و به ترتیب

زیر، تهیه می شود:

الف - ابتدا گوشت بی استخوان را چرخ می کنند.

ب - چند عدد سیب زمینی آب پز را کوبیده، با مقداری پیاز به گوشت، اضافه

می کنند.

ج - مخلوط گوشت و سیب زمینی و پیاز را در لای خمیری از آرد که به اندازه‌ی

کف دست قطعه قطعه بریده اند، می پیچند.

د - این مخلوط گوشت و سیب زمینی و پیاز و خمیر آرد را در روغن داغ، سرخ

می کنند. ترکمن ها بؤروک را به تنهایی یا همراه با چای به عنوان یک وعده‌ی غذایی صرف

می کنند.

۲ - پیشمه: پیشمه در لغت، هر چیز پختنی را می گویند و در اصطلاح ترکمن ها، نانی

است روغنی و شبیه به بامیه. بدین ترتیب که خمیر را به اندازه‌ی بامیه، قطعه قطعه می کنند. آن

گاه این قطعه های جدا از هم را در روغن داغ می پزند. اگر در خمیر پیشمه از شیر و شکر و

تخم مرغ و جوش شیرین استفاده شود، خوشمزه تر خواهد بود.

۳ - قاتلاما: نانی است روغنی که به ترتیب زیر، تهیه می شود:

الف - ابتدا آرد را خمیر می کنند. این خمیر احتیاجی به خمیرمایه ندارد.

ب - خمیر آماده را به صورت قطعاتی که هر قطعه یک قرص نان بشود، تقسیم

می کنند.

پ - برای هر چهار قطعه خمیر، یک تخم مرغ مصرف می کنند.

ت - قطعات خمیر را به صورت ورقه های نازکی در می آورند.

ث - خمیرهای ورقه شده را که به شکل دایره‌ی کامل است، روی هم می چینند و در

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

فاصله‌ی ورقه‌ها، روغن می‌مالند. تعداد این ورقه‌های نازک خمیر، به ضخامت نهایی قاتلاما بستگی دارد و به اختیار بانوی خانه است.

ج - در این مرحله، خمیرهای چند لایه را در روغن داغ می‌پزند.

چ - پس از آماده شدن قاتلاما، بلافاصله بر آن، شکر می‌پاشند تا شیرینی شکر در تمام لایه‌ها، جذب شود.

ح - قاتلاما را - معمولاً - همراه با چایی، نوش جان می‌کنند.

تصویر زیر چگونگی پخت قاتلاما را نشان می‌دهد.

تصویر شماره ۱۴

منبع: نشریه‌ی دیار، ترکمنستان، ۲۰۰۱



۴ - اکمک: Ek-mek

برای پختن «اکمک» که در ترکمنستان «چلفک» می‌گویند، روغن، نقش عمده‌ای ندارد و ترتیب آن چنین است.

الف - دیگ چدنی را در روی آتش گرم می‌کنند.

ب - ته دیگ را با مقدار کمی روغن، چرب می‌کنند.

ج - خمیر آماده را که به صورت لایه‌ای نازک و مدور در آورده‌اند با کمک کاردی دسته بلند در داخل دیگ می‌چرخانند و پس از چند دور چرخاندن، زیر و رو می‌کنند تا طرف دیگر نیز پخته شود.

د - بعد از مرحله‌ی فوق، لایه‌ای دیگر بر لایه‌ی اولی اضافه می‌کنند و باز در داخل دیگ می‌چرخانند.

و - در این مرحله نیز عمل لایه گذاری را تکرار می‌کنند، آن‌گاه لایه‌های پخته شده را از دیگ در می‌آورند و مانند شیرینی کاک که مردم کرمانشاه می‌پزند، در هم می‌پیچند و با ریختن شکر در لابه لای آن، همراه با چایی مصرف می‌کنند.

۵ - چافاتی: چافاتی نیز مثل قاتلاما نانی است روغنی؛ اما برخلاف آن، فقط از یک لایه تشکیل می‌شود به ضخامت تقریبی پنج میلی متر. در پخت این نان روغنی تخم مرغ نقش ندارد.

۶- پوئثق *pos_seq* این نان روغنی نیز مثل قاتلاما و چافاتی تهیه می‌شود اما یک لایه و بسیار نازک‌تر از آن‌ها به ضخامت تقریبی ۲ میلی متر. مصرف گرما گرم این نان روغنی - اگر شکر هم پاشیده باشند - خوشمزه‌تر است.

ث - گروه نان‌های تنوری

۱ - چؤروک: ترکمن‌ها «چوروک» یعنی نان را در تنورهایی می‌پزند که «تاملدور» نامیده می‌شود. زن‌های ترکمن که مسئولیت پختن نان، یکی از وظایف حتمی و اولیه‌ی آن‌هاست، تنور / را با آتش هیزم یا بوته‌ی گیاهان خشک و... گرم می‌کنند و آن بر دو قسم است:

الف - یرتاملدور / تنور زمینی:... و آن، گودالی است به عمق تقریبی ۸۰ سانتی متر و به شکل دایره. محیط این دایره در عمق زمین، گشادتر از محیط دهانه‌ی آن، در سطح زمین

است.

پس از اتمام گودال، از سه نقطه‌ی محیط عمقی، سوراخی به سطح زمین باز می‌کنند تا عمل احتراق از طریق نفوذ هوا، آسان شود. این سوراخ‌ها را «کوریک» *korik* می‌نامند که معادل آن در فارسی واژه‌ی «کوره» است. پس از این عملیات، دیواره‌ی گودال را به وسیله‌ی گل آمیخته با نمک، صاف می‌کنند تا برای پختن نان آماده شود.

ب - پالچیق تامدور: این تنور از نظر شکل کلی مثل «یرتامدور / تنوز زمینی» است با این تفاوت که به جای کندن زمین، گل را مشت مشت روی هم می‌چینند تا ارتفاع آن به حدود ۸۰ سانتی متر برسد. در این نوع تنور نیز، محیط دهانه‌ی بالا، از محیط مماس با سطح زمین، تنگ‌تر است.

امروزه هر دو نوع تنور فقط در روستاها کاربرد دارد آن هم خیلی به ندرت زیرا ترکمن‌ها نیز مثل سایر شهروندان ایرانی، نان را از مغازه‌های نانوایی تهیه می‌کنند که در هر شهر و روستا به وسیله‌ی دستگاه‌های مدرن امروزی و به شکل‌ها و اسم‌های گوناگون تولید می‌شود.

۲ - تامدور چؤرک: این نوع نان در داخل تنورهای زمینی یا هوایی و با آتش هیزم یا... می‌پزند که شرح آن، گذشت:

۳ - قاورور تماچلی چؤرک: نانی است که خمیر آن را با دنبه‌ی ریز ریز شده‌ی گوسفند - قاورتماچ - و نیز تراشه‌های پیاز، مخلوط کرده، در همان تنورهای موصوف می‌پزند.

۴ - بطیر چؤرک / نان فطیر: این نوع نان را با ترکیبی از روغن، شیر، شکر و جوش شیرین تهیه می‌کنند و در همان تنورهای موصوف می‌پزند.

۵ - کلچه چؤرک / کلوچه: این نوع نیز همچون نان فطیر با ترکیبی از روغن، شیر،

شکر و جوش شیرین پخته می شود ولی نسبت به فطیر ضخیم تر است.

۶ - اوجاق چوروک: همان نان کماج در نزد فارس هاست. این نوع نان، با استفاده از خاکستر داغ اجاق، تهیه می شود؛ بدین ترتیب که خمیر را به صورت قرص نان در داخل اجاق و زیر خاکستر می گذارند آن گاه در روی خاکستر، گل آتش می گذارند تا خمیر زیر آن، به تدریج و به آرامی پخته شود. این نوع نان را معمولاً چوپان ها تهیه می کنند که به تنور خانگی دست رسی ندارند.

۷ - تامدور پوروک: همان پوروک است (ص ۱۱۷) با این تفاوت که آن را به جای روغن داغ در داخل تنور هیز می میزند.

ج - گروه سبزی های صحرائی

در برنامه ی غذایی ترکمن ها چیزی به نام سبزی خوردنی و سبزی خورشتی به مفهوم امروزی آن - که در باغ ها به کارند و در بازارها عرضه کنند - وجود نداشت؛ اما به طور طبیعی و مناسب با محیط زیست خود، سبزی های وحشی را که خوردنی بود می شناختند و از روی تفنن مصرف می کردند، اهم این سبزی های وحشی عبارتند از:

۱ - اجی وا *ajiwa*: همان پیاز خودرو است در زبان فارسی. گل های سفید، مایل به سبز آن، یک چتر متراکم را به وجود می آورند. این سبزی در دامن های سنگلاخی دره های خشک البرز مرکزی، استان گلستان و خراسان یافت می شود و فصل آن اردی بهشت ماه می باشد.

۲ - چیگدم *chig-dem*: پیازچه ی این گیاه، خوردنی است و در زبان فارسی لاله ی خط دار نام دارد. این گیاه در مناطق استپی استان گلستان و خراسان می روید و فصل آن،

اردی بهشت ماه می‌باشد.

۳ - قوئین گۆز *qoein-qoz* گلی سفید رنگ، خوردنی و از خانواده‌ی پیازداران.

۴ - یلمک *yel-mek* گیاهی است با برگ‌های نسبتاً پهن و خوردنی.

۵ - مامام چوروک: گیاهی است بوته‌ای با برگ‌های پهن و خوراکی.

۶ - قالقان *qal-qan* گیاهی است با گل‌های قرمز متمایل به بنفش و خاردار که به تعداد زیاد در انتهای متفرعات ساقه قرار دارند و به شکل گلوله‌های پر خار می‌باشند. این گیاه در کنار جاده‌ها به فراوانی می‌روید و ساقه‌ی آن خوراکی است.

۷ - مادیان / شوید - شویت: گیاهی است یک ساله و از تیره‌ی چتریان که در جاهای مرطوب می‌روید و ارتفاعش بین ۳۰ تا ۱۰۰ سانتی متر متغیر است.
کودکان ترکمن این سبزی را با نان می‌خورند اما مادران از آن برای پختن سبزی‌پلو (مادیان آش) استفاده می‌کردند.

تذکر: ترکمن‌ها به هر نوع غذا که در آن، برنج به کار رفته باشد در معنای عام «آش» می‌گویند.

بخش هفتم

الف - پوشاک زنان

ویژگی‌های آرایش مو در بین دختران و زنان

ویژگی‌های آرایش مو در بین پسرها

ب - پوشاک مردان

پوشاک

اگر بخواهیم فرهنگ مادی اقوام را بشناسیم ابتدا باید نوع پوشش (پوشاک)، ابزار
ترینی (زیور آلات) و وسایل خانگی آن‌ها را مورد تحقیق قرار بدهیم - این مهم را در
بخش‌های مربوط به هر یک به طور اختصار انجام داده‌ایم - زیرا موارد فوق از عنصرهای
پایدار در این شناخت است. در این راه، شباهت‌ها و تفاوت‌ها نیز باید یکی از ارکان تحقیق
باشد. بر این اساس:

در شناخت فرهنگ مادی ترکمن‌ها و پوشاک سنتی آن‌ها باید گفت که در مقایسه با
پوشاک سنتی دیگر اقوام آسیای مرکزی مثل ازبک‌ها، تاجیک‌ها، قرقیزها، قره‌قولی‌ها،...
ضمن داشتن شباهت‌های کلی، ویژگی‌های خاص خود را نیز دارد. به شرح زیر:

الف - پوشاک زنان ترکمن

۱ - کۆی نک / پیراهن:

مشخصات پیراهن زنان را به شرح زیر می‌توان فهرست کرد:

الف - آستین‌ها: معمولاً بلند است و از بالا به طرف میچ دست باریک می‌شود. زنان

ترکمن، حاشیه و سر آستین‌های پیراهن خود را به شکل ظریفی، سوزن دوزی می‌کنند.

ب - آشیری / دامن: پیراهن زنان ترکمن یک سره و دامن آن تا قوزک پا می‌رسد و

با طرحی زیبا، کاملاً منطبق با موازین اسلامی است.

ج - یقه: زنان ترکمن، یقه‌ی پیراهن را حدود ۱۵ سانتی متر به سمت پایین چاک می‌دهند و اطراف آن را قلاب دوزی می‌کنند آن گاه این چاک را از قسمت بالا (زیر گلو) با وسیله‌ای تزیینی به نام «گل یاقا/ گل یقه» می‌بندند تا سینه کاملاً پوشیده بماند.

د - برش ساده‌ای دارد و رنگ آن معمولاً زرشکی یا بنفش یا سرخ انتخاب می‌شود.

و - نسبت به پیراهن مردان، بسیار زیباتر، خوش دوخت تر و خوش فرم تر است.

ه - پارچه‌ی آن معمولاً از جنس ابریشم است که به وسیله‌ی خود زنان و با دستگاہی

ساده به نام «تارا» *tara* بافته می‌شود. عرض این پارچه‌ها معمولاً نیم‌تر و طول آن، به اندازه‌ی طول چله است.

تصویر زیر نوع امروزی دستگاہ پارچه بافی را در نزد ترکمن‌ها نشان می‌دهد.

منبع: کاتالوگ ترکمنستان ۱۹۶۰

تصویر شماره‌ی ۱۵



۲ - شلوار: شلوار زنان ترکمن از بخش‌های زیر تشکیل می‌شود:

الف - قسمت بالای زانو: پارچه‌ای ساده، ارزان قیمت و با دوختی گشاد است.

ب - پایین زانو: از زانو به سمت مچ پا باریک می‌شود و بخش باریک آن حداقل به طول ۱۰ سانتی متر، سوزن دوزی می‌شود. این بخش معمولاً مچ پا را می‌پوشاند. در لبه‌ی شلوار که با مچ پا در تماس است نوار سیاهی می‌دوزند به پهنای یک تا یک و نیم سانتی متر که «بالاق یوپ» نام دارد.

تذکر: بخش‌های فوق، در زیر پیراهن و کاملاً از چشم نامحرم پوشیده است.

۳ - قوشاق / شال کمر: کمربندی از پارچه است که در هنگام بارداری به دور کمر می‌بستند. امروزه این رسم، منسوخ شده است.
از قوشاق، مردان نیز به هنگام کار در مزارع یا در میدان‌های کشتی برای تمرکز نیرو در مقابل حریف استفاده می‌کردند.

۴ - یاشماق: در لغت به معنی پوشانیدن بخشی از چهره است و در اصطلاح به بخشی از یاللیق / روسری نازک و طرح دار گفته می‌شود که زن ترکمن در هنگام برخورد با مردان غریبه یا مردان مسن، دهان خود را با آن، می‌پوشاند و نشانه‌ی حجب و حیا محسوب می‌شود. امروزه رسم یاشماق، خیلی به ندرت - آن هم در روستاها - رعایت می‌شود و این را ناشی از تحصیل ترکمن‌ها تا سطوح دانشگاهی می‌دانند. تصویر شماره‌ی ۱۵ ص ۱۲۶ زن بافنده را با یاشماق نشان می‌دهد.

۵ - یاللیق: روسری بسیار نازک، ظریف و منقش است که فقط برای استفاده در خانه کاربرد دارد و معمولاً از جنس ابریشم است.

۶ - آلا‌دنگی / الناقی: «آلا‌دنگی» به نام‌های «توپ‌پی، آیین دنگی، هاثاوا» نیز شناخته می‌شود و معادل فارسی آن «پیشانی بند» است.

«آلا‌دنگی» در گذشته از پارچه‌های قرمز و گلدار انتخاب می‌شد ولی امروزه نوع آماده‌ی آن به صورت حلقه‌ی تهیه شده از جنس موکت - که به دور آن پارچه‌ای ساده

کشیده‌اند - در مغازه‌ها عرضه می‌شود.

«آلادنگی» روسری نازک و طرح‌دار زنان ترکمن را در سر محکم و ثابت نگه می‌دارد و نشانه‌ی شوهردار بودن صاحب آن است. تصویر زیر، نشانگر پیراهن، شلوار، آلادنگی، روسری طرح‌دار و گل یقه در بین زنان ترکمن است.

منبع: *painting of soviet turkmenia*

تصویر شماره‌ی ۱۶



۷- چاشو: «چاشو» در بین زنان ترکمن، حکم «چاد» را دارد در بین زنان فارس. این پوشش معمولاً از جنس ابریشم است و در روزگاری نه چندان دور (حدود ۵۰ سال پیش) مورد استفاده‌ی زنان مسن بود. چاشو انواعی دارد و عموماً به شکل مربع است که آن را از وسط تا کرده، به شکل مثلث بر سر می‌انداختند.

الف - اریش چاشو: از نخ‌های پشمی بافته می‌شود.

ب - چله چاشو: از نخ‌های ابریشمی بافته می‌شود.

ج - کنت چاشو: از نخ‌های پنبه‌ای بافته می‌شود.

د - گوکلن چاشو: از نخ‌های ابریشمی بافت قبیله‌ی گوگلان.

و - المینچه چاشو:

هـ - آطلاس / آطلس چاشو.

ی - قارتما چاشو

تنها کاربرد چاشوهای ابریشمین در زمان حال، ترین تابوت مرده است بدین طریق که چاشو را تا گورستان بر روی مرده پهن می‌کنند و فلسفه‌ی آن، تقدس ابریشم است در نزد ترکمن‌ها.

۸- چارقد: «چارقد» روسری منقش به طرح‌ها و رنگ‌های متنوع و گران قیمتی است که ریشه‌های کناری آن را «پورچیک» می‌نامند و معمولاً در بیرون از خانه استفاده می‌کنند به طوری که «آلادنگی» در زیر آن، قرار می‌گیرد.

زنان ترکمن برای استفاده از چارقد - که حدود ۱/۵ متر مربع و به شکل مربع است آن را از وسط تا می‌کنند و به شکل مثلث بر سر می‌اندازند. امروزه هر قواره چارقد از ۱۰ هزار تا ۴۰ هزار تومان خرید و فروش می‌شود.

۹- چاروود *char-wood*: روپوشی بود پالتو مانند که حاشیه‌های دامن، یقه و سر آستین‌ها را سوزن دوزی می‌کردند. این پوشش، مخصوص زمستان و به هنگام رفتن به مهمانی‌ها بود و از پارچه‌ی مخمل به رنگ‌های سبز یا آبی یا قرمز دوخته می‌شد. امروزه استفاده از «چاروود» منسوخ شده است و جز در بقچه‌ی مادر بزرگ‌ها یا مجموعه‌ها یا نمایشگاه‌ها در جای دیگر یافت نمی‌شود.

۱۰- دؤن: پوشاکی است با برشی ویژه و از جنس ابریشم که به دست زنان ترکمن بافته می‌شود. دؤن بر دو قسم است:

الف - گی یم دؤن: پوششی است معمولی با حاشیه‌های پولک دوزی شده که در مواقع عادی یا مهمانی‌های معمولی بر تن می‌کنند.

ب - قرمز دؤن: که «باش دؤن» نیز خوانده می‌شود و مخصوص دخترانی است که عروس می‌شوند. بدین ترتیب که در روز عروس‌کشان، آن را بر سر عروس می‌اندازند تا به خانه‌ی داماد منتقل کنند.

دختران ترکمن، حواشی قرمز دؤن را با نخ و سوزن، منقش می‌کنند. آن گاه با

سکه‌های نقره‌ای، پولک‌های رنگین و زیور آلات، زینت می‌دهند. تصویر زیر، یک دختر ترکمن را نشان می‌دهد که به طور سمبولیک از قرمز دُون استفاده کرده است.

منبع: عکاس محلی

تصویر شماره‌ی ۱۷



۱۱ - بۇروک / عرق چین: «بوروک» کلاهی است دخترانه که تاخیه و تایخا نیز

می‌گویند. از نوع ساده‌ی آن، پسرها و مردها در هنگام خواندن نماز استفاده می‌کنند. بوروک از جنس پارچه است و به وسیله‌ی دختران، سوزن دوزی می‌شود و نقش‌های مختلف دارد.

الف - نقش بستان ب - نقش کورت ج - نقش تیرانا

دختران ترکمن - که آن‌ها را به علت استفاده از بۇروک «بوروکلی قیز» نیز می‌نامند -

به محض ازدواج، بۇروک را کنار می‌گذارند و آلا‌دنگی را جایگزین آن می‌کنند. (ر. ک به

ص ۱۲۷)

تصویر صفحه‌ی بعد، یک دختر ترکمن را با «بۇروک» و زیور آلات آن، نشان

می‌دهد در حالی که موهای بافته‌اش را از زیر آن آویخته، گل یقه‌ی بزرگی از جنس طلا با

سنگ‌های قیمتی بر سینه دارد.

منبع: عکاس محلی

تصویر شماره‌ی ۱۸



از «بُروک» به شکل‌های زیر استفاده می‌کنند:

الف - ساده و بدون هیچ نوع تزیینی.

۱ - زمانی که پسرها و مردها نماز می‌گذارند.

۲ - زمانی که مردی به مکه‌ی معظمه شرفیاب می‌شود و می‌خواهد از دستار سر، که

مخصوص حاجی‌هاست، استفاده کند. در این صورت، دستار را به دور «بُروک» می‌پیچند و مانند عمامه بر سر می‌گذارند.

ب - به شکل تزیینی:

۱ - ترین بُروک با سکه‌های نقره، پولک، قبه / دپه بند و سایر زیور آلات.

۲ - دختران در هنگام نامزد شدن، بر قبه‌ی بُروک، پَر نصب می‌کردند که «اوتاغا»

نامیده می‌شود. بدین جهت، دختران نامزد دار «اوتاغالی قیز» نامیده می‌شدند. این دختران در آرایش موهای خود از قبه‌های نقره‌ای استفاده می‌کردند که آن را «ساج قبه» می‌گویند. آسبِق، ساجلیق، ساج باغ، ساج مונجوق، از دیگر زیور آلات زنان و دختران برای آرایش موست (ر.ک به بخش ۸، ص ۱۴۳ زیور آلات زنان و دختران).

ویژگی‌های آرایش مو در بین زنان و دختران

ویژگی‌های آرایش مو را در بین زنان و دختران ترکمن به شرح زیر می‌توان فهرست کرد:

- ۱ - دختران موهای خود را به صورت «چهار رشته / دورت اوروم» می‌بافتند و از طرفین سینه می‌آویختند در حالی که با انواع زیور آلات، زینت داده شده بود.
 - ۲ - زنان نیز به طرز خاصی موهای خود را می‌بافتند که «هلی اوروم» خوانده می‌شد؛ آن گاه این بافته‌ها را به پشت سر می‌انداختند که «ساج آرقا آتما» می‌گفتند. «ساج آرقا آتما» معنای کنایی نیز دارد و آن «آسوده خاطر شدن» از دل مشغولی‌های زندگی است.
 - ۳ - زنان و دختران وقتی که موی خود را به صورت چهار رشته می‌بافتند ناگزیر بودند که فرق باز کنند؛ این فرق باز کردن از وسط پیشانی، موی سر، را به دو بخش مساوی تقسیم می‌کرد؛ این عمل را «دوغری آچماق» می‌گفتند.
 - ۴ - دختران وقتی به سن ازدواج می‌رسیدند، روسری مخصوص بر سر می‌گذاشتند که به آن «باش بوغی» می‌گفتند. یعنی پوششی برای سر.
- از باورهای زنان و دختران در مورد موی سر به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:
- الف - موهای خود را در هنگام شب شانه نمی‌کنند و زمان صبح را برای این کار مناسب‌ترین می‌دانند.
- ب - موی پیرایش شده را دور نمی‌ریزند و آن عمل را گناه می‌شمارند، پس در زیر خاک دفن می‌کنند.
- ج - هرگز موی سر را نمی‌تراشند حتی در دوران کودکی.

ویژگی‌های آرایش مو در بین پسران

پسران موی خود را اغلب می‌تراشیدند و در سنین کودکی «قولپاق» می‌گذاشتند.

قولپاق دو رشته موی توپی و بلندتر از موهای اطراف است که به کودک حالتی قوچ مانند می‌دهد به این اعتبار که ترکمن‌ها قوچ را نماد شجاعت، جنگاوری و باروری می‌دانستند. این است که در ستایش فرزندان خود که «قولپاق» گذاشته‌اند می‌گفتند: «قوچ او غلوم» یعنی فرزند همچون «قوچ» تا شاید مثل قوچ، شجاع و بارور شود. اگر قولپاق، باقی مانده‌ی مویی باشد که از دوران تولد نتراشیده باشند، «چپله ساچ» می‌گویند.

ب - پوشاک مردان

پوشاک مردان را باید به دو دسته تقسیم کرد:

الف - سنتی / قدیم ب - جدید

- ۱ - پوشاک سنتی یا قدیم: که تا قبل از رضاخان و تشکیل حکومت پهلوی رایج بود.
- ۲ - پوشاک جدید: که رضا خان به نام متحدالشکل کردن، تهاجم بزرگی را علیه پوشش اقوام ایرانی صورت داد و در این راه از هر گونه ظلم و تعدی، خودداری نکرد، در این بخش از پوشش جدید که محصول غرب است در می‌گذریم و به بخش سنتی می‌پردازیم.

۱ - پیراهن مردان: پیراهن مردان ترکمن، فراخ بود، با آستین‌های گشاد که به صورت دامن تا چهار انگشت بالای زانو امتداد داشت. از این پیراهن‌ها در تمام اوقات شبانه‌روز، هم به عنوان لباس رو و هم به عنوان لباس زیر، استفاده می‌شد. اما امروزه چنین نیست و ترکمن‌ها نیز همچون دیگر اقشار ایرانی از پیراهن‌های دوخت شرکت‌های تولیدی استفاده می‌کنند که در پیراهن فروشی‌های محل به وفور یافت می‌شود.

مردان ترکمن در طرح یقه‌ی پیراهن از دو مدل پیروی می‌کردند:

- الف - صوبی یقه / صوفی یقه: یقه‌ای است مدور و بدون پایه. در سمت چپ این یقه، چاک‌ی ایجاد می‌کردند تا پوشیدن و در آوردن آن، آسان‌تر شود؛ اما دکمه نداشت و به جای آن از نخ چند لایه و به هم تابیده استفاده می‌کردند که به نام «یا قاپویی / نخ یقه» خوانده می‌شد. حاشیه‌ی این نوع یقه‌ها را - معمولاً - سوزن دوزی می‌کردند که «چوپژه» نام داشت.
- ب - کچ یا قافا / یقه‌ی کچ: که به آن «یقه‌ی کناری هم می‌گویند. یقه و سر آستین‌های

این نوع پیراهن‌ها ساده است و در آن هیچ آرایه‌ای دیده نمی‌شود. روحانیون ترکمن هنوز هم از پیراهن‌های سفید بادامی بلند استفاده می‌کنند؛ اما یقه‌ای آن مثل سابق «صوفی یقه» نیست بلکه به تقلید از روحانیون فارس تهیه می‌شود که یقه‌ای مدور، پایه دار و دارای دکمه است. این پیراهن‌ها معمولاً از جنس نخ‌های پنبه‌ای کتانی است.

۲- چاتال: جامه‌ای بود سبک که در هنگام آلمان یعنی یورش به دشمن می‌پوشیدند و آن از جامه‌ی خانگی کوتاه‌تر بود.

۳- بؤروک: همان طوری که در بخش پوشاک زنان توضیح دادیم، بؤروک کلاهی است که دختر و پسر - هر دو - از آن استفاده می‌کنند و در هر دو سوزن دوزی شده است. با این تفاوت که بؤروک دختران مزین به انواع زیور آلات است اما بؤروک پسران، ساده و بدون زینت، تصویر زیر، پیراهن و بؤروک را که در گروه پوشاک مردان است نشان می‌دهد.

تصویر شماره‌ی ۱۹ منبع: *painting of soviet turkmania*



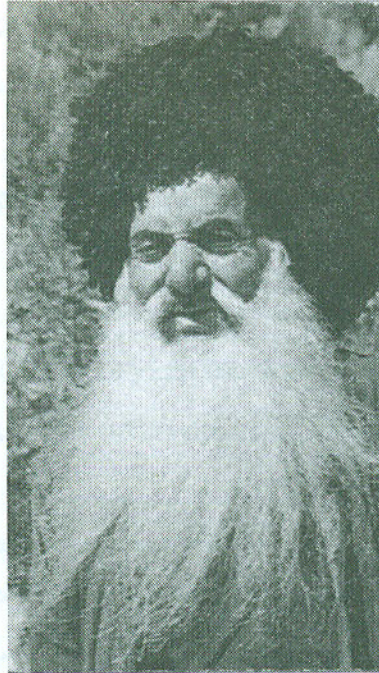
۴ - تلپک: تلپک یا کلاه مخصوص ترکمن‌ها انواعی دارد به شرح زیر:

الف - کلاه معمولی که از پوست بره‌ی سیاه به نام قره‌کل تهیه می‌شود و کم پشم اما مجعد است. این نوع کلاه شکلی مخروطی ناقص دارد و معمولاً جوان‌ترها از آن، استفاده می‌کنند.

ب - کلاهی که از پوست بره‌ی سیاه اما پر پشم دوخته می‌شود و به شکل نیم دایره است. از این نوع کلاه، معمولاً مردان مسن و به اصطلاح یاشولی‌ها استفاده می‌کنند. تصویر زیر نمونه‌ای از این کلاه را نمایش می‌دهد.

منبع: کاتالوگ ترکمنستان، شماره‌ی ۶

تصویر شماره‌ی ۲۰



این تلپک‌ها با نام‌های مختلف شناخته می‌شوند:

الف - بوخار تلپک / ب - دومه تلپک / ج - شیرمه تلپک / د - شیکلمه تلپک

۵ - چاکمن: بالا پوشی است بلندتر از کت‌های معمولی و انواعی دارد:

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

الف - اینچه چاکمن: که از کرک نرم شتر تهیه می‌شود؛ بدین جهت جنس آن، مرغوب و ظریف است.

ب - یوغین چاکمن: که از کرک زبر شتر تهیه می‌شود.

۶ - جولبار / شلوار: این پوشاک را مردان کهنسال، در روزهای جشن و از بالای تنبان می‌پوشیدند، جولبار، برشی معمولی داشت و از دو قسمت اصلی درست می‌شد:

الف - قسمت اصلی: که قوزک پاها را می‌پوشانید.

ب - خشتک: که برشی نزدیک به دوزنقه‌ی دوقلو داشت. این نوع شلوار به وسیله‌ی نخ‌پنبه‌ای به نام «اوجقورباق / بند تنبان» به دور کمر محکم می‌شد که از درون لیفه‌ی شلوار عبور می‌دادند و گاهی نیز به دو انتهای «اوجقورباق» به عنوان زینت، منگوله‌ای به نام «هوتون» می‌بستند.

پارچه‌ی جولبار معمولاً به رنگ نیلی بود و «گوگ ماووت / ماهوت آبی» نامیده می‌شد.

۷ - بالاق / تنبان: بالاق نیز مانند شلوار برشی ساده داشت؛ برای مردان مسن از پارچه‌ی سفید و برای جوان‌ترها از پارچه‌های سبز و نیلی استفاده می‌شد.

۸ - اوجمک: این پوشش را فارسی زبان‌ها «پوستین» می‌گویند و مخصوص استفاده در فصل زمستان است که از پوست گوسفند یا بره تهیه می‌شود و بخش بیرونی آن را با استفاده از رنگ‌های طبیعی، به رنگ زرد در می‌آورند.

آستین پوستین، بلند و از شانه به سمت مچ دست باریک می‌شود اما قسمت جلوی آن، بدون قلاب یا دکمه است. پس برای بستن جلوی سینه از قوشاق یعنی دستاری که به دور کمر می‌پیچند استفاده می‌شود. اوجمک انواعی دارد و معروف‌ترین آن «تیلکمه اوجمک» است.

۹ - پالتون / پالتو: پالتون نیز همچون اوجمک در زمستان‌ها مورد استفاده قرار

می‌گیرد. روپوشی است از پارچه‌ی راه راه که به صورت دامنی بلند با آستین‌های صاف و سوراخی در سر آستین‌ها دوخته می‌شود. قسمت جلوی این پوشاک مثل پالتوهای معمولی از هم باز است اما بدون دکمه در نتیجه برای ثابت نگه‌داشتن آن و پوشانیدن جلوی سینه از کمر بند چرمی / قوشاق استفاده می‌کنند.

۱۰ - دُون: پوششی است اصیل و بلند که تا زیر زانو می‌رسد و بر حسب رنگ و دوخت، دو نوع است.

الف - قیزیل دُون: که از ابریشم کاملاً قرمز دوخته می‌شود.

ب - قارامادون: که رنگ آن، متمایل به زرد است. دوخت این پوشش یک نواخت نیست و از پارچه‌ی راه راه و گاهی رنگارنگ تهیه می‌شود. بر حاشیه‌ی دُون، نوارهای سوزن دوزی شده از نوع «آلاجایوپ»^(۱) وجود دارد که موجب زیبایی دُون می‌شود. بر کمره‌ی دُون، کمربندی از شال می‌بندند که «قوشاق» یا «ترمه شال» می‌گویند و گاهی نیز آن را با سکه‌های نقره‌ای آرایش می‌دهند.

۱۱ - یاپینجا: پوششی است از جنس نمد و بدون آستین، مخصوص چوپان‌ها که در زمستان بر دوش می‌اندازند و در تابستان به عنوان سایه‌بان استفاده می‌کنند. (ر. ک به بخش ۹ نمد و انواع آن).

۱۲ - چکمه: چکمه اصلی‌ترین پاپوش مردان است. بلند، چرمی و با نوک برگردان.

۱۳ - چاریق: پاپوشی است مخصوص چوپان‌ها که از پوست دباغی شده‌ی گاو تهیه می‌شود و برای استفاده در صحرا و خاک نرم، مناسب است.

برای تهیه‌ی چاریق، پوست دباغی شده را کمی بزرگ‌تر از پا برش می‌دهند و در

۱- آلاجایوپ: دو نخ سیاه و سفید یا تیره و روشن است که به هم تابیده‌اند.

اطراف آن، برای گذراندن بند، سوراخ‌هایی ایجاد می‌کنند؛ آن گاه پای «دولاق پیچ» شده را در آن قرار داده، بندها را به دور دولاق می‌پیچند و محکم می‌کنند. این بندها را «چاریق باق» می‌گویند.

۱۴ - دولاق: پارچه‌ای است دست‌باف، ضخیم و از جنس پشم؛ که مثل نواری به دور پا تا زیر زانو می‌پیچند و آن را با «چاریق باق» محکم می‌کنند. دولاق حکم جوراب را دارد اما بسیار زیبرتر و گرم‌تر. بدین جهت از آن، فقط در زمستان‌ها استفاده می‌شود.

۱۵ - چلپک *chel-pek*: پاپوشی است تابستانی که «یل کن *yel-ken*» نیز می‌گویند و از پوست شتر تهیه می‌شود. این پاپوش، سبک، راحت و در مقام مقایسه، شبیه دم‌پایی‌های امروزی است.



پس از جنگ جهانی دوم و گسترش ارتباطات، فرهنگ صادراتی غرب به شدت، تهاجم خود را به جهان سوم از جمله کشور ایران شروع کرد؛ در نتیجه خرده فرهنگ‌ها نیز تحت تأثیر فرهنگ کلان مملکت - که مسحور فرهنگ صادراتی غرب شده بود - تغییراتی را در الگوهای رفتاری خود از جمله تغییر در الگوی پوششی، گردن نهاد. از جمله این تغییرات، تغییر در لباس مردان ترکمن را نیز باید نام برد به شرح زیر:

۱ - پذیرش پیراهن‌های دوخت غرب با یقه‌ی آهاری به نام «یقه آرو» به جای «صوفی یقه» در پیراهن مردان ترکمن.

۲ - پذیرش شلوارهای مدل غرب و دکمه‌دار که با کمربندی چرمی به دور کمر محکم می‌شود به جای «جولبار» که بی‌دکمه است و برای محکم کردن آن، از بند تنبان استفاده می‌شود.

۳ - پذیرش مدل «کت» به جای روپوش‌های دامن بلند که معمولاً از پارچه‌های راه راه تهیه می‌شد.

۴ - پذیرش پالتوهای غربی به جای «اوچمک».

۵ - پذیرش بارانی و اورکت به جای «یابینجا».

۶ - ...

اما زنان ترکمن، غیرتمندانه و مسئولانه در مقابل این تغییرات - که ناشی از سیاست‌های قلدرمآبانه‌ی رضا خان بود - مقاومت کردند و بسیاری از عنصرهای سنتی جامعه و فرهنگ خود را تا حد بالایی زنده نگه داشتند. این حفظ اصالت - با تغییراتی جزئی اما شکیل تر - هنوز هم ادامه دارد. از جمله تغییر در الگوهای تزئینی است؛ چنان که امروزه، زیور آلات سنتی زنان ترکمن، جای خود را به زیور آلات مدرنی داده است که بیش تر، ساخت شهرهای اصفهان، یزد، تبریز و نیز ساخت کشور ایتالیا است؛ و ما در بخش هشتم، زیور آلات سنتی زنان ترکمن را معرفی کرده‌ایم.

بخش هشتم

زیور آلات سنتی زنان و دختران ترکمن

زیور آلات زنان و دختران

هنر جواهر سازی در سنت و فرهنگ قدیمی ترکمن ریشه دارد و نسل به نسل به صنعت گران امروزی رسیده است و ما آن‌ها را «قزل اوستا» یعنی استاد طلاکار می‌نامیم که در زبان فارسی «زرگر» نامیده می‌شوند.

استادکاران طلا در روزگاران گذشته، انواع اشیاء را با سنگ‌های قیمتی، تزیین می‌کردند مثل دهانه و روپوش اسب، غلاف و دسته‌ی شمشیر، چاقو، قمه و تفنگ. اما کار اصلی آن‌ها تولید زیور آلات زنانه بود با اشکال هندسی که نوعی از زنجیره‌ی ارتباطات را در ذهن بیننده القا می‌کند و با طبیعت اطرافشان، پیوندی دیرینه دارد.

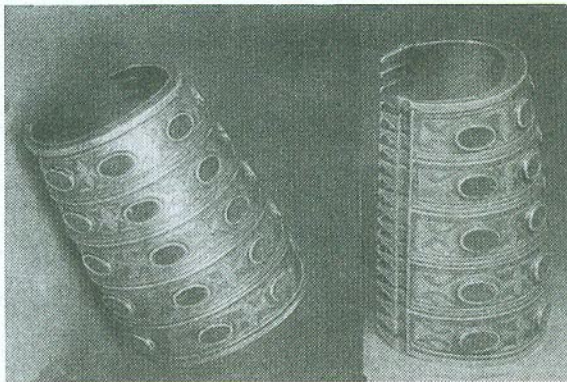
اصطلاح جواهر سازی، اصطلاحی هنرمندانه است که از تخیل شاعرانه‌ی جواهر سازان سرچشمه می‌گیرد. بی‌جهت نیست که شاعران بزرگ چون مختوم قلی و ذیلی در ابتدای زندگی خود، جواهر سازی برجسته بودند و بعد با نام شاعرانی هنرمند به شهرت رسیدند. یکی از ترانه‌های قدیمی ترکمن، این معنی را به روشنی بیان می‌کند و آن، این‌که: «وقتی غازها در آسمان پرواز می‌کنند و هوای اطراف از بال زدن آن‌ها به آهنگی دلنشین تبدیل می‌شود، چنان به نظر می‌رسد که دختران ترکمن با زیور آلات رنگارنگ خود، جولان می‌دهند.»

جواهر سازی و زیور آلات، همیشه جزء لاینفک زندگی مردم ترکمن بوده است و انواعی دارد. اینک معرفی بخشی از آن‌ها را با استفاده از کارت پستال‌های موزه‌های هنری

ترکمن واقع در عشق آباد - پایتخت ترکمنستان - به دوستداران این هنر، تقدیم می‌کنیم. (۱)

۱ - بیلِه زیگ *bilezik* دستبندی است دو قلو «جفتی» مخصوص زنان تکه. مجموعه‌ی طلاکاری نقره‌ای با نگین‌های قرمز از جنس عقیق به ارتفاع ۱۵ سانتی متر. این وسیله، دور میج را می‌پوشاند اما دو سر آن، در بخش عمودی به هم نمی‌رسد. تصویر زیر نمونه‌ی آن است.

تصویر شماره‌ی ۲۱



۲ - گل یاقا *gol-yaqa* در واقع همان گل یقه است در دو بخش:

الف - بخش اصلی: که برای زینت زیر گلو و اتصال دو حلقه‌ی یقه‌ی پیراهن به کار می‌رود.

ب - بخش افشان: که در هنگام راه رفتن، از به هم خوردن آن‌ها، صدایی دلنشین تولید می‌شود و آن ترانه‌ی قدیمی ترکمن را به خاطر می‌آورد که بین آهنگ پروازها و این آهنگ‌ها، تشابهی دیده است.

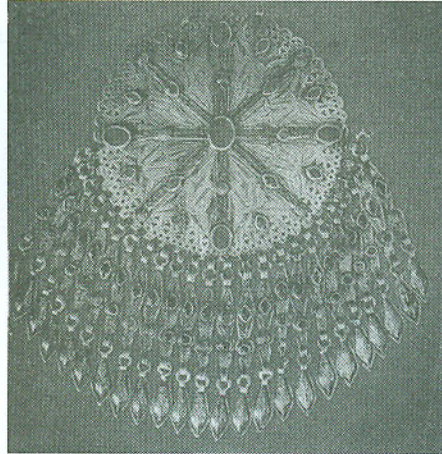
این وسیله‌ی ترینی مخصوص زنان تکه است؛ مجموعه‌ای از طلا و نقره، مرصع به نگین‌های قرمز و آبی (عقیق و فیروزه)؛ با زنگوله‌هایی از جنس نقره در انتهای بخش افشان.

۱- از دوست فاضلم، استاد حسن داملائی متشکرم که مرا در استفاده از متون انگلیسی - مربوط به

این بخش - یاری کردند.

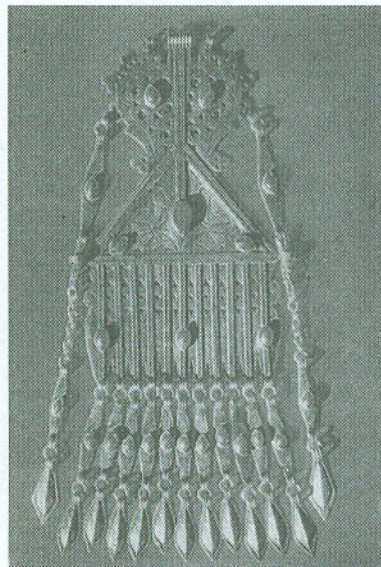
تصویر زیر نمونه‌ی آن است.

تصویر شماره‌ی ۲۲



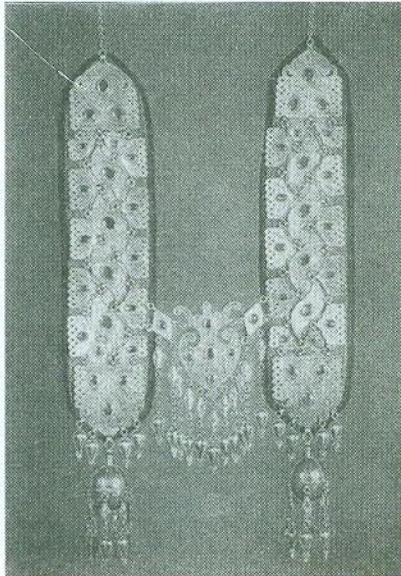
۳ - انسه لیک *Enselik*: وسیله‌ایست تزینی جهت تزین پیراهن دختران در قسمت پشت، به ارتفاع ۳۰ سانتی متر. مجموعه‌ایست از طلا و نقره با نگین‌های قرمز از جنس عقیق با زنگوله‌هایی نقره‌ای در انتها که از عوامل تولید آهنگ در هنگام حرکت است. تصویر زیر نمونه‌ی آن است.

تصویر شماره‌ی ۲۳



۴- ساچ لیق *Sach-liq*: وسیله‌ایست تزئینی با آویزه‌هایی چسبیده به هم، برای ترین موهای بافته‌ی دختران و زنان تکه. مجموعه‌ی طلا و نقره با نگین‌های قرمز (عقیق). به ارتفاع ۴۰ سانتی متر. تصویر زیر نمونه‌ی آن است.

تصویر شماره‌ی ۲۴



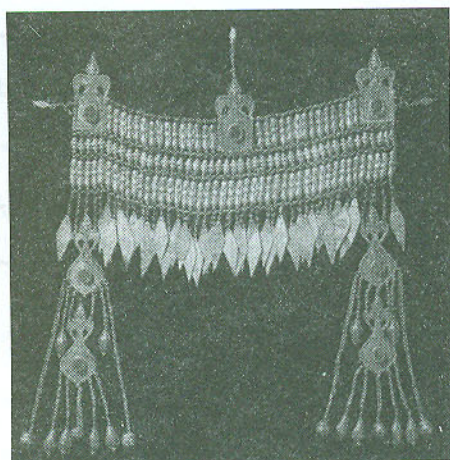
۵- سام سوله *Sam-Suleh*: وسیله‌ایست برای زینت کلاه دختران؛ مخصوص ترکمن‌های آرثاری، متعلق به سال‌های ۱۸۸۰ - ۱۸۷۰ میلادی. مجموعه‌ای از طلا و نقره با نگین‌های قرمز (عقیق).

در انتهای آویزه‌های افشان این وسیله نیز زنگوله‌هایی از جنس نقره دیده می‌شود که از عوامل ایجاد آهنگ در هنگام بازی و راه رفتن است. تصویر شماره‌ی ۲۵ در صفحه بعد نمونه‌ی آن است.

۶- گردنی *gerdeni*: این وسیله در زبان فارسی *gardani* خوانده می‌شود و مرکب از دو بخش است.

الف - بخش اصلی: که از گردن آویخته می‌شود و مرصع است به نگین‌های قرمز (عقیق)

تصویر شماره‌ی ۲۵



ب - بخش زنجیری: که به صورت افشان به انتهای بخش اصلی متصل است. این بخش نیز مرصع به نگین‌هایی از جنس عقیق است؛ مضاف بر آن، در انتهای هر یک از زنجیرها، زنگوله‌هایی از جنس نقره دیده می‌شود که از عوامل ایجاد موسیقی در هنگام راه رفتن است. تصویر زیر نمونه‌ی آن است.

تصویر شماره‌ی ۲۶



۷ - قیناچ اوجی *qinach-uji* وسیله‌ایست تزئینی مخصوص زنان و دختران

گوکلان. (قرن ۱۹). مجموعه‌ایست از طلا و نقره با نگین‌هایی از جنس عقیق به ارتفاع ۲۵

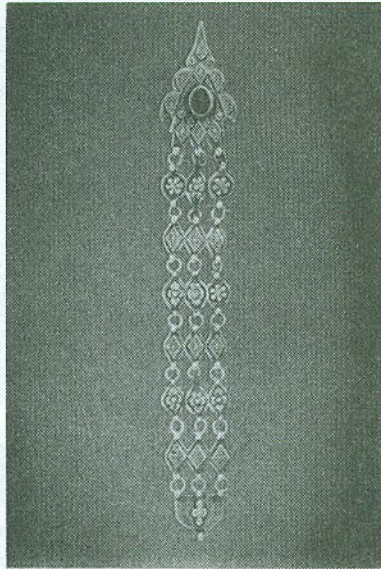
سانتی متر. از این وسیله در موارد زیر استفاده می‌شد:

الف - از دو طرف «بوروک / کلاه دخترانه» آویخته می‌شد.

ب - از دو طرف سینه بر روی «دون / پیراهن تجملی» قلاب می‌شد.

تصویر زیر نمونه‌ی آن است.

تصویر شماره‌ی ۲۷



۸ - قوشا آثیق: *qosha-asig*

وسيله‌ایست تزئینی برای گیسوان بافته‌ی زنان که به پشت سر می‌انداختند. (قرن ۱۹ و

۲۰). این وسیله مرکب از چهار شاخه است:

الف - دو شاخه به شکل قلب که راس آن‌ها به شکل سر قوچ تزئین شده است.

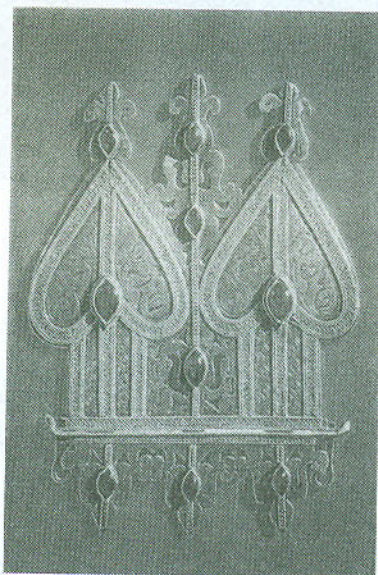
ب - زائیده‌ای در بین دو قلب که راس آن نیز به شکل سر قوچ است.

ج - پایه‌ای که قلب‌ها بر روی آن، نصب شده است.

د - بخش انتهایی که مجسمه‌ی سرنگون شده‌ی آدم‌های افسانه‌ای را به خاطر

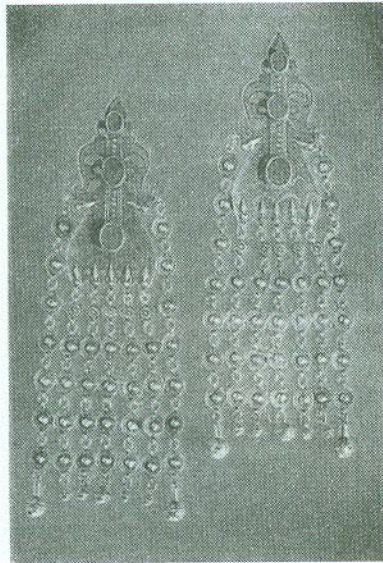
می‌آورد و نگین نصب شده بر آن، تک چشم بودن آن آدم‌های افسانه‌ای را تجسم می‌بخشد. این مجموعه‌ی تزئینی نیز همچون مجموعه‌های دیگر از جنس طلا و نقره با ده نگین قرمز از جنس عقیق است و می‌تواند نمادی باشد از ده قبیله‌ی اوغوز. تصویر زیر نمونه‌ی آن است.

تصویر شماره‌ی ۲۸



- ۹ - چکه لیق *che-ke-liq*: آویزه‌ایست که به موازات شقیقه‌ها از کلاه دختران (بُوروک) آویخته می‌شود و مخصوص طایفه‌ی چودور است (قرن ۱۹). مجموعه‌ایست طلاکاری - نقره‌ای با نگین‌های قرمز از جنس عقیق. این وسیله، مرکب از دو بخش است.
- الف - بخش اصلی: که از جنس طلا و شبیه به انسان طراحی شده است با نگین‌هایی به رنگ قرمز از جنس عقیق.
- ب - بخش پولک‌های زنجیر‌های: که در انتهای زنجیرها، زنگوله‌هایی از جنس نقره دیده می‌شود. این بخش و زنگوله‌های آن، از عوامل ایجاد موسیقی در هنگام راه رفتن است. تصویر صفحه‌ی بعد نمونه‌ی آن است.

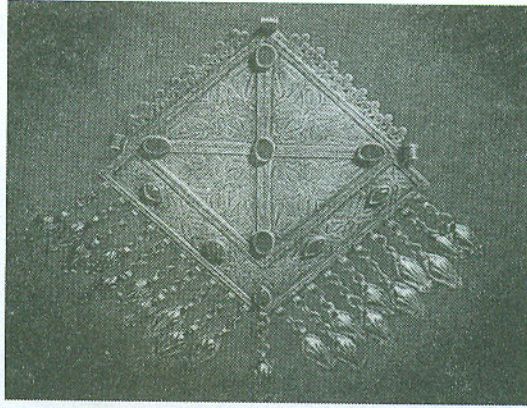
تصویر شماره‌ی ۲۹



- ۱۰ - قنجیق *qenjiq*: از این وسیله‌ی تزئینی به عنوان «گل یقه» استفاده می‌شد (قرن ۲۰ میلادی) و مرکب است از سه بخش اصلی:
- بخش اول: به شکل مربع که دو قطر آن، مفتولی از جنس طلا و مرصع به نگین‌های قرمز از جنس عقیق است.
- بخش دوم: صفحه‌ایست از جنس طلا به شکل عدد ۷ که به دو ضلع پایینی بخش اول، وصل شده است؛ با ۵ عدد نگین قرمز.
- بخش سوم: زنگوله‌هایی از جنس طلا که با کمک زنجیری کوتاه به انتهای بخش دوم، وصل شده‌اند، خاصیت این زنگوله‌ها تولید آهنگی نرم و ملایم در هنگام راه رفتن است. تصویر شماره‌ی ۳۰ در صفحه بعد نمونه‌ی آن است.

- ۱۱ - قولاق حلقه *qolag-halqe*: گوشواره‌ایست مربوط به اوایل قرن ۲۰ میلادی، مخصوص زنان یموت، مجموعه‌ایست از طلا و نقره با نگین‌های قرمز.
- قولاق حلقه انواعی دارد:

تصویر شماره‌ی ۳۰



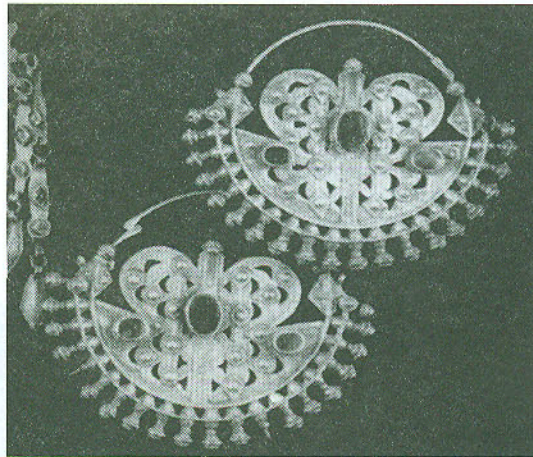
الف - آی‌لی حلقه: گوشواره‌ایست مدور با نقش هلال ماه و ستاره در درون آن. با زمینه‌ای صاف.

ب - تۆمار چاقلی حلقه: گوشواره‌ای است با سطح برجسته

ج - تۆرلی حلقه: شبیه نوع (الف) است؛ بدون زائده‌های اطراف آن.

تصویر زیر از نوع تۆر حلقه است.

تصویر شماره‌ی ۳۱

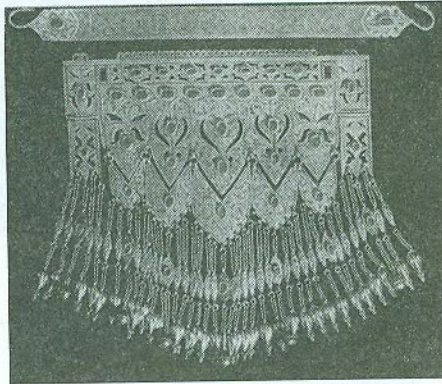


۱۲ - بوکاو *bukav*: وسیله‌ایست برای تزئین روی سینه، مخصوص زنان تکه،

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

مجموعه‌ای از طلا و نقره، مرصع به نگین‌های سرخ با آویزه‌هایی از جنس نقره که در انتهای هر یک از آویزه‌های زنجیره‌ای زنگوله‌هایی نیز دیده می‌شود که از عوامل ایجاد آهنگ در هنگام راه رفتن است. تصویر زیر نمونه‌ی آن است.

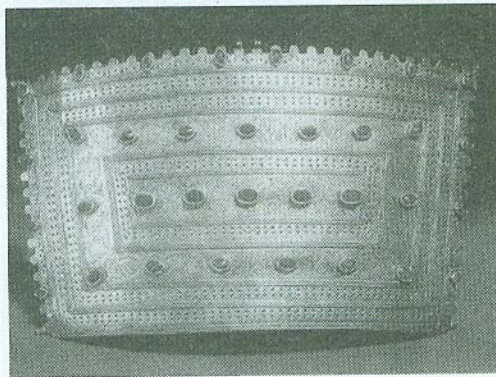
تصویر شماره‌ی ۳۲



۱۳ - اگمه *Eg-mah*: وسیله‌ایست برای ترین کلاه دختران، مخصوص ترکمن‌های تکه، متعلق به اوایل قرن ۱۹ میلادی.

این وسیله مجموعه‌ایست از طلا و نقره با ۲۰ نگین قرمز در متن و ۱۴ نگین در حاشیه. تصویر زیر نمونه‌ی آن است.

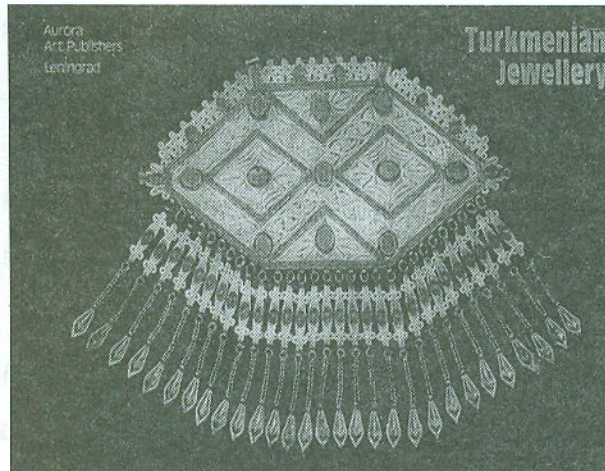
تصویر شماره‌ی ۳۳



۱۴ - قورثاقچه *qorsaqa-cha*: وسیله‌ایست برای ترین جلیقه‌ی کودکان که ترکمن‌ها «قورثاقچه» می‌گویند؛ مخصوص ترکمن‌های تکه و متعلق به نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی.

مجموعه ایست از طلا و نقره با نگین های قرمز. ریشه ی افشان این وسیله نیز مزین است به زنگوله های نقره ای که در هنگام بازی کودکان، آهنگ دلنشین ایجاد می کند و یادآور آواز غازها در هنگام پرواز است. تصویر زیر نمونه ی آن است.

تصویر شماره ی ۳۴



۱۵ - چنگه *chengeh*: وسیله ایست تزینی که به جامه ی زنان تکه قلاب می شود.

متعلق به قرن ۱۹ میلادی. مجموعه ایست از طلا و نقره با نگین های قرمز؛ مرکب از

دو بخش:

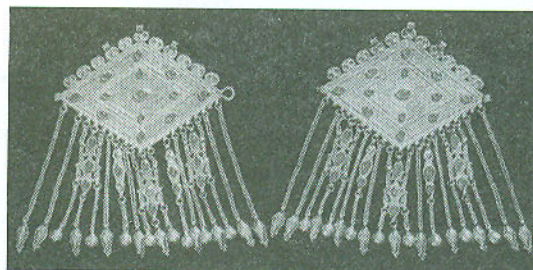
الف - بخش اصلی: که به شکل لوزی است.

ب - بخش افشان: که به صورت زنجیری از انتهای لوزی، آویزان است و در انتهای

زنجیرهای افشان آن نیز، زنگوله هایی از جنس نقره وجود دارد که از عوامل تولید آهنگ در

هنگام راه رفتن است. تصویر زیر نمونه ی آن است.

تصویر شماره ی ۳۵



۱۶ - دوغاکومیش / نظر بند کودکان: دوغاکومیش نوعی قوطی از جنس طلا و نقره است که در داخل آن، دعای پیش‌گیری از چشم زخم می‌گذارند و با نخ‌ی از پیراهن کودکان یا از آستانه‌ی خانه می‌آویزند تا نظر بد (قربانی) نگیرد.

۱۷ - بزبند *Bezband*: زیوری است مدور و به شکل گل یقه که در میان آن، مهره‌ای رنگین قرار دارد و معمولاً در بالای شانه‌های جامه‌ی کودکان یا بر بازوی او، نصب می‌شود.

۱۸ - آچارباق: گردن بندی است از جنس نقره که بر روی سینه نصب می‌شود و نیز گلی در میان دارد. همه‌ی این قطعات با زنجیری از طلا و نقره به هم پیوند خورده‌اند.

۱۹ - ناچ قبه / ناچ باق: وسیله‌ایست برای گیسوی دوشیزگان که با آویزه‌ای از انتهای گیسوان بافته‌ی دوشیزگان آویخته می‌شود و چون شکل آن به قبه شبیه است (ناچ قبه) نامیده‌اند.

۲۰ - اوزوق: همان «النگو» در نزد فارس‌هاست. جنس آن معمولاً نقره است.

۲۱ - آق یای: وسیله‌ایست از جنس نقره که در پشت جامه‌ی پسر بچه‌ها نصب می‌شود و به شکل کمان است.

۲۲ - قزل خوزا: قوطی زرینی است که با نخ‌ی به گردن آویخته می‌شود.

۲۳ - مونجوق / منجوق: گردن بندی است که زنان و دوشیزگان، از گردن می‌آویختند تا روی سینه را زینت بدهد.

بخش نهم - فرش و انواع آن

۱ - تاربخچه‌ی فرش

۲ - گروه چت مه (قالی، قالیچه و...)

۳ - گروه قاقمه (پلاس، آرتماق و...)

۴ - گروه باسمه (نمد و انواع آن)

۵ - صنایع متفرقه

الف - گروه چوب

ب - گروه فلز

ج - گروه کشته

د - گروه ایشمه

۶ - رنگ در فرش

۷ - نقش / طرح

۸ - فرهنگ قالی بافی

۹ - مراحل بافت فرش

تاریخچه‌ی فرش

بدون شک قدمت استفاده از فرش در معنای عام (هر چیزی که بر روی زمین پهن کنند و بر روی آن، بنشینند، بخورند، بخوابند و استراحت کنند) به زمان‌های بسیار دور می‌رسد؛ آن زمان که انسان به فکر ساختن سرپناهی افتاد تا خود را از گزند سرما، گرما، باد، باران، حیوانات وحشی و... برهاند. در این میان، گیاهان خشک و برگ‌های خشکیده‌ی درختان، پوست حیوانات و... می‌تواند اولین نمونه‌های فرش در بین انسان‌ها باشد.

آن گاه که انسان، گوسفند را اهلی کرد و به فکر افتاد که از پشم این حیوان به عنوان زیرانداز استفاده کند؛ شکل فرش وارد مرحله‌ی جدیدی شد و به تدریج تکامل یافت و اینک به عنوان نمودی از فکر و اندیشه‌ی بشری، ارزش واقعی خود را نشان داده است و افراد می‌توانند متناسب با درآمد خود، از این محصول فکری انسان، استفاده کنند.

از بافت اولین فرش به عنوان قالی یا قالیچه که از پشم گوسفند پدید آمده باشد اطلاع دقیقی در دست نیست اما محققین گمان می‌کنند که پدید آورندگان نخستین فرش از پشم گوسفند، مردم چادر نشین آسیای مرکزی باشند. این نظر به دلیل دام دار بودن مردم این نواحی و در اختیار داشتن پشم گوسفند - این ماده‌ی اولیه فرش - بیان شده است. قدیمی‌ترین نمونه‌ی فرش طرح دار و گره بافت - که باستان شناسان کشف کرده‌اند - قالیچه‌ی پازیریک است که حدود ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قدمت دارد.

فرش پازیریک به وسیله‌ی رودنکو Rodenko باستان شناس روسی کشف شد (به

سال ۱۳۲۷ شمسی در گور یخ زده‌ی یکی از فرمانروایان سکایی، در کوه‌های آلتای، دره‌ی پازیریک، جنوب سیرى، هشتاد کیلومتری مغولستان غربی).

فرش پازیریک دارای چهل رج شمار است و در هر متر مربع ۳۶ گره دارد و از آن به عنوان پوشش اسب استفاده می‌شده است. نام این فرش رابه جهت محل کشف، پازیریک گذاشته‌اند.

صاحب نظران با توجه به شباهت نقش سواران، اسب‌ها، لباس‌ها و تزیینات آن - که در حاشیه بافته شده است - با نقش سواران و اسب‌های دوران هخامنشی در کاخ‌های سوخته‌ی تخت جمشید، حدس می‌زنند که این فرش را در جغرافیای فرهنگی ایران بافته‌اند. اما با توجه به این که در متن این فرش، ۲۴ گل دیده می‌شود (۴×۶ گل به موازات هم) می‌تواند نمادی باشد از ۲۴ فرزند اوغوز^(۱) بنابراین با توجه به خاستگاه اصلی اوغوزها یعنی مغولستان - که مکان کشف فرش مذکور است - شاید بتوان گفت که این فرش، دست بافت اوغوزهاست که امروزه «ترکمن» شناخته می‌شوند.

فرش ترکمن از نوع یک پود، گره متقارن و از خانوادگی تخت بافت است که با استفاده‌ی صحیح از شانه‌ی مخصوص مناطق ترکمن نشین، ظرافت و نرمی خاصی دارد.



هنر قالی بافی در بین مردم ترکمن، چکیده‌ایست از ذوق، صنعت، سلیقه، حوصله و بردباری این مردم، که با خون آنها عجین شده و از نسل‌های گذشته به نسل امروزی رسیده است. ترکمن‌ها با استفاده از این ذوق و سلیقه و حوصله و بردباری خدادادی، فرشینه‌ای خلق می‌کنند که در بسیاری از شئون زندگی انسان‌ها کاربرد دارد. اهم این فرشینه‌ها عبارتند از: «قالی، قالیچه، سجاده، گلیم، پلاس، زیلو، جاجیم، منگوله، جل، جوال، خورجین، توبره، روزینی، پایپ، تنگ اسب، کمر بند، افسار شتر، بند پرده، قاب دعا، روگیوه‌ای، همیان، نمکدان و...

فرشینه‌های ترکمن را به گروه‌های زیر می‌توان تقسیم کرد:

۱- ر. ک به «مقدمه‌ای بر پیشینه‌ی تاریخی ترکمن‌ها» اعظمی راد.

- ۱ - گروه چت مه *chet-mah*: شامل: (قالی، قالیچه، قارچین، جانمازی، کناری، انواع آویزه‌های بافته شده از جنس قالیچه نظیر خورجین‌ها.
- ۲ - گروه قاقما *qaq-ma*: شامل (پلاس، آرتماق - انواع توبره، انواع دوزی، انواع جوال، جل اسب، انواع گلیم‌های آستانه‌ی در / بوساغا، دولاق.
- ۳ - گروه باسمه (نمد مالی): شامل: (نمدی که به عنوان فرش استفاده می‌کنند، نمد برای پوشش اسب، نمد دور آلاچیق / ای) نمد دور آلاچیق، بر سه نوع است.
- الف - دورلیق / ب - اوزگک / ج - سرپک (ر. ک که به بخش نمد مالی) اینک هر یک از گروه‌ها را به ترتیب بررسی می‌کنیم.

الف - گروه چت مه

۱ - قالی:

قالی را ترکمن‌ها «هالی / خالی» تلفظ می‌کنند و بیش‌تر برای فرش کردن کف اتاق و آرایش خانه استفاده می‌شود و در نقش‌های متنوع، زینت بخش موزه‌ها، مجموعه‌ها و نمایشگاه‌ها در سرتاسر جهان است.

دنیا فرش ترکمن را با تار و پود و خامه‌ای می‌شناسد که تماماً از پشم گوسفند تهیه شده است.

قالی ترکمن دست بافتی است پرزدار که از طریق درگیری پرز و گره زدن بر تار، و پود گذاری تهیه می‌شود. به جرأت می‌توان گفت که شاخص‌ترین هنر و مهم‌ترین محصول دستی و صنعتی در بین ترکمن‌ها، فرشینه‌های دست بافت، بخصوص قالی و قالیچه است. این شاخص‌ترین هنر را باید در همکاری صمیمانه و هوشیارانه‌ی دختران و زنان ترکمن جست و جو کنیم.

قالی و به طور کلی تهیه‌ی هر نوع فرشینه را فقط زنان و دختران ترکمن عهده‌دار هستند و مردها از ترس این که مبادا مورد تمسخر واقع شوند از گام نهادن در این میدان هنری،

صنعتی و اقتصادی دوری می‌کنند.

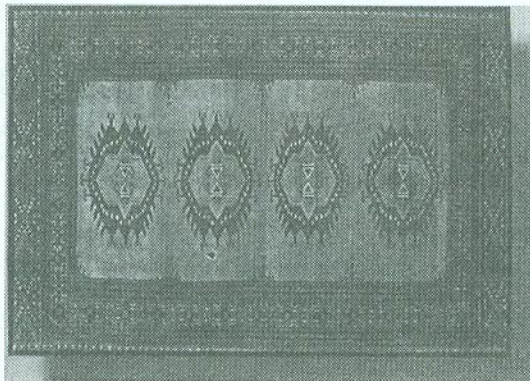
زنان ترکمن با خلاقیت خود در صنعت و هنر قالی بافی به مردان خود «پشتکار، دلگرمی و پردباری» هدیه می‌کنند و دختران با خلق زیبایی، کفایت و لیاقت خود را در اداره‌ی زندگی جدا از پدر و مادر آشکار می‌سازند.

از ویژگی‌های زنان و دختران ترکمن در هنگام بافت قالی یا هر نوع فرشینه‌ی دیگر، این است که هرگز شانه‌ی قالی بافی و به قول خودشان «دوقماداراق» را با هم فرود نمی‌آورند بلکه با فرود آمدن شانه‌ای، آن دیگری، شانه / داراق را بالا می‌آورد و قصد آن‌ها از این عمل متناوب، تقلید صدای پای اسب، است. اسبی که می‌تازد، نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود یا دور و دورتر می‌رود در قالی‌های بزرگ‌تر که تعداد قالی باف‌ها از دو نفر بیش‌تر است، صدای جمعی پاهای اسب را تقلید می‌کنند. طرز شانه زدن و تقلید صدای پای اسب به این خاطر است که مردم ترکمن، اسب را نمادی از سرعت و نجات می‌شناسند. بدین جهت اسب و قالی از مظاهر شناخت ترکمن به شمار می‌رود.

ترکمن‌ها در بافت قالی‌ها و قالیچه‌های خود از گره‌ی متقارن استفاده می‌کنند که زمینه‌ی آن، مرکب از تارهای عمودی و پودهای افقی است که بعد از هر رج بافت، زده می‌شود. بنیادی‌ترین دیدگاه در مورد گره‌های متقارن این است که خلاقان آن، جمعیت‌های کوچ نشین و نیمه کوچ نشین بوده‌اند. این تکنیک به وسیله‌ی ترکمن‌های سلجوقی (قرن ۵ ه‍.ق) به ایران آورده شد. تصویر زیر نمونه‌ای از قالی‌های ترکمن است (طغر گل).

تصویر شماره‌ی ۳۶

منبع: بروشور جهاد سازندگی گنبد کاووس



۲ - قالیچه: قالیچه را ترکمن‌ها «هالچه / خالچه» تلفظ می‌کنند و آن، فرشینه‌ایست کوچک‌تر از قالی و همچون قالی برای فرش کردن اتاق یا برای تزیین و آرایش خانه استفاده می‌شود. رنگ‌های به کار رفته در قالیچه‌های ترکمن، بیش‌تر رنگ لاک‌ی / «قرمز» یا سفید یا استخوانی و عاجی است.

۳ - نمازلیق / سجاده: سجاده یا جانماز را ترکمن‌ها «نمازلیق» تلفظ می‌کنند و آن قالیچه‌های کوچکی است که برای به جای آوردن نمازهای ۵ گانه در روز، به کار می‌رود و ابعاد آن، معمولاً ۸۰ × ۱۲۰ یا ۹۰ × ۱۳۰ سانتی متر است.

سجاده با نقش‌های انتزاعی مثل درخت توت، جای پای شتر (ماری گل) و کعبه‌ی مسلمین بافته می‌شود.

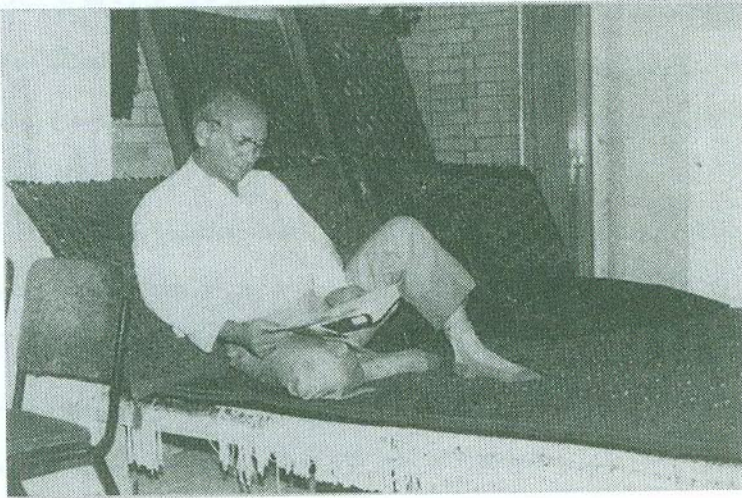
۴ - اجاق باشی: فرشینه‌ایست که برای پهن کردن در کنار اجاق - در داخل آبی / آلاچیق و نشستن بر روی آن، بافته می‌شد.

۵ - آثمالیق: فرشینه‌ایست کیسه مانند که از دیواره‌ی آبی / آلاچیق می‌آویختند و برای نگهداری انواع لباس به عنوان جامه‌دان استفاده می‌کردند.

۶ - قارچین / پشتی: ترکمن‌ها پشتی را «قارچین» می‌گویند و آن فرشینه‌ایست که به صورت کیسه می‌دوزند و داخل آن را با مواد نیمه نرم مثل «مقوا» یا نرم مثل «کاه» پر می‌کنند و به عنوان تکیه گاه در هنگام نشستن مورد استفاده قرار می‌دهند.

پشتی معمولاً با نقش‌هایی مثل «گلین بارماق، آق سو، قولیاقلی» بافته می‌شود اما پشت آن را که به سمت دیوار است از جنس گلیم یا پلاس می‌بافند و ابعاد آن به دلخواه انتخاب می‌شود (۷۰ × ۵۰ یا ۵۰ × ۵۰ یا... سانتی متر). پشتی را به صورت قالیچه‌های پر نشده نیز عرضه می‌کنند. تصویر صفحه‌ی بعد، مؤلف این کتاب را در حال تکیه زدن بر پشتی‌های یک مغازه‌ی فرش فروشی و مطالعه نشان می‌دهد.

تصویر شماره‌ی ۳۷ مربوط به سال ۱۳۶۸ ش



۸- «أق باشی / أق اوجی»: فرشینه‌ایست به شکل کیسه‌ی استوانه‌ای شکل، برای حمل «أق» یعنی چوب‌های نیمه‌کمانی سقف «أی / آلاچیق». استفاده از این فرشینه سبب می‌شود که «نوک أق» در هنگام کوچ آسیب نبیند.

۹- «قالی تزیینی برای سر در «أی / آلاچیق»»: این فرشینه را به صورت «داغدان» می‌بافتند و برای تزیین سر در «أی» استفاده می‌کردند.
«داغدان» چوب تراشیده‌ایست به شکل مستطیل که فقط سه ضلع دارد و برای محافظت از چشم زخم، از آستانه‌ی در می‌آویختند.

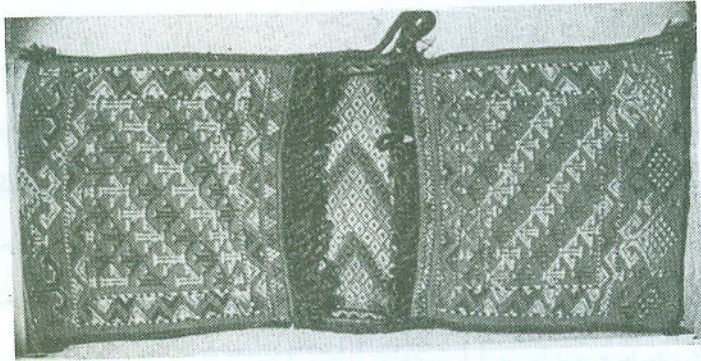
۱۰- «خورجین»: ترکمن‌ها خورجین را «خورجن» *Khorjen* تلفظ می‌کنند و آن مرکب است از «خرج» در عربی به معنی «وسیله‌ای برای حمل بار» + «ین» نشانه‌ی نسبت در زبان فارسی.

خورجین از توبره بزرگ‌تر است و حکم ساک دوقلو دارد که از دو طرف شانه‌ی خود یا دو طرف حیوان بارکش می‌آویزند و برای حمل بار استفاده می‌کنند. گنجایش هر

دهنه‌ی خورجین حداقل دو برابر گنجایش توپره است. تصویر زیر نمونه‌ای از آن است.

منبع: نیاز جان و فرش ترکمن

تصویر شماره‌ی ۳۸



۱۱ - چو ووال / جوال: فرشینه‌ایست که به شکل کیسه از سه طرف می‌دوختند و برای ذخیره‌ی آرد یا گندم یا هر نوع غله‌ی دیگر استفاده می‌کردند. شمار رج‌های آن معمولاً چهل رج و طول آن ۱/۵ متر است. سر جوال را برای آن که محکم باشد به صورت چند لایه تا می‌کردند و می‌دوختند.

ب - گروه قاقمه

۱ - تئوربا / توپره: ترکمن‌ها چپته را «تئوربا» می‌گویند که معمولاً به ابعاد تقریبی ۳۰ × ۴۰ سانتی‌متر است. این وسیله‌ی دست بافت به کیف خانم‌ها شبیه است که با رشته‌ای قالی بافت به عنوان «بند» از گردن می‌آویزند.

«تئوربا» را در قدیم از دیواره‌ی «ای / آلاچیق» می‌آویختند و از آن برای گذاشتن وسایل آشپزخانه مثل «قاشق، چمچه» و یا گذاشتن وسایل شخصی استفاده می‌کردند.

۲ - تنگ اسب: کمر بند یا تسمه‌ی پهنی است که برای محکم کردن پالان حیوانات بارکش استفاده می‌کنند. این نوار یا تسمه می‌تواند از گروه چت مه یا قاقمه (هر دو گروه) باشد.

۳- روزینی: فرشینه‌ای است که برای زین اسب می‌بافند و قسمتی از آن را برای عبور دادن قاچ زین، سوراخ می‌کنند.

۴- ججیم: همان جاجیم در نزد فارس‌هاست. فرشینه‌ای است راه راه، شبیه پلاس یا گلیم اما ضخیم‌تر از آن‌ها.

ترکمن‌ها از جاجیم به عنوان زیرانداز استفاده می‌کنند و مواد آن از نخ‌های پشمین و رنگین است. امروزه از نخ‌های پنبه‌ای یا کرک نیز می‌بافند.

جاجیم را بدون پرز می‌بافند و بهترین نوع آن در بین ترکمن‌ها، مردم آذربایجان و مردم کردستان بافته می‌شود.

برای بافتن جاجیم از دستگاهی شبیه به دار گلیم بافی استفاده می‌کنند و بافتن تمام آن به یک بار صورت می‌گیرد زیرا که چله‌کشی آن، در جاهای رو باز و با مساحت کافی انجام می‌گیرد.

۵- پلاس: قالی بدون پرز و از نوع فرشینه‌های گره‌دار است که «مخملی» و «ماهوتی» نیز نامیده می‌شود.

۶- گلیم: نوعی فرش بدون پرز است که اندازه‌های مختلف دارد و برای پوشش اسب، زین اسب، کف اتاق یا درست کردن خورجین به کار می‌رود و با نخ پشمی یا پنبه‌ای یا کنفی و با درگیری تار و پود می‌بافند.

گلیم بافی رایج‌ترین صنعت در بین قالی‌باف‌هاست و بافت آن، سابقه‌ای طولانی دارد. نقش گلیم در سراسر جهان، از جمله در بین ترکمن‌ها، معمولاً با طرح‌های هندسی و خطوط مستقیم و شکسته، شکل می‌گیرد و بر سنت‌های اقوام، نزدیک‌تر است. گلیم انواعی دارد:

الف - گلیمچه: ترکمن‌ها این فرش را «گلیمچه» می‌گویند و از آن به عنوان تودری یا پاگرد استفاده می‌کنند. ابعاد کلمچه معمولاً 160×180 سانتی متر است.

ب - انسی / قاپی کلیم: این فرشینه را بر در ورودی ای / آلاچیق نصب می کنند تا از ورود گرد و خاک یا سرما یا حیوانات و... جلوگیری شود.

۷ - مپرش / مفرش: این نوع فرشینه را به دیواره ی «ای» می آویزند و در آن، وسایل کوچک خانگی را مثل پوشاک و اشیاء دیگر نگهداری می کنند. در ضمن از وسایل زینتی خانه نیز محسوب می شود و در هر دو گروه (چت مه - قاقمه) جای می گیرد.

۸ - عثمان لیق: فرشینه هایی هستند که برای پوشاندن نمذ بیرونی «ای» استفاده می کردند. امروزه به این نوع فرشینه های آرایشی «کناره» می گویند و در هر دو گروه (چت مه - قاقمه) جای می گیرند.

۹ - آرتماق: به شکل قارچین / پشتی ولی بزرگ تر از آن است و دختران در هنگام عروسی، بخشی از جهیزیه ی خود را در آن قرار می دادند.

۱۰ - دوزی *duzi*: نواری پهن است در حدود ۱۰ الی ۱۲ متر طول که در قسمت درونی «ای» مانند کمربندی دور تا دور کشیده می شود.

ج - گروه باسمه - نمذ

نمذ برای پوشاندن کف اتاق، پوشش اسب، رویه ی زین و... به کار می رود. طرز تهیه ی آن به شرح زیر است:

۱ - ابتدا پشم را می شویند.

۲ - پشم شسته شده را روی حصیری از جنس «نی» خشک می کنند.

۳ - بعد از خشک شدن با چوبی باریک مانند حلاج ها، ضربه می زنند. با این کار، الیاف پشم کاملاً از هم جدا می شود و پف می کند.

- ۴ - بعد از مرحله‌ی حلاجی، پشم را به رنگ‌های دلخواه، رنگ آمیزی می‌کنند.
 - ۵ - پشم‌های رنگ شده را روی حصیری از «نی» براساس ذهنیات خود، شکل می‌دهند؛ این شکل‌ها ملهم از طبیعت اطراف و بیش‌تر به شکل قوچ و شاخ قوچ است.
 - ۶ - حصیر را با نقش‌های شکل گرفته، لوله می‌کنند و با طناب می‌بندند.
 - ۷ - حصیر لوله شده را در سطحی از زمین که با کاه پوشانیده‌اند قرار می‌دهند و به تدریج بر روی آن، آب گرم می‌ریزند.
 - ۸ - حصیر لوله شده را با طنابی که به دور آن پیچیده‌اند بر روی زمین پوشیده از کاه می‌غلطانند. این عمل حدود ۳ ساعت ادامه می‌یابد.
 - ۹ - بعد از سه ساعت حصیر غلتانی و ریختن آب گرم بر روی آن که عملی تدریجی است - نمد را که هم اکنون الیاف آن به هم چسبیده است، از حصیر بیرون می‌آورند.
 - ۱۰ - در مرحله‌ی آخر، نمد مال‌ها، نمد را حدود ۶ ساعت بر روی همان حصیر می‌مالند در حالی که مرتب به آن، آب نیمه گرم می‌پاشند.
 - ۱۱ - نمد مالی نیز مثل قالی بافی منحصرأ کار زن‌هاست و مرد ترکمن در این گستره نیز - جز کمک در حصیر غلتانی - نقشی دیگر ندارد.
- نقش و نگار نمد با نقش و نگار در قالی فرق می‌کند.^(۱) مشهورترین این نقش‌ها عبارتند از:

الف - دیه گوژ / چشم شتر

ب - قُچ / قوچ

ج - ثاری چیین / عقرب زرد

د - تیرانا / ماهی غضروفی (خاویار)

ه - قوشماقچه / نقش و نگار دو سوی نمد

ترکمن‌ها نمد را در اندازه‌های مختلف درست می‌کنند و هر اندازه را «امزیک»

۱- هوشنگ پور کریم، محقق ایرانی، نام بسیاری از نقش و نگارهای نمد را در نوشته‌های خود آورده است.

می‌گویند بدین جهت «نمد» نسبت به اندازه‌اش متنوع است چنان که «بیرامزیک - ایکی امزیک - اوچ امزیک - دورت امزیک - باش امزیک» اندازه‌های نمد ترکمنی است. ترکمن‌ها حاشیه‌ی نمد را «غری قره» می‌نامند.

انواع نمد از نظر جنس و مصرف

۱ - دورلیق *Dewrlig*: نمدی است متشکل از چهار قسمت مستطیل شکل و برای پوشانیدن دور «تارم» در آلاچیق‌های ترکمنی به کار می‌رود.

۲ - اوزوک: نمدی است متشکل از دو قسمت دوزنقه‌ای شکل و با آن بالای «تارم» و حدود نیم متر از قسمت تحتانی «آق»‌ها را می‌پوشانند.

۳ - ثرپک *SErpek*: نمدی است به شکل دایره و با آن «توینیق» یعنی قسمت فوقانی اسکت چوبی «ای» را می‌پوشانند و آن را با طناب به «آق»‌ها و «تارم»‌ها وصل می‌کنند.

۴ - شالنگ: نمدی است که هم برای زین اسب و هم برای پوشاندن بدن حیوان استفاده می‌کنند تا از گزند صدمات احتمالی ناشی از فلزات زین و سایر عوامل در امان بماند.

۵ - کوچمه: این نمد را ترکمن‌ها به رنگ‌های سفید یا خاکستری تهیه می‌کنند. از کوچمه هم برای پوشش اسب به عنوان عرق گیر و هم برای پوشانیدن سقف «ای / آلاچیق» استفاده می‌شود.

۶ - نمد معمولی: برای پوشش کف اتاق و به عنوان نوعی فرش در ترین خانه استفاده می‌شود و نوع مرغوب آن را «آق کچه» می‌نامند که از پشم سفید تهیه می‌شود.

۷ - نمد مخصوص برای زیر زین اسب.

۸ - یاپینجه: نمدی است به شکل نیم دایره که چوپان‌ها به عنوان پوشش زمستانی استفاده می‌کنند. یاپینجه آستین ندارد و در روزهای گرم تابستان نیز برای ساختن سایبان و گریز از شدت گرما، استفاده می‌کنند که در این صورت «کُل گه / سایبان» نامیده می‌شود.

صنایع متفرقه

از دیگر صنایع دستی ترکمن‌ها، گروه «چوب، گروه آهن و فلز» گروه کشته و گروه ایشمه را باید نام برد.

الف * - گروه آهن / فلز: شامل موارد زیر است:

۱ - آزال: خیش / گاو آهن

۲ - ٲیندی: قیچی مخصوص قالی بافی برای چیدن پرزهای اضافی

۳ - کِ ثر Keser: کاردکی مخصوص برای بریدن نخ در قالی بافی

۴ - انواع کارد: که معروف‌ترین آن «جوهر پیچاق» / کارد مرصع به جواهرات

است.

۵ - قمه / خنجر ۶ - قلچ / شمشیر ۷ - قالقان / سپر ۸ - قازان / دیگ چدنی ۹ -

تاقان / سه پایه‌ای که در روی آن دیگ چدنی را می‌گذارند تا روشن کردن آتش در زیر آن، آسان شود.

۱۰ - قاووز / زنبورک: که نوعی ساز دهنی است.

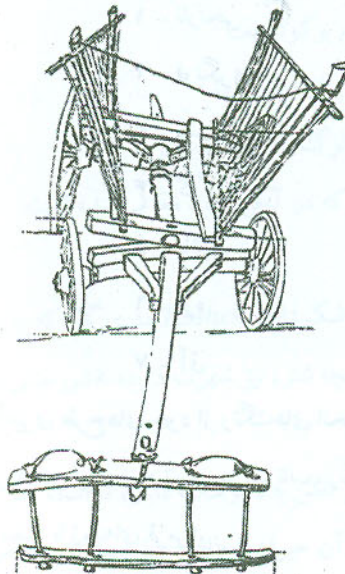
ب - گروه کشته یا سوزن دوزی: شامل: سوزن دوزی دهانه‌ی شلوارهای زنانه، یقه و

سر آستین پیراهن‌های زنانه، کلاه مخصوص دختران به نام «بُوروک» بازوبند، کیسه‌ی دعا و کیسه‌ی پول.

ج - گروه ایشمه: گروه ایشمه یا «اورما» / بافتنی، شامل: بالاق یوپ = نواری که در دهانه‌ی شلوار زنانه مماس با قوزک پا دوخته می‌شود. اوچقورباق = نواری بافتنی به عرض یک سانتی متر که از درون لیفه‌ی شلوار عبور می‌دهند تا شلوار (مردانه - زنانه) در کمر محکم شود، بقچه باق = بندی بافتنی که به دور بقچه‌ی لباس می‌پیچند، یقه یوپ = بندی ابریشمین که دو قسمت یقه‌ی پیراهن و گل یقه به آن، وصل می‌شود. چاروق باق = بندهای چاروق که «دولاق» را در دور پا محکم نگاه می‌دارد. (ر. ک. بخش ۷ پوشاک مردان)

د - گروه چوب:

- ۱ - ساختن اجزای آلاچیق: (تارم، اوق و...) ر. ک. بخش ۲
 - ۲ - انواع ظروف چوبی: شامل (چاناق، قاشق‌های چوبی و...) ر. ک. بخش ۴
 - ۳ - انواع قایق (قایق‌های ماهیگیری و بارکشی)
 - ۴ - انواع وسایل نقلیه مثل ارابه‌های اسبی، گاوی.
- تصویر زیر نمونه‌ای از ارابه‌های ساخت ترکمن را نشان می‌دهد که نیروی محرکه‌ی آن یک جفت گاو نر است و در نقاط صعب العبور برای حمل بار استفاده می‌شد.
- تصویر شماره‌ی ۳۹
- منبع: مجله‌ی هنر و مردم - تصویر شماره‌ی ۳۹



رنگ در فرش ترکمن

ترکمن‌ها پس از چیدن پشم، آن را با رنگ گیاهی، رنگ آمیزی می‌کردند که رنگی ثابت و زیبا بود، اما متأسفانه امروزه، بیش‌تر از رنگ‌های شیمیایی استفاده می‌شود که کیفیت آن به پای رنگ‌های طبیعی نمی‌رسد؛ در نتیجه صادرات فرش ترکمن بر خلاف گذشته، رونق چندانی ندارد و بازارهای جهانی خود را تا حد زیادی از دست داده است.

ترکمن‌ها در رنگ آمیزی پشم، بیش‌تر به رنگ‌های قرمز، سبز، زرد و آبی توجه دارند؛ گاهی نیز از رنگ تیره‌ی رنگ‌های فوق، استفاده می‌کنند اما زمینه‌ی بیش‌تر فرش‌های ترکمن، قرمز است.

سابقاً پنج رنگ (سفید، سیاه، سبز تیره، لاک‌ی تیره، لاک‌ی متمایل به زرد) در فرش ترکمن به کار می‌رفت و امروزه رنگ‌های (طوسی، دارچینی، عابی، قهوه‌ای روشن، قهوه‌ای تیره، طلایی، نخودی و آبی آسمانی) نیز در فرش ترکمن دیده می‌شود. در زیر معادل ترکمنی و فارسی رنگ‌های مورد استفاده‌ی ترکمن را می‌آوریم:

ترکمنی	فارسی
۱ - نارنجی	۱ - لاک‌ی
۲ - قونگری	۲ - قهوه‌ای
۳ - ناسی	۳ - زیتونی سیر
۴ - گوگ	۴ - سرمه‌ای
۵ - یاشیل	۵ - سبز
۶ - قره	۶ - سیاه
۷ - آق	۷ - سفید

ترکمن‌ها در رنگ آمیزی طرح‌های خود از رنگ‌های انحصاری و محدودی استفاده می‌کنند نظیر (قرمز، قرمز تیره، سبز تیره، زرد تیره، چرک تاب، رنگ طبیعی پشم، رنگ گل اخری، آبی تیره، پرتقالی، سفید با زمینه‌ای قرمز).

طرح یا نقش در فرش ترکمن

طرح یا نقش که در نزد ترکمن‌ها «گؤل / گل» خوانده می‌شود هنری است تجربیدی به این معنا که بافنده‌ی ترکمن با توجه به اشیاء، خطوط هندسی، عوامل طبیعی موجود در محیط زندگی، خواسته‌ها، اعتقادات و باورهای خود، طرحی نو در می‌اندازد، آن سان که ترجمان حالات و احساسات درونی او باشد. این نقش‌ها همراه با نقش مایه‌ها یعنی ریز نقش‌های تکرار شونده نشان می‌دهند که در ورای هر یک، مردمی زندگی می‌کنند با فرهنگ، با ذوق، با سلیقه و با بینشی راستین.

اگر چه هر یک از نقش‌ها و نقش مایه‌ها به تنهایی دارای معنی و جلوه‌ای خاص هستند در مجموع مانند نت‌های موسیقی، نوایی دیگر سر می‌دهند و سخنی تازه دارند.

اینک اهم نقش‌های ترکمن را که نمادی از زندگی ساده‌ی ایلی، سنت‌ها و باورهای آن قوم، در روزگاران گذشته است به شرح زیر معرفی می‌کنیم با این توضیح که در تهیه‌ی تصاویر مربوط به هر یک، از کتاب‌های زیر استفاده شده است:

الف - طرح‌ها و نقشه‌های قالی در آسیای مرکزی - مشکووا

ب - فرش ترکمن، بوگولیویف

ج - بروشور جهاد سازندگی گنبد

د - نشریات و کاتالوگ‌های ترکمنستان

و - مآخذ دیگری که در آخر کتاب معرفی شده است.

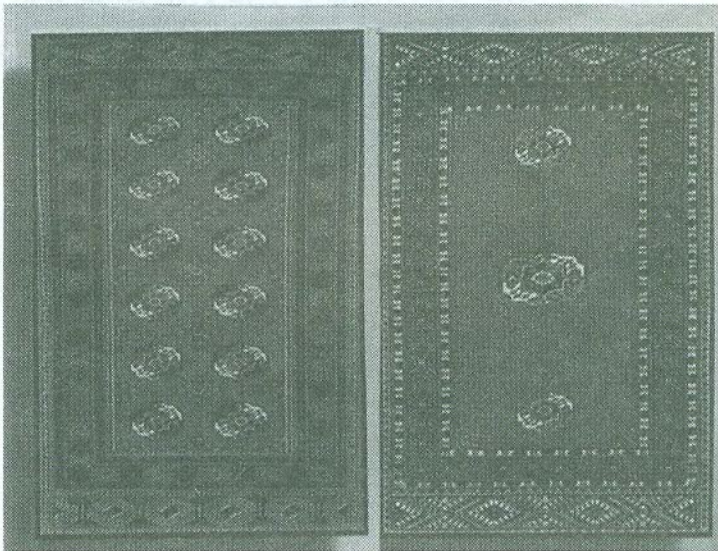
۱ - ماری گل / کوشک دابان *Koshek*: ماری گل که به «طرح ترکمن، طرح تکه و کوشک دابان / جای پای بچه شتر» نیز شهرت دارد، نقشی سنتی و شاخص‌ترین فرش در بین ترکمن‌هاست.

علت نام‌گذاری این نقش به «کوشک دابان» قداست شتر در بین ترکمن‌هاست تا آن جا که این مردم قدرشناس، آن حیوان پرطاقت و زحمت‌کش را جزء اولیا می‌دانند.

علت دیگر این که ترکمن‌های مسلمان شده (در قرن ۵ هـ ق) برای پرهیز از کراهت نقش جانداران، به چنین انتزاعی کشانیده شده‌اند. بدین ترتیب، هم قداست حیوان را ارج نهاده، هم از فرامین دین خود، پیروی کرده، هم خواسته‌های دل خود را برآورده است. ماری گل باگره‌های نازک و زیبا بافته می‌شود و در اصل، هشت ضلعی تکرار شونده است با نقش مایه‌های هندسی (مستطیل، مربع، لوزی...) که در تمام حاشیه‌های قالی بافته می‌شود. یک طرح ساده‌ی رتیل مانند نیز از طرح‌های اصلی آن است. در ترکمنستان سرآغاز بسیاری از کتاب‌ها با نقش «ماری گل» مزین است زیرا که این نقش، نماد قوم ترکمن محسوب می‌شود.

نوع بافت «ماری گل» باگره‌های متقارن و یک پود است و پرز آن معمولاً ارتفاعی متوسط دارد. تصویر زیر نمونه‌ای از آن است.

تصویر شماره‌ی ۴۰



۲- قابسه گل / قبه گل: این نقش، متعلق به طایفه‌ی جعفربای و ملهم از پرنده‌ای است که در سواحل دریای خزر زندگی می‌کند و در میان چهارپایان تخم می‌گذارد. ترکمن‌ها این پرنده را مورد احترام می‌دانند.

قابسه گل طرح سنتی فرش یموت است و معمولاً به شکل لوزی با قلبی در دو سر

آن، بافته می‌شود و حاشیه‌ی آن را، طرح‌های ساده‌ای از شاهین یا برگ درخت تشکیل می‌دهد.

فرش یموت از لحاظ کیفیت نسبت به فرش تکه در درجه‌ی پایین قرار دارد ولی از لحاظ قدرت طرح و رنگ آمیزی برتر است.

فرش یموت معمولاً با زمینه‌ای گوجه‌ای، زنگ زده، قرمز با ترکیب سفید، قهوه‌ای روشن و زرد بافته می‌شود.

نقش قابسه گل تکراری و سرتاسری است. در تدوین نقش مایه‌های آن از دو چشم انسان، بینی و دهان، الهام گرفته شده است که به وسیله‌ی کثیر الاضلاع‌ی ساده در زمینه‌ی فرش تکرار می‌شود. تصویر زیر نمونه‌ای از آن است.

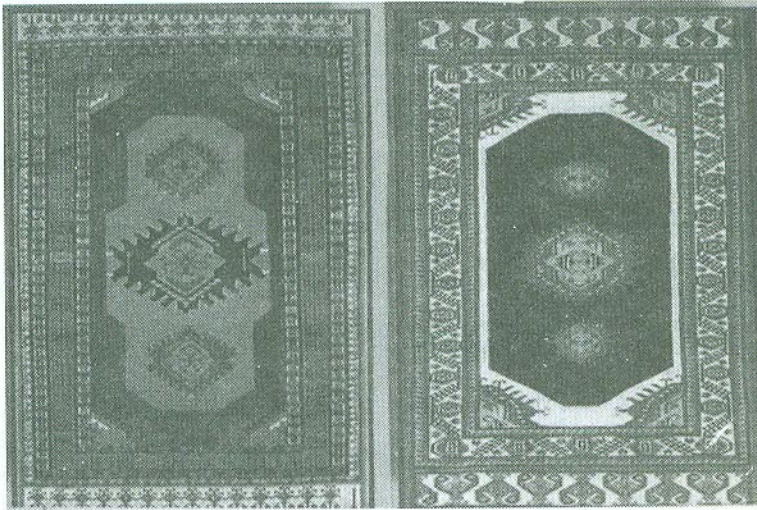
تصویر شماره‌ی ۴۱



۳ - طغر گل: طغر گل یا نقش عقاب متعلق به طایفه‌ی جعفربای است. این نقش، طغرل سلجوقی را تداعی می‌کند که در سال ۴۳۲ ه‍.ق بعد از پیروزی بر مسعود غزنوی وارد نیشابور شد در حالی که بر یک دست، عقابی دست‌آموز و در دست دیگر شمشیری عریان داشت. این طرح، علاوه بر طغرل و شجاعت‌های او، تصویر دشت بی‌کران را نیز تداعی می‌کند که محل جولان ترکمن‌های کوچ نشین بوده است.

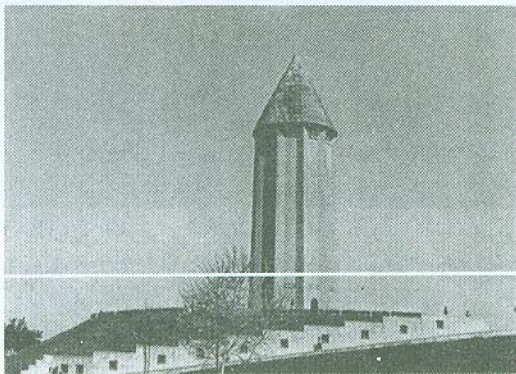
تصویر صفحه بعد نمونه‌ای از آن است.

تصویر شماره ۴۲



۴ - طرح قابوس: این طرح در سال‌های اخیر ابداع شده و مخصوص قالیچه است؛ برگرفته از آرامگاه، قابوس ابن وشمگیر، ملقب به شمس‌المعالی. دستور بنای این آرامگاه در سال ۳۹۷ ه‍.ق / ۳۷۵ ه‍.ش صادر شد و در محل کنونی شهر گنبد کاووس بنا گردید. این شهر در زمان حال با مرز اینچه برون - آخرین نقطه‌ی مرزی ایران با ترکمنستان - ۷۵ کیلومتر فاصله دارد. تصویر زیر نمایی از آرامگاه را در زمان تألیف این کتاب نشان می‌دهد.

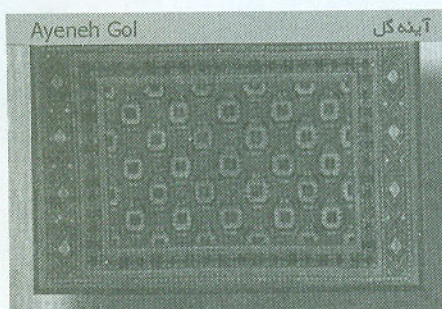
تصویر شماره ۴۳



۵- آینه گل: این نقش را، بیش تر، ترکمن های یموت - طایفه ی جعفریای - در بافت

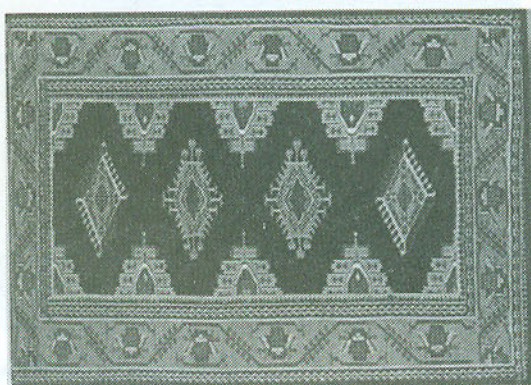
خود به کار می برند.

تصویر شماره ی ۴۴

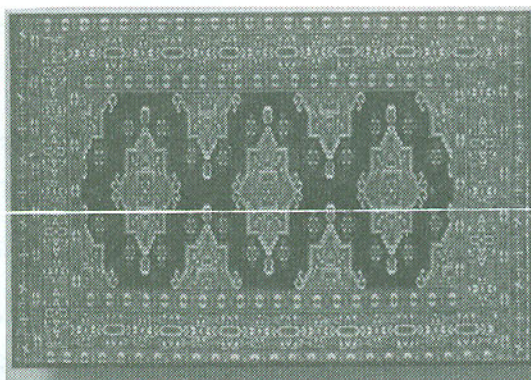


۶- درناق گل: این نقش به طایفه ی جعفریای از قبیله ی یموت، تعلق دارد.

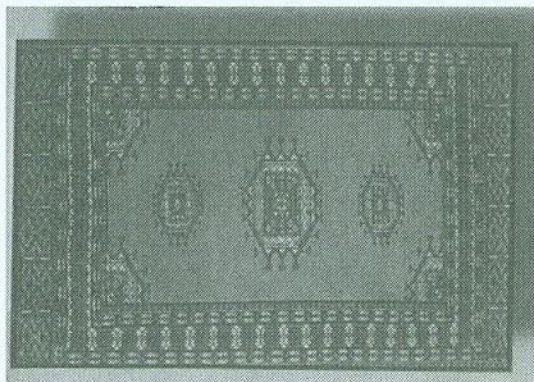
تصویر شماره ی ۴۵



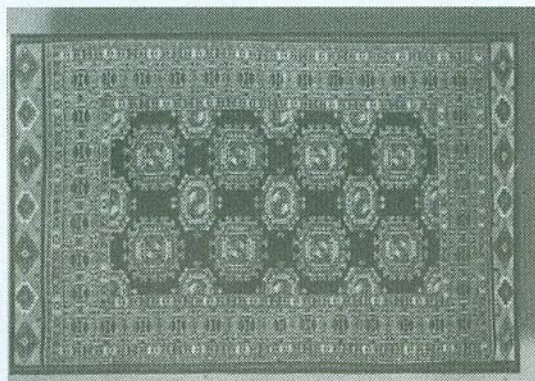
۷- اصیل گل - تصویر شماره ۴۶



۸ - جعفرای گل - تصویر شماره ۴۷



۹ - کجاوه گل - تصویر شماره ۴۸



۱۰ - گرمج گل - این نقش را با نام «حصار گل» نیز می‌شناسند و متعلق است به قبیله‌ی «تکه». علت این نام گذاری آن است که فرشینه‌های منقش به این گل را در اطراف جای چهارپایان می‌کشیدند.

۱۱ - گلین بارماق گل / انگشت عروس: نقش گلین بارماق بر حاشیه‌ی قالی و نیز بر نواری منقش به کاروان شتران بافته می‌شود که خنجه‌های عروس را در مسیر زندگی آینده، حمل می‌کند و در تلاطم همیشگی زندگی، زینت بخش «ای / آلاچیق» ترکمن است. این نقش را به این علت «گلین بارماق خوانده‌اند که نمادی از انگشت‌های تازه عروس به شمار می‌رود که در هنگام بافتن قالی، زخمی و خون چکان شده است.

۱۲ - نقش قوچاق / شاخ قوچ: نقش مایه‌ی این طرح را از شاخ قوچ گرفته‌اند که در بین مردم ترکمن نمادی از قدرت، نعمت و باروری بوده است.

زن و دختر ترکمن در بافتن این طرح، تخیلات خود را در تجسم مردی که چون قوچ، (قوی، کوبنده، مقاوم، سریع، نجیب، وفادار و بارور) است به کار می‌گیرد و در دندانه دندانه‌ی گره‌هایی که بر تارهای قالی می‌زند، مکنونات قلبی خود را جاودانه می‌سازد.

۱۳ - گل آیدی / آیت لیق: این نقش، گلی است مرکب از ۹ گلبرگ و می‌تواند نمادی از ۹ قبیله‌ی ترکمن باشد که در آغاز تاریخ خود «تغوز اوغوز / ۹ اوغوز» خوانده می‌شدند.^(۱)

تعبیر دیگر برای این نقش این است که عدد ۹ نیز مثل عدد ۷ در بین ترکمن‌ها عددی است مبارک و ترکمن‌ها روزهایی را که عدد ۹ و عدد ۷ در آن باشد، مقدس می‌شمارند و کارهای مهم خود را در آن روزها انجام می‌دهند مثل روزهای (۹-۱۹-۲۹) یا روزهای (۷-۱۷-۲۷).

این نقش، شاید نمادی نیز باشد از ۹ ماه و ۹ روز و ۹ ساعت بارداری زن. بر این اساس که زنان نازا نقش «گل آیدی» را بر سر آستین و یقه‌ی لباس خود، سوزن دوزی می‌کردند؛ با این امید که بچه‌دار شوند و اجاقشان روشن بماند.

دختران نیز به اعتبار ۹ گل این نقش، جهیزیه‌ی خود را به ۹ بخش تقسیم می‌کردند (ولی متأسفانه براساس نوآوری‌هایی تعداد آن را افزایش داده، به ۱۲ نقش و گاهی به ۲۴ نقش رسانیده‌اند).

نقش گل آیدی پس از اسلام آوردن ترکمن‌ها در قرن ۵ ه‍.ق «آیت لیق» نامیده شد. آیت، اشاره است به آیه‌های قرآن کریم که در روزهای عزاداری برای آمرزش مرده می‌خوانند و «لیق» پسوند نسبت است در زبان ترکمنی.

اکنون نقش آیت لیق را به روی فرشی به نام پلاس می‌بافند و در هنگام حمل مرده به

۱- راجع به اوغوز به کتاب «مقدمه‌ای بر پیشینه‌ی تاریخی ترکمن‌ها» تألیف اعظمی‌راد، رجوع کنید.

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

گورستان، آن را به روی متوفی پهن می‌کنند و با این عمل، امیدوار هستند که خداوند به حرمت نام «آیت لیق» از گناهان شخص مرده بگذرد.

۱۴ - نقش خرچنگی: نقش مایه‌ی این طرح که در فرش‌های ترکمن دیده می‌شود به خرچنگ شبیه است و به شکل خطوط مستقیم هندسی جلوه می‌کند. نوشته‌اند که این نقش در زمان صفویه از قفقاز به ایران آورده شد (فرهنگ جامع فرش، ص ۳۳۸).

۱۵ - نقش جرن‌گوز / چشم آهو: این نقش در بین طوایف ترکمن رایج است و به شکل کثیرالاضلاعی در زمینه‌ی فرش تکرار می‌شود و در اغلب فرش‌های ترکمن به عنوان نقش مایه‌ای زیبا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱۶ - طرح رتیل: طرحی است ساده و از طرح‌های اصلی در قالی تکه
۱۷ - طرح آخال / تکه: اساس این طرح را گل‌های مربع چشم‌گاوی تشکیل می‌دهد که در سرتاسر متن و بعضاً در حاشیه‌ی فرش می‌یابند. این طرح با خطوط شکسته‌ی هندسی است و عشایر ترکمن آن را با نقشه‌های گوناگون می‌یابند.

۱۸ - طرح قاشقی: این طرح به شکل لوزی و در زمینه‌ی فرش بافته می‌شود و ملهم از قاشق‌های چوبی ترکمن است.

۱۹ - طرح بشقابی: این طرح متعلق به قبیله‌ی یموت است و به شکل بشقاب با گل‌های ۸ پر است. این نقش در نزد قالی‌باف‌های ترکمن به اشکال کوچکی اطلاق می‌شود که (دایره، مربع، مستطیل، بیضی) و دارای کنگره است.

۲۰ - طرح آفتاب: این طرح را در کشور تازه استقلال یافته‌ی ترکمنستان می‌یابند و اقتباسی است از کتاب طرح‌ها و نقشه‌های قالی در آسیای مرکزی، تألیف مشکورا.

۲۱ - نقش عود سوزانی: این نقش قدمتی ۵۵۰۰ ساله دارد.

۲۲ - نقش خان قامچی: نقشی است از تازیانه که خان برای تاختن اسب به کار می‌برده

است.

۲۳ - نقش آق سو: این نقش را با الهام از کانال دام داران پدید آورده‌اند.

۲۴ - طرح پای فیل: طرحی از فرش ترکمن است با زمینه‌ای قرمز و قهوه‌ای متمایل به قرمز و نقش یک سلسله کثیرالاضلاعی به نام نقش فیل. این طرح به صورت جانمازی و گاهی بزرگ‌تر در ترکمن صحرای ایران و ترکمنستان بافته می‌شود.

طرح پای فیل با نقش مایه‌ی هندسی هشت گوش یا لوزی بافته می‌شود که با ایجاد تغییرات در ترینات و رنگ آمیزی آن، نقش‌های مختلف فراهم می‌شود. در میان لوزی‌ها، نقش مایه‌ی گل و برگ درخت نیز مشاهده می‌شود. پرز این قالیچه‌ها معمولاً از لحاظ ارتفاع متوسط است.

طرح پای فیل نوعی از طرح «بخارا» است که طرح ترکمن یا طرح ماری گل یا طرح تکه نیز خوانده می‌شود.

در پایان این بحث که بسیار گسترده است به ذکر نام چند نقش دیگر بسنده می‌کنیم:

۱ - آقاییق ۲ - اوغان / بافت تکه ۳ - آرساری ۴ - چهارقاب ۵ - شانه‌ای / بافت

عمومی ۶ - انسی گل ۷ - قزل آقاییق ۸ - توینک ۹ - قووش ۱۰ - پنجارا / پنجره

تذکر: به معیار اندازه‌گیری در قالی ترکمنی «ایاق» می‌گویند که معادل ۳۰/۴۸

سانتی متر است.

فرهنگ قالی بافی

قالی باف‌های ترکمن که عمدتاً زن هستند هنگامی که نخستین گل قالی را شروع

کردند، دسته جمعی می‌خوانند:

قیزلار گلینگ گل ثالینگ گل اوشتینه گل ثالینگ
دوئلار یارلار گلندا ثارقی داقیب پؤل آلینگ

ترجمه:

دخترها! بیایید بر روی قالی نقش بزنید، نقش‌های فراوان بزنید، آن گاه که دوستان و یاران آمدند؛ نخ به بازویش ببندید و شادمانه بگیرید.*
*(نخ به بازو بستن رسمی است که هنگام بازدید دوستان و یاران به عمل می‌آید و آن‌ها نیز به خاطر تشویق بافندگان، در انجام کاری که شروع کرده‌اند، مبلغی پول می‌دهند. بافندگان با این پول میوه یا شیرینی تهیه می‌کنند)

...و در موقع شانه زدن چنین نغمه سرایی می‌کنند:

چالینگ چالینگ چال قیزلار إله داراق آل قیزلار
إله داراق آلایلی خالا ناقیش ثالایی
چالینگ چالینگ چال قیزلار چالینگ چالینگ چال قیزلار

ترجمه:

دخترها! بردارید شانه‌ها را و فرود آورید بر تارهای قالی. شانه‌ها را برداریم و قالی را منقش کنیم.

...و صبح هنگام در آغاز کار چنین می‌سرایند:

اریتریلین دو قماقارشی اوغرادیم اون بار ماقمی ک ثربیلین دوغرادیم
یوپ لاری هم یکایکا ثایلادیم قادیرالله ثندن مدد خداییم

ترجمه:

صبح هنگام، عازم بافتن قالی شدم و با (کِ ثر*) ده انگشت خود را زخمی کردم آن گاه، کلاف‌های خامه را یک به یک جدا کردم. خدایا در انجام کارم از تو مدد می‌خواهم.

(*) کِ ثر: از ابزار بافندگی و شبیه کاردک است که برای بریدن نخ، بعد از گره زدن،

استفاده می‌شود).

...و در شکایت از سودجویی تاجران فرش، که دست رنج آنان را با قیمتی نازل صاحب می‌شوند، می‌نالد:

کِ ثر بولدی ثاغ الیمینگ قارداشی جبر بؤلدی منگ یانیمینگ یؤلداشی
بیزه ظلم بؤلدی، تاجرینگ ایشی بوظلامدن خلاص ایله خدایم

ترجمه:

کِ ثر بر دست راست من همچون قلم است و رنج و عذاب با هستی من عجین شده است. سودجویی تاجر فرش ظلمی مضاعف است. خدایا مرا از هر گونه ظلم نجات بده.

مراحل بافت فرش

تذکر: این بخش با در نظر گرفتن یک قالی بافته شده، بررسی شد و ممکن است از جهت نقش مایه‌ها با قالی‌های دیگر اندک تفاوتی داشته باشد.

۱ - «تاچاق»: این واژه از دو بخش است:

الف - «تاچ» به معنی «مو».

ب - «اق» پسوند؛ در بعضی از واژه‌ها پسوند فاعلی است مثل «قاچاق / فراری» و در بعضی واژه‌ها پسوند شباهت. مثل همین واژه‌ی «ساجاق» یعنی هر چیزی که مثل «مو» افشان باشد. و «تاچاق» در معنی عام یعنی «سفره» که گسترده‌تری است.

...اما «تاچاق» در اصطلاح قالی باف‌ها به دو انتهای عرضی چله‌های قالی گفته می‌شود

که حدود ۱۵ سانتی متر به صورت تارهای افشان و ریشه مانند باقی می‌ماند.

پس از این بخش، بخش آغازین فرش، یعنی «توپراق» بافته می‌شود.

۲ - توپراق / شانه بافی: بخش آغازین و پایانی قالی را «توپراق» می‌گویند که به صورت گلیم بافته می‌شود و سبب استحکام بخش اصلی فرش است.

«توپراق» در زبان ترکمنی به معنی «خاک» است؛ علت انتخاب این نام برای بخش آغازین و پایانی فرش، شاید ابلاغ این پیام باشد که آغاز و پایان همه‌ی موجودات به ویژه انسان «خاک» است. از خاک برآمده‌ایم و بر خاک خواهیم شد. پس به مسئولیت انسانی خود آگاه باشیم و درون خود را همچون متن قالی - که یک اثر هنری است - با هنر زینت بدهیم که هنر برتر از گوهر است.

بخش «توپراق» را بخش «ناچ قایی» به دو بخش مساوی تقسیم می‌کند.

۳ - ناچ قایی / آلاجه یوپ: «ناچ» به معنی «مو» و «قایی» به معنی «در ورودی» است. «ناچ قایی» در اصطلاح قالی باف‌های ترکمن، نخ‌ی سیاه و سفید است که به هم تابیده‌اند. به علت همین دو رنگی است که آن را «آلاجه یوپ» / نخ سیاه و سفید» نیز نامیده‌اند. «ناچ قایی» یا «آلاجه یوپ» بخش «توپراق» را به دو بخش مساوی تقسیم می‌کند و از دو سوی عرض قالی، چون گیسوی باریک و بافته شده، آویزان است. این، شاید نمادی باشد از دختران ترکمن که پیش از ازدواج گیسوان خود را با «آلاجه یوپ» می‌بافتند و با بستن منگوله‌ای به دو انتهای آن، گیسوان خود را از دو سوی سینه می‌آویختند. در روزگاران گذشته «آلاجه یوپ» کاربرد دیگری نیز داشت و آن، این که در مرحله‌ی آغازین نامزدی، طرف داماد، نخ‌ی دو رنگ را چون گردنبندی به گردن دختر می‌بست و نشانه‌ی نامزد داشتن دختر به حساب می‌آمد.

۴ - تخته نارنج: این بخش بعد از «توپراق» بافته می‌شود و حدود ۲ سانتی‌متر عرض دارد اما بدون نقش است. ترکمن‌ها این بخش را به رنگ نارنجی می‌بافتند.

۵ - غری qeri: این بخش، خود شامل چند بخش کوچک‌تر است که نقش مایه‌های قالی به حساب می‌آید.

الف - قافرقه عالم / نقش دنده: این بخش - بسته به طول قالی - به عرض ۱۰ سانتی متر است. قافرقه عالم، نقش مایه‌ای است که دنده‌ی جانوران یا شانه‌ی سر خانم‌ها را که دارای چهار دنده است. تداعی می‌کند و به رنگ‌های سیاه و سفید بافته می‌شود. سفیدها موازی با سفیدها، سیاه‌ها موازی با سیاه‌ها.

ب - چوپیچه برون / نوک جوجه: نقش مایه‌ای است که به شکل نردبان بافته می‌شود. رأس بیرونی هر نرده زائیده‌ای دارد که نوک جوجه را تداعی می‌کند. «چوپیچه برون» را نیز مانند «قافرقه عالم» بین دو «تاج قابی / آلاجه یوپ» می‌بافند که موازی یکدیگرند. فاصله‌ی دو آلاجه یوپ در بخش عرضی حدود ۲ سانتی متر و در بخش طولی حدود ۴ سانتی متر است. اضلاع «چوپیچه برون» و «آلاجه یوپ»‌های محاط بر آن، همچون قابی مستطیل شکل به نظر می‌رسد و نقش‌های اصلی قالی در فضای این قاب مستطیلی بافته می‌شود.

ج - قوچاق: این نقش مایه نیز مثل «چوپیچه برون» در فاصله‌ی دو نوار موازی یعنی «آلاجه یوپ»‌ها بافته می‌شود. این فاصله در بخش عرضی قالی حدود ۳ سانتی متر و در بخش طولی، حدود ۶ سانتی متر است.

علت نام گذاری این بخش به «قوچاق» شکل آن است که «سر قوچ» را تداعی می‌کند و در بین ترکمن‌ها به عنوان «نماد» یادگار دوران دام‌داری است. ترکمن‌ها نقش مایه «قوچاق» را به رنگ‌های متنوع می‌بافند اما رنگ سفید از همه چشمگیرتر است.

د - درناق غری: این بخش نیز مثل بخش‌های قبلی در فاصله‌ی دو نوار موازی یعنی «آلاجه یوپ» بافته می‌شود. این فاصله در بخش عرضی و طولی قالی. اندازه‌ای یکسان دارد و حدود ۱۸ تا ۲۰ سانتی متر است و مانند قابی، نقش‌های اصلی قالی را - که شرح آن گذشت - در بر می‌گیرد.

درناق غری نقش مایه‌ای چند ضلعی است و تعداد اضلاع آن، بسته به ابعاد قالی متفاوت است. این نقش به رنگ‌های متنوع بافته می‌شود و رنگ سفید از همه چشم‌گیرتر است.

ه - قوچاق: نقش مایه‌ای تکراری است که در بخش (ج) شرح آن گذشت.

ی - چوپچه برون: این نقش نیز تکراری است (بخش ب)

۶ - بافت نقش‌های اصلی قالی: بعد از اتمام بخش «درناق غری» نوبت به بافتن نقش‌های اصلی قالی می‌رسد (شرح این نقش‌ها در صفحات قبل داده شد).

۷ - قراچؤلوم / شیرازه: «قراچؤلوم» به کناره‌های طولی قالی گفته می‌شود که آن نیز، مانند «توپراق» از عوامل استحکام بخش اصلی قالی است.

بخش دهم - لوازم قالی بافی

- ۱ - خامه
- ۲ - تار / چله
- ۳ - پود
- ۴ - قوراما
- ۵ - دو قما داراق
- ۶ - کِ ثر
- ۷ - ثندی
- ۸ - ایق - ایقماچ
- ۹ - یونگ داراق

لوازم قالی بافی

خامه: «خامه» ماده‌ی اولیه‌ی صنعت قالی بافی است که از پشم گوسفند تهیه می‌شود و به رنگ‌های مختلف، رنگ آمیزی شده است.

خامه را بعد از رنگ آمیزی به صورت گلوله‌ای توپی / کلاف در می‌آورند که ییماق نامیده می‌شود قالی باف‌ها در هنگام بافت قالی آن را در جایی مخصوص به نام «کوچی اترنج» - در دار افقی - یا از «بند» - در دار عمودی - می‌آویزند تا کاملاً در دسترس باشد.

تار / چله: تار به مجموع نخ‌هایی اطلاق می‌شود که به طور موازی، یک نواخت و عمودی بر دار قالی بسته می‌شود. به عبارت دیگر دو عرض دار قالی را به هم پیوند می‌دهد. «تار» به منزله‌ی توان و پیکره‌ی فرش است.

پود: پود به مجموع نخ‌هایی اطلاق می‌شود که بعد از هر ردیف گره، از میان تارهای فرش عبور می‌دهند - با دست یا با سیخ پودکشی، یک در میان و به طور افقی - هدف از پودکشی، استقرار کامل گره‌های زده شده است بر فرش و انسجام عرضی این صنعت ظریف.

قوراما / دار قالی: دار قالی به دو دسته‌ی «افقی» و «عمودی» ساخته می‌شود.

الف - دار افقی / خوابیده: ترکمن‌ها معمولاً انواع قالی را در دار افقی می‌بافند -

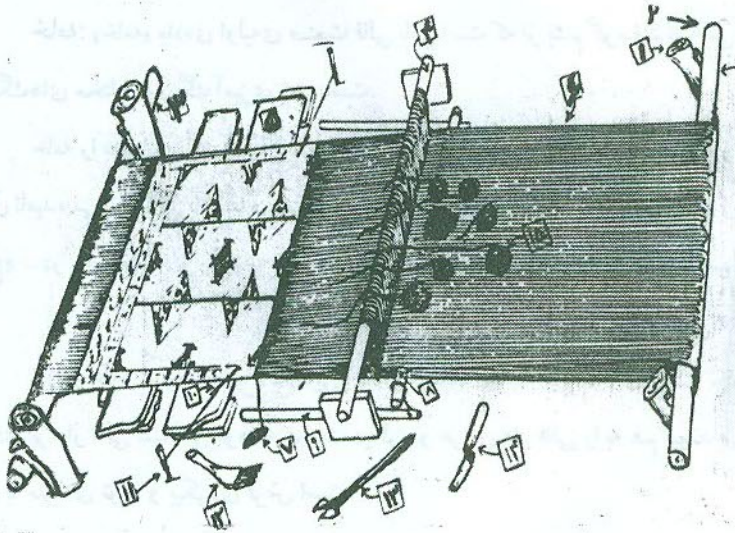
اخيراً استاد نیازی بافتن با دار عمودی را معمول کرده و با ابتکارات خود، جان تازه‌ای به فرش ترکمن داده است.

از امتیازات «دار افقی» این است که می‌توان اجزای آن را از هم جدا کرد. بدین جهت، حمل و نقل آن - در هنگام کوچ - به آسانی صورت می‌گیرد.

«دار افقی» ریشه در سنت ترکمن دارد؛ اما کار کردن با آن آسان نیست زیرا که بافنده‌ی ترکمن - عمدتاً زن - مجبور است که تا پایان کار به حالت خمیده بنشیند؛ بدین جهت ستون فقرات او به آسانی آسیب می‌بیند، دیگر این که دقت کار با «دار عمودی» را ندارد. تصویر زیر «دار افقی» و اجزای آن را در بین ترکمن‌ها نشان می‌دهد.

تصویر شماره ۴۹

منبع: مجله‌ی هنر و مردم



اجزای دار افقی

۱ - قازیق: عبارتست از چهار میخ چوبی که به عنوان ستون اصلی، چهارچوب «قوراما» را در جای خود ثابت نگاه می‌دارد.

۲ - اوکی کِ بَ لیک ewki-ke-se-lik

۳ - ثرتقی کِ بَ لیک: کِ بَ لیک چوب‌های افقی دار قالی است که تارهای قالی به دور

آنها تنیده می‌شود و دو ضلع عرضی را تشکیل می‌دهد. این چوب‌ها به وسیله «قازیق» ثابت و بی‌حرکت است.

۴ - کوچی اوترنج / کُوجی گوتار: میله‌ایست چوبی که بخش بافتنی را از بخش دیگر جدا می‌کند و در ضمن، جای مخصوصی است برای خامه‌های کلاف شده تا به آسانی در دسترس بافنده باشد.

۵ - تخته: وسیله‌ایست که در زیر فرش بافته شده می‌گذارند تا وزن بافنده بر تارها آسیبی نرساند و در ضمن، بافنده نیز بتواند راحت و آسوده خاطر به کار بافندگی بپردازد.

۶ - ارش / تار: «تار» یا «ارش» که آن را «چله» نیز می‌نامند به دور چوب‌های «کِث لیک» تنیده می‌شود و از ارکان اصلی بافت قالی است.

۷ - باثلق: همان «پود» است در زبان فارسی که بعد از هر رج از تارها عبور می‌دهند و با کوبیدن شانه بر روی آن موجب استحکام قالی می‌شوند.

۸ - دارتی / ایچ گچیر: میله‌ایست چوبی که به وسیله آن، تارهای بالا و پایین از هم فاصله می‌گیرند تا کار پودگذاری به وسیله دست یا «سیخ پودکشی» آسان شود.

۹ - دارت قیچ: دسته‌ی «دارتی» را می‌گویند که در دو انتهای «دارتی» نصب شده است و بافنده با کمک آن «دارتی» را جلو و عقب می‌برد تا کار پودگذاری آسان شود.

۱۰ - آنا و اوچ / آناویچ: وسیله‌ایست در دار افقی برای ثابت نگه داشتن عرض قالی. به این ترتیب که با کمک آن، کنار قالی را به «دار قالی» ثابت می‌کنند تا فرو رفتگی یا انحنا در عرض فرش پیدا نشود.

۱۱ - آنا و اوچ قازیق: میخی است از جنس چوب برای ثابت نگهداشتن «آنا و اوچ».

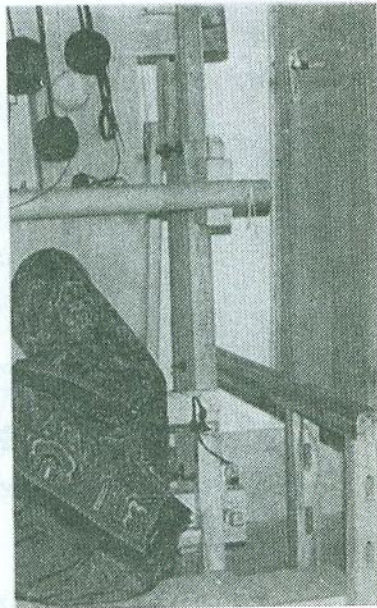
ب - دار عمودی

دار عمودی برای بافتن قالی‌هایی با ابعاد بزرگ مناسب است و معمولاً جمعیت‌های یک جانشین از آن، استفاده می‌کنند.

دار عمودی نیز مثل دار افقی، شکلی مستطیلی دارد و چوب‌های آن برخلاف دار افقی، ثابت است و از هم جدا نمی‌شود. تصویر زیر، دار عمودی و دختران بافنده‌ی ترکمن را در کارگاه استاد نیازی نشان می‌دهد.

تصویر شماره‌ی ۵۰

منبع: نیازجان و فرش ترکمن



از امتیازات دار عمودی بر دار افقی، موارد زیر را می‌توان برشمرد:

۱ - چشم‌ها و دست‌های بافنده بر تار و پود قالی مسلط است.

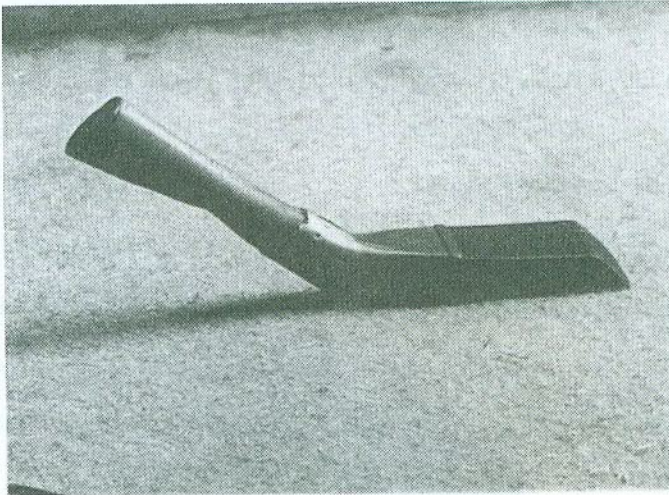
۲ - ستون فقرات بافنده آسیب نمی‌بیند.

اجزای دار عمودی به شرح زیر است.

- ۱ - پیچی که نقش جک را برای کشیده نگهداشتن تار، بازی می‌کند.
 - ۲ - بندی که خامه‌های رنگی را از آن می‌آویزند تا در دست رس بافته باشد.
 - ۳ - کِثِ لیک / سر دار
 - ۴ - کؤجی
 - ۵ - دار تی / ایچ گچیر: که فارس‌ها «هاف» می‌گویند و آن تیری است چوبی که تارها را به صورت دو دسته‌ی یک در میان از هم جدا می‌کند و کار پودگذاری را آسان می‌سازد.
 - ۶ - قوراما / چهار چوب دار: که بر همه‌ی اجزای «دار» گفته می‌شود.
 - ۷ - پایه‌ی کؤجی
 - ۸ - تخته: این تخته برای محکم و ثابت نگاه داشتن فرش استفاده می‌شود تا در هنگام شانه‌کوبی، به تارها آسیبی نرسد.
 - ۹ - پایه‌ی کؤجی
 - ۱۰ - قولاق / گوش
- دوقماداراق: شانه‌ای است مخصوص که برای بافت قالی ترکمن به کار می‌رود و دارای انواعی است:
- ۱ - شانه‌ای که دنده‌های ظریف و متراکم دارد و در بافت قالی به کار می‌رود و متعلق به طایفه‌ی تکه است.
 - ۲ - قاقما داراق: که از آن برای محکم کردن تار و پود قالی استفاده می‌شود.
 - ۳ - شانه‌ای که مخصوص بافت پلاس و گلیم است.
- شانه دارای دسته‌ای چوبین و برآمده است که تیغه‌های آهنی ریز و درشت در آن تعبیه کرده‌اند به طول ۱۰ الی ۱۵ سانتی متر. شکل صفحه بعد طرحی از دوقماداراق / شانه‌ی قالی بافی را نشان می‌دهد.

تصویر شماره ۵۱

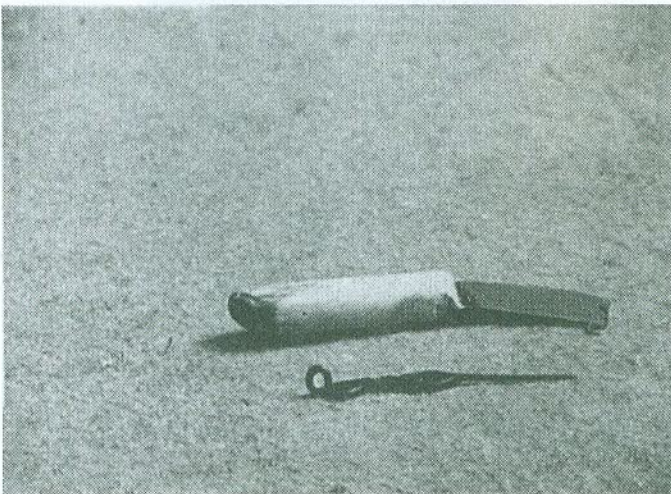
منبع: نیازجان و فرش ترکمن



کِ ثَر: وسیله‌ایست چاقو مانند برای قطع کردن گره‌هایی که بر تارهای قالی زده می‌شود. در تصویر زیر علاوه بر کِ ثَر وسیله دیگری نیز به نام آنالویچ دیده می‌شود که برای تثبیت عرض قالیچه به کار می‌رود.

تصویر شماره ۵۲

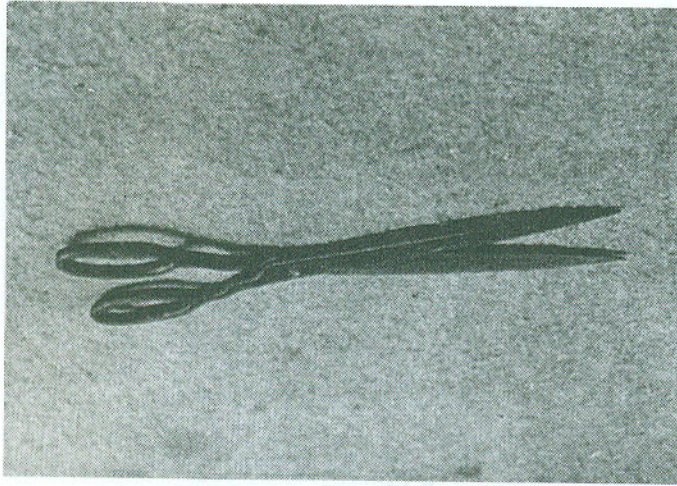
منبع: نیازجان و فرش ترکمن



ثیندی: ثیندی یا قیچی وسیله‌ایست برای صاف کردن قالی پس از چیدن پرزهای بلند و اضافی. امروزه کار چیدن پرزهای اضافی را به وسیله دستگاهی به نام «پرداخت قالی»

انجام می دهند که متأسفانه کیفیت کار ٹیندی را ندارد. تصویر زیر نمونه ی آن است.

تصویر شماره ی ۵۳ منبع: نیاز جان و فرش ترکمن



ایق و ایقماچ

۱ - ایق: وسیله ایست چوبی که فارس ها دوک می گویند.

۲ - ایقماچ: چوبی مخروطی شکل است که به انتهای دوک وصل می شود تا تعادل دوک را در هنگام ریسندگی حفظ کند. شکل زیر تصویر زنی را نشان می دهد که در حال ریسیدن پشم است. او در این کار از «ایق / دوک» و «ایقماچ» استفاده می کند.

منبع: ایرانیان ترکمن

تصویر شماره ی ۵۴

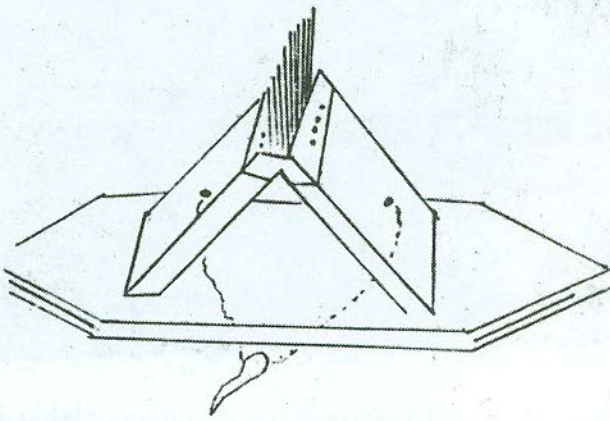


نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

یونگ داراق: شانه‌ای است با تیغه‌های آهنی و مخصوص پشم که برای صاف کردن الیاف‌های پشم به کار می‌رود. استفاده از این وسیله را معمولاً زنان مسن به عهده دارند. تصویر زیر نمونه‌ای از آن است.

تصویر شماره‌ی ۵۵

منبع: مجله‌ی هنر و مردم



بخش یازدهم - زبان و ادبیات

الف - از ابتدا تا قرن ۷ هـ ق - دوران اشتراک

ب - دوره تسلط ادبیات قبیچاق (خوارزمی)

ج - دوره تسلط ادبیات جغتایی

د - دوره تجدید حیات ادبی یا دوران مختوم قلی فراغی

و - دوره ادبیات نوین (از قرن ۱۲ هـ به بعد)

زبان و ادبیات

زبان یکی از توانایی‌های ذهنی انسان است که برای ایجاد ارتباط در بین انسان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. براساس این تعریف، هر ارتباط ذهنی در بین انسان‌ها که احتیاج به مترجم داشته باشد در مقوله‌ی زبان می‌گنجد؛ مثل زبان فارسی، انگلیسی و... در دنیا زبان فراوان است اما دانشمندان زبان‌شناس با روش تطبیقی، تعداد آن‌ها را در سه بخش طبقه‌بندی کرده‌اند.

الف - خانواده‌ی زبان‌های هند و اروپایی

ب - خانواده‌ی زبان‌های حامی و سامی

ج - خانواده‌ی زبان‌های اورالی - آلتایی

براساس این تقسیم‌بندی‌ها زبان ترکمنی از خانواده‌ی اورالی - آلتایی است. در این زبان که (پیوندی) یا (التصاقی) خوانده می‌شود. ریشه‌ی کلمات ثابت می‌ماند و معانی مختلف با افزودن پسوندهای مختلف، حاصل می‌شود.

«باسکا کوف» در کتاب «تورک دنیاسی، آنکارا ۱۹۷۶» زبان‌های ترکی را به دو

گروه (غربی - شرقی) تقسیم می‌کند.

ترکی غربی که به ترکی «اوغوز» نیز معروف است زبان کسانی است که بین بحر خزر

تا ممالک بالکان زندگی می‌کنند که شامل ترکمن‌ها هم می‌شود.

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

در یک تقسیم‌بندی کلی زبان و ادبیات ترکی - ترکمنی را به دوره‌های زیر تقسیم کرده‌اند.

الف - از ابتدا تا قرن ۷ ه‍.ق که در آن زبان و ادبیات همه‌ی اقوام ترک مشترک است.

ب - قرون ۷ و ۸ و ۹: که دوران تسلط ادبیات قبچاقی است (خوارزمی)

ج - قرن ۱۰ ه‍.ق که دوره‌ی تسلط ادبیات جغتایی است.

د - از قرن ۱۰ تا ۱۲: دوره‌ی تجدید حیات ادبی یا دوران مختم قلی.

و - از قرن ۱۲ به بعد دوره‌ی ادبیات نوین.

الف - از ابتدا تا قرن ۷ ه‍.ق - دوران اشتراک

در این دوران که دوران اشتراک با همه‌ی اقوام ترک است، خط و کتابت با سنگ نوشته‌های اورخون در قرن ۲ ه‍.ق آغاز شد و در سیر تحولات خود به خط اویغوری رسید. آثار معروف این دوره عبارتند از:

۱ - اوغوزخاقان / اوغوزنامه: داستان اوغوز خاقان که در جامع التواریخ تألیف رشید الدین فضل الله و شجره‌ی ترک اثر ابوالغازی بهادر خان (خان خیه) نیز نقل شده، داستانی است متعلق به دو قرن قبل از میلاد مسیح (ع) که به صورت ادبیات شفاهی، سینه به سینه به نسل‌های آینده منتقل شد و در قرن ۷ ه‍.ق / ۱۳ میلادی آن را با خط اویغوری به صورت کتاب در آوردند. این کتاب به لهجه‌ی ترکی کاشغری و متضمن داستان اوغوز خان است و دو شکل دارد:

۱ - شکل قدیم یا شکل غیر اسلامی

۲ - شکل جدید یا شکل اسلامی

ماحصل این داستان چنین است که: «چون اوغوز خان از مادزاده شد بسیار زیبا بود، در مدت چهل روز بزرگ و زورآور شد، به شکار رفت و با دختری که از آسمان نازل شده بود ازدواج کرد و از او صاحب سه پسر شد. آن گاه با دختری دیگر ازدواج کرد؛ از او هم صاحب

سه پسر شد. بعد مهمانی بزرگی ترتیب داد و خود را خاقان نامید و با هر کس که از او اطاعت نکرد جنگید. چون زمان مرگش رسید متصرفات خود را بین ۶ پسر خود تقسیم کرد. از این شش فرزند ۲۴ قبیله‌ی اوغوز پدید آمد.^(۱)

۲ - قوتاد قوبیلیک: این کتاب را یوسف اولوغ بیک حاجب خاص در قرن ۵ هـ ق (۴۴۸ هـ / ۱۰۶۹ میلادی) در بلاساغون، مرکز حکمرانان ترک، نوشت و به سلطان قراخانی، بغراخان، تقدیم کرد. از این کتاب سه نسخه موجود است:

الف - یک نسخه به خط اوغوری / ب - دو نسخه به خط عربی

قوتاد قوبیلیک اثری است منظوم و به شیوه‌ی مناظره (گفت و گو) در بند و نصیحت. زبانی ساده و در عین حال ادبی دارد که با مناجات خداوند شروع می‌شود و با مدح پیامبر اکرم (ص) و خلفای راشدین (رض) ادامه می‌یابد. این کتاب هم یک شاهکار ادبی است و هم کتابی در علوم سیاسی، اداری و اجتماعی، در ارزش ادبی آن، همین بس که نویسنده از لغات فارسی و عربی خیلی کم و از صنایع شعری به حد زیاد استفاده کرده است.

۳ - دیوان لغات ترک: این کتاب را محمود بن حسین کاشغری برای تعلیم زبان ترکی ادبی به اعراب نوشت - در سال ۴۵۱ هـ / ۱۰۷۲ میلادی - و متضمن تبلیغ روح سلحشوری، مقاومت در مقابل دشمن و تعریف و تمجید از قهرمانان دفاع در راه وطن است. در این کتاب علاوه بر موارد فوق، راجع به عرف و عادات و عقاید اقوام و جوامع و نواحی ترک نشین نیز اطلاعات جامعی داده شده است؛ مضاف بر آن، راجع به قبایل ۲۴ گانه‌ی اوغوز و علامت‌های مخصوص آن‌ها نیز - که تمغا نامیده می‌شود - می‌توانیم

۱- جامع التواریخ: خواجه رشید الدین فضل اله - شجره‌ی ترک، ابوالغازی بهادرخان - سیری در تاریخ و لهجه‌های ترکی، جواد هیث، ص ۶۹ - مقدمه‌ای بر پیشینه‌ی تاریخی ترکمن‌ها، اعظمی راد، داستان اوغوز خان.

اطلاعات مفیدی به دست بیاوریم.

۴ - دده قورقود: کتاب دده قورقود یکی از شاهکارهای ادبیات خلقی جهان و مرکب از یک مقدمه و دوازده داستان حماسی، منظوم و منثور است که به قولی در قرون پیش از میلاد مسیح پدید آمد و در قرن ۵ ه / ۱۱ میلادی تدوین و کتابت شد. این کتاب را گروهی از دانشمندان زبان شناس از نخستین آثار شفاهی و مشترک همه‌ی خلق‌های ترک به لهجه‌ی اوغوزی می‌دانند.

هر یک از داستان‌های این کتاب، بیانگر قهرمانی‌های مردم اوغوز و نشان دهنده‌ی احساسات، تفکرات، خصوصیات قومی، دین و چگونگی گذران زندگی آنهاست و ریشه‌ی آن‌ها را باید در وقایع تاریخی مردم آسیای میانه جست و جو کنیم. کتاب دده قورقود گذشته از اهمیت تاریخی از نظر زبانی و دینی نیز حائز اهمیت است.

۵ - مقدمه‌الادب: مقدمه‌الادب در قرن (۶ هق / ۱۲ میلادی) (۵۳۲ هق) به وسیله‌ی ابوالقاسم جارالله زمخشری، برای تعلیم زبان عربی به غیر عرب (فارس، ترک، خوارزمی) نوشته شد. این کتاب از نظر اطلاعاتی که در پاره‌ی لغات ترک و لهجه‌های اوغوز، قبیچاق، قنقلی می‌دهد یکی از مهم‌ترین آثار است. (بعد از دیوان لغات ترک، اثر محمود کاشغری).

متن کتاب، عربی است اما ترجمه‌ی ترکی و فارسی آن در زیر هر سطر آمده است از آثار دیگر زمخشری تفسیر کشف الاسرار را باید نام برد که از مهم‌ترین تفسیرهای قرآن کریم است و اینک در موزه‌ی بریتانیا نگهداری می‌شود.

۶ - دیوان حکمت: این کتاب به، نظم و اثر خواجه احمد یسوی است که در اواخر قرن ۱۱ و اوایل قرن ۱۲ میلادی زندگی می‌کرد. (فوت ۵۴۵ هق / ۱۱۶۶ میلادی) خواجه احمد در تاریخ تصوف ایران به نام (پیر ترکستان) معروف است. وی مرید

شیخ یوسف همدانی بود و طریقت یسویه را تأسیس کرد. دیوان حکمت اشعاری به شکل دو بیت است، بیش تر با وزن هجایی که جنبه‌ی تعلیمی نیز دارد. طریقت یسوی در پیدایش طریقت‌های دیگر نظیر (حیدریه) در خراسان (قرن ۱۳ میلادی) بابایی و بکتاشیه، نقش اساسی داشته است. از شاگردان خواجه احمد (حکیم سلیمان آتا) را باید نام برد که در شهر باقرقان فعالیت داشت. درباره‌ی خواجه احمد یسوی مرحوم پروفیسور فواد کوپرولو، تحقیقات عمیقی نموده، در کتاب (تورک ادبیاتیندا ایلکی متصوف لر، استانبول، ۱۹۱۸ میلادی) شرح داده است.^(۱)

۷- عتبة الحقایق: این کتاب، منظوم و در قرن ۶ هـ ق / قرن ۱۲ میلادی به وسیله‌ی احمد یوکنکی و به لهجه‌ی ترکی کاشغری نوشته شد. کتابی است دینی و اخلاقی و به شکل موعظه که در آن لغات عربی و فارسی فراوان است. ابتدای این کتاب درحمد و ثنای پروردگار و نعت رسول اکرم (ص) و مدح خلفای راشدین در شکل غزل است و در نهایت با بیان فضیلت‌های اخلاقی، دینداری، قواعد علم و جوانمردی ادامه می‌یابد.

۸- قصه‌ی یوسف: این کتاب در قرن ۷ هـ ق (۶۰۹ هـ / ۱۲۳۰ میلادی) سروده شده است؛ به وزن هجایی و به شکل دوبیتی و شبیه قوشما (قوشقی). موضوع کتاب، داستان عشق زلیخا به حضرت یوسف (ع) است و نشان می‌دهد که شاعر در سرودن آن، تحت تأثیر خواجه احمد یسوی و طریقت او بوده است. ترک شناسانی مانند (بروکلمان) کتاب «قصه‌ی یوسف» را اولین اثر به ترکی غربی می‌دانند که ویژگی‌های ترکی شرقی را نیز دارد. به قول پروفیسور (ف. کوپرولو)، شاعر علی،

صاحب این اثر، از اوغوزهای خوارزم و حنفی مذهب بوده است. پروفیسور احمد جعفر اوغلو معتقد است که لهجه‌ی این اثر بیش‌تر آذری و به کتاب «دده قورقود» نزدیک است و (آدیلاچار) این منظومه را مربوط به ترکمنی قدیم می‌داند.

۹- قصص الانبیا: این اثر متعلق به ناصر رابغوزی است در منقبت پیغمبران و متعلق به قرن هفتم ه‍.ق (۶۸۹ ه‍. / ۱۳۱۰ میلادی).

قصص الانبیا کتابی است به نثر اما قطعات منظوم نیز دارد. لهجه‌ی آن کاشغری است که خصوصیات لهجه‌ی اوغوزی را نیز دارد. معلوم است که مؤلف در نوشتن آن تحت تأثیر کتاب «قوتاد قوبیلیک» بوده است.

قدیمی‌ترین نسخه‌ی خطی این کتاب در موزه‌ی بریتانیا نگهداری می‌شود که در سال ۱۹۴۸ میلادی به چاپ رسید؛ و گنجینه‌ای است از لغات ترکی مخصوصاً اسامی جانوران، مرغان و ستارگان.

۱۰- معین المرید: معین المرید به وسیله‌ی شیخ شریف و در خوارزم به نظم کشیده شد (۶۹۲ ه‍. / ۱۳۱۳ میلادی).

محتویات این کتاب قطعاتی از اشعار مذهبی است که به زودی در میان اقوام ترک و ترکمن رواج یافت و ابوالغازی بهادر خان، خان خیوه، اولین بار در کتاب خود، شجره‌ی تراکمه، از آن نام برد.

ب - دوره‌ی تسلط ادبیات قبیچاقی (قرون ۷ و ۸ و ۹ ه‍.)

دشت قبیچاق منطقه‌ی وسیع خوارزم، شمال قفقاز و دشت‌های جنوب روسیه را در برمی‌گرفت و چون محل حکومت جوجی، یکی از چهار پسر چنگیز بود، به منطقه‌ی آلتون اردو - اردوی طلایی - نیز شهرت داشت.

ادبیات قبیچاقی غیر از دشت قبیچاق در مصر و سوریه نیز رایج بود، چراکه ترک‌های

قبحاقي در اين مناطق اڪثريت داشتند.

آثار مشروحه‌ي زير نشانگر ويژگي‌هاي زباني، قومي، اجتماعي و مذهبي ادبيات قبحاقي است.

۱ - محبت نامه‌ي خوارزمي: اين كتاب در قالب مثنوي و به سال ۷۳۱ هـ / ۱۳۵۲ ميلادي در حوضه‌ي رود سيحون به اتمام رسيد. از اين اثر دو نسخه در موزه‌ي بریتانیا موجود است يکي به خط عربي و يکي به خط اويغوري.

محبت نامه متضمن ۱۱ نامه است که «خوارزمي» بنا به خواست يکي از امراي «التين اردو / اردوي طلايي به نام «محمد خوجايک» نوشت و به خود او تقدیم کرد.

خوارزمي علاوه بر خوارزم در مصر نيز شهرت داشت چنان که سيف سرائي شاعر قبحاقي دربار مملوک مصر براي يکي از غزل‌هاي او نظيره‌اي ساخته است.

۲ - نهج الفرديس: اثر محمود فرزند علي است که در (کردر) واقع در خاور اورگنج قديمي زاده شد، وي اين كتاب را در سال ۱۳۴۲ ميلادي / قرن ۸ هـ و در موضوع مسائل اخلاقي، ديني به پايان برد. زبان كتاب، تعليمي، ساده و به لهجه‌ي ترکي خوارزمي، مخلوطي از لهجه‌هاي کاشغري، قبحاق و اغوز است.

از اين كتاب، دو نسخه موجود است. يکي در استانبول که در سال ۷۴۱ هـ ق و ديگري در موزه‌ي شرق در يالتا به سال ۷۹۲ هـ ق نوشته شده است.

۳ - رونق الاسلام: رونق الاسلام اثری است منظوم که در قرن ۹ هـ ق (۸۸۴ هـ / ۱۴۶۵ م) به وسيله‌ي شيخ شريف خيوه‌اي - براي تعليم اسلام به مردم ترکمن - سروده شد و يکي از بهترين نمونه‌هاي لهجه‌ي ترکي - ترکمني مشترک آسيای ميانه است.

ج - دوره‌ي تسلط ادبيات جغتايي (قرن ۱۰ هـ)

از قرن ۱۵ ميلادي / ۹ هـ ق به بعد سه زبان کتابت در آسيای ميانه پديد آمد.

۱ - ترکی شمالی: براساس ادبیات قبیچاق

۲ - ترکی شرقی: براساس لهجه‌های مردم آسیای میانه

۳ - ترکی غربی: براساس لهجه‌های اوغوز

ترکی شرقی را به مناسبت نام جغتای فرزند دوم چنگیزخان که در آن منطقه حکومت داشت - ترکی جغتایی نیز نامیده‌اند.

ادبیات جغتایی از زمان امیر تیمور پدید آمد و با ظهور شاعر بلند پایه‌ای به نام امیر علیشیرنوائی - وزیر سلطان حسین بایقرا، حاکم هرات - (۸۸۴ه / ۱۴۴۱م - ۹۰۶ه / ۱۵۰۱ میلادی) به کمال رسید و زبان ادبی این منطقه شد.

نوائی سرآمد شعرای زمان خود بود و زبان‌های فارسی، عربی را مانند زبان ترکی به خوبی می‌دانست.

نوائی در کتاب مجالس النفایس - که می‌توان آن را اولین تاریخ ادبیات ترکی شرقی دانست از ۳۰۰ شاعر ترک زبان نام برده است که گروهی از آن‌ها به فارسی هم شعر گفته‌اند. در رواج و تکامل ادبیات جغتایی فرمانروایان آسیای میانه نیز سهم به سزایی داشتند چراکه بسیاری از آن‌ها خود، شاعر بودند و از شاعران چه از لحاظ مادی، و چه از لحاظ معنوی حمایت می‌کردند.

د - دوره‌ی تجدید حیات ادبی یا دوران مختوم قلی

قرن‌های ۱۰-۱۱-۱۲ هـ ق

از قرن ۱۰ هـ ق / ۱۶ میلادی به بعد ادبیات شفاهی از نظر مضمون و محتوا غنی‌تر شد و آثار ارزشمندی چون (عاشق غریب - کوراغلی) با محتوای عشق و محبت و صداقت و قهرمانی به وجود آمد آن چنان که ادبیات کلاسیک را نیز به شدت تحت تأثیر خود قرار داد.

حماسه‌ی کوراوغلی که در قرن ۱۱ هـ ق / ۱۷ میلادی به نظم و نثر کشیده شد یکی از شاخص‌ترین و زیباترین ادبیات شفاهی خلقی است که ترک و ترکمن و همه‌ی مردم آسیای

میان و آسیای صغیر آن را از آن خود می‌دانند.

«آلکساندر خود زکو» کوراوغلی را ترکمنی از طایفه‌ی تکه می‌داند و فاروق سومر او را یک ترک اهل آناتولی معرفی می‌کند. ثروتمندان او را راهزن می‌دانستند و مردم فقیر او را یاور خود.

آن چه مسلم است و انکارناپذیر - کوراوغلی اهل هر کجا که باشد - یک قهرمان خلقی است و بازگوکننده‌ی دلاوری‌ها، هیجانات، اضطراب‌ها و احساسات قهرمانان و خلق‌های محروم جامعه.

به طور کلی زبان ادبی ترکمن تا قرن ۱۰ ه‍.ق / ۱۶ میلادی لهجه‌ی ادبی جغتایی بود اما با ظهور نامورانی چون (دولت محمد آزادی، نورمحمد عندلیبی، مختوم قلی فراغی، محمدبایرام خان، برخوردار ترکمن، ذیلی، ملانفس، محمد ولی کمیت، مأتاجی، مسکین قلیچ، شیدایی و...) لهجه‌ی جدید ترکمن شکل گرفت و آثار ارزشمندی در زمینه‌ی شعر و داستان به وجود آمد. اینک چند تن از این ناموران و آثار آن‌ها را به ترتیب تاریخ زندگانی معرفی می‌کنیم:

۱ - محمدبایرام خان (قرن ۱۰ ه‍.ق): محمدبایرام خان ابتدا در خدمت شاه اسماعیل صفوی بود و بعد در هند به خدمت «بابر، نواده‌ی پنجم تیمور گورکان» در آمد و در تأسیس دولت گورکانی یا امپراطوری مغول در هند نقش اساسی داشت. محمدبایرام خان اشعاری به فارسی و ترکی دارد که نخستین بار تحت عنوان «منتخبات» در عشق آباد، مرکز ترکمنستان، به چاپ رسید.

۲ - برخوردار ترکمن (قرن ۱۲ ه‍.ق): برخوردار ترکمن اگر چه به فارسی می‌نوشت اما نوشته‌های او رنگ و بوی ترکمنی داشت کتاب‌های (محل آرا، محبوب القلوب، رعنا و زیبا) از آثار اوست. کتاب محبوب القلوب او تحت عنوان (شمس و قهقهه) در کتاب خانگی مجلس شورای اسلامی موجود است.

۳- دولت محمد آزادی (۱۱۷۴-۱۱۱۲ ه‍.ق)^(۱): دولت محمد متخلص به «آزادی»

فرزند مختوم قلی یوناچی بود و به علت تقارن زمان تولدش با زمان پیری پدر، به «قَری ملا» شهرت یافت، اشعار او دارای شعور و احساسات ملی است. وی مبلغ اتحاد ترکمن و برقراری عدالت و آزادی بود. از آثار اوست:

۱- منظومه‌ی بهشت‌نامه: که بیش‌تر در مسائل مذهبی است.

۲- وعظ آزادی: این کتاب در پند و اندرز و مسائل مختلف جامعه نظیر لزوم توجه به علم و دانش، دستگیری از فقراست.

۳- حکایت جابر و انصار

۴- مناجات‌نامه

۵- اشعاری چند در قالب غزل، قصیده، رباعی.

۴- نورمحمد عندلیبی (قرن ۱۲ ه‍.ق)^(۲): عندلیبی در اشعار خود از فولکور استفاده

می‌کرد و در عین حال از موضوع‌های عشقی و کلاسیک غافل نبود. وی آثار خود را به شکل داستان و به نظم و نثر نوشته است.

۵- مختوم قلی فراغی (۱۱۹۸-۱۱۴۷ ه‍.ق)^(۳): مختوم قلی فرزند دولت محمد

آزادی است. وی را بنیادگذار ادبیات نوین ترکمن می‌دانند. مختوم قلی در بخارا و خیوه درس خواند، زبان‌های فارسی، عربی و ترکی را به خوبی می‌دانست، صوفی مسلک و در عین حال رئالیست بود.

مختوم قلی طرفدار وحدت ترکمن‌ها بود و در شعر ترکمنی، شعر ملی / قوشغی را وارد کرد. در زمینه‌ی شیوه‌ی شاعری و مضمون و محتوای شعرهایش به کتاب‌های زیر مراجعه کنید.

- ۱ - مقدمه‌ای بر شعر مختوم قلی، چاپ ۱۳۷۷، اعظمی راد
- ۲ - غریب آشنا (گزارش سفر به ترکمنستان، چاپ ۱۳۷۹، ص ۹۱، اعظمی راد.
- ۳ - سیری در تاریخ سیاسی، اجتماعی ترکمن‌ها، امین اله گلی، ص ۲۴۹
- ۴ - ...

و - دوره‌ی ادبیات نوین (از قرن ۱۲ هجری بعد)

ناموران این دوران را به شرح زیر و به طور خلاصه معرفی می‌کنیم.

- ۱ - قربان دردی ذیلی (قرن ۱۳ هجری)^(۱): ذیلی از طایفه‌ی گوکلان، تیره‌ی گرکز و فرزند شخصی به نام «دولت محمد» بود. وی بیش‌تر عمر خود را در اطراف رود اترک گذراند چنان‌که در خطاب به «صیدی» شاعر گفته است:
 «دلم هوای اترک می‌کند که زادگاه من است»
 ذیلی نیز مثل مختوم قلی در مدرسه‌ی «شیرغازی» واقع در خیوه درس خواند و از همان ابتدا با آثار و افکار مختوم قلی آشنا شد. شعرهای او نشان دهنده‌ی فقر مردم زمانه‌اش، ظلم فرمانروایان و درد اجتماعی است.

- ۲ - آناقلیچ مأتاجی (متولد ۱۲۴۰ هجری)^(۲): مأتاجی / محتاجی در روستای کوشی، اطراف عشق آباد متولد شد و به سبب فقر مادی به مأتاجی شهرت یافت. اشعار او به زبان حالّی بخشی (خواننده و نوازنده‌ی خلقی) در بین مردم به شهرت رسید.
 مأتاجی از آثاری چون: (کوراوغلی، شاه صنم و غریب و...) الهام گرفته است. فرزندِ ادیب به نام «ملادردی» یادگار اوست. برای اطلاع بیش از این شاعر به کتاب‌های زیر مراجعه کنید.

۱ - غریب آشنا، ص ۷۳

۲ - سیری در تاریخ سیاسی، اجتماعی ترکمن، ص ۲۵۸

۳ - ...

۳ - ملانپس / نفس (قرن ۱۳)^(۱): ملانفس شاعر و نویسنده‌ای توانا بود از ترکمن‌های تکه و متولد مرو - وی در ادبیات ترکمن «شاه عاشقان» لقب گرفته است. دیوان اشعارش اولین بار در سال‌های ۱۹۶۳ - ۱۹۴۰ میلادی به چاپ رسید.

۴ - مامدولی کمینه (قرن ۱۳ هـ)^(۲): کمینه شاعری بذله‌گو بود و در ناحیه‌ی سرخس متولد شد. وی از همان ابتدا با آثار شاعرانی چون (ملانفس، طالبی، شاه بنده، مختوم قلی آشنا شد) اشعار او نشان دهنده‌ی فقر مادی شاعر است.

۵ - شیدایی (قرن ۱۳ و ۱۴ هـ): شیدایی غزلسرا بود (گل و صنوبر) اثر مشهور اوست. وی با شاعران مشهور مدرسه‌ی شیرازی از جمله (اراز ساری، میرت شاعر، نگار شاعر) روابط ادبی داشت.

۶ - مسکین قلیچ (قرن ۱۳ و ۱۴ هـ)^(۳): مسکین قلیچ زبان‌های فارسی و عربی را می‌دانست و با آثار: (دولت محمد آزادی) مختوم قلی، ذیلی، ملانفس، صیدی آشنا بود. اکنون در (کاظم خوجه)، واقع در شرق «آی درویش» نزدیک کلاله (استان گلستان) مدفون است.

برای بررسی جریان تکامل لهجه‌ی ترکمنی در طول قرن‌های ۱۲ تا ۲۰ میلادی چند نمونه ذکر می‌کنیم:

۱ - دیوان حکمت، شیخ احمد یسوی قرن ۱۲ میلادی

۲- (۱۱۹۰-۱۲۶۰ هـ)

۱- (۱۲۲۵ - ۱۲۷۷ هـ)

۳- (۱۲۶۸ - ۱۳۲۵ هـ)

۲ - منظومه‌ی یوسف، شاعر علی قرن ۱۳ میلادی

۳ - شجره‌ی ترک، ابوالغازی بهادرخان قرن ۱۷ میلادی

۴ - اشعار مختوم قلی فراغی قرن ۱۸ میلادی

۵ - اشعار ذیلیلی قرن ۱۹ میلادی

۶ - آثار صحت ایشان قرن ۲۰ میلادی

۷ -

در طی قرن ۲۰ میلادی / قرن ۱۴ هجری ترکمن‌های ترکمنستان در جهت اعتلای زبان و ادبیات ترکمنی کوشیدند و ضمن آشنایی با آثار نویسندگان و شاعران روس و ترجمه‌ی بسیاری از آن‌ها به زبان ترکمنی، خود نیز آثار ارزشمندی خلق کردند، از آن جمله است:

۱ - رمان آیقیتلی ایدیم، کر بابایوف

۲ - داستان شکر باغشی و کتاب حکایه‌سی، نورمحمد ساری خان اوف

۳ - نمایشنامه‌ی جوما / جمعه - رمان پرمان (درباره‌ی جنگ گوک تپه)،

آقوشیدوف

۴ - نمایشنامه‌ی آینا / آینه، قارلی اوف

۵ - نمایشنامه‌ی شمشاد، ت - اسن اووا

۶ - ادبیات تنوریسی (تنوری ادبیات) آ - ککیلوف

۷ - ترکمن ادبیاتینگ تاریخی / تاریخ ادبیات ترکمن

۸ - ترکمن خلق یارادیجیلیغی / مجموعه‌ی فولکور ترکمنی ۱۹۶۷

متأسفانه در مناطق ترکمن نشین ایران - به علت مخالفت رژیم ستمشاهی / پهلوی با هر نوع فعالیت در زمینه‌ی زبان مادری اقوام و طوایف - هیچ نوع فعالیت ادبی - که چشمگیر باشد - به منصفی ظهور نرسید و آن چه هم که بسته و گریخته دیده شد با استفاده از فرصت‌های سیاسی بود که گاه گاهی جرعه می‌زد؛ از آن جمله است آثار زیر:

۱ - دیوان صحت ایشان، قابوس نشریاتی، بی تاریخ

- ۲ - دیوان قربان دردی ذیلی، قابوس نشریاتی، بی تاریخ
- ۳ - دیوان ماتاجی / محتاجی، قابوس نشریاتی، بی تاریخ
- ۴ - دیوان محمد ولی کمینه، قابوس نشریاتی، بی تاریخ
- ۵ - دیوان مختوم قلی فراغی، قابوس نشریاتی، بی تاریخ
- ۶ - دیوان مسکین قلیچ، قابوس نشریاتی، بی تاریخ
- ۷ - دیوان ملا نفس، قابوس نشریاتی، بی تاریخ
- ۸ - داستان زهره و طاهر، قابوس نشریاتی، بی تاریخ
- ۹ - داستان صایاد و همراه، قابوس نشریاتی، بی تاریخ
- ۱۰ - داستان یوسف و زلیخا، قابوس نشریاتی، بی تاریخ

خوشبختانه از بهمن ماه ۱۳۵۷ ش و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، درهای آزادی بیان و فعالیت در زمینه‌ی زبان و ادبیات قومی پا به پای دیگر اقوام و طوایف - به روی نویسندگان و شاعران ترکمن نیز گشوده شد و روند تحول و تکامل را سرعتی دو چندان بخشید. امید است که این فروغ آزادی همچنان بدرخشد و زمینه‌های خلق آثاری ارزشمند را فراهم کند.

در پایان این مقال، مناسب می‌بینم که ۲ نفر از فعالان ادبیات ترکمنی را در زمان تألیف این کتاب - که مبتنی بر اختصار است - به شرح زیر معرفی کنم.

۱ - حاجی مراد دُردی قاضی

قاضی به سال ۱۳۰۷ در شهر گومیشان واقع در ساحل جنوبی دریای خزر، در خانواده‌ای روحانی متولد شد. به سال ۱۳۳۰ ش در زادگاه خود اولین کار فرهنگی را با نمایندگی و خبرنگاری روزنامه‌ی اطلاعات شروع کرد. در سال ۱۳۳۶ به گنبدکاووس آمد و ضمن داشتن نمایندگی و خبرنگاری روزنامه‌ی کیهان به جمع‌آوری نسخه‌های خطی ادبیات کلاسیک ترکمن و چاپ و نشر آن‌ها علاقمند شد. در سال ۱۳۴۰ ش اولین چاپ دیوان مختم قلی را به دوستداران این شاعر عارف و برجسته‌ی ترکمن هدیه کرد.

مراد دُردی قاضی در سال ۱۳۷۳ ش به خاطر خدمات ارزنده‌اش در زمینه‌ی چاپ آثار کلاسیک ترکمن به ویژه یافتن نسخه‌های متعدد دیوان مختم قلی فراغی، به دریافت نشان بین‌المللی مختم قلی فراغی از دست صفر مراد نیازوف، رئیس جمهوری ترکمنستان مستقل مفتخر گردید و در سال ۱۳۷۶ ش لوح تقدیر دانشگاه علوم کشاورزی گرگان را در جشنواره‌ی دویست و شصت و چهارمین سال تولد مختم قلی فراغی دریافت کرد.

کار قاضی فقط به چاپ دیوان مختم قلی و نسخه‌های متعدد آن خلاصه نمی‌شود بلکه در چاپ آثار دیگر شاعران بزرگ ترکمن نیز - تحت عنوان قابوس نشریاتی - پیشقدم بوده است.

قاضی اولین کسی است که در احیای آرامگاه مختم قلی فراغی و پدرش، دولت محمد آزادی، تلاشی پیگیر داشت. مضاف بر آن، تلاش‌های وی برای بازسازی زیارتگاه خالدنبی، دانشمند آتا و... قابل ستایش است.

این مرد فرهیخته، علاوه بر فعالیت‌های فوق، در جمع‌آوری و چاپ فرهنگ عامه‌ی ترکمن نیز قدم‌های بزرگی برداشته است. از آن جمله است چاپ:

- ۱ - ترکمن پند و مثال لاری ۲ - ترکمن نقل لار ۳ - ادبی میراث

۲ - عبدالقهار صوفی راد

صوفی راد، شاعری است جوان و پویا که به سال ۱۳۴۴ ش، از پس سال‌های خاموشی و زبان در کام کشیدن خلق‌های ستم دیده‌ی ایران، در روستای ایمر محمد قلی آخوند - از توابع شهرستان گنبد کاوس - پا به عرصه‌ی حیات گذاشت و هم‌زمان با وزیدن نسیم آزادی در سال ۱۳۵۷ ش با نخستین شعر خود، سکوت سنگین عصر ستمشاهی را حلق آویز کرد و اینک بهترین نماینده‌ی شعر امروز ترکمنی است آن چنان که نوسانات گوناگون جامعه‌ی ترکمن را با تمام فرازها و نشیب‌ها، امیدها و ناامیدی‌ها، عشق‌ها و عاشقانه‌ها، قهرها و دوستی‌هایش در شعر او می‌توان یافت.

شعر این شاعر جوان از لحاظ تازگی مضمون و نوآوری در قالب، سنت شکنی نیما را در شعر فارسی به خاطر می‌آورد. او به خوبی می‌داند که در چه دوره‌ای از تاریخ قوم خود زندگی می‌کند و قوم او یعنی ترکمن از او چه می‌خواهد. این دانستن‌هاست که به او رسالت می‌دهد تا در شکل و قالب، محتوا و مضمون، طرحی نو دراندازد و نماینده‌ی کامل و جامع جلوه‌های راستین شعر و ادبیات ترکمن باشد.

صوفی راد تحصیلات ابتدائی را در زادگاه خود به پایان برد و با اخذ دیپلم در گنبد کاوس، راهی تهران شد و هم‌زمان با تحصیل در مرکز تربیت معلم به استخدام آموزش و پرورش درآمد؛ آن‌گاه عشق به ادامه‌ی تحصیل سبب شد که از دانشگاه پیام نور - واحد گنبد کاوس - در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، فارغ التحصیل شود؛ اینک دبیر دبیرستان و عضو فعال انجمن شعر و ادب ترکمنی در گنبد کاووس است. از آثار اوست:

۱ - دانگ نم لی گوژوم مجموعه‌ی شعر ۱۳۷۷ ش

۲ - یورک پوسی مجموعه شعر ۱۳۷۸ ش

۳ - مجموعه‌ی (دنیا و شاهیر) از دیگر آثار این شاعر فرهیخته‌ی ترکمن است که به زودی چاپ و به دوستداران شعر و ادب ترکمنی هدیه خواهد شد.

بخش دوازدهم - اعتقادات و مراسم

اعتقادات قومی و آیین مذهبی

مراسم سویت قازان

نماز و اقسام آن در بین ترکمن‌ها

جشن‌ها و اعیاد مذهبی

زیارتگاه‌ها

اعتقادات قومی و آیین مذهبی

ترکمن‌ها از مسلمان‌های متعصب و سنی حنفی مذهب هستند (پیروان امام ابوحنیفه) و از میان فرقه‌های مذهبی به فرقه‌ی نقشبندیه تمایل بیش‌تری دارند که به وسیله‌ی خواجه بهاء الدین محمد نقشبندی بخارایی پایه‌گذاری شد. نقشبندی‌ها پیروان خود را «صوفی»، مبلغان خود را «مرشد» و تعالیم مربوط به آن را «علم باطن» می‌دانند.^(۱)

ترکمن‌های سلجوقی نخستین گروه از ترکمن‌ها هستند که اسلام آوردند (قرن ۵ هـ) اما قبل از اسلام مثل سایر اقوام آسیای مرکزی تحت تأثیر تفکرات مختلف مذهبی بودند مثل (بودایی، مانوی، شمنی، طبیعت پرستی) و باورهای خاصی داشتند. از آن جمله است:

۱ - اعتقاد به تقدس آب: براساس این اعتقاد فرو رفتن در آب را - به منظور پرهیز از آلوده شدن آن - گناهی بزرگ می‌دانستند. (فاروق سومر، اوغوز لار، ص ۲۵).

۲ - اعتقاد به تقدس آتش: از این جهت که آتش را مظهر پاکی و نابودکننده‌ی امراض می‌دانستند. ابن فضلان نخستین کسی است که از تقدس آتش در بین ترکمن‌ها سخن می‌گوید: «در جرجانیه / اورگنج هر کس بخواهد به کسی هدیه بدهد می‌گوید: من آتش خوبی در خانه دارم - سفرنامه. ص ۷۰»

احترام به آتش و آب در بین ترکمن‌ها چنان است که هنوز هم آن دو را با هم

۱- برای اطلاع بیش‌تر از فرقه‌ی نقشبندی به کتاب غریب آشنا، ص ۲۷، اعظمی راد رجوع کنید.

نمی‌آلایند و خاموش کردن آتش را به وسیله‌ی آب، گناه می‌دانند.

۳ - اعتقاد به تقدس ارواح نیاکان: به خصوص روح بزرگان قوم. از این جهت برای مرده‌های خود احترام خاصی قائلند و همه ساله یاد و خاطره‌ی عزیز از دست رفته‌ی خود را گرامی می‌دارند.

۴ - اعتقاد به دنیای بعد از مرگ: بر این اساس لوازم شخصی مرده را با خود او دفن می‌کردند. ابن فضلان می‌نویسد: «ترکمن‌ها مرده‌های خود را در چاله‌ی بزرگی به شکل اتاق، دفن می‌کنند در حالی که لباس پوشانیده، کمر بند و کمان و شمشیرش را در کنارش نهاده‌اند. آن‌ها سقف گور را به شکل گنبدی می‌سازند که یوسکا نامیده می‌شود. - سفرنامه، ص ۷۳»
آرمینوس وامبری نیز در سفرنامه‌ی خود به یوسکا اشاره کرده است (درویش دروغین، ص ۴۰۱)

ابن فضلان در ادامه‌ی خاطرات خود می‌نویسد:

«ترکمن‌ها پس از مراسم خاک سپاری به خانه‌ی مرده برمی‌گردند و از گوسفندان او به تعداد حاضرین ذبح کرده می‌خورند و اعتقاد دارند که این گوسفندان ذبح شده، دام‌های متوفی هستند در بهشت».

از مراسم دیگر ترکمن‌ها این بود که اگر متوفی شخص دلیر و جنگاور بود به تعداد کسانی که به دست او کشته شده‌اند، چوبی تراشیده بر سر قبر می‌گذاشتند به این معنی که این کشته‌ها در جهان دیگر، نوکران او هستند.

۶ - اعتقاد به تقدس آسمان: به این علت که آسمان را مظهر ریزش باران می‌دانستند.

۷ - اعتقاد به خدایان متعدد: ترکمن‌ها خدای آسمانی را «تانگری» می‌گفتند و او را برترین خدایان می‌شمردند و برای «تانگری» مراسم خاصی داشتند. از دیگر خدایان مورد اعتقاد ترکمن‌ها عبارتند از:

«خدای زمستان - خدای تابستان - خدای باران - خدای باد - خدای درخت - خدای

مردم - خدای چهارپایان - خدای آب - خدای شب - خدای روز - خدای مرگ - خدای

خورشید - خدای ماه - خدای زمین»^(۱)

۸ - اعتقاد به اتوگن *Etagen* الهه‌ی زمین و فراوانی.

۹ - اعتقاد به نیروهای طبیعی، کوه‌ها، رودها، ارواح سرگردان و...

۱۰ - اعتقاد به شامانیسم: (۲) آیینی که مبتنی بود بر تصورات مبهم درباره‌ی خدای آسمان یعنی «تانگری». ترکمن‌ها بعد از پذیرش اسلام، بخشی از آیین شمن‌ها را با تغییراتی در ظاهر و اجرای آن، همچنان حفظ کردند و آن، آیین پر خوانی است. پرخوان یعنی کسی که برای نجات بیمار روانی از دست موجودات ناپاک، دعای فراوان می‌خواند و همچون شمن‌ها در «شامانیسم» با شمشیر آخته و آتشین، حرکاتی جنون‌آمیز مرتکب می‌شود. در تمام این مراسم نوازنده‌ای با «تامدره / دو تار» اورا همراهی می‌کند.

مراسم پر خوانی که ریشه در اعتقادات شامانیسم دارد امروزه به شکل رقص خنجر جلوه‌ی اسلامی دارد که ذکر آن گذشت. (بخش ۲، ص ۷۲)

۱۱ - اعتقاد به طبقات ۱۷ گانه‌ی دنیا که «تانگری» یعنی خدای آسمان در طبقه‌ی هفدهم آن زندگی می‌کند.^(۳)

۱۲ - اعتقاد به نیروهای نامرئی که بعضی از آن‌ها نسبت به آدمیزاد کینه و دشمنی دارند. از جمله‌ی این نیروهای نامرئی «اجنه» هستند که تا همین اواخر نیز ذهن ترکمن‌ها را به خود مشغول کرده بود و بر چند قسم هستند:

الف - جن‌های سیاه: این جن اگر از سمت چپ بدن ضربه بزند، قابل علاج است؛ اما اگر از سمت راست بدن ضربه بزند، غیر قابل علاج است.

ب - جن کبوتر سیاه: ضربه‌ی ناشی از این جن، غیر قابل علاج است.

۱ - سفرنامه‌ی ابن فضلان، صص ۷۹-۸۰، ترجمه‌ی ابوالفضل طباطبایی، تهران نشر بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۶۵

۲ - مجموعه‌ی مقالات مردم‌شناسی، بهروز اشعری، ۱۳۶۲، سفرنامه‌ی ابن فضلان، ایرانیان ترکمن

۳ - شمه‌ای درباره‌ی قوم غز، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات، مشهد ۱۳۵۴ - ایران و ترکان در روزگار

پ - جن لوٲ: ضربه‌ی این جن، مرگ آنی است.

ت - جن زنانه: این جن فقط به زن‌ها ضربه می‌زند برای این که آن‌ها را تحت سلطه‌ی خود درآورد.

ث - جن تب آور: ضربه‌ی این جن، آدمی را دچار تب شدید می‌کند.

ج - جن باد: که ضربه‌اش، صدایی شبیه زوزه‌ی باد تولید می‌کند.

چ - جن صحابه / جن مسلمان: که هیچ آزاری ندارد.

ح - جن قاراقراق / کنیز سیاه: که چهره‌ای سیاه دارد و در حال شانه کردن موهای پیچ در پیچ خود در ساحل رودخانه‌ها ظاهر می‌شود و اگر کسی را بزند، جای ضربه در بدن او باقی می‌ماند.

این جن‌ها - معمولاً - به صورت انسان، با قدی کوتاه، بدنی پوشیده از موهای زرد، پاهای سم دار، کمر قوزدار و چشم‌هایی که شیار آن، عمودی است در هنگام شب ظاهر می‌شوند و محل تظاهر آن‌ها، حمام‌های مخروطی، گورستان‌ها، زیرزمین‌ها، آب انبارهای کهنه و خانه‌های خالی است.

ترکمن‌ها عقیده دارند که جن از اسلحه‌ی سرد مثل: چاقو و خنجر می‌ترسد و با دیدن این ابزارها فرار می‌کند. تنها راه مصونیت از جن رعایت موارد زیر است:

الف - پرهیز از ریختن نجاسات در معابر.

ب - پرهیز از پاشیدن آب داغ به معابر.

تعقل و تأمل درباره‌ی دو نکته‌ی فوق، نشان می‌دهد که ترکمن‌ها به تأمین نظافت در جامعه اهمیت می‌دادند و مسائلی چون اعتقاد به جن، بهانه‌ای برای بهتر زیستن بوده است.

۱۳ - اعتقاد به قضا و قدر: ترکمن‌ها بسیاری از حوادث و اتفاقات را که در زندگی انسان‌ها اتفاق می‌افتد ناشی از نیرویی برتر می‌دانستند که از عواقب آن گریزی نیست. لاجرم با حوادث و اتفاقات به آسانی کنار می‌آمدند و کاسه‌ی چه کنم بر سر نمی‌زدند.

۱۴ - اعتقاد به تقدس باران: به این علت که باران را نمادی از سرسبزی و باروری زمین می‌دانستند. بر این اساس در خشکسالی‌ها مراسمی شبه مذهبی داشتند تحت عنوان «سوئیت قازان» یعنی دیگ شیری. این نام‌گذاری به این علت بود که «شیر» را نمادی از برکت و نعمت می‌شمردند.

مراسم سویت قازان

ترکمن‌ها در مراسم «سویت قازان» به رهبری آخوند یا طلبه‌ی محل به دو گروه می‌شدند و بعد از نماز عشا بر در خانه‌ها می‌رفتند و اشعاری را مبنی بر «طلب باران» به شرح زیر و با آواز می‌خواندند.

گروه اول

سویت قازانا، سویت قازان

سویت قازانا، ناگرک؟

ترجمه

دیگ شیر! ای دیگ شیر!

دیگ شیر از ما چه می‌خواهد؟

گروه دوم

قایمقلی جا، سویت گرک

چیقیم چقیم، بیزگرک

ایگنه اوجی، تیزگرک

ترجمه

دیگ شیر، سرشیر می‌خواهد

چند قواره کرباس می‌خواهد

سوزنی نوک تیز می‌خواهد

گروه اول

آش بیشیردیم، دوشیردیم

ایمه دینگ دا، سویت قازانا!

بو قچادوکوب، دؤن بیچدیم

ترجمه

غذا پختم و سرو کردم

اما تو چیزی نخوردی، ای دیگ شیر!

از بچه‌ام جامه‌ای فاخر دوختم

گیمه دینگ دا، سؤیت قازان
یاوشان بیغیب یول آچدیم
گلمه دینگ دا، سؤیت قازان

نپوشیدی ای دیگ شیر!
بوته‌های آویشن را از گنرگاهت برداشتم
اما تو نیامدی ای دیگ شیر!

گروه دوم

قوتور اوغشوق گتیردیم
ساغالتما ئانگ، گیت مارین
قاتی تاغار گتیردیم
دولدیر مائانگ گیت مارین
بیراشه جیک، گتیردیم
دوییر مائانگ، گیت مارین
بیرهالتا جیق، گتیردیم
دولدیر مائانگ گیت مارین

ترجمه
شتری آورده‌ام، آلوده به گر
اگر شفایش ندهی، نمی‌روم
ظرفی چوبین آورده‌ام
اگر پر نکنی نخواهم رفت
کره خری آورده‌ام
اگر سیرش نکنی نخواهم رفت
کیسه‌ی کوچکی آورده‌ام
اگر پر نکنی نخواهم رفت

گروه اول

قُت قتی نی گوردینگمی
قُتا سلام بردینگمی
شو آی دوغاندان باری
یاغین قاراتینی گوردینگمی

ترجمه
(ای سویت قازان) آیا قُت را دیدی؟
آیا به قُت سلام گفتی؟
آیا در ماهی که گذشت،
نشانی از باران دیدی؟

در این مرحله، هر دو گروه «آل لاو» می‌گویند که مخفف «الله هو» است؛ و صاحب خانه با پاشیدن آب به روی کسی که وظیفه‌ی جمع آوری نذری‌ها را دارد و «اشک / خر» خوانده می‌شود، یا دادن مقداری پول یا غذا نذر خود را ادا می‌کند.

کاربرد واژه‌ی «اشک» برای کسی که نذورات را جمع آوری می‌کند شاید بدان جهت باشد که در روزگارانی دور، به علت فراوانی نذری‌ها از «اشک / خر» استفاده

می‌کردند، اینک این وظیفه را جوانی بر عهده داد که خورجینی بر دوش خود انداخته است. شعر «سوئیت قازان» و مراسم آن، حشره‌ی «کفشدوزک» را نیز تداعی می‌کند که ترکمن‌ها به آن «سوئیت قازان» می‌گویند و کودکان ترکمن با دیدن این حشره می‌خوانند.

ترجمه	شعر
ای سوئیت قازان!	سوئیت قازانا، سوئیت قازان!
ظرف بیاور، شیر بدهم	او قارا گیتیر، سوئیت برایین
سر شیر بدهم، غذا بدهم	قایماق برایین، آش برایین
کریاس بدهم، هر چه بخواهی	بیز برایین، نامه ثویفنگ
فورا می‌دهم	تیز برایین



امروزه به علت بالا رفتن سطح آگاهی مردم و تحصیل در سطوح مختلف تا مقطع دانشگاه، دیگر اعتقادات و باورهای غلط (جز در نزد افرادی انگشت شمار، آن هم عامی و بی‌سواد) جایگاهی در بین مردم ترکمن ندارد. هر چه هست اتکال به خداوند یگانه و پیروی از دستورات مذهبی کسانی است که با آیات الهی آشنا هستند و مردم را به پیروی از دستورات دین مبین اسلام دعوت می‌کنند از جمله‌ی این افراد (آخوندها، ملاها، ایشان‌ها، اولادها...) هستند که به طور مختصر هر یک را معرفی می‌کنیم:

۱ - آخوند:

ترکمن‌ها «آخوند» را «آخون» تلفظ می‌کنند و این افراد تا پنجاه سال پیش (قبل از ۱۳۳۰ شمسی) در دو مرکز بزرگ اسلامی یعنی در (بخارا - خیوه) درس می‌خواندند و امروزه کلیه‌ی مراتب علمی و مذهبی ترکمن‌ها در حوزه‌های علمی ایران و مراکز ترکمن نشین مثل (گنبد کاووس، قره بولاق، گومیشان، گلی داغ، قارقی، آق قلا، کلالة ...) انجام می‌شود. رتبه‌ی آخوندی را شورای آخوندهای مدرس تعیین می‌کند. در مرتبه‌ی بالاتر از آخوند، روحانیون انگشت شماری هستند که به آن‌ها «تقصیر» اطلاق می‌شود: شاید بتوان

واژه‌ی «آیت الله» را معادل آن قرار داد.

۲ - ملا:

ملا به کسانی اطلاق می‌شود که در حوزه‌های مذهبی تحصیل می‌کنند و هنوز به مقام آخوندی نرسیده‌اند.

۳ - قاری:

قاری در لغت به معنی «قرائت کننده» است اما ترکمن‌ها این لفظ را به کسانی اطلاق می‌کنند که حافظ کل قرآن هستند و یا در این راه تلاش می‌کنند. ترکمن‌ها وجود قاری‌ها، ملاها و آخوندها را در انجام فرایض دینی و مراسم سوگواری، نعمتی بزرگ می‌دانند و به مقام روحانیت آن‌ها ارج می‌گذارند.

۴ - ایشان:

ایشان‌ها افرادی مذهبی هستند و خود را نماینده‌ی فرقه‌ی نقشبندی معرفی می‌کنند. این افراد نیز همچون آخوندها، قاری‌ها، ملاها از احترام خاصی برخوردار هستند.

۵ - اولاد:

اولادها افراد مقدسی هستند که خود را از بازماندگان خلفای راشدین (رضی) می‌دانند. این افراد نیز مورد احترام هستند و به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

الف - شیخ: شیخ‌ها نسب خود را به حضرت ابوبکر (رضی) می‌رسانند.

ب - مختوم: مختوم‌ها نسب خود را به حضرت عمر (رضی) می‌رسانند.

ج - آتا: آتاها نسب خود را به حضرت عثمان (رضی) می‌رسانند.

د - خوجه: خوجه‌ها نسب خود را به حضرت علی (رضی) می‌رسانند.

اولادها در هنگام بروز اختلاف در بین ترکمن‌ها میانجی می‌شوند و اختلاف را - در حد امکان - فیصله می‌دهند.

نماز در بین ترکمن‌ها و اقسام آن

ترکمن‌ها معمولاً نمازهای روزانه‌ی خود را در «مسجد» و با جماعت ادا می‌کنند. مسجد در بین ترکمن‌ها هیچگونه تجمل ظاهری ندارد و فقط یک چهار دیواری ساده و محراب‌دار است. از عادات پسندیده‌ی ترکمن‌ها در داخل مسجد موارد زیر را می‌توان ذکر کرد:

- الف - از صحبت کردن و شوخی پرهیز می‌کنند.
 - ب - سیگار نمی‌کشند، چای نمی‌نوشند، غذا نمی‌خورند و نمی‌خوابند.
 - ج - از مقابل نمازگزار عبور نمی‌کنند تا مبدا حرمت خلوت او خدشه‌دار شود.
 - د - نماز را در صف‌های فشرده، با نظم و ترتیب خاصی برگزار می‌کنند.
 - و - به طور کلی از هر نوع امور مربوط به دنیا در داخل مسجد پرهیز می‌کنند.
- نماز در بین ترکمن‌ها ارج و قرب خاصی دارد و کوچک و بزرگ در به جای آوردن آن، خالصانه تلاش می‌کنند و آن، بر چند نوع است:

۱ - نمازهای روزانه:

ترکمن‌ها در نمازهای روزانه که ۵ نوبت است، علاوه بر نمازهای واجب، در نوبت‌های (صبح، ظهر، مغرب، عشا) نیز چند رکعت نماز مستحب تحت عنوان (سنت) به جای می‌آورند.

۲ - نماز جمعه:

ترکمن‌ها علاوه بر نمازهای روزانه، از به جای آوردن نماز جمعه نیز غافل نیستند و آن را همراه با جماعت به جای می‌آورند.

۳ - نماز تراویح:

ترکمن‌ها در سی شب از شب‌های ماه مبارک رمضان و در مساجد محل، مراسمی روحانی دارند تحت عنوان «نماز تراویح» که به امامت پیش نماز مسجد برگزار می‌شود و در مجموع بیست رکعت است. (ده نماز دو رکعتی، غیر از نماز عشا).

۴ - نماز ختم قرآن:

در ماه مبارک رمضان و در بعضی از مساجد به جای نمازهای تراویح، مراسم ختم قرآن تشکیل می‌شود که ترتیب آن نیز مثل نمازهای تراویح است با این تفاوت که به جای سوره‌هایی از سی جزء قرآن، همه‌ی قرآن را به پنج یا شش بخش تقسیم می‌کنند و در طول پنج یا شش شب همچون نمازهای تراویح در ۲۰ رکعت به جای می‌آورند.

۵ - نماز تسبیح:

ترکمن‌ها علاوه بر نمازهایی که برشمردیم. معتقد به برگزاری نمازی دیگر هستند که «نماز تسبیح» خوانده می‌شود و پیامبر اکرم (ص) به جای آوردن آن را - اگر چه یک بار در طول زندگی - دارای ثوابی بسیار ذکر کرده است. نماز تسبیح چهار رکعتی است و دستوراتی دارد. (۱)

جشن ها و اعیاد مذهبی

۱ - مرد عید Mered-aid

ترکمن ها چهاردهم ماه شعبان را «مرد عید» می گویند و به میمنت آن، جشن می گیرند. زنان ترکمن در این روز نان روغنی می پزند و به عنوان صدقه و رفع بلا، در بین همسایه ها تقسیم می کنند.

از اعتقادات مخصوص مرد عید موارد زیر را می توان ذکر کرد.

الف - در شب هنگام چهاردهم ماه شعبان، دو فرشته یکی بر شانه ی راست (ثواب نویس) و دیگری بر شانه ی چپ (گناه نویس) به حساب نیکی ها و بدی های مردم رسیدگی می کنند.

ب - در همین شب (چهاردهم)، تاریخ فوت کسانی که مقرر است در طی سال جاری فوت شوند. تعیین می شود. به این جهت، این شب را (ث چیل چک گیجه / برات گیجه لقب داده اند.

ج - براساس اعتقادات فوق هر کس سعی دارد که در تمام طول سال گناه نکند و خانه و کاشانه و لباس و زبان و اعمال خود را از انحرافات محفوظ بدارد.

۲ - نیمه ی ماه مبارک

ترکمن ها در شب چهارده ماه مبارک رمضان مراسمی دارند تحت عنوان (یا رمضان /

یارم رمضان) که به شکرانه‌ی نیمه شدن این ماه و نعمتی که از آن برخوردار بوده‌اند، برگزار می‌کنند. بدین ترتیب که بعد از نماز مغرب، گروهی از جوانان و نوجوانان به رهبری - معمولاً - پیش نماز مسجد محل بر در خانه‌ها می‌روند و رهبر گروه، اشعاری در ستایش این ماه می‌خواند و دیگران «الله اکبر» می‌گویند. صاحب خانه نیز مبلغی پول یا شیرینی می‌دهد که سر آخر بین شرکت کنندگان این مراسم تقسیم می‌شود... پیام کلی (یا رمضان) این است که (ماه نیمه شد، همت کنید برای نیمه‌ی دیگر).

اینک ابیاتی از اشعار مربوط به «یا رمضان» که رهبر گروه می‌خواند و در پایان هر بخش، دیگران «الله اکبر» می‌گویند:

ترجمه

شعر یا رمضان

السلام علیک یاتان کیشی لار	سلام بر کسانی که در حال استراحت هستند
کرفیگنی کرفیگه غاتان کیشی لار	... و مژه بر مژه نهاده‌اند.
نماز اوقیب روزه توتان کیشی لار	سلام بر نمازگزاران و روزه‌داران
مخد امتینه یا رمضان	سلام بر امت محمد (ص)

گروه: آلاو/الله و اکبر

رمضان آیلاری گلرده گچر	سرانجام ماه رمضان پایان خواهد یافت
آیینگ اوڭن دوردینه یالقمین ثچر	در شب ۱۴ همه جا را روشن خواهد کرد
آطینی ایرلاب میناردا قآچار	... و سوار بر اسب را هوار خواهد تاخت
مخد امتینه یا رمضان	سلام بر امت محمد (ص)

گروه: آلاو/الله و اکبر

روزه توتمایانی نه ایلا یار لار	با روزه خواران چه خواهند کرد؟
تاموغ نیگ اورتائیندا باغلا یار لار	- آنان را در آتش جهنم گرفتار خواهند کرد
یوزینه قارچکیب داغلا یار لار	مهر سیاهی و سیاه کاری بر چهره‌شان خواهند زد
مخد امتینه یا رمضان	سلام بر امت محمد (ص)

گروه: آلاو/الله و اکبر

۳ - مراسم شب قدر:

ترکمن‌ها برای شب ۲۷ ماه مبارک رمضان، احترام خاصی قائل هستند. در این شب برای پذیرایی از مهمانان که به دیدار می‌آیند، سفره‌ای رنگین می‌چینند و به نام «قدرگیجه / شب قدر» شادی‌ها می‌کنند؛ چرا که معتقدند: شب قدر، شب نزول قرآن کریم به صاحب شریعت اسلام به منظور هدایت مسلمین است. در این شب - به اعتقاد ترکمن‌ها - حضرت خضر فرخ‌پی به کسانی ظاهر می‌شود که نیکوکار هستند. پس گروهی که خود را مستحق زیارت آن حضرت می‌دانند تا وقت سحری به دیدار اقوام و دوستان می‌روند تا شاید بخت بیدار، دیدار آن یار آشنا را بشارت بدهد.

می‌گویند: در این شب تمام آب‌های شور دنیا شیرین می‌شود. این عقیده شاید از این جا نشأت می‌گیرد که بیش تر چاه‌های آب در زیستگاه‌های ترکمن، شور بوده است. ترکمن‌ها عقیده دارند که پرداخت «باش پطره / فطریه» قبل از شب قدر ثواب بیش‌تری دارد. اگر چه تا پایان ماه مهلت دارند.

۴ - مراسم «کر Ker»:

ترکمن‌ها دو روز قبل از پایان ماه مبارک را به عنوان روز «کر» مقدس می‌دانند. در این روز زنان خانواده برای نظافت خانه اعم از شست و شوی فرش‌ها، ظرف‌ها، لباس‌ها و... تلاش مضاعفی از خود نشان می‌دهند.

۵ - مراسم «قوqin qoqen»:

زنان ترکمن یک روز قبل از عید فطر نیز به عنوان روز «قوqin» تلاشی مضاعف دارند. در این روز، نان روغنی / چاقاتی را با کمک افراد خانواده می‌پزند و آن را بین همسایه‌ها تقسیم می‌کنند.

۶ - مراسم عید فطر

ترکمن‌ها در روز عید فطر - اول ماه شوال - مثل همه‌ی مسلمین، روزه گرفتن را حرام می‌دانند - اما روزهای دیگر مجاز هستند - در این روز، قبل از طلوع آفتاب، مردان - در هر گروه سنی که نماز بر او واجب شده است - به عیدگاه می‌روند.

عیدگاه مکانی است وسیع و در خارج از شهر. در روز عید، از دور و نزدیک به این مکان می‌آیند و در صفوف فشرده و منظم، خطبه‌های نماز عید را به گوش جان می‌شنوند. آن گاه به امامت یکی از آخوندهای معروف، دو رکعت نماز عید فطر را برگزار می‌کنند.

۷ - مراسم عید قربان

ترکمن‌ها مراسم «کِر» و «قوقن» را همچون ماه مبارک رمضان در ماه مبارک ذی حجه نیز برگزار می‌کنند؛ بدین ترتیب که:

در روز ۸ ذی حجه مراسم «کِر» و در روز نهم ذی حجه مراسم «قوقن» انجام می‌شود. بعد، در شب عید قربان، حمام مخصوص می‌گیرند که به «قربان شورا» معروف است. آن گاه در روز دهم ذی حجه و قبل از طلوع آفتاب به عیدگاه می‌روند و پس از شنیدن خطبه‌های عید، نماز مربوط به آن را در دو رکعت برگزار می‌کنند. تصویر زیر گوشه‌ای از مراسم برگزاری عید (فطر - قربان) را در بین ترکمن‌ها نشان می‌دهد.

منبع: عکاس محلی

تصویر شماره‌ی ۵۶



ترکمن‌ها پس از بازگشت از عیدگاه مراسم قربانی کردن را به جای می‌آورند که معمولاً یک گوسفند برای هر شخص متأهل است که توان قربانی کردن را دارد و گاهی به جای گوسفند، به طور اشتراکی گاو یا شتر قربانی می‌کنند که در این صورت تعداد شرکا از ۷ نفر نباید بیش‌تر باشد. این شرکت را - اوله چالماق *Ola-Chalmaq* می‌گویند.

در موقع ذبح حیوان، چاله‌ای مدور حفر می‌کنند به طوری که مرکز چاله شبیه جزیره می‌شود آن‌گاه، درون چاله، نمک و زغال و گندم می‌ریزند. این مراسم، دوران توتمی را تداعی می‌کند و نمادی از کشت و زرع و حرمت نمک است.

۸ - جشن ۶۳ سالگی

ترکمن‌ها علاوه بر جشن‌هایی که برشمردیم، جشن دیگری دارند و آن، مخصوص کسانی است که به سن ۶۳ رسیده‌اند.

هر ترکمن وقتی که ۶۳ ساله می‌شود به افتخار ۶۳ سال زندگی پر ارج و با عزت پیامبر اکرم (ص) جشن برپا می‌کند. در این مراسم، ریش سفیدها، آخوندها، طلبه‌ها و اقوام دور و نزدیک، دعوت می‌شوند و با ذبح گوسفندی سفید، ولیمه می‌دهند.

مرد ولیمه دهنده که به سن ۶۳ رسیده است به دست روحانی محل «دؤن»^(۱) می‌پوشد. دؤن پیراهنی با دامن بلند است که تا زیر زانو می‌رسد و نشانه‌ای از پوشش حضرت رسول اکرم (ص) است. اگر ولیمه دهنده زن باشد، چارقدی سفید بر سر او می‌گذارند.

۹ - مراسم مولود خوانی

مولود خوانی جشنی است که به مناسبت تولد حضرت محمد (ص) همه ساله در روز ۱۲ ربیع‌الاول در سرزمین‌های ترکمن نشین و معمولاً در مراکز مذهبی اجرا می‌شود. نحوه اجرای مولود خوانی چنین است که ابتدا مردم حاضر در مجلس را اطعام می‌کنند و پس از آن، گروهی از آخوندها و طلبه‌ها... اشعاری را در مدح حضرت رسول (ص) و با شکلی آهنگین

۱- راجع به «دؤن» به بخش پوشاک رجوع کنید.

می‌خوانند که در مجموع مراسم مولود خوانی گفته می‌شود.

۱۰ - الله یؤلی / صدقه در راه خدا

گاهی ترکمنی به خاطر برآورده شدن نذرش یا هر توفیق دیگر، دوست و آشنا را به خانه‌ی خود دعوت می‌کند - که معمولاً برای صرف نهار است - در این روز، ریش سفیدها و روحانیون و افراد عادی همه جمع‌اند. غذا معمولاً «چکدرمه» این غذای سنتی ترکمن است. در پایان صرف غذا، یکی از آخوندها یا یکی از قاریان قرآن، آیاتی از کلام خدا را تلاوت می‌کند و دیگران برای قبول این مجلس در درگاه خداوند «آمین» می‌گویند. این نوع اطعام را که فقیر و غنی در آن شرکت دارند «الله یؤلی» می‌گویند.

زیارت گاه‌ها

در این مرحله فقط زیارت گاه‌هایی را معرفی می‌کنیم که در استان گلستان واقع شده‌اند و در نزد ترکمن‌ها معزز و محترم هستند.

۱ - دالیشمان آتا / امام زاده دانشمند: (کنار روستای دانشمند بر بالای تپه‌ای کم ارتفاع).

این زیارتگاه در نزدیکی روستای اینچه برون - مرز شمالی ایران با ترکمنستان - و در شمال غربی گنبد کاووس واقع است.

نام امامزاده «ملا علی» بوده و نسبت او به یکی از خلفای راشدین می‌رسد. قبر این امامزاده گنبدی از آجر دارد.

۲ - زکریا پیغمبر (ع):

زیارتگاهی است که ترکمن‌ها به آن «اولیا» می‌گویند و در ۸ فرسخی شمال گنبد کاوس قرار دارد با نمایی از آجر.

«حضرت زکریا یکی از آخرین انبیای عهد قدیم است که در «قرن ۶ قبل از میلاد» می‌زیست. وی به تجدید روحانیت اسرائیل در عهد مسیح بشارت داده بود».^(۱)

۳ - خالد نبی:

آرامگاهی است در قله‌ی گوگچه داغ و زیارتگاه ترکمن‌ها. در مورد این زیارتگاه می‌گویند که در فاصله‌ی حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد (ص) چهار نبی آمده است که یکی از آن‌ها «خالد نبی»^(۱) است. اصل او از «عدن» است. وی از قوم «خورشید» آزار دید و به مکان فعلی پناهنده شد. خداوند او و یارانش را به صورت سنگ درآورد، تا دست دشمن به آن‌ها نرسد.

۴ - قدم‌گاه بهاء الدین نقشبند:

زیارتگاهی است در ۱۰ کیلومتری شمال شرقی بندر ترکمن، نزدیک روستای «خوجه لر». زنان نازا بیش از دیگران به این مکان مقدس متوسل می‌شوند نقل است که حضرت بهاء الدین نقشبند مدتی در این مکان بیتوته کرده است. (برای اطلاعات بیش‌تر در مورد بهاء الدین نقشبند به کتاب غریب آشنا، اعظمی‌راد، ص ۲۷ رجوع کنید).

۵ - عالی خان بابا:

در شرق استان گلستان، نزدیک روستای چناران، در مسیر جاده‌ی کلالة - مراوه تپه و در بلندای کوهی مرتفع، آستانه‌ی مبارکه‌ای دیده می‌شود که می‌گویند متعلق به سید جلیل‌القدری به نام عالی خان بابا است؛ سیدی شفاعت‌بخش و مستجاب‌الدعوه.

عالی خان بابا، فرزند سید محمد، به سال ۱۰۳۰ هـ ق در خوجه قلا نزدیک قری قلا - واقع در ترکمنستان - متولد شد و در مدرسه‌ی غوث الاعظم، یکی از مشهورترین مدارس بخارا درس خواند و به زودی آوازه‌ی کرامات او در همه جا پیچید. این سید بزرگوار به سال ۱۱۲۵ هـ ق در زادگاه خود - خوجه قلا - دارفانی را وداع گفت و بنا به وصیت خودش،

۱- خالد بن سنان بن عبس بنا به قولی. نسب او به حضرت اسماعیل بن ابراهیم (ع) می‌رسد. ر.ک. تفسیر روح البیان ج ۱، ص ۱۵۵ - ج ۲، ص ۲۴۱ و تفسیر روح المعانی، ص ۱۰۴ و کتاب ناسخ‌التواریخ، میرزا محمد تقی سپهر، وفات ۱۲۹۷ هـ

در مکان فعلی دفن شد.^(۱)

۶ - تکیه بابا

زیارتگاهی است در ۶۰۰ متری غرب روستای پاسنگ پایین، در دامنه‌ی شمالی نیل کوه با بنایی آجری و سقفی حلبی به ابعاد ۹×۱۰ متر. وضع بنا و داخل رنگ و رورفته‌ی آن، با دیوارهای کثیف و فرش‌هایی از جنس نمد که بسیار کهنه است. میزان غریب افتادن این زیارتگاه را از هر نظر آشکار می‌سازد و توجه جدی مسئولین محترم را می‌طلبد.

این زیارتگاه را متعلق به آصف بن برخیا، وزیر دانای حضرت سلیمان (ع) می‌دانند که با شهر گنبد کاوس ۴۰ کیلومتر، گالیکش ۱۴ کیلومتر، با دوراهی کلالة ۱۰ کیلومتر فاصله دارد. و در ۵ کیلومتری جاده‌ی آسفالتی گلالیکش - مشهد با عنوان تکیه بابا/ بابا تکیه در زمره‌ی اولیا بین مردم شیعه و سنی، معزز و محترم است.

در وجه تسمیه‌ی این زیارتگاه به (تکیه بابا) می‌گویند که آن حضرت در حال فرار از دست دشمنان به این منطقه رسید و در حال تکیه دادن به درختی از جنس انار، مقتول شد و به وسیله‌ی دوستدارانش در پای همان درخت، دفن گردید.

با توجه به این که خاستگاه و زیستگاه حضرت سلیمان و وزیر او سرزمین فلسطین بود و انتساب این زیارتگاه در محل پا سنگ، دور از عقل به نظر می‌رسید در مقام ایراد بر آمدم اما مردی روحانی در پاسخ گفت «قدرت لایزال خداوند را به خاطر بیاور و از تشکیک خود توبه کن»

پس توبه کردم و ایمان آوردم که این زیارتگاه، متعلق به آصف ابن برخیا است.^(۲)

۱- این بخش با استفاده از کتاب «آوره ایشان و عالی خان بابا» تألیف آقای خوجه دودی قجقی تنظیم شد.

۲- راجع به آصف ابن برخیا در سوره‌ی نمل، آیه ۴۰ اشارتی دیده می‌شود.

۷- زیارتگاه یحیی بن زید (ع)

ترکمن‌ها این زیارتگاه را «قارائقی امام» می‌نامند به این دلیل که زیر زمینی داشت بسیار تاریک که دیوانه‌ها را در آن زندانی می‌کردند تا به حرمت امام زاده ارواح خبیث از وجود او خارج شوند.

این زیارتگاه متعلق است به «حضرت یحیی ابن زید ابن علی ابن حسین ابن علی ابن ابیطالب (ع) که به سال ۱۲۵ هـ. ق به دست نیروهای مسلم ابن احورمازنی شهید شد و در سال ۱۲۷ هـ. ق به دست ابومسلم خراسانی در محل فعلی دفن گردید.^(۱)

اصل بنای این زیارتگاه - که در سه کیلومتری غرب گنبد کاووس، جرجان قدیم، و در کنار رود گرگان واقع است - متعلق است به دوران صفویه، در زمان ناصرالدین شاه قاجار به دست علاءالدوله، حاکم استرآباد، تجدید بنا شد و اکنون بار دیگر بازسازی شده و توسعه یافته است.

۸- زیارتگاه آق امام

این زیارتگاه که بر قله‌ی کوه آق امام مورد اعزاز و احترام شیعه و سنی است متعلق است به حضرت محمدابن زیدابن اسماعیل ابن حسن ابن علی ابن ابیطالب (ع) که با برادرش، حسن، معروف به «داعی کبیر» در سال ۲۵۰ هـ ق سلسله‌ی زیدیه علویان را در طبرستان (مازندران فعلی) تشکیل دادند.

حسن تا سال ۲۷۰ هـ ق با قدرت حکومت کرد و پس از او «محمد» تا سال ۲۸۷ هـ ق حاکم طبرستان و جرجان (گنبد کاووس فعلی) شد؛ در این سال بود که به دست سپاهیان اسماعیل سامانی به فرماندهی (محمدابن هارون سرخسی) شهید شد و اینک آرامگاه او بین آزادشهر - مینودشت، با گنبد کاووس ۲۳ کیلومتر فاصله دارد.

در کنار مقبره‌ی این امام زاده، مقبره‌ی دیگری جلب توجه می‌کند که متعلق است به

۱- ر.ک. به کتاب «نورالعین»، قوام الدین شاهرودی، برگرفته از کتاب (بحارالانوار، و چند کتاب

امام زاده محمدابن امام جعفر صادق (ع) ملقب به «دیباج». در ساختمان این آرامگاه آجریایی به رنگ سرخ به کار رفته است، بدین جهت به «گور سرخ» نیز شهرت دارد.^(۱)

۹ - زیارتگاه ثوئین شهید

در محوطه‌ی پارک کودک شهر گومیشان واقع در ۱۵ کیلومتری شمال بندر ترکمن، مقبره‌ای دیده می‌شود که هیچ بقعه و بارگاهی ندارد و مردم محل آن را متعلق به مرد غریبه‌ای می‌دانند که به دست مأمورین رضاخانی (حکومت پهلوی اول) مظلومانه به قتل رسید. سالمندان گومیشان که ناظر این مظلومیت بودند حکایت می‌کنند که در لحظه‌ی وقوع قتل، هوا به شدت طوفانی شد و همه جا را تاریکی فراگرفت؛ آن گاه تا مدت یک سال هر شب جمعه، آتشی از قتلگاه او دیده شد که شعله می‌کشید.

مردم ترکمن این مقبره را با عنوان (ثوئین شهید) مستجاب‌الدعوه می‌دانند و از دور و نزدیک به زیارتش می‌روند.

۱- ر.ک. به کتاب «شاخه‌ی ریحان» حسینی رامیانی. نیز ر.ک. به علویان در گذر تاریخ، عبدالحمید

بخش سیزدهم - سرگرمی‌ها

۱ - انواع بازی

الف - گروه کودکان

ب - گروه نوجوانان

ج - گروه جوانان

۲ - آیدماجه لار / گفتنی‌ها

۳ - ماتال لار / چیستان‌ها

انواع بازی و ابزار آن در بین ترکمن‌ها

انواع بازی و ابزار آن را در بین ترکمن‌ها - که نوعی درس اجتماعی و آماده سازی برای زندگی آینده است - می‌توان به شرح زیر بررسی کرد:

۱ - بازی‌های مخصوص کودکان

۲ - بازی‌های مخصوص نوجوانان که به بازی‌های پسران و دختران تقسیم می‌شود

۳ - بازی‌های مخصوص جوانان

الف - گروه کودکان

بازی‌های کودکان ترکمن از طبیعت بکر و دست نخورده‌ی اطراف و محیط زیست آن‌ها سرچشمه می‌گرفت و مثل کودکان امروزی از انواع فیلم‌های کارتن و انواع وسایل وارداتی و مدرن غربی - ناسازگار با فرهنگ آباو اجدادی - خبری نبود.

در این گروه سنی، مادران بودند که نوع بازی را تعیین می‌کردند. مثلاً عروسک برای دختران و اسب چوبی برای پسران از کارهای دستی آن‌ها بود. گاهی نیز خود کودکان با الهام از زندگی خانوادگی خود، زندگی رؤیا گونه‌ای نمایش می‌دادند. بدین سان که یکی از کودکان که دختر بود، نقش مادر را بازی می‌کرد و آن دیگری که پسر بود نقش پدر را. کودکی دیگر فرزند دختر و آن دیگری فرزند پسر. آن گاه خانه‌ای گلین می‌ساختند، اجاقی گلین، هیز می‌گلین و... عوالمی بسیار ساده و معصومانه که نوعی آماده سازی بود برای زندگی

اجتماعی آینده.

ب - گروه نوجوانان

این گروه با بازی‌هایی از قبیل (آیلاما، چوروک / الک دولک، عبدالله کوشک / الله کلنگ، آشیق / بجول، چیش، قره گوردوم، آراکسیر، قورد توتیش، قوشا آتدیر، ساقچی، آی گرگ گون گرگ، لاله قاقماق و...) دنیای نوجوانی خود را به سوی جوانی می‌کشیدند.

اهم این بازی‌ها را در ذیل، شرح می‌دهیم:

۱ - آیلاما: نوعی چرخ فلک بود؛ بدین سان که تیری چوبی را به ارتفاع سه تا چهار متر در زمین می‌کاشتند و در انتهای هوایی آن - که میله‌ای آهنین فرو کرده بودند - پروانه‌ای دو شاخه یا چهار شاخه - شبیه پروانه‌ی ماشین - نصب می‌کردند. آن گاه با آویختن طناب از انتهای شاخک‌های پروانه - دو به دو یا چهار به چهار - به دور تیر عمودی - با حالت چرخش - تاب می‌خوردند.

۲ - عبدالله کوشک / الله کلنگ: تخته‌ای بود به عرض ۲۰ تا ۳۰ سانتی‌متر که آن را در سطحی بالاتر از زمین، شبیه به یک اهرم قرار می‌دادند آن گاه با نشستن در دو انتهای تخته و کوبیدن پا بر زمین که نوبت به نوبت بود بالا و پایین می‌پریدند. امروزه در پارک‌های کودک، نوع پیشرفته و فلزی آن، دیده می‌شود.

۳ - قره گوردوم / گیزگن پیچک: این بازی به وسیله‌ی خاصی احتیاج ندارد و معمولاً در شب‌های مهتابی انجام می‌شود؛ بدین طریق که ابتدا محلی را به عنوان مرکز فرماندهی در نظر می‌گیرند که (تارپ) نامیده می‌شود. آن گاه بازی‌کن‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف - گروه مدافع: که خود به دو گروه تقسیم می‌شود:

۱ - گروه گشت: که برای یافتن گروه مهاجم تلاش می‌کنند.

۲ - گروه نگهبان: که وظیفه‌ی حفاظت از مرکز فرماندهی - تارپ - را

به عهده دارد.

ب - گروه مهاجم: که خود به دو گروه تقسیم می‌شود:

۱ - گروه حمله: که وظیفه تصرف مرکز فرماندهی (تارپ) را به عهده دارد.

۲ - گروه شناسایی: که وظیفه دارد در تمام مدت عملیات، موقعیت دشمن را شناسایی و به گروه حمله گزارش کند.

۳ - اگر از گروه مهاجم کسی رؤیت شود، یکی از گروه مدافع می‌گوید: «پارق /

تارق» که به منزله‌ی شلیک گلوله در روزگار ما است؛ در نتیجه، این فرد رؤیت شده، به نشانه‌ی مهره‌ی سوخته از بازی خارج می‌شود. هر مهاجمی که بتواند خود را به مقر فرماندهی برساند با صدای بلند می‌گوید: «تارپ» که امروزه صدای انفجار مرکز فرماندهی از نمودهای عینی آن است. این بازی شاید به عنوان مانور نظامی و آماده سازی جوانان در مقابله با دشمن فرضی طراحی شده باشد.

۴ - آراکسیر: این بازی نیز به وسیله و ابزار خاصی احتیاج ندارد و هدف از آن،

تقویت روح همکاری، اتحاد، یگانگی و دفاع در مقابل بیگانگان است. در این بازی افراد به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف - چوپان: که سمبل فرماندهی شجاع، آگاه و عامل اتحاد است.

ب - گروهی که نقش قویون / گوسفند را بازی می‌کنند. این گروه نماینده‌ی مردمی

آرام، بی‌آزار و صلح جو است.

ج - گروهی که نقش قورد / گرگ را بازی می‌کنند. این گروه نماینده‌ی مردمی

ظالم، تهدید کننده و مهاجم است.

در این بازی دو گروه (ب) و (ج) در مقابل هم قرار می‌گیرند، حمله از طرف گروه

گرگ آغاز می‌شود و - البته به صورت انفرادی - اگر گرگی بتواند چوپان را غافل بگذارد و

از گروه گوسفندان عبور کند و ضربه‌ای به یکی از آن‌ها بزند آن فرد از گروه خارج می‌شود

و فرد مهاجم جای او را می‌گیرد و به اصطلاح امروزی‌ها (عامل نفوذی) می‌شود. و اما اگر

چوپان بتواند با ترکه‌ای که به دست دارد ضربه‌ای به گرگ مهاجم بزند آن گرگ از دور

مسابقه خارج می‌شود؛ در نهایت، برنده‌ی اصلی، گروهی است که نفرات بیش‌تری را حفظ کرده باشد.

۵ - ثال لان چاق: وسیله‌ای بود برای تاب خوردن که به آن «چالامن» نیز می‌گفتند. این وسیله با آویختن طنابی از شاخه‌ی درخت یا هر وسیله‌ی دیگر که بتوان از آن طنابی آویزان کرد. حاصل می‌شد. نوع پیش‌رفته‌ی آن در پارک‌های کودک دیده می‌شود.

۶ - قورد توت‌میش: این وسیله نیز مثل خیلی از بازی‌های دیگر احتیاج به وسیله‌ی خاصی ندارد در این بازی افراد به دو دسته تقسیم می‌شوند:
الف - یکی از بازی‌کنان در نقش گرگ در حالت نیم خمیده قرار می‌گیرد در حالی که دست‌ها را به روی زانو تکیه داده است.

ب - گروهی که در نقش گوسفند هستند. اما گوسفندانی چموش و بی‌آرام که پشت سر هم قرار می‌گیرند و از روی گرگ می‌پرند و در حین پرش می‌گویند: «اؤلیمی، دیری؟ / مرده است یا زنده؟» و گرگ با پرش آخرین گوسفند حمله می‌کند اما گوسفند مورد تهاجم با رسیدن به گروه گوسفندان، خود را از دست گرگ نجات می‌دهد. این بازی نیز تعلیمی است در جهت روحیه‌ی اتحاد و یگانگی و ابلاغ این پیام که اگر در جمع باشید از دست دشمن آسیب نخواهید دید.

۷ - قوشاق آتدیر: این بازی به لحاظ اهمیت اسب در زندگی ترکمن و لزوم شناخت آن، طراحی شده است. در این بازی، افراد به دو گروه تقسیم می‌شوند. یک گروه با انداختن قوشاق / شال کردن خود به وسط صحنه، اسبی و نام صاحب آن را در نظر می‌گیرد. نفر دوم با طرح سئوالاتی محدود (نظیر مسابقه‌ی ۲۰ سئوالی) سعی می‌کند که نام اسب و نام صاحب آن را بگوید؛ اگر موفق شد گروه پاسخ‌دهنده حق دارد که گروه سئوال‌کننده را سوار شود، آن‌گاه این گروه سوار، سئوال طرح می‌کند و بازی ادامه می‌یابد.

۸- ساقچی / نگهبان: این بازی به «اشک اوین» نیز معروف است و در آن بازی کنان به شکل دایره و مقابل هم قرار می گیرند آن گاه یک نفر به عنوان «ساقچی / نگهبان» در مرکز دایره قرار می گیرد و گروهی از کلمات را به شکلی آهنگین ادا می کند. بشرح زیر: «اگنه اگنه، اوجی دگنه، بال بالینا، چک چکینا، غوزه غوزه، قطور گچی، خالالانگ، خیابانگ، ناریل، بوئیل، چوماقای، چورتای، امین اوغلی، ییلی باغلی، الی داغلی، چق».

«ساقچی» ضمن ادای هر گروه از کلمات به یکی از بازی کنان اشاره می کند و سرانجام با اشاره به یکی از آن ها می گوید: «چق / خارج شو» و او را از دور بازی خارج می کند.

«ساقچی» با اخراج یک نفر، بازی را برای اخراج نفر بعدی - با همان شکل و سیاق اول - ادامه میدهد تا سرانجام، یک نفر باقی بماند. آن گاه می خوانند: «آپاق، پاپاق، یخشی، یامان، یوپک».

... و ضمن آدای هر گروه از کلمات فوق، به خود و به نفر مقابل اشاره می کند و «یوپک» تعیین کننده ی نفر برنده است. آن گاه نفر بازنده به عنوان «اشک / خر» در حالت نیمه خمیده قرار می گیرد. نفر برنده به عنوان «ساقچی / نگهبان» ادامه ی بازی را در مرحله ی دوم به عهده می گیرد.

در مرحله ی دوم، افراد، تک تک از روی اشک می پرند. اگر ساقچی بتواند ضربه ای به پاهای افراد «برنده» بزند نوبت اشک شدن آن بازیکن است.

بازی ساقچی در مقام مقایسه، مثل این بازی در نزد فارسی زبانهاست که برای خارج کردن افراد از دور اول بازی می خوانند: «یک و دو و سه پانزده، هزار و شصت و شانزده، هر که میگه شانزده نیست، هفده، هجده، نوزده، بیست».

۹- آی گرک گوئن گرک: این بازی مخصوص دختران است در معنی (ماه را می خواهم، خورشید را می خواهم) و می تواند نمادی باشد از دوران طبیعت پرستی ترکمن ها، آن زمان که هنوز با اسلام آشنا نبوده و مسلمان نشده بودند.

این بازی نیز به صورت گروهی انجام می شود؛ بدین ترتیب که دختران، دو گروه می شوند - در حالی که دست ها را به هم گره زده اند - و هر گروه در مقابل با گروه دیگر

کلماتی را بر زبان می‌آورند که آهنگین است، به شرح زیر:

گروه اول	آی گرک گژن گرک
گروه دوم	هر کیمه گلجک گزک، بیزدن شیزه، کیم گرک
گروه اول	اوی ینگه لی گرک، آردی تنگه لی گرک، تایراپ دژون قیزیل دیل لی قیز گرک
گروه دوم	وورد، بیقدا، آلاقا

با بیان آخرین پاسخ، گروه اول حمله می‌کند و تلاش دارد تا یکی از دختران گروه دوم را برآید. بازی زمانی خاتمه می‌یابد که اعضای یک گروه در گروه دیگر جذب شده باشد.

این بازی شاید نمادی باشد از رسم «آیاقدان آلماق» در روز عروس کشان که شرح آن گذشت (بخش اول، ص ۴۷)

۱۰ - لاله: این بازی نیز مخصوص دختران است که در شب‌های مهتابی، زیر آسمان پر ستاره انجام می‌شود: بدین سان که تعدادی دختر هم سن و سال، دایره وار، در کنار هم می‌نشینند و ترانه‌هایی را ملهم از سرنوشت محتوم خود با آهنگی غم‌انگیز می‌خوانند. مشهورترین این ترانه‌ها «چونقور قویی / چاه عمیق» است. (ر.ک. بخش اول)

۱۱ - مازالاق: این بازی، مخصوص پسران است «مازالاق» چوبی است به شکل مخروطی به ارتفاع تقریبی ۶ سانتی‌متر که میخی با ته برجسته و نوک ساچمه مانند، به نوک مخروط می‌زدند و از نوک تا نزدیکی سطح مخروط، نخ می‌پیچیدند و یک سر نخ را به انگشت سبابه‌ی خود می‌بستند. آن‌گاه «مازالاق» را به زمین سفت می‌کوبیدند در نتیجه‌ی این عمل، مازالاق به دور خود می‌پیچید و در نهایت در زمین می‌خوابید اگر کسی می‌توانست مازالاق خوابیده بر زمین رانشانه‌گیری کند، برنده بود.

۱۲ - لنگه: این بازی نیز مخصوص پسرها است؛ قطعه‌ای از پوست پشم دار گوسفند بود که در حد یک سکه‌ی ۵۰ ریالی امروزی بلکه کوچک‌تر از آن، می‌بریدند و یک سکه

سرب را به آن می‌دوختند؛ آن‌گاه با ضربات «تک پا» یا «جفت پا» یا «پشت پا» و در حالت پرش، لنگه را در هوا، معلق نگه می‌داشتند. در این بازی کسی برنده بود که می‌توانست تعداد بیش‌تری ضربه بزند و «لنگه» را در هوا معلق نگه دارد. این بازی در حقیقت ورزشی شادی بخش بود.

۱۳ - آشیق اوین / بازی بچول: این بازی نیز مخصوص پسرها بود. بچول «آشیق» یکی از هفت قطعه‌ی استخوان مچ پا است که در فاصله‌ی دو قوزک پا قرار دارد. این استخوان را در تداول عوام «قاب» می‌نامند.

«آشیق اوین» در بین نوجوانان ترکمن چنان رایج بود که برای نگهداری آن، کیسه‌ای مخصوص می‌دوختند. این کیسه از جنس پارچه بود و حدود ۵۰ بچول (کمتر یا بیش‌تر) گنجایش داشت و طریقه‌ی بازی به شرح زیر بود:

الف - ابتدا دایره‌ای به قطر تقریبی دو متر در زمین رسم می‌کردند.

ب - هر یک از بازیکنان، تعدادی از بچول‌های خود را و در خطی مستقیم، در مرکز دایره می‌چیدند.

ج - در فاصله‌ی تقریبی سه متر با بچول‌ها و به موازات آن‌ها، خطی در دو طرف دایره می‌کشیدند که محل آغاز بازی و هدف‌گیری بچول‌های داخل دایره بود.

د - بازیکن‌ها از محل هدف‌گیری با بچول‌های مخصوص خود که «ساقا» نامیده می‌شد، بچول‌های داخل دایره را هدف می‌گرفتند.

و - در این بازی کسی برنده بود که می‌توانست با «ساقا» بچول‌های بیش‌تری را از دایره خارج کند.

۱۴ - یارالیم: این بازی را هم پسران و هم دختران اجرا می‌کردند و برای اجرای آن، به دو گروه تقسیم می‌شدند؛ آن‌گاه در فاصله‌ی ۱۰ تا ۱۵ متری در مقابل هم صف می‌کشیدند و ابیاتی را - معماگونه و آهنگین - به شرح زیر می‌خواندند:

گروه اول یارالیم - آ - یارالیم

گروه دوم یارالمیا - ناگرک

گروه اول لبتی لبتی نورگرک

گروه دوم آزیقمی تمیز؟

در این موقع گروه اول می‌تواند دو نوع جواب بدهد:

الف - آزیق ب - تمیز

و گروه دوم براساس جواب گروه اول (آزیق - تمیز) معمایی طرح می‌کند که گروه

اول باید جواب درست معما را بدهد. اگر نتوانست بازنده است. این بازی ضمن نشاط آور بودن برای تقویت ذهنی کودکان بسیار مؤثر بود.

۱۵ - تارچه قاوون: در این بازی نیز مثل اکثر بازی‌های نوجوانان، افراد به دو دسته تقسیم می‌شوند (پسر و دختر) و هر گروه برای خود نماینده‌ای انتخاب می‌کند. این نمایندگان برای هر یک از اعضای گروه خود نامی مستعار برمی‌گزینند مثل نام یک پرنده یا... آن گاه یکی از نمایندگان (بنا به توافق) مجری نقش پیرزنی می‌شود که بر پایش خاری فرو رفته است و کمک می‌خواهد.

پیرزن (خطاب به گروه مقابل): ای جنگ بارمی؟ / مادرت در خانه هست؟

گروه مقابل یوق، نامه ایشنگ بار؟ / نیست، چه کاری داری؟

پیرزن آیا قیما تکن گچدی، آلدیرا جاقدیم / پایم را خاری خلیده است، کمک می‌خواهم

گروه مقابل چوروک بیشیرماگه گیتدی، نؤر گیتیلی / رفت تا نان بپزد، باش تا بیاوریم. (پس از آن، خار را از

پای پیرزن در می‌آورند و پیرزن راهی گروه خود می‌شود اما از نیمه‌ی راه برمی‌گردد و می‌پرسد).

پیرزن تارچه قاوون بارمی؟ / خربزه‌ی زرد رنگ دارید؟

گروه مقابل یوق یوق / نداریم، نداریم

(پیرزن به سمت گروه خود بر می‌گردد، اما گروه مقابل فریادی می‌زند):

گروه مقابل بار، بار / داریم، داریم

این نقش را چندین بار تکرار می‌کنند تا هیجان بازی بیش‌تر شود. آن‌گاه پیرزن بر سر هر یک از اعضای گروه مقابل تلنگری می‌زند - نظیر همان تلنگری که به هندوانه می‌زنند - و با انتخاب یکی از آن‌ها، چشم‌هایش را می‌بندد و نام مستعار یکی از اعضای گروه خود را بر زبان می‌آورد تا او نیز بر سر او تلنگری بزند. این عضو چشم بسته باید تشخیص بدهد که چه کسی به او تلنگر زده است و اگر قادر به تشخیص نبود، جذب گروه مقابل می‌شود و بازی به همان سبک و سیاق ادامه می‌یابد.

ج - گروه جوانان

اسب سواری، کشتی‌گیری و چاتمه سواری از بازی‌های مورد علاقه‌ی جوانان بود (هنوز هم چنین است).

۱ - چاتمه سواری امروزه در ایران منسوخ شده است (لااقل من در جایی ندیدم) اما در ترکمنستان هنوز هم برقرار است.

۲ - آیدماجه لار / گفتنی‌ها: در این بازی کسی برنده است که از عهده‌ی بیان تند و سریع جملاتی برآید که از لحاظ واج آرایبی تعقید لفظی دارند از آن جمله است:

«قایرا دآن قرق قل قوریق گلیار قرقی سی نینگ ایچینه قرق یل قترقالان قزل قل قوریق، گلیار».

نظیر این بازی را در میان فارسی زبان‌ها نیز بسیار داریم از آن جمله است:

«امشب شب سه‌شنبه است فردا شب هم سه‌شنبه است این سه تا شب آن سه تا شب هر سه تا شب سه‌شنبه است».

باری «آیدماجه لار» شاید برای تقویت حافظه در فراگیری سریع مطالب و تمرین برای تلفظ سریع کلمات - که تعقید لفظی دارند - طراحی شده باشد.

۳ - ماتال لار / چیستان‌ها: چیستان اشعار یا سخنانی معماگونه است که در بین همه‌ی طوایف و اقوام از جمله در بین ترکمن‌ها رواج دارد و در اوقات فراغت برای سرگرمی - که

نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن‌ها

رشد فکری و شکوفایی ذهن را نیز در بردارد - مطرح می‌شود. اینک چند نمونه‌ی آن را که در بین ترکمن‌ها رایج است ذکر می‌کنیم:

* الف - یری آق، تخمی قارا، ال بیلن اکرلر، دیل بیلن اورارلر

ترجمه: زمینش سفید، بذرش سیاه، با دست می‌کارند، با زبان درو می‌کنند

جواب: نامه

* ب - ایکی قولاق باشیندا، اون اوچ قوشاق بیلیندا، خلیق لرداشیندا، شادی، خرم

دیلیندا

ترجمه: دو گوش دارد و سیزده بند بر کمر، خلیق بر گردش جمعند و آوایش شادی بخش.

جواب: دو تار

* ج - آنگریسی قایا، بأریسی قایا، اورتاراسی ثاری مایا

ترجمه: آن سویش پرتگاه، این سویش پرتگاه، در فاصله‌ی دو پرتگاه، شتری زرد

جواب: تخم مرغ

* د - یرآشاقیندا «آی» گ.زر

ترجمه: در زیر زمین ماه گردش می‌کند.

جواب: آزال / گاواهن

* ه - قارانقی اویدا قاپلانگ گورلایار

ترجمه: در خانه‌ی تاریک، ببر می‌غرد.

جواب: هاراز / آسیاب

بخش چهاردهم - برابری ها و نابرابری ها

نابرابری ها در نظام اجتماعی

رسم یاوری

رسم مشتک

نابرابری زن در مقابل مرد

نابرابری نژادی

برابری و نابرابری‌ها در نظام اجتماعی ترکمن‌ها

در بررسی نابرابری‌ها در نظام اجتماعی ترکمن‌ها، اشاره به سه مطلب را ضروری می‌دانیم:

الف - رسم یاوری / همیاری

ب - نابرابری زن و افراد خانواده در مقابل مرد

ج - نابرابری نژادی تحت عنوان «ایگ - قؤل»

رسم یاوری / همیاری

بر طبق این رسم، هر یک از اعضای طایفه، حق دارند که برای کاشت و برداشت محصول، خانه سازی، حفر چاه و... از نیروی مفت و رایگان افراد طایفه - که معمولاً افراد بی‌بضاعت هستند - استفاده کنند. تنها فایده‌ی این رسم برای افراد بی‌بضاعت، فقط غذای رایگان - آن هم نه چندان باکیفیت - در مقابل هر روز کاری است. چرا که افراد بی‌بضاعت به جرم بی‌بضاعت بودن، هرگز نمی‌توانند از این بهره‌کشی انسان از انسان - به نام همیاری - بهره ببرند.

گروهی از محققین با توجه به معنای یاوری، این رسم را یک نوع تعاون و حُسن، به شمار آورده‌اند اما با توجه به توضیحی که داده شد درمی‌یابیم که نه تنها حُسن نیست بلکه یک نوع نابرابری در نظام اجتماعی ترکمن بوده است و امروز منسوخ است.

رسم مشتک

در مقابل رسم یآوری، رسم مشتک قرار دارد که به نظر می‌رسد عادلانه باشد. براساس این رسم، افراد ساکن در یک اوبا/ روستا، هر چند دامی که دارند به یک چوپان می‌سپارند (بسته به تعداد دام و به تفکیک گاو یا گوسفند)، چوپان گوسفند را (قویون چوپن) و چوپان گاو را (تغیر چوپن) می‌گویند. هر چوپان، پسر یا برادر خود را به عنوان کمک با خود می‌برد که «چولوق» گفته می‌شود.

چوپن‌ها و چولوق‌های گوسفند، چوبدستی مخصوصی دارند که انتهای آن به شکل شاخکی است شبیه به عدد ۷ به نام «گرگه نک» که برای گرفتن از پای گوسفند به کار می‌رود. چوپان، مزد خود را به نسبت تعداد دام - به صورت بره یا پشم یا... - دریافت می‌کند اما مزد «چولوق» را خود می‌پردازد.^(۱)

متأسفانه رسم «مشتک» در روزگار ما منسوخ شده است؛ در حالی که دولتمردان می‌توانند با برنامه ریزی صحیح از این سنت خوب - که نوعی اشتغال‌زایی نیز دارد - سود بجويند.

نابرابری زن و افراد خانواده در مقابل مرد

این نابرابری را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

- الف - تا پایان قرن ۱۹ میلادی، سازمان خانواده در بین ترکمن‌ها مبتنی بود بر اصل برتری مطلق پدر بر دیگر افراد خانواده که ناشی بود از انحصار بُعد اقتصادی خانواده به پدر.
- ب - از آغاز قرن ۲۰ بر اثر استقلال مالی دیگر افراد خانواده و محدود شدن خانواده‌ی گسترده (پدر، مادر، خواهرهای مجرد، پسرهای مجرد و متأهل، عروس‌ها، نوه‌ها)

۱- برای دریافت میزان مزد؛ رجوع کنید به (ایرانیان ترکمن، ص ۱۶۷ دکتر کمالی و دکتر عسگری)

به خانواده‌ی محدود (پدر، مادر، فرزندان مجرد)؛ پدر برتری مطلق خود را از دست داد و به برتری نسبی، یعنی برتری نسبت به زن و فرزندان مجرد، بسنده کرد.

پ - از نیمه دوم قرن ۲۰ (۱۹۵۰ میلادی به بعد) استقلال شغلی در بین فرزندان مجرد نیز گسترش یافت و در نتیجه، حاکمیت مرد، منحصر شد به برتری مطلق او به همسر.

ت - از ۱۹۶۰ به بعد (۱۳۴۲ شمسی) به علت وضع قوانین جدید به نفع زن و اعطای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای نمایندگی مجلس و استقلال شغلی زن و اثبات توانایی زن در افزایش درآمد خانواده، باز هم حاکمیت مطلق مرد تعدیل شد؛ در نتیجه، امروزه به جرأت می‌توان گفت که دیگر برتری مطلق مرد بر زن و حتی فرزندان. وجود خارجی ندارد و محدود است به همان احترام کوچک‌ترها به بزرگ‌ترها که به عنوان یک پایه‌ی اخلاقی در تمام جوامع پذیرفته شده است. البته وجود استثنا را در همه‌ی جوامع، حتی جوامع پیش‌رفته، نمی‌توان انکار کرد؛ چنان که در بعضی از خانواده‌های ترکمن، مخصوصاً خانواده‌های روستایی، دیده می‌شود و حاکمیت مرد، هنوز هم - کم و بیش - وجود دارد؛ اما به طور غیر قانونی و غیر اخلاقی که در جوامع قانونی پذیرفته نیست.

ث - با وجود پیش رفت‌های زیاد در احیای حقوق زن، و از بین رفتن نابرابری‌های بسیار در مقابل مرد، هنوز هم مواردی وجود دارد که می‌توان از آن با عنوان «توهین به حقوق انسانی زن» تفسیر کرد و آن، نابرابری در امر طلاق و حضانت فرزندان است. در سال‌های اخیر، حکومت جمهوری اسلامی ایران، در این زمینه نیز قدم‌های مثبتی برداشته است چنان که در پاره‌ای موارد، زن می‌تواند به دادگاه‌های صالح مراجعه کند و با اثبات نظر خود مبنی بر ناتوانی مرد در امور مربوط به اداره‌ی زندگی، حق طلاق و حق حضانت را از آن خود کند.

ج - تا سال ۱۳۵۷ شمسی (سال استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به جای حکومت ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی) مرد ترکمن حق داشت که زن خود را به اتهام خیانت بکشد - اما این مورد بسیار کم دیده شده است - بدون این که در مرجعی قضایی بازخواست شود؛ امروزه قوانین حاکم بر جامعه، او را مجبور می‌کند که در زمینه‌ی ادعای خود، اسناد و مدارک متقن ارائه بدهد؛ در غیر این صورت، طبق قانون - در صورت مشاهده‌ی جرم - مجازات خواهد شد.

نابرابری نژادی

الف - ایگ‌ها: این گروه خود را از نژاد برتر و از ترکمن‌های خالص می‌دانند و دارای خصوصیات زردپوستی هستند. این قوم حاضر نیستند که با نژاد پست‌تر از خود که «قؤل» نامیده می‌شود وصلت کنند؛ یا حداقل «زن» بدهند.

ب - قؤل‌ها: این قوم از نظر «ایگ‌ها» دو رگه هستند یعنی از طرف پدر (ترکمن خالص) و از طرف مادر (غیر ترکمن) به شمار می‌روند. مادران آن‌ها اسیران یا کنیزانی هستند که در بازارهای خیوه و بخارا خرید و فروش می‌شدند.

امروزه بر اثر نفوذ فرهنگی فارس‌ها (در ایران) و نیز تحصیل هر دو گروه در سطوح بالای دانشگاهی و وجود افراد روشنفکر در هر دو طبقه، اصالت نژادی و نژاد پرستی - تا حدی بسیار زیاد - جای خود را به اصالت انسان و انسان دوستی داده است. اینک هر دو طبقه اصالت انسان را در تحصیل علم و دانش و فضیلت‌های اخلاقی و برتری در تقوا می‌دانند و دیگر حاضر نیستند که اتحاد و یک پارچگی خود را تحت تأثیر باورهای غلط گذشته، خدشه‌دار کنند.

بخش پانزدهم - ویژگی‌های اخلاقی، قومی و فرهنگی

- ۱ - طلاق را قبیح می‌دانند
- ۲ - احترام به بزرگ‌ترها را واجب می‌دانند
- ۳ - قان دوشار

ویژگی‌های اخلاقی، قومی و فرهنگی در بین ترکمن‌ها

۱ - طلاق را قبیح می‌دانند:

ترکمن‌ها طلاق را آخرین راه چاره می‌دانند و به ندرت به آن، تن در می‌دهند. این ویژگی در ازدواج‌های فامیلی و قومی ریشه دارد که در جوامع ابتدائی ترکمن و در خانواده‌های گسترده رایج بود و اینک با خون آن‌ها عجین شده است؛ در این میان، مفاهیم اخلاقی، توصیه‌های پدر و مادر، اقوام و دستورات دین مبین اسلام را - که ترکمن‌ها سخت به آن پای‌بند هستند - نباید فراموش کرد که در تحکیم خانواده بسیار مؤثر است.

۲ - احترام کوچک‌ترها به بزرگ‌ترها:

ترکمن‌ها، احترام کوچک‌تر را به بزرگ‌تر - حتی اگر رابطه‌ی خویشاوندی در بین نباشد - امری مقدس می‌شمارند و در تمام شئون زندگی خود رعایت می‌کنند. مثلاً در هنگام شور و مشورت، اول از همه، ریش سفیدها نظر می‌دهند. در هنگام غذا خوردن یا خروج از مکانی یا خواندن دعای سفره و در هر زمینه‌ی دیگر، اولویت با بزرگ‌ترهاست. جوان ترکمن در مقابل بزرگ‌تر از خود چهار زانو می‌نشیند و هرگز پاهای خود را دراز نمی‌کند. در مقابل بزرگ‌تر از خود سیگار نمی‌کشد، آواز نمی‌خواند، رقص نمی‌کند، و نام زن خود را در حضور بزرگ‌ترها بر زبان نمی‌آورد.

از ویژگی‌های دیگر ترکمن این که هرگز پا بر روی سفره‌ی غذا نمی‌گذارد و بدون

تلاوت آیاتی از قرآن کریم - که نشانه‌ی شکر نعمت است - از سر سفره برنمی‌خیزد. در بررسی روابط پدر و فرزندان باید گفت که پدر ترکمن در مقابل دختر خود حساس‌تر عمل می‌کند و کنترل او بر روی دختر نسبت به پسر، بسیار حساس‌تر و شدیدتر است به طوری که دختر در حضور پدر کمتر ظاهر می‌شود و کمتر صحبت می‌کند و اگر به چیزی احتیاج داشته باشد، مادر را رابط قرار می‌دهد.

امروزه رابطه‌ی پدر و دختر نیز مثل بسیاری از موارد تعدیل شده است؛ این همه نیست جز تأثیر مستقیم فرهنگ رسمی و حاکم بر جامعه (فرهنگ معیار) که قوی‌تر از خرده فرهنگ‌ها عمل می‌کند.

در مورد ازدواج، اولویت با برادر یا خواهر بزرگ‌تر است و این حق تقدم هنوز هم در جامعه‌ی ترکمن - همچون گذشته - با قاطعیت رعایت می‌شود.

۳ - قان دوشار / انتقام خون مقتول:

اصطلاح «قان دوشار» یا انتقام خون مقتول مربوط به زمانی است که قتلی اتفاق افتاده باشد. بر طبق این قانون - که لازم‌الاجرا بود - صاحبان خون، حق داشتند که در درجه‌ی اول از خود قاتل - که قاتلی / خونی نامیده می‌شد - و در درجات بعد - در صورت عدم دسترسی به قاتل - از خانواده‌ی او تا هفت پشت پدری / قان دوشار، انتقام بگیرند. اما زن‌ها از این انتقام مصون بودند.

در نتیجه‌ی قانون «قان دوشار» کسانی که در معرض انتقام بودند با خانواده‌ی خود به جاهای دیگر کوچ می‌کردند و به «اوبه»ها و اقوام دیگر پناهنده می‌شوند تا از انتقام مصون بمانند. این افراد پناهنده را «قونگشی» می‌گفتند که میتوان «همسایه یاغیرخودی ترجمه کرد. قونگشی‌ها از مزایای قبیله و طایفه‌ی پناه دهنده برخوردار بودند ولی درگیری‌ها و کشمکش‌های درون قبیله‌ای پناه دهندگان، شامل آن‌ها نمی‌شد.

اگر چه قتل در بین ترکمن‌ها کمتر اتفاق می‌افتاد ولی به هر حال، امری محتمل بود و قانون «قان دوشار» دل مشغولی مهمی بود که بخشی از امور سیاسی طایفه را تشکیل می‌داد. در نهایت، قتلی که براساس انتقام صورت می‌گرفت به دشمنی‌ها خاتمه میداد.

تذکر: اگر قتلی در نتیجه‌ی اختلاف بین دو طایفه صورت می‌گرفت و بر سر دعوای شخصی نبود، موضوع «قان دوشار» دامن طایفه را نیز در برمی‌گرفت. در این صورت، خانواده یا طایفه‌ی مقتول حق داشتند که از ایل و طایفه‌ی قاتل، انتقام بگیرند.

گاهی با وساطت ریش سفیدها یا گروه‌های مقدس یعنی (آتا، مختوم، شیخ، خوجه) که اولاد شمرده می‌شدند، موضوع قتل با پرداخت خون بها، خاتمه می‌یافت. میزان خون بها، بسته به حال و روز اجتماعی مقتول، متغیر بود. در سال‌های دهه‌ی چهارم قرن ۲۰ میلادی خون بهای یک تن ثروتمند برابر بود با ۵ تا ۱۰ رأس دام و خون بهای یک تن تهیدست برابر بود با پنجاه تومان پول نقد. بنابر معمول، افراد تهیدست با خون بها موافقت می‌کردند.

از حدود ۱۳۲۰ شمسی به بعد که ترکمن‌ها تحت حاکمیت کامل دولت مرکزی درآمدند استفاده از قانون «قان دوشار» جای خود را به طرح دعوا در محاکم دادگستری و تمکین به رأی قاضی داد و در نتیجه، سازمان سیاسی - سنتی ترکمن، تحت سیطره‌ی قوانین مدنی و جزائی کشور در آمد.

بخش شانزدهم - موسیقی در بین ترکمن‌ها

۱ - موسیقی ترکمن

۲ - بخشی

۳ - مقام‌های معروف (مقام کوراوغلی...)

۴ - آلات موسیقی

۵ - نظری محجوبی

موسیقی ترکمن

هنر موسیقی نیز مثل هنر قالی بافی در بین ترکمن‌ها، ریشه در آداب و سنن و عقاید و آمال و آرزوهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی این قوم دارد.

درباره‌ی ریشه‌ی تاریخی این هنر عقاید مختلفی بیان شده است از جمله این که: «در اواخر قرن ۷ میلادی - اواخر دوره‌ی ساسانی - عده‌ای از نوازندگان سمرقند و بخارا و کاشغر و تورفان، در دربار چین استخدام شدند. در بین این افراد، نوازنده‌ی ترکمن بود به نام «کوشا/قوشا» که ربط می‌زد»^(۱)

بر این اساس ملاحظه می‌شود که موسیقی در بین ترکمن‌ها قدمتی دیرینه دارد.

بخشی

ترکمن‌ها به کسانی که همراه با ساز خود آواز می‌خوانند و بیان‌کننده‌ی شادی‌ها، دردها، آمال و آرزوهای قوم خود هستند «بخشی» می‌گویند.

محققین درباره‌ی ریشه‌ی تاریخی «بخشی» نظراتی داده‌اند از جمله این که: «بخشی در ایام اویغورها به کسی اطلاق می‌شد که بتواند خط اویغوری را بخواند و در زبان چینی از واژه‌ی «پاکشی» گرفته شده است به معنی کسی که حالات شمن به خود بگیرد»^(۲)

۱- ایران به روایت چین، عباس تشکری، ص ۷۰

۲- موسیقی ترکمن، اوسپنسکی، متن روسی.

«بخشی‌ها» آن زمان که خط و کتابت نبود، نخستین کسانی بودند که رسالت انتقال حرکت‌های تاریخی، فرهنگی و داستان‌های مربوط به قوم خود را به عهده داشتند. نخستین این طایفه را «بابا قورقود» پیشگوی افسانه‌ای دوره‌ی اوغوز می‌دانند که با «قوپوز / دوتار» خود، داستان‌ها و روایات دوره‌ی اوغوز را به آیندگان منتقل کرده است.^(۱) در آن زمان کسانی را که هم می‌خواندند و هم می‌نواختند با نام «اوزان» هم می‌شناختند. بخشی‌ها دو گروه بودند:

۱ - خلق بخشی سی / بخشی‌های مردمی یعنی کسانی که هنر خود را در خدمت مردم قرار داده‌اند.

۲ - خان بخشی سی: یعنی بخشی‌هایی که در خدمت خان‌ها بوده‌اند.
بر این اساس سازهای ترکمن نیز که «مقام» خوانده می‌شود، دو گونه است:
الف - خلق مقامی ب - خان مقامی
...و حدود ۵۰۰ مقام در موسیقی ترکمن شناخته شده است، از آن جمله است:

مقام‌های معروف

۱ - مقام کوراوغلی: مقام کوراوغلی براساس حماسه‌ی «کوراوغلی» ساخته شده است که در بین قبایل ترک و ترکمن، از شهرت خاصی برخوردار است.
براساس این داستان، پدر کوراوغلی به دستور «خان» کور می‌شود و او با پسر خود، کوراوغلی، که در همه‌ی امور، صادق و صمیمی است در قلعه‌ی «چنلی ییل» مسکن می‌گزیند در حالی که چهل فدایی به همراه دارد. آن گاه «کوراوغلی» سوار بر «قبرآت» اسب مخصوص خود، قیام بر ضد خان و ایادی او را رهبری می‌کند.

۲ - مقام بال صایاد: مقام «بال صایاد» یکی از شاخص‌ترین سروده‌ها در موسیقی

۱- در مورد اوغوز: ن.ک به مقدمه‌ای بر پیشینه‌ی تاریخی ترکمن‌ها، اعظمی زاد

ترکمن است و اشاره دارد به داستان عاشق شدن (همرا) به (صایاد). براساس این داستان، (همرا) پسر امیر در شب ازدواج با (سروناز) دختر وزیر، شرح زیبایی (صایاد) را می‌شنود و نادیده عاشق می‌شود. آن‌گاه به همراه پدر به جست و جو می‌پردازد. پدر با دیدن «صایاد» عاشق‌تر از پسر می‌شود اما به خاطر پسر از عشق خود در می‌گذرد و «صایاد» را به عقد «همرا» در می‌آورد. پس از آن «صایاد» و «سروناز» در کنار «همرا» زندگی سعادتمندانه‌ای را آغاز می‌کنند.

در این داستان چند نکته جلب توجه می‌کنند.

- ۱ - وجود تعدد زوجات در بین ترکمن‌ها امری عادی بوده است.
- ۲ - ایثار و از خود گذشتگی، چنان‌که پدر به خاطر پسر از عشق خود در می‌گذرد.
- ۳ - در این داستان، نام پدر «صایاد» شاه عباس ذکر شده است؛ بدین جهت احتمال می‌رود که داستان، در عصر صفوی‌ها سروده شده باشد. داستان «صایاد و همرا» به صورت کتاب درآمده است.

۳ - مقام گوگ دفه / گوگ تپه: این مقام بیانگر حادثه‌ی گوگ تپه و جنایات جنگی روس‌ها در سال ۱۸۸۱ میلادی و قتل عام ترکمن‌ها در این قلعه است.^(۱)

۴ - مقام دأرایبی دؤن‌لی: این مقام اشاره دارد به داستان ازدواج «سلطان نایچی / سلطان نی‌نواز» که نی‌نوازی او شور و حالی داشت. حادثه چنین اتفاق افتاد که: «آتی بای برای آخرین پسرش عروسی مفصلی به راه انداخت و در آن، از «سلطان نایچی» دعوت کرد تا «نی» بنوازد. شب هنگام که سلطان نایچی شروع به نواختن «نی» کرد، پیرمردها / یاشولی‌ها در داخل اُی / آلاچیق، جوان‌ها در خارج «اُی» و کودکان و نوجوانان در بالای «اُی» جای گرفتند تا شاهد هنرنمایی هنرمند «نی‌نواز» باشند. آن‌گاه که «نی‌نواز» به اوج هنر خود رسید و همگی گوش جان به نوای «نی» سپرده

۱- درباره‌ی جنگ گوگ تپه، ر. ک به «غریب آشنا»، اعظمی راد

بودند دختری قوی جثه و یتیم که در سقف «ای» جای گرفته بود از «تؤینیق» به دامان نی نواز درغلتید.

همگی دچار بهت و حیرتی وصف‌ناپذیر شدند و «نی نواز» نوای «نی» را قطع کرد. در بحبوحه‌ی این بهت و حیرت بود که یکی از بزرگان داخل «ای» این حادثه را به فال نیک گرفت و گفت: «این دختر هدیه‌ی الهی است به نی نواز فقیر» پس آن دو را به عقد هم درآوردند و خانه را خالی از اغیار کردند.

فردای آن شب، نی نواز هنرمند به شکرانه‌ی این نعمتی که نصیبش شده بود آهنگ شورانگیزی خلق کرد که به نام «دأرای دؤن‌لی» شهرت یافت؛ زیرا که عروس خانم را جامه‌ای از جنس دأرای / ابریشمین پوشانیده بودند.

۵ - مقام یاغمابولوت / نبارای ابر! این مقام، داستان «سایل بخشی» است که عاشق دختری به نام «اوغل امان» بود؛ اما معشوق به او اعتنایی نداشت. سایل بخشی این مقام را زمانی ساخت که نم نم باران، جامه‌های دلدارش را خیس کرده بود و او چنین سرود و خواند:

بیربؤله جیک گلدی یاغماغا

یاغمابولوت نازلی یارینگ اوستینه

یاریم اویدن چیقدی قویون تاغماغا

بالام بولثانگ، دامما اونینگ اوئتینه

ترجمه:

پاره‌ابری بهر باریدن، در فضا چرخید تا ببارد. گفتمش: ای ابر! درنگی کن، چون که نگارم شیر می‌دوشد، اگر چه بارش ات عسل باشد.

۶ - مقام ثالثیق لار^(۱): سازنده‌ی این مقام، هنرمندی بود به نام «قربان عالی» فرزند «مرد عالی / Meredali» از مردم دورون» واقع در ترکمنستان امروزی؛ از تیره‌ی ثالثیق،

۱ - اطلاعات مربوط به مقام ثالثیق لار از فصل نامه‌ی «یاپراق» شماره‌ی ۱۰ تابستان ۱۳۷۹ اخذ شد.

طایفه‌ی یمره‌لی.

«قربان عالی» در ۳۵ سالگی با دختری به نام «آرتیق نیاز» ازدواج کرد. طولی نکشید که در جنگ با راه زن‌ها اسیر شد و در اسارت، چشم‌های خود را از دست داد. پس از آزادی، از یافتن راه خود عاجز ماند تا این که مردی هدایت او را تا زادگاهش به عهده گرفت. آن دو در کناری مشغول استراحت بودند که مردی بر آن‌ها گذشت و قربان عالی در خطاب به او با آوازی حزین و با مطلع زیر چنین خواند:

دور قارداشیم شندن خبرالایین آرتیق نیاز یاریم امان می

ترجمه:

ای برادر! لحظه‌ای درنگ کن و بگوی که آیا از یارمن «آرتیق نیاز» خبری داری؟

این شعر و آهنگ آن به ترتیب زیر شهرت یافت.

۱ - قربان ثالثیق نینگ آیدیمی / ترانه‌ی قربان ثالثیق

۲ - ثالثیق نینگ آیدمی / ترانه‌ای درباره‌ی ثالثیق

۳ - ثالثیق آیدمی / ترانه‌ی ثالثیق

این آهنگ را بعدها بخشی‌های نامبرده در ذیل گسترش دادند:

۱ - امان گلدی گوئی ۲ - قؤل گلدی اوستا ۳ - شکر باغشی ۴ - کل باغشی

۵ - تاج مامت سوخان قلی ۶ - میلی تاج مراد ۷ - پؤرلی ثاری ۸ - چاری تاج مامت.

«مقام ثالثیق آیدمی» امروزه شامل ۷ قسمت است و با نام «ثالثیق لار» شهرت دارد و با

شیوه‌های گوناگون، نواخته می‌شود.

«سخی جبار» هنرمند ترکمنستانی با یکی از قسمت‌های ۷ گانه‌ی این مجموعه آوازی

ساخته است به نام «اُپ ثم اؤلدیرار لار، اُپ مه ثم اؤلیم / گر بیوسم یا نبوسم، در هر حال کشته خواهیم شد.

«قربان عالی» آثاری چند در زمینه‌ی ادبیات داستانی از خود به یادگار گذاشته است. از

آن جمله است:

۱ - دولت یار ۲ - سیف الملک و مدح الجمال ۳ - یوسف و احمد.

قربان عالی در سال ۱۸۱۰ میلادی در مانقشلاق وفات یافت.

۷ - مقام زهره و طاهر: این مقام داستان عاشقانه‌ی «زهره» دختر پادشاه تاتارها و «طاهر» پسر وزیر است که در مکتب خانه، همدرس بودند. شاه به وزیر قول داده بود که «طاهر» را به دامادی بپذیرد اما خلف وعده کرد و به جای دادن دختر، طاهر را در داخل صندوقی به دریا انداخت. «ماه‌م» دختر پادشاه بغداد او را از دجله گرفت و خاطر خواه شد. «طاهر» پس از ۷ سال زندگی با «ماه‌م» به دیار خود برگشت و به فرمان پدر زهره کشته شد. زهره نیز به دنبال مرگ معشوق، خودکشی کرد.

«ماه‌م» به خونخواهی برخاست و شاه تاتار را شکست داد. در این هنگام «زهره و طاهر» به فرمان خداوند زنده شدند و طاهر با دو محبوب خود (زهره و ماه‌م) زندگی جدیدی را شروع کرد.

با توجه به این داستان، اشاره به چند نکته ضروری است:

۱ - وجود تعدد زوجات در بین ترکمن‌ها چنان که در داستان صایاد و همرا نیز دیده شد.

۲ - بدقولی شاهان در مقابل رعیت.

۳ - تشابه داستان لیلی و مجنون اثر نظامی گنجوی با این داستان (ادبیات تطبیقی).

۴ - تشابه به آب سپرده شدن (طاهر) با داستان حضرت موسی (ادبیات تطبیقی).

۵ - تشابه نجات طاهر به دست «ماه‌م» دختر شاه بغداد با داستان نجات حضرت موسی به دست آسیه، زن فرعون، (ادبیات تطبیقی).

۶ - اعتقاد به نیروهای مافوق بشری و زنده شدن دوباره. چنان که در این داستان زهره و طاهر، دوباره زنده شدند و زندگی جدیدی را آغاز کردند.

داستان زهره و طاهر به صورت کتاب درآمده است.

از مقام‌های مشهور دیگر در موسیقی ترکمن عبارتند از:

- ۱ - مقام قونقریاش ۲ - مقام اوچرادیم ۳ - مقام آت چاپان ۴ - مقام حورلقا و همرا ۵ - مقام یوسف و احمد ۶ - مقام شاه صنم و غریب ۷ - مقام گل و بلبل.

آلات موسیقی ترکمن‌ها

الف - تامدره: که در زبان فارسی «دوتار» و «تنبوره» خوانده می‌شود آلتی است سنتی

در موسیقی ترکمن؛ مشتمل بر ۱۳ پرده. مشهورترین این پرده‌ها عبارتند از:

- ۱ - بأش پرده ۲ - نوایی پرده ۳ - قیامت پرده ۴ - گوکلان پرده ۵ - شیروان پرده،

۶ - ...

ب - قجاق / کمانچه

ج - توتیک: که بر دو نوع است:

- ۱ - از جنس سنگ به نام «دأش توتیک»

- ۲ - از جنس نی باریک و حداکثر دارای ۲ بند

د - یدی بوغین: که همان «نی» ۷ بند است.

و - قاووز / زنبورک: که مخصوص دختر بچه‌هاست.

نوازندگان ترکمن از لحاظ نوازندگی به گروه‌های زیر تقسیم می‌شوند:

* گروه اول: حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال پیش می‌زیستند. معروف‌ترین آن‌ها عبارتند

از: (چؤلایق باغشی، قربان باغشی، قارلی بخشی)

* گروه دوم: حدود ۹۰ تا ۱۰۰ سال پیش می‌زیستند. معروف‌ترین آن‌ها عبارتند از:

(قره شاهیر باغشی، صوفی بخشی، مامت آنه بخشی)

* گروه سوم: حدود ۱۰۰ سال پیش می‌زیستند و معروف‌ترین آن‌ها عبارتند از:

(پتک بخشی، نوری بخشی، جما مراد بخشی)

* گروه چهارم: حدود ۹۰ سال پیش می‌زیستند، معروف‌ترین آن‌ها عبارتند از: (خان نیاز بخشی، خان جان بخشی / قجاق‌چی، بابا ایشان بخشی / قجاق‌چی)

نام آوران موسیقی در بین ترکمن‌ها

۱ - شکر بخشی ۲ - قره دآلی بخشی / گوکلان ۳ - یابو بخشی ۴ - مختوم قلی قارلی... و در دوران معاصر که اخیراً به رحمت ایزدی پیوسته است، استاد نظرلی محجوبی.

استاد نظرلی محجوبی^(۱)

استاد در سال ۱۳۰۸ ش در روستای قره قیر، نزدیکی آق قالا، زاده شد. وی از طایفه‌ی شیر محمدلی است.

این استاد فقید هنر بخشی‌گری را در نزد استادان نامبرده در ذیل، کامل کرد:

۱ - چالمان بخشی، معروف به قوتورجه

۲ - خیه‌لی بخشی

۳ - قلیچ جان بخشی

۴ - سبجان بخشی

در میان شاگردان موفق او، افراد زیر را می‌توان نام برد:

۱ - منصور صبوحی

۲ - دردی طریک

۳ - حالت سعادت

۴ - عاشور محمدگرکزی

۵ - عبدالمنان آهنگری.

۱- اطلاعات مربوط به نظرلی محجوبی از مصاحبه‌ی وی در فصل نامدی یابراق، شماره‌ی ۲ و ۳،

منابع و مأخذ

۱. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۲. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۳. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۴. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۵. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۶. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۷. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۸. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۹. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۰. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۱. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۲. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۳. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۴. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۵. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۶. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۷. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۸. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۹. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.
۲۰. فرهنگ لغت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۵.

منابع و مأخذ

- ۱ - طرح‌ها و نقش‌های قالی در آسیای مرکزی و.گا. مشکووا
- ۲ - فرش ترکمن، ترجمه‌ی نازدیا علم، ۱۳۵۷ آ.آ. بوگولیوبف
- ۳ - قالی‌های ایران، ترجمه‌ی اصغر کریمی آرمین هانگلدین
- ۴ - نقش قالی‌های ترکمن و اقوام همسایه علی حصوری
- ۵ - نیازجان و فرش ترکمن ذبیح الله بداغی
- ۶ - فرهنگ جامع فرش، ۱۳۷۶ احمد دانشگر
- ۷ - ادب و عرفان در قالی ایران سیدرضا خشکناهی
- ۸ - قالی‌ها و قالیچه‌های ایران تدوین: جواد یساولی
- ۹ - ترکمن‌های ایران، ترجمه‌ی سیروس ایزدی، تحویلی بی‌بی رابعه لوگاشوا
- ۱۰ - ایرانیان ترکمن دکتر عسگری و دکتر کمالی
- ۱۱ - سیری در تاریخ سیاسی، اجتماعی ترکمن‌ها امین الله گلی
- ۱۲ - نقش و نگارهای قالی ترکمن هوشنگ پورکریم
- ۱۳ - سفرنامه‌ها ابن فضلان - رامبری
- ۱۴ - سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی، ۱۳۶۶ دکتر جواد هیث
- ۱۵ - علویان در گذرگاه تاریخ عبدالحمید جعفریان
- ۱۶ - شاخه‌ی ریحان حسینی رامیانی
- ۱۷ - نورالعین دکتر قوام الدین شاهرودی